

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

داوری و هم‌تراز خوانی:

مبانی، شیوه‌ها و رهنمودهای اخلاقی

نگارش

رضا رجبله بگلو

عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک)

با همکاری

زهرا رجبله بگلو

همکار پژوهشی در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک)



وزارت علوم، تحقیقات، و فناوری

پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران
(ایرانداک)

تهران ۱۴۰۰

سرشناسه	: رجبعلی بگلو، رضا، ۱۳۶۰-
عنوان و نام پدیدآور	: داوری و هم‌ترازخوانی: مبانی، شیوه‌ها و رهنمودهای اخلاقی / نگارش رضا رجبعلی بگلو؛ با همکاری زهرا رجبعلی بگلو.
مشخصات نشر	: تهران: پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک)، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری	: ۲۰۰ ص.
شابک	: 978-622-98708-3-9: ۵۰۰,۰۰۰ ریال
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیپا
یادداشت	: کتابنامه.
موضوع	: ارزشیابی تخصصی -- ایران
موضوع	: Peer review -- Iran
موضوع	: ارزشیابی تخصصی
موضوع	: Peer review
موضوع	: نگارش علمی و فنی - علوم و تکنولوژی
موضوع	: Technical writing - Science and technology
شناسه افزوده	: زهرا رجبعلی بگلو، ۱۳۵۷-
شناسه افزوده	: پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران
رده‌بندی کنگره	: LB۲۳۶۹
رده‌بندی دیویی	: ۸۰۸/۰۶۶۰۹۵۵
شماره کتابشناسی ملی	: ۸۵۳۸۶۲۳
اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیپا	

داوری و هم‌ترازخوانی: مبانی، شیوه‌ها و رهنمودهای اخلاقی

نگارش: رضا رجبعلی بگلو

عضو هیئت‌علمی پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک)

همکار: زهرا رجبعلی بگلو

همکار پژوهشی در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک)

صفحه‌آرا: علیرضا کیودان

طراح جلد: رضا عبدالحسینی

ناشر: © ۱۴۰۰: پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک)

نوبت چاپ: اول

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

نشانی ناشر: تهران، خیابان انقلاب اسلامی، خیابان فلسطین جنوبی، خیابان خواجه‌نصیر. شماره ۱۱

وبگاه: www.irandoc.ac.ir

تلفن: ۶۶۴۹۴۹۸۰ (داخلی ۴۳۵)

قیمت: ۵۰۰,۰۰۰ ریال

به

دخترم نهال، همسر، خواهرانم و مادرم که «بھانه‌های زیستن من هستند»

و

دکتر رحمت‌الله فتاحی که «نخست، هم‌تراز خوانی و داوری را از او آموختم»
رضا رجبعلی بگلو

به

برادر و معلم عزیزم (حمید) که «بی‌نهایت دوستش دارم» و پدر و مادر عزیزتر از جانم
زهره رجبعلی بگلو

فهرست نوشتار

پیشگفتار.....	۱۵
فصل نخست: پیشینه، دگرگونی و گوناگونی هم‌ترازخوانی.....	۱۹
مقدمه.....	۱۹
تعریف داوری و هم‌ترازخوانی.....	۲۳
هم‌ترازخوانی و اخلاق نشر علمی.....	۲۵
تاریخچه داوری و هم‌ترازخوانی.....	۲۹
تکامل و دگرگونی در هم‌ترازخوانی.....	۳۳
نظام هم‌ترازخوانی و فرایند آن.....	۳۷
گونه‌های هم‌ترازخوانی.....	۴۵
۱. هم‌ترازخوانی آشکار (آزادانه یا باز).....	۴۷
۲. هم‌ترازخوانی پنهان (ناآشنا یا گمنام).....	۵۲
۳. انتقال‌پذیر.....	۵۳
۴. مشارکتی.....	۵۳
۵. سوم شخص (شخص ثالث).....	۵۴
۶. پس از انتشار.....	۵۵
۷. پلکانی یا آبشاری.....	۵۵
سامانه‌ها و پلتفرم‌های داوری.....	۵۶
پابلونز.....	۵۶
هویت در هم‌ترازخوانی.....	۵۸
جمع‌بندی فصل.....	۶۷
فصل دوم: اهمیت و ضرورت هم‌ترازخوانی و انتقادات به آن.....	۶۹
مقدمه.....	۶۹
اهمیت، ضرورت و مزیت‌های هم‌ترازخوانی.....	۷۰

انتقادات به هم‌ترازخوانی و دغدغه‌ها و دشواری‌های آن	۷۴
ناتوانی از پشتیبانی از کیفیت و اصالت پژوهش	۷۵
کاستی در کارکرد و ناهماهنگی و تناقض در اجرا	۷۷
نقض غرض در هم‌ترازخوانی	۸۰
نبود بی‌طرفی و انصاف در هم‌ترازخوانی	۸۳
جمع‌بندی فصل	۹۴
فصل سوم: اخلاق هم‌ترازخوانی	۹۷
مقدمه	۹۷
زیست‌بوم اخلاق داوری	۱۰۲
وظیفه و مسئولیت اخلاقی هم‌ترازخوان	۱۰۹
مؤلفه‌های اخلاق هم‌ترازخوانی	۱۱۲
توجه به بدرفتاری پژوهشی	۱۱۳
برخورد منافع	۱۱۶
بیان احترام‌آمیز و منصفانه	۱۲۱
پایبندی به زمان	۱۲۲
پیشنهادهای عینی و سازنده	۱۲۳
رعایت محرمانگی	۱۲۴
سوگیری	۱۲۵
مسئولیت‌پذیری و پاسخ‌گویی	۱۲۷
مکعب اخلاق هم‌ترازخوانی	۱۳۰
جمع‌بندی فصل	۱۴۱
فصل چهارم: رهنمودها و بیانیه‌های اخلاقی هم‌ترازخوانی	۱۴۳
مقدمه	۱۴۳
رهنمودها و بیانیه‌های اخلاق هم‌ترازخوانی	۱۴۴
رهنمودهای اخلاقی کوپ برای هم‌ترازخوانان	۱۴۶

شورای کوپ	۱۴۶
مدل‌های هم‌ترازخوانی	۱۴۷
داور بودن	۱۴۷
انجام هم‌ترازخوانی	۱۴۹
آماده‌سازی گزارش	۱۵۱
آنچه پس از هم‌ترازی باید در نظر گرفت	۱۵۳
آموزش هم‌ترازخوانی و راهنمایی	۱۵۳
مشارکت پدیدآوران	۱۵۴
توجه مجله‌های علمی در ایران به اخلاق هم‌ترازخوانی؛ گزارشی کوتاه	۱۵۵
بیانیه اخلاق هم‌ترازخوانی پژوهش‌نامه پردازش و مدیریت اطلاعات (ویرایش نخست)	۱۶۲
بیانیه کوتاه پژوهش‌نامه پردازش و مدیریت اطلاعات؛ (ویرایش نخست)	۱۶۲
بیان احترام‌آمیز و منصفانه	۱۶۳
برخورد منافع	۱۶۳
پایبندی به زمان	۱۶۳
توجه به بدرفتاری پژوهشی	۱۶۳
مسئولیت‌پذیری و پاسخ‌گویی داور	۱۶۴
ارائه پیشنهاد‌های عینی و سازنده	۱۶۴
رعایت محرمانگی	۱۶۴
نبود سوگیری	۱۶۵
نسخه مشروح پژوهش‌نامه پردازش و مدیریت اطلاعات؛ (ویرایش نخست)	۱۶۵
بیان احترام‌آمیز و منصفانه	۱۶۵
برخورد منافع	۱۶۶
پایبندی به زمان	۱۶۶
توجه به بدرفتاری پژوهشی	۱۶۷
مسئولیت‌پذیری و پاسخ‌گویی داور	۱۶۷
ارائه پیشنهاد‌های عینی و سازنده	۱۶۸

۱۶۸.....	رعایت محرمانگی
۱۶۹.....	نبود سوگیری
۱۶۹.....	بیانیه اخلاق هم‌ترازخوانی مجله پژوهش‌های اقتصادی ایران
۱۶۹.....	اصول کلی که داوران هم‌تا ملزم به رعایت آن‌ها هستند
۱۷۰.....	انتظارات حین فرایند داوری هم‌تا
۱۷۱.....	انتظارات در زمان داوری
۱۷۲.....	انتظارات هنگام آماده کردن گزارش داوری
۱۷۲.....	انتظارات پس از آماده کردن گزارش
۱۷۳.....	جمع‌بندی فصل
۱۷۵.....	منابع
۱۷۹.....	پیوست‌ها

فهرست جدول‌ها

- جدول ۱. مدل‌های هم‌ترازخوانی بر پایه رهنمودهای کوپ ۴۲
- جدول ۲. مزیت‌ها و عیب‌های رویکردهای مختلف هم‌ترازخوانی ۸۹
- جدول ۳. موافقان و مخالفان رویکردهای مختلف گمنامی در هم‌ترازخوانی ۹۱
- جدول ۴. ویژگی‌های اصلی مدل‌های هم‌ترازخوانی و مخالفان و موافقان آن‌ها ۹۳
- جدول ۵. مؤلفه‌های اصلی و فرعی و مصداق‌های اخلاق هم‌ترازخوانی ۱۲۸

فهرست نمودارها

- نمودار ۱. روند زمانی تکامل هم‌ترازخوانی؛ خاستگاه آغازین ۳۵
- نمودار ۲. روند زمانی تکامل هم‌ترازخوانی (سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۰) ۳۶
- نمودار ۳. روند زمانی تکامل هم‌ترازخوانی (سال‌های ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۷) ۳۶
- نمودار ۴. مسیر اثر در فرایند هم‌ترازخوانی دیرانه ۳۹
- نمودار ۵. هم‌ترازخوانی پنهان و آشکار از نظر هویت و انتشار گزارش ۴۶
- نمودار ۶. زیست‌بوم علمی مجله‌های علمی و اجزای آن (با تأکید بر پژوهش‌نامه پردازش و مدیریت اطلاعات) برگرفته از رجبعلی بگلو و همکاران (۱۳۹۸) ۱۰۴
- نمودار ۷. برخورد منافع داور با پدیدآور(ان) و فرایند آشکارسازی آن ۱۲۰
- نمودار ۸. موقعیت فرضی نخست: پیوند میان مؤلفه‌های اصلی «مسئولیت‌پذیری و پاسخ‌گویی» و «رعایت محرمانگی» و «پایبندی به زمان» ۱۳۳
- نمودار ۹. موقعیت فرضی دوم: پیوند میان مؤلفه‌های اصلی «توجه به اخلاق پژوهش»، «نبود سوگیری»، «رعایت محرمانگی»، «مسئولیت‌پذیری و پاسخ‌گویی» ۱۳۵
- نمودار ۱۰. موقعیت فرضی سوم: پیوند میان مؤلفه‌های اصلی «نبود سوگیری»، «رعایت محرمانگی»، «برخورد منافع»، «مسئولیت‌پذیری و پاسخ‌گویی» و «پایبندی به زمان» ۱۳۷

- نمودار ۱۱. موقعیت فرضی چهارم: پیوند میان مؤلفه‌های اصلی «مسئولیت‌پذیری و پاسخ‌گویی» و «رعایت محرمانگی» ۱۳۸
- نمودار ۱۲. موقعیت فرضی پنجم: پیوند مؤلفه‌های اصلی «مسئولیت‌پذیری و پاسخ‌گویی»، «پایبندی به زمان» و «برخورد منافع» ۱۴۰
- نمودار ۱۳. سهم مجله‌های علمی «وزارت عتف» از نظر داشتن بیانیه اخلاق هم‌ترازخوانی ۱۵۶
- نمودار ۱۴. سهم (درصد) توجه مجله‌های بررسی‌شده به مؤلفه‌های اصلی اخلاق هم‌ترازخوانی ۱۵۶
- نمودار ۱۵. میزان (تعداد) توجه مجله‌های «وزارت عتف» به مؤلفه‌های فرعی اخلاق هم‌ترازخوانی ۱۵۷
- نمودار ۱۶. تحلیل شکاف میزان توجه مجله‌های «وزارت عتف» در برابر کوپ به مؤلفه‌های اخلاق هم‌ترازخوانی ۱۵۸
- نمودار ۱۷. میانگین اهمیت و پایبندی به اخلاق هم‌ترازخوانی از دیدگاه داوران پژوهش‌نامه پردازش و مدیریت اطلاعات ۱۵۹

فهرست پیوست‌ها

- پیوست ۱. دیگر بیانیه‌های اخلاق هم‌ترازخوانی ۱۷۹
- پیوست ۱-۱. توصیه‌هایی برای انجام، گزارش‌نویسی، ویرایش و انتشار آثار علمی
در مجله‌های پزشکی ۱۷۹
- پیوست ۲-۱. رهنمودهای آثار ارسالی به مجله‌ها؛ رهنمودهایی برای داوران ۱۸۱
- پیوست ۳-۱. اصول اخلاقی بین‌المللی برای انتشار علمی ۱۸۵
- پیوست ۴-۱. توصیه‌هایی درباره خط‌مشی‌های اخلاقی انتشارات برای مجله‌های پزشکی ۱۸۶
- پیوست ۵-۱. رهنمودهای به‌روشی برای اخلاق نشر و استانداردهای ویراستاری و فرایندها ۱۸۸
- پیوست ۲. پیشنهادهایی به هم‌ترازخوانان ۱۸۹
- پیوست ۱-۲. پیشنهادهایی درباره چگونگی تهیه گزارش مطلوب به پدیدآوران ۱۸۹
- پیوست ۲-۲. پیشنهادهایی به هم‌ترازخوانان درباره بیان محرمانه دیدگاه به سردبیر ۱۹۲
- پیوست ۳-۲. قوانین طلایی هم‌ترازخوانی ۱۹۳
- پیوست ۴-۲. سیاهه واریسی به‌روش برای هم‌ترازخوانی ۱۹۵

پیشگفتار

«یکی از عقل می‌لافتد یکی طامات می‌بافتد
بیا کاین داوری‌ها را به پیشِ داور اندازیم»
«حافظ»

داوری کردن در معنای عام آن هم ساده است و هم دشوار و چالش‌برانگیز. شاید اگر بخواهیم داوری را به شعرهای شاعران تشبیه کنیم، بی‌گمان بتوان گفت داوری به شعرهای سعدی می‌ماند؛ سهلِ ممتنع. سهل و ساده از این نظر که همه ما در طول زندگی روزمره خود بارها و بارها داوری کرده‌ایم و داوری شده‌ایم. به باور هولمز (۱۳۸۵، ۲۸)، حتی تصمیم‌گیری‌های ساده روزمره نیز نشانی از داوری‌های ارزشی^۱ دارد. برای نمونه، اینکه مصمم شویم هر روز ساعت خاصی از خواب بیدار شویم یا ورزش کنیم، بازتاب این داوری است که انجام دادن چنین کاری (به هر دلیلی) بهتر است. در باور او داوری ممکن است کم‌وبیش آگاهانه باشد و لزومی ندارد دلیل‌های چنین داوری‌هایی بیان شود. از دیدگاه وی، عمل ارزش‌گذاری در مرکز اهمیت اموری بشری جای دارد و کنش‌های بشری را فقط می‌توان بر حسب غایت‌ها به فهم درآورد. از این رو، داوری کردن به معنای عام آن و در زندگی روزمره نه خطاست، نه غیرعادی و نه غیراخلاقی؛ اما چندان نیز ساده به نظر نمی‌رسد. آنچه داوری را خطاگونه، نادرست و غیراخلاقی می‌کند چیزی است که آن را از هدف و سرشت اصلی داوری دور می‌کند و به گمان ما این سه است: «صلح» و «صلاح» و «اصلاح».

صُلَح به این معنا که هم‌ترازخوانی و داوری از سرِ دشمنی و ستیز نباشد، صَلاح به این معنا که ضرری برای کسی ایجاد نکند یا خیر همگان را ببیند و اصلاح به این معنا که با بهبود و بهینگی همراه باشد.

به گمان ما داوری علمی، که در معنای ویژه در کتاب حاضر نیز آن را دنبال می‌کنیم، نباید از این سه هدف یا سرشت اصلی دور بماند. در این کتاب که به داوری و به بیان دقیق‌تر به هم‌ترازخوانی می‌پردازیم، در فصل نخست تلاش کردیم تعریفی کوتاه از داوری و هم‌ترازخوانی علمی ارائه کنیم و با ارائه تاریخچه‌ای کوتاه از تکامل و دگرگونی هم‌ترازخوانی و گونه‌های آن به شفاف‌سازی مفهومی این رفتار علمی بپردازیم. اما به نظر می‌رسد همچون داوری در معنای عام آن، داوری علمی هم چندان ساده نیست یا دست کم ساده به نظر نمی‌رسد. گواه آن انبوهی از خطاها و انتقادهای و چالش‌هایی است که در کنش میان ذی‌نفعان در زیست‌بوم علمی در سراسر جهان، از جمله کشور عزیزمان ایران به وجود آمده و برخی از آن‌ها همچنان به قوت خود باقی است! نشان به این نشان که در فصل دوم از کتاب حاضر، افزون بر پرداختن به اهمیت و ضرورت این گُش در جامعه علمی، نگاهی اجمالی به انتقادهای و چالش‌هایی که به این بخش مهم از فرایند علمی وارد شده می‌افکنیم. تلاش ما بر این بوده است که به جای لعنت‌فرستادن به تاریکی، شمعی بیافروزیم در اندازه توش و توانمان و دست کم بخشی از این تاریکی را به روشنی نزدیک کنیم.

فصل سوم این کتاب را که به اخلاق هم‌ترازخوانی اختصاص دارد، می‌توان به عنوان فصلی مهم برای هم‌ترازخوانان و سردبیران و دیگر کنشگران داوری و هم‌ترازخوانی در نظر گرفت. مهم از این نظر که در این فصل با اشاره به چهارچوب زیست‌بوم و پلتفرم^۱ هم‌ترازخوانی، بر تعامل و ارتباط میان اجزای این رفتار و کنش علمی تأکید کرده‌ایم. همچنین، به این دلیل که مهم‌ترین مؤلفه‌های اخلاقی هم‌ترازخوانی در این فصل آمده است، می‌توان این بخش را راهنمایی برای داوران و هم‌ترازخوانان در نظر گرفت. در فصل پایانی این کتاب نیز رهنمودها و بیانیه‌های اخلاقی هم‌ترازخوانی را آورده‌ایم و افزون بر ارائه‌ای

گزارش‌مانند از توجه مجله‌های علمی ایران به اخلاق هم‌ترازخوانی، ترجمه‌ای از رهنمودهای کمیته اخلاق نشر (کوپ)^۱ برای هم‌ترازخوانان ارائه کرده‌ایم.

یادآوری این نکته ضروری است که در اثر حاضر تلاش کردیم به هم‌ترازخوانی و اخلاق مرتبط با آن پردازیم. از این رو، بیشتر توجه و گرایش این کتاب به کنشگر اصلی هم‌ترازخوانی که هم‌ترازخوان (داور) به‌شمار می‌رود، معطوف شده است؛ هرچند در بخشی از کتاب که به زیست‌بوم مجله‌های علمی می‌پردازد (فصل سوم، زیست‌بوم اخلاق داوری) به سایر کنشگران در هم‌ترازخوانی نیز اشاره‌ای گذرا داشته‌ایم که اقتضای طرح آن چنین تشخیص داده شده است. همچنین، در موقعیت‌هایی که در چهارچوب مکعب اخلاق داوری مطرح شده‌اند، تلاش کردیم موقعیت‌های فرضی اخلاق داوری پیش چشم هم‌ترازخوانان قرار بگیرند و چهارچوب دوراهی‌های اخلاقی و تعارض‌های موجود مدنظر قرار ندارد. به بیان دیگر، هدفی که به‌طور معمول در دوراهی‌های اخلاقی در نظر گرفته می‌شود، برای تصمیم‌گیری میان دو هنجار اخلاقی اتفاق می‌افتد؛ در حالی که در موقعیت‌های مطرح‌شده در اثر حاضر، پیوند میان چند مؤلفه اخلاقی با تأکید بر تقویت استدلال اخلاقی هم‌ترازخوانان آمده است، نه الزاماً بررسی تعارض میان دو مؤلفه اخلاقی.

در پایان لازم است یادآوری کنم بخش‌هایی از کتاب حاضر بر پایه طرح پژوهشی تدوین شده که توسط بنده و با همکاری همکارانم (رجبعلی بگلو و همکاران ۱۳۹۸) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) اجرا شده است. از این رو، لازم است از تلاش‌های خانم نادیا حاجی‌عزیزی، دکتر علیرضا ثقه‌الاسلامی و خانم دکتر المیرا کریمی و از این پژوهشگاه برای پشتیبانی از اجرای این پژوهش سپاسگزاری کنم. همچنین، از استاد گرامی‌ام آقای دکتر رحمت‌الله فتاحی به‌خاطر بازخوردهای سازنده‌شان برای مرور این اثر بسیار سپاسگزارم.

رضا رجبعلی بگلو

دی‌ماه ۱۳۹۹

فصل نخست

پیشینه، دگرگونی و گوناگونی هم‌ترازخوانی

مقدمه

تصور پیشرفت علم بدون عاملی همچون نظام داوری و هم‌ترازخوانی^۱ بسیار دشوار است. ایده داوری معنای گسترده و فراوانی در خود دارد. در واقع بسیاری از فلاسفه علم، داوری را ستونی بسیار مهم برای شیوه علمی می‌دانند (شامو و رزنیک^۲ ۱۳۹۴، ۲۴۰). داوری پژوهش‌ها، گونه‌ای از رفتار علمی است که برای بررسی دقیق، عالمانه و منصفانه اثر یا فعالیت علمی یا پژوهشی اهمیت بسیار زیادی دارد. این فرایند ذهنی، دربرگیرنده تلاش برای بررسی اصالت، ارزش، اثرگذاری، نوآوری و به‌طور کلی، اهمیت اثر یا فعالیت پژوهشی است. افزون بر این، این فعالیت علمی یکی از اجزای جدایی‌ناپذیر اخلاق نشر علمی^۳ نیز محسوب می‌شود و داوران همراه با پدیدآوران و سردبیران و ویراستاران، از مهم‌ترین اجزای نشر علمی، به‌ویژه نشر مقاله‌های علمی در نظر گرفته می‌شوند. با توجه به نقش نظام ارزیابی و داوری در کیفیت محتوای مقاله‌ها و حیات علمی این مجله‌ها، توجه به اصول اخلاقی انتشار و رهنمودهای تهیه‌شده برای داوران و هم‌ترازخوانان و سردبیران و پدیدآوران اهمیت بسیار زیادی دارد. داوری اثر، امری زمان‌بر و دشوار است و نقش داور گاهی وقت‌ها بسیار

1. Peer review
2. Resnik & Shamoo

3. Scientific publication ethics

پیچیده می‌شود. داوری دربرگیرنده ارزیابی دقیق اثر بوده و این ارزیابی مستلزم این است که داوران با روش علمی آشنا باشند. لازم است داوران مقاله‌های حوزه تخصصی خود را داوری کنند و دانش موضوعی مربوط به مقاله‌های منتشرشده اخیر را داشته باشند.

در واقع، علم و داوری اخلاقی ارتباط دوسویه‌ای دارند. از سویی رشد و توسعه علم مرهون داوری‌های اخلاقی است و از سوی دیگر، علم ابزاری برای داوری نیز به‌دست می‌دهد که هم به شکل‌های بسیار گوناگونی رواج دارد و هم در زندگی فردی و اجتماعی مؤثر و سرنوشت‌ساز است (قراملکی ۱۳۸۸). از آنجا که نقش و ضرورت داوری اثر در بهبود برون‌دادهای پژوهشی مهم و تأثیرگذار است، لازم است این رفتار علمی از سوی داوران به‌گونه‌ای انجام شود که به بهبود اثر چه برای انتشار در همان مجله و چه برای انتشار در سایر مجله‌ها، یاری‌گر پدیدآوران باشد. یکی از توصیه‌های کلی داوری این است: داوران به‌گونه‌ای رفتار کنند که تمایل دارند دیگر داوران با آثار آن‌ها رفتار کنند. این توصیه با قاعده زرین یا طلایی^۱ ارتباط تنگاتنگی دارد؛ این قاعده می‌گوید «با دیگران همان‌طوری رفتار کن که رضایت می‌دهی در همان موقعیت با تو رفتار شود» (گنسler^۲ ۱۳۹۵، ۱۸۱). با این حال، کاربست قاطعانه و مشخص این قاعده در همه حالت‌ها، موقعیت‌ها و زمان‌ها و نیز در همه جهان‌بینی‌ها و نگرش‌ها شدنی نیست و به اصول و رهنمودهایی در داوری علمی نیاز است که هنگام داوری لازم است داوران به آن اصول و رهنمودهای اخلاقی داوری توجه کنند یا به آن‌ها پایبند باشند.

از این رو، برخی ملاحظه‌های اخلاقی^۳ در این میان پدید می‌آید که با عنوان ملاحظه‌های اخلاق داوری شناخته می‌شوند. اگر داور را به معنای عام آن و در زیست‌بوم^۴ مجله علمی و دربرگیرنده داوران اثر، سردبیر یا دبیران علمی و اعضای هیئت تحریریه آن مجله در نظر بگیریم، این ملاحظه‌ها به موقعیت‌ها، نیازمندی‌ها و ویژگی‌های نظام‌های علمی و ارتباط علمی^۵ حاکم بر آن‌ها و فناوری‌ها و به‌طور کلی، با زیست‌بوم علمی^۶ پیوند می‌خورد. این

1. Golden rule
2. Gensler
3. Ethical considerations

4. Ecosystem
5. Scientific/Scholarly communication
6. Scientific ecosystem

ملاحظه‌ها داوران را در شرایطی قرار می‌دهند که برای تصمیم‌گیری درباره پذیرش یا رد انتشار اثر یا ارائه راهنمایی‌های سودمند برای بهبود آن یاری می‌رسانند.

پایبندی به این اصول و رهنمودهای اخلاقی کمک می‌کند ارتباط علمی در جهت تعالی علمی و دور از قضاوت‌های ذهنی و شخصی حرکت کند. هم‌ترازخوانی در مجله‌های علمی، بخش اصلی نظام ارتباط علمی است. توجه به نقش هم‌ترازخوانی در زیرساخت پژوهشی و ارتباطی دیجیتال بسیار ضروری و حیاتی است. از سوی دیگر، پژوهش‌هایی که درباره هم‌ترازخوانی انجام شده است، نشان داده‌اند که این جزء از فرایند علمی در ابعاد گوناگون مستعد سوگیری و سوءاستفاده و گاه اطمینان‌ناپذیر بوده است (تِنْت^۱ و همکاران ۲۰۱۹).

هم‌ترازخوانی بخش اصلی نظام علمی جهانی خودتنظیم‌گر^۲ است و فرایندی می‌آفریند که با دعوت از کارشناسان حرفه‌ای (همتایان)^۳ کیفیت، تازگی، اعتبار نظری و تجربی و تأثیر احتمالی پژوهش‌ها را در شکل مقاله یا همایش یا کتاب، به طور انتقادی ارزیابی می‌کند. هم‌ترازخوانی به طور فزاینده‌ای به اصل کنترل متقابل^۴ در توسعه جوامع علمی تبدیل شده است و با زیست‌بوم پژوهشی دیجیتال غنی از اطلاعات انتشارمحور^۵ سازگار است. در نتیجه، هم‌ترازخوانی مؤلفه‌ای اساسی در هسته فرآیندهای ارتباط علمی است که پیامدهای برجسته و ویژه‌ای در ساختار علمی دارد و نظام پاداش و انگیزه نیز بر روی این مؤلفه استوار است (مور^۶ در تِنْت و همکاران ۲۰۱۹). هم‌ترازخوانی کار دشواری است که به گفته راس و هِلوئر^۷ (۲۰۱۷) به طور متوسط برای هر داور چهار ساعت به طول می‌انجامد و حاوی اطلاعات ارزشمندی است که می‌تواند برای بسیاری از افراد مفید باشد.

هم‌ترازخوانی کارکردهای زیادی دارد و در انتصاب‌های علمی^۸، سنجش و پایش عملکرد پژوهشگران، اصول اخلاق پژوهش و تعیین بودجه‌ها یا پژوهانه‌ها^۹ نیز استفاده می‌شود. البته باید این را نیز در نظر داشت که هم‌ترازخوانی ماهیتی یگانه و ثابت ندارد و با شگردها و

1. Tennant
2. Self-regulating
3. Peers
4. Mutual control
5. Publication based

6. Moore
7. Ross and Hellauer
8. Academic appointments
9. Grant

شیوه‌های گوناگونی اجرایی می‌شود که تحت تأثیر رویکردهای گوناگون زمان‌بندی، شفافیت و انضباط در چرخه نشر علمی قرار دارد (روس و هلوثر در تَنت و همکاران ۲۰۱۹). از این رو، حوزه‌های موضوعی گوناگون میان‌رشته‌ای در آن دخیل هستند. تفاوت‌های میان‌رشته‌ای حوزه‌های موضوعی باعث شده بررسی و درک هم‌ترازخوانی بسیار پیچیده باشد و اجرای هرگونه تغییر نظام‌مند در هم‌ترازخوانی با چالش کاربست چندوجهی میان جوامع ناهمگن علمی روبه‌رو باشد و بیشتر مواقع، هنجارها و شیوه‌های اجتماعی بسیار متفاوتی در این جوامع علمی به کار می‌رود.

هم‌ترازخوانی با وجود تنوع ذاتی خود هنوز هم به عنوان «استاندارد طلایی»^۱ ارتباط علمی تلقی می‌شود و هم در نظر و هم در عمل به کار می‌رود. به بیان دیگر، هم‌ترازخوانی به عنوان رویه‌ای برای مواجهه با پژوهش‌ها یا دروازه‌بانی^۲ آن‌ها عمل می‌کند و کمک می‌کند تا توزیع منابع محدود، به شکل مناسبی صورت پذیرد. برخی همچون هیمز^۳ (xi ۲۰۰۷) داوران و سردبیران را همچون دروازه‌بان مجله‌های علمی در نظر می‌گیرند؛ حتی نقش آن‌ها را از برجسته‌سازی ناکارآمدی‌های علمی و شناسایی تفسیرهای نادرست از یافته‌ها فراتر می‌دانند. به باور هیمز لازم است داوران توضیح‌های جایگزین برای آثار ارائه کنند، بازنمایی آن‌ها را بهبود ببخشند، درباره مجله‌های جایگزین و شاید مناسب‌تر برای انتشار آثار مشاوره بدهند و به‌طور کلی، به باروری آثار علمی پژوهشگران یاری شایانی نمایند؛ افزون بر این تا جایی که شدنی است آثاری را شناسایی کنند که در آن‌ها تقلب یا رفتار غیراخلاقی دیگری رخ داده است. از دیدگاه شامو و رزنیک (۱۳۹۴، ۲۳۱) داوری دو مفهوم متضاد تخصص و بی‌طرفی را کنار یکدیگر می‌آورد که برای ارائه سازوکاری از کنترل کیفیت و جلوگیری از تبعیض در اختصاص منابع مالی و برای اتخاذ تصمیم‌های بی‌طرفانه ایجاد شده است. با این حال، برای اینکه به تعریف دقیق و مناسب‌تری از داوری و هم‌ترازخوانی برسیم، لازم است کنکاش بیشتری در این زمینه داشته باشیم. البته باید اشاره کنیم که در فصل دوم درباره

1. Golden standard
2. Gatekeeping

3. Hames

اهمیت و ضرورت آن سخن بیشتری خواهیم گفت؛ اما تا زمانی که از مفهومی تعریف روشنی وجود نداشته باشد، نمی‌توان اهمیت آن را به‌درستی فهمید و برای اینکه بتوان تصویر متعادل‌تری از آن به‌دست آورد، باید انتقادهایی به آن وارد دانست یا چالش‌های آن را برشمرد.

تعریف داوری و هم‌ترازخوانی

قراملکی (۱۳۸۸) مفهوم داوری را به مفهوم نقد مرتبط می‌داند؛ اما یکسان‌انگاری این دو امر را نادرست معرفی می‌کند. وی داوری را با ممیزی، سنجش و ارزیابی نیز مرتبط دانسته و ارزیابی را فرایندی بیان می‌کند که به داوری می‌انجامد. همچنین مفهوم داوری را با میانجی‌گری^۱ در ارتباط می‌داند و موفقیت میانجی‌گری را در گرو داوری شایسته مطرح می‌کند. به نظر می‌رسد آنچه داوری را از نقد متمایز و متفاوت می‌کند، چهارچوبی است که در زمان اجرا و بنا به کارکردها و عملکردهای^۲ این دو در جامعه علمی به‌کار می‌رود. داوری، به‌ویژه در مجله‌های علمی، بیشتر کارکردی برای تصمیم‌گیری یا تصمیم‌سازی اثر دارد، البته با پیش‌دستی زمانی نسبت به انتشار یا عرضه اثر؛ در حالی که نقد پایه‌ای روشنگرانه و آگاهی‌ساز و انتقادی^۳ دارد که به‌طور معمول، پس از عرضه یا انتشار اثر معنا و کارکرد می‌یابد. داوری می‌تواند دربرگیرنده نقد اثر نیز باشد؛ به‌ویژه در آثاری که به موضوع‌های بحث‌برانگیز^۴ می‌پردازند، زاویه‌های گوناگون و گاه درهم‌کنشی از زیست‌انسانی را پوشش می‌دهند یا آثار و پیامدهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، پزشکی و ... بر زندگی انسان دارند. این را باید در نظر داشت که برابر نهاده داوری در زبان انگلیسی «Review» و برابر نهاده هم‌ترازخوانی نیز «Peer review» است. به‌طور معمول، هم‌ترازخوانی در فرایند نشر علمی به‌کار می‌رود؛ در حالی که داوری جنبه عام‌تر و کلی‌تری دارد. اگر بپذیریم داوری می‌تواند برای نقد و ارزیابی هر نوع برون‌داد علمی، همچون کتاب، مقاله علمی، همایش، جایزه یا محصول کاربردی یا تجاری به‌کار رود، در این صورت هم‌ترازخوانی بیشتر به آثار علمی،

1. Mediation
2. Functions & operations

3. Critical
4. Controversial

به‌ویژه مقاله‌های علمی اختصاص دارد.^۱

در زبان فارسی واژه‌های داوری همتا، داوری توسط همتایان، مرور همتا، ارزیابی همتایان، بازنگری هم‌تراز و هم‌تراز داوری نیز پیشنهاد شده است؛ اما از واژه هم‌ترازخوانی که نخستین بار توسط مهدی سمائی (استاد زبان‌شناس در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران، ایرانداک) ارائه شده، بیشتر از واژه‌های دیگر استقبال شده است. البته برابر نهاده مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی، واژه «ارزیابی همتایان» است.^۲ هم‌ترازخوانی به معنای ارزیابی انتقادی دست‌نوشته‌های علمی است. هم‌ترازخوانی در خارج از قلمرو ارتباط علمی به کار می‌رود، همچون حرفه‌های علمی برای ارزیابی عملکرد افراد و بررسی وضعیت اعضای هیئت علمی (جمالی مهمویی، ۱۳۹۸).

هیمز (۲۰۰۷، ۱) به نقل از «آی‌سی‌ام‌جی‌ای»^۳ هم‌ترازخوانی را ارزیابی انتقادی اثر فرستاده شده به مجله‌ها می‌داند؛ اثر توسط متخصصانی هم‌ترازخوانی می‌شود که جزو اعضای هیئت تحریریه مجله نیستند. هم‌ترازخوانی هم‌زمان وظیفه‌ای علمی و اخلاقی است (ابویی اردکان و میرزایی، ۱۳۸۹)؛ بنابراین داور در مواجهه با اثر علمی با ملاحظه‌های اخلاقی روبه رو می‌شود و لازم است از این ملاحظه‌های اخلاقی آگاه بوده و تا جایی که شدنی است به آن‌ها پایبند باشد. از این رو داور یا هم‌ترازخوان نیز فردی است که به ارزیابی نقادانه، منصفانه و عالمانه پژوهش‌ها و برون‌دادهای پژوهشی می‌پردازد.

شاید بتوان تعریف مفهومی را بر پایه کارکرد و چگونگی اجرای آن نیز پایه‌ریزی کرد؛ بنابراین هیمز (۲۰۰۷، ۲-۳) کارکرد هم‌ترازخوانی را چنین برمی‌شمرد:

۱. جلوگیری از انتشار آثار بد و جلوگیری از انتشار پژوهش‌هایی که به شکلی ضعیف درک و طراحی و انجام شده است؛

۱. با در نظر گرفتن این نکته، از این پس تلاش می‌شود در این اثر به جای داوری از هم‌ترازخوانی استفاده شود و هرگاه از داوری استفاده شد، منظور ارزیابی عمومی اثر است.

۲. در این کتاب، واژه «هم‌ترازخوانی» برگزیده شده است و در سراسر کتاب استفاده می‌شود.

3. International Committee of Medical Journal Editors (ICMJE)

۲. بررسی اینکه گزارش پژوهش به‌درستی انجام شده است و کاستی در طراحی یا روش‌شناسی آن نیست؛
۳. اطمینان از اینکه اثر به‌درستی و بدون ابهام و با اشاره به پژوهش‌های گذشته گزارش شده است؛
۴. اطمینان از اینکه یافته‌های ارائه‌شده به‌درستی تفسیر شده و تمامی تفسیرهای ممکن در نظر گرفته شده است؛
۵. اطمینان از اینکه یافته‌ها خیلی مقدماتی خیلی نظری نیستند و این اثر جلوی اجرای نظریه‌ها و پژوهش‌های جدید را نمی‌گیرد؛
۶. انتخاب آثاری که مخاطب بیشتر به آن‌ها علاقه دارد؛
۷. ارائه شواهدی به سردبیر برای قضاوت درباره اینکه اثر معیارهای مدنظر نشر را دارد؛
۸. بهبود کیفیت و خوانش‌پذیری اثر (البته به‌عنوان آثار جانبی هم‌ترازخوانی).

هم‌ترازخوانی و اخلاق نشر علمی

شاید بتوان گفت بیشتر مقاله‌های علمی منتشر شده در مجله‌ها، پیش از انتشار در فرایند هم‌ترازخوانی قرار می‌گیرند. به بیان دیگر، هم‌ترازخوانی در فرایند، زمان‌بندی، چگونگی و اخلاق نشر علمی در برون‌دادهای علمی اهمیت پیدا می‌کند. درباره اینکه هم‌ترازخوانی چه مزیت‌ها، هدف‌ها و البته چالش‌ها و دشواری‌هایی دارد و گونه‌های هم‌ترازخوانی و فرایند آن چگونه است و وظایف داوران در این زمینه چیست، در ادامه بیشتر گفته می‌شود. باید نخست به مباحث مربوط به اخلاق پژوهش و اخلاق نشر بپردازیم؛ زیرا اخلاق پژوهش و اخلاق نشر، چهارچوب کلی‌تر و جامع‌تری نسبت به اخلاق هم‌ترازخوانی دارد. در واقع، اخلاق پژوهش سعی دارد به بررسی مسائل اخلاقی در پژوهش بپردازد و در این راستا به اصول اخلاقی‌ای اشاره دارد که پژوهش را از ابتدا تا پایان و سپس در مراحل انتشار نتایج و پس از آن هدایت می‌کند (خالقی، ۱۳۸۷). اخلاق نشر نیز به مجموعه اصول و قواعد مدون و همچنین نانوشته‌ای می‌پردازد که رفتار مناسب پدیدآوران، سردبیران، داوران، ناشران و

مؤسسه‌های آموزشی و پژوهشی را بر پایه استانداردهای امروزی توصیف و تبیین می‌کند. به بیان دیگر، اخلاق نشر دربرگیرنده موضوع‌های در حال ظهور در جامعه علمی و نشر نیز هست و سازمان‌های حرفه‌ای مرتبط با اخلاق پژوهش و اخلاق نشر، رهنمودهای اخلاقی این حوزه را تدوین و ارائه می‌کنند. برای نمونه، کوپ برای نشان‌دادن موضوع‌ها و مسائل اخلاقی کنونی در فرایند نشر ایجاد شده است (بروگا^۱ و همکاران ۲۰۱۴).

تمایز میان اخلاق نشر و اخلاق پژوهش هم بیشتر به جنبه فرایندی وابستگی میان انجام پژوهش و انتشار آن و بهره‌برداری از آن برای پژوهش‌ها و کاربردهای گوناگون علمی، اجتماعی، اقتصادی و ... ارتباط دارد. به بیان دیگر، اخلاق پژوهش و اخلاق نشر در زیست‌بوم تولید آثار و محتوای علمی، دو روی یک سکه در نظر گرفته می‌شوند و در جاهایی با هم پیوند دارند و با یکدیگر هم‌پوشانی‌ها^۲ و درهم‌کنش‌هایی دارند. هنگامی که سخن از انجام پژوهش توسط پژوهشگر به میان می‌آید، به چهارچوب اخلاق پژوهشی ارجاع داده می‌شود که در آن لازم است پژوهشگر میان باید‌ها و نبایدهای موجود یا مطلوب در جامعه علمی به گونه‌ای حرکت کند که سلامت جسمی، روحی، روانی، ذهنی سوژه‌های (عمدتاً) انسانی و حیوانی و تناسب منطقی در حوزه موضوعی تضمین شود. از این رو در اخلاق پژوهش، کنشگران و کنش‌پذیران گوناگونی حضور دارند، عمدتاً انسانی و حیوانی؛ اما اخلاق نشر به جنبه‌ها و حوزه‌های مرتبط با انتشار، ارائه، توزیع، بهره‌برداری و کاربست برون‌دادهای علمی و فرایندهای مرتبط با آن می‌پردازد و دربرگیرنده طیف وسیع‌تر کنشگران و ذی‌نفعان انسانی است؛ زیرا مخاطب، بهره‌بردار و ذی‌نفع اصلی آن فقط انسان‌ها هستند.

با در نظر گرفتن آنچه اشاره شد، میان اخلاق پژوهش و اخلاق نشر ارتباط و پیوندی درونی وجود دارد و این دو نسبت به یکدیگر جایگاه هم‌ارز یا مترادف^۳ داشته و گاه هم‌پوشانی‌هایی با هم دارند. برای نمونه، با رعایت حقوق سوژه‌های انسانی و حیوانی و اطمینان از اصالت پژوهش توسط پژوهشگر، می‌توان جنبه‌هایی از اخلاق نشر را نیز دنبال

1. Broga
2. Overlap

3. Equivalent

کرد و برعکس. اما اخلاق هم ترازخوانی و اخلاق نشر بیشتر نسبت جزء به کل دارند، به این معنی که اگر کنشگر اصلی در اخلاق داوری و هم‌ترازخوانی را داور یا هم‌ترازخوان بدانیم، در این صورت برای اجرای همه اجزای اخلاق نشر به جزئی همچون اخلاق هم‌ترازخوانی نیازمند خواهیم بود؛ اما برعکس آن صادق نیست.

از سوی دیگر، جایگاه و اهمیت هم‌ترازخوانی در فرایند نشر علمی و پژوهش بسیار چشمگیر و بنیادی و البته از نگاه اخلاقی، بحث‌برانگیز و گفتمان‌ساز است. بحث‌برانگیز از این نظر که ممکن است هدف‌هایی که برای هم‌ترازخوانی تصور می‌شود، دست‌یافتنی نباشند یا اجرای دقیق آن چالش‌هایی در پی داشته باشد. برای نمونه، دانجلو^۱ بر این باور است که گرچه هم‌ترازخوانی می‌تواند برخی از نمونه‌های بدرفتاری علمی در اخلاق پژوهش را به‌طور کامل شناسایی کند، اما شناسایی این بدرفتاری‌های علمی جزو هدف اصلی هم‌ترازخوانی به شمار نمی‌آید. از این رو، در برخی از پژوهش‌ها، فرایند هم‌ترازخوانی ممکن است باعث تشویق به بدرفتاری پژوهشی محدود یا حتی بی‌اخلاقی شود (دانجلو ۲۰۱۲، ۴۷). وی همچنین با دیدی انتقادی به هم‌ترازخوانی، به پرسش «آیا هم‌ترازخوانی نیز می‌تواند غیراخلاقی باشد؟» پاسخی مثبت می‌دهد. از دیدگاه وی، هم‌ترازخوانی‌های سخت‌گیرانه، سرقت علمی از اثر، مزاحمت یا طولانی کردن فرایند انتشار اثر، درخواست‌های غیرمنطقی از پدیدآوران برای ویرایش اثر، انجام کاری اضافی در اثر و مسائل مرتبط با تشابه حوزه کاری داور با اثر را نمونه‌هایی از نقض اخلاق است که برای پاسخ به پرسش بالا می‌توان مطرح کرد (دانجلو ۲۰۱۲، ۵۱). از این رو، پرداختن به هم‌ترازخوانی در فرایند نشر علمی و همچنین پرداختن به جنبه‌های گوناگون اخلاق نشر علمی در هم‌ترازخوانی اهمیت پیدا می‌کند.

از سوی دیگر، دانجلو بر این باور است که سرقت علمی اثر هنگامی که منتشر شده است، می‌تواند در هم‌ترازخوانی آشکار (آزاد یا باز)^۲ انجام شود و به آشکارسازی آثار ارسالی

1. D'Angelo

۲. این برابرنامه برای واژه «Open» به جای واژه‌هایی

همچون آزاد و باز استفاده شده است.

به مجله‌های مختلف یا ارسال موازی^۱ آثار نیز یاری می‌کند؛ هرچند در صورتی که پدیدآوری مقاله‌ها را به‌صورت هم‌زمان و موازی به مجله‌ها ارسال کند و در صورتی که یک داور برای هر دو مقاله انتخاب شده باشد، این بدرفتاری علمی کشف می‌شود (دانجلو ۲۰۱۲، ۴۹). بنابراین، کشف بدرفتاری علمی در هم‌ترازخوانی دشواری‌ها و دردسرهایی دارد. به باور وی، با وجود اینکه هم‌ترازخوانی گمنام دشواری‌هایی دارد؛ اما بهترین گزینه بوده و این واریسی برای پیشرفت علم ضروری است و اگر داوران به‌دلیل ترس از تلافی، آثار را محتاطانه داوری کنند، علم با خطر نابودی روبه‌رو می‌شود. البته وی بر این باور است که افراد معدودی از این فرایند سوءاستفاده کرده و غیراخلاقی عمل می‌کنند؛ اما در صورتی که عمل غیراخلاقی آن‌ها آشکار شود توجه افراد بسیاری را برمی‌انگیزاند (همان، ۵۱). البته در اینکه هم‌ترازخوانی می‌تواند منجر به کشف همه گونه‌های بدرفتاری‌های^۲ علمی و پژوهشی شود، سخن‌های بسیار گوناگونی روایت شده است که در فصل بعد و در بخش انتقادات به هم‌ترازخوانی به آن می‌پردازیم.

خودِ دانجلو به دیگر تخلفاتی که هم‌ترازخوانی قادر به کشف آن‌ها نیست اشاره می‌کند و کشف داده‌های ساختگی^۳ و داده‌های تحریف‌شده^۴ و حذف‌شده را از جمله مهم‌ترین آن‌ها می‌داند. وی تنها راه کشف آن‌ها را در هم‌ترازخوانی و از طریق بررسی داده‌های واقعی^۵ شدن می‌داند و باور دارد این نوع از بدرفتاری‌های علمی در نهایت توسط عموم جامعه علمی، به‌ویژه در آثار تأثیرگذار کشف می‌شوند (همان، ۴۹). آنچه در رابطه میان هم‌ترازخوانی و اخلاق نشر علمی می‌توان اشاره کرد، این است که هم‌ترازخوانی مؤلفه‌های خود را از اخلاق نشر علمی وام می‌گیرد؛ اما سخن گفتن از اینکه هم‌ترازخوانی پوشش تام و تمامی برای کشف همه بدرفتاری‌های علمی و رعایت اخلاق نشر علمی فراهم نماید، کمی شتاب‌زده به‌نظر می‌رسد. شاید بهتر باشد به این پردازیم که به هم‌ترازخوانی چه انتقادهایی وارد شده و چه مخالفان و موافقان دارد؛ سپس درباره تأثیر و تأثر و پوشش تام و تمام آن

1. Parallel submissions
2. Misconducts
3. Data fabrication

4. Data falsification
5. Fact checking

سخن به میان بیاوریم (برای آگاهی بیشتر به فصل دوم بنگرید). اما آنچه که به راحتی می‌توان از آن سخن گفت، این است که نشر علمی رویکردی است که با آن آثار جدید در اختیار همگان قرار می‌گیرد و هم‌ترازخوانی، بخش حیاتی و مهمی از فرایند نشر علمی به‌شمار می‌آید. در بیشتر حوزه‌های علمی، اثر تا زمانی که از راه هم‌ترازخوانی اعتباریابی نشده باشد، جدی گرفته نمی‌شود (هیمز ۲۰۰۷، ۲).

تاریخچه داوری و هم‌ترازخوانی

داوری آثار، پیشینه‌ای طولانی و قدیمی دارد. اگرچه گونه‌ها و شیوه‌های جدید داوری و هم‌ترازخوانی، به واسطه تغییر در فرایند نشر علمی، سامانه‌ها و نظام‌ها^۱ و شیوه‌های داوری و به تبع آن، زیست‌بوم متفاوتی را تجربه می‌کند، لازم است به پیشینه و قدمت این امر مهم در فرایند پژوهش و نشر نگاهی بیافکنیم. برخی از پژوهشگران، همچون اسپیر^۲ (۲۰۰۲)، قدمت داوری را به مدرسه پزشکی جزیره «کاس»^۳ در یونان و دست‌نوشته‌های بقراط (۳۷۷-۴۶۰ پیش از میلاد) در اثری با عنوان *بیولوژی مربوط به ارسطو* (۳۲۲-۳۸۴ پیش از میلاد) معرفی می‌کنند که درباره مطالعه اندام‌ها بود؛ این اثر را خود او و همکارانش مطالعه و بررسی و ارزیابی کرده‌اند. بنابراین، داوری به شکل امروزی، که بهبود کیفیت اثر از طریق داوری دیگران به دنبال داشته باشد، چندان مرسوم نبوده است؛ اما شواهدی در حدود یک قرن بعد از میلاد به دست آمده مبنی بر اینکه در فرایند تکثیر انجیل بازنگری انجام می‌شده است. شاید کتابی با نام *الادب/الطیب اثر اسحاق بن علی الرهاوی*،^۴ اهل سوریه، اولین توصیف ثبت‌شده از فرایند داوری باشد.

در این اثر، یکی از وظایف پزشک، نوشتن شرح حال بیمار^۵ در هر بار ملاقات وی عنوان شده است. زمانی که بیمار معالجه یا فوت می‌شد، این نوشته‌ها از سوی شورای محلی پزشکان بررسی می‌شد تا انطباق اقدام‌های پزشک با استانداردها و قصور احتمالی وی

1. Systems
2. Spier
3. Kos

4. Ethics of the Physician by Ishaq bin Ali Al Rahwi
5. Patient history

مشخص شود؛ این بررسی را می‌توان نوعی داوری در اقدام‌های پزشکان دیگر دانست که هم‌اکنون نیز اجرا می‌شود.

پس از اختراع دستگاه چاپ توسط گوتنبرگ^۱، به دلیل نشر گسترده و توزیع وسیع آثار، چگونگی تدوین آن‌ها پیش از چاپ اهمیت پیدا کرد. این روند بعدها با پیشرفت‌های بیشتر در صنعت نشر، مهم‌تر هم تلقی شد. از نیمه دوم قرن بیستم بود که داوری در مجله‌های علمی به اقدامی کمابیش یگانه و استاندارد تبدیل شد و درباره خود فرایند داوری، و چگونگی تعریف آن پژوهش‌هایی صورت گرفت (ولر^۲ ۱۳۸۹).

البته این را نیز باید گفت که درباره تاریخچه هم‌ترازخوانی پیشرفته‌تر و امروزی‌تر مطالب گوناگون و گاه متفاوت و متضادی گفته شده است. برای نمونه، آدوئین و واسیلوا^۳ (۲۰۱۴) قدمت هم‌ترازخوانی را به قرن شانزدهم میلادی و به بخشی از فرهنگ جامعه پژوهش علمی منتسب می‌دانند که برای ارزیابی پیشنهادها پژوهشی و به‌منظور اطمینان از آن‌ها انجام می‌شده و بودجه‌های پژوهشی به پژوهشگران شایسته و ایده‌های نوآورانه آن‌ها اختصاص می‌یافته است. برخی نیز همچون اسپایر (۲۰۰۲) و هیمز (۲۰۰۷)، تاریخچه هم‌ترازخوانی را به «روایال سوساییتی آو لاندن»^۴ در سال ۱۶۶۵ متعلق می‌دانند؛ هم‌ترازخوانی تقریباً یک قرن بعد، با ایجاد «کمیته مقاله‌ها» در ۱۷۵۲، برای اطمینان از کیفیت مقاله‌های ارسال‌شده برای انتشار در مجله فیلسوفیکال ترانزاکشنز آو رویال سوساییتی^۵ دنبال شد.

از دیدگاه چاگوتورو^۶ (۲۰۱۵) نظام کنونی هم‌ترازخوانی که از داورهای خارجی برای نظردادن درباره اثر بهره می‌برد و با فرایند (هم‌ترازخوانی) شناخته می‌شود، از دهه ۱۹۵۰ آغاز شد. رزینیک (۲۰۱۱) نیز تاریخچه هم‌ترازخوانی را به آغاز قرن بیستم و برای ارزیابی برنامه‌های کاربردی و تصمیم‌گیری درباره کارمندان و جایزه‌های علمی باز می‌گرداند. البته ولر (۱۳۸۹) شکل‌گیری هم‌ترازخوانی را به قرن نوزدهم و کاریست آن را به مجله پزشکی بریتیش مدیکال ژورنال بی‌ام‌جی^۷ و نیچر^۸ منتسب می‌داند.

1. Gutenberg
2. Weller
3. Adewoyin & Vassileva
4. Royal Society of London

5. Philosophical Transactions of the Royal Society
6. Chaguturo
7. British Medical Journal (BMJ)
8. Nature

تَنَّت و همکارانش (۲۰۱۹) شکل‌گیری هم‌ترازخوانی برای مقاله‌های علمی را با شکل‌گیری آکادمی‌های ملی در اروپای قرن هفدهم همراه می‌دانند و آن دوره را زمان آغازین^۱ هم‌ترازخوانی نامیده‌اند. البته باید توجه داشت که اصطلاح هم‌ترازخوانی در آن زمان به‌طور رسمی استفاده نشده بود. اگر این پیشینه تاریخی را بخشی از شکل‌گیری ایده و کارکرد مهم هم‌ترازخوانی بدانیم و در تفاوت و تمایز میان این تاریخ‌ها و دیدگاه‌های مرتبط با آن عمیق‌تر نشویم، باید اشاره کرد بعدها این فرایند میان اجزای گوناگون حوزه نشر علمی رواج یافت و به شکل‌ها و روش‌های گوناگونی انجام شد.

بیاجیولی^۲ (تَنَّت و همکاران ۲۰۱۹) به تفصیل تمایز تدریجی هم‌ترازخوانی از ممیزی کتاب و نقشی را شرح داده است که سیستم‌های صدور مجوز و ممیزی در اروپای قرن شانزدهم ایفا کرده‌اند، دورانی که تکنگاشت‌ها روش اصلی ارتباط علمی بودند. در همان زمان، دنیس دو سالو^۳ اولین شماره ژورنال دِ ساوَن^۴ را منتشر کرد که برای اولین بار در سال ۱۶۶۵ منتشر شد. با این خاستگاه، شکل اولیه ارزیابی هم‌ترازگونه به‌عنوان بخشی از رویه‌های اجتماعی جوامع علمی اصیل پدیدار شد. توسعه این مجله‌های اولیه علمی به تدریج جایگزین تبادل گزارش‌ها و یافته‌های تجربی از طریق مکاتبه‌ها شد و به فرایندی رسمیت بخشید که تا آن زمان شخصی و غیررسمی بود. هم‌ترازخوانی پیش از آن زمان، بیشتر به‌صورت نامه‌هایی میان پدیدآوران و سردبیران انجام می‌شد. فشارهای اجتماعی برای ایجاد مخاطبان جدیدی برای آثار پژوهشی و همچنین دگرگونی‌های جدید فناوری مانند چاپ نیز بسیار مهم بود. روند بررسی مستقل گزارش‌های علمی توسط کارشناسان معتبر، افزون بر ویراستاران به تدریج پدیدار شد؛ هرچند روند بررسی، بیشتر شبیه نشر غیرعلمی بود، زیرا ویراستاران تنها کسانی بودند که آثار را قبل از چاپ ارزیابی می‌کردند. هدف اصلی این فرایند، انتخاب اطلاعات برای انتشار بود تا ظرفیت توزیع محدود را به خود اختصاص دهد. این نوع ارزیابی برای بیش از دو قرن ادامه پیدا کرد.

1. Primordial
2. Biagioli

3. Denis de Sallo
4. Journal des Sçavans

با توجه به آنچه اشاره شد، به نظر می‌رسد هم‌ترازخوانی به شکلی که ما اکنون می‌شناسیم، به دلیل به‌کارگیری روزافزون افراد حرفه‌ای و متخصص در مجله‌های علمی و از طریق جوامع علمی در اوایل قرن نوزدهم به ظهور رسید. در قرن نوزدهم، مجله‌های علمی گسترش یافته و تنوع، کمیت و تخصص مطالب ارائه شده به سردبیران مجله افزایش یافت. از دیدگاه سزار^۱ هم‌ترازخوانی تکامل یافت تا بیشتر به اصالت علمی توجه شود؛ اما هرگز چنین روندی برای دروازه‌بانی علمی وجود نداشت (تِنْت و همکاران ۲۰۱۹). بنابراین باید این را پذیرفت که داوری راه طولانی‌ای در دفاع از بنیان خود پیموده و در جهانی که دانش با میلیون‌ها صفحه در هر روز دسترس‌پذیر است، به راحتی می‌توان درک کرد که بخشی از این دانش یا علم، نقادانه بررسی شده است (اسپایر^۲ ۲۰۰۲).

گوناگونی در پژوهش‌ها و برون‌دادهای پژوهشی و همچنین کمبود یا نبود متخصصان باعث شد یاری گرفتن خارج از گروه نشر و به شکل فوری ضروری شود؛ در واقع، هم‌ترازخوانی به فرآیندی برون‌سپاری شده تکامل یافت. البته باید اشاره کرد که همه فرایندهای علمی تحت تأثیر جنبش‌ها و دگرگونی‌ها و تغییرهای یک‌باره و تدریجی اجتماعی قرار می‌گیرند و به تکامل تاریخی می‌رسند. از این رو، تِنْت و همکارانش (۲۰۱۹) تاریخچه فرایند هم‌ترازخوانی با نظارت سردبیر را به دهه‌های نخستین پس از جنگ جهانی دوم مرتبط می‌دانند که به طور فزاینده‌ای به جریان اصلی و مهمی تبدیل و باعث دگرگونی اقتصاد علمی^۳ شد. از دیدگاه وی، فرایند هم‌ترازخوانی با هنجارهای مرتون^۴، یعنی جهان‌شمول‌گرایی^۵، اشتراک‌گرایی^۶، بی‌طرفی^۷، شکاکیت سازمان‌یافته^۸ و ارزش‌های اجتماعی مشترک^۹ پیوند یافت. در هنجارهای مرتونی^{۱۰}، شکاکیت سازمان‌یافته بارزترین حلقه زنجیره است؛ در حالی که هنجار بی‌طرفی با تلاش برای کاهش تعصب نظام‌مند، به انتظار مشارکت در هم‌ترازخوانی به‌عنوان بخشی از عضویت در جامعه ارتباط دارد. آن‌ها بر این باورند که بر خلاف تأکید بر

1. Csiszar
2. Aspire
3. Scientific economy
4. Mertonian norms
5. Universalism

6. Communalism
7. Disinterestedness
8. Organized scepticism
9. Shared social values
10. Merton

ارزش‌های اجتماعی مشترک، توجه کمتری به گوناگونی فرآیندهای هم‌ترازخوانی در میان مجله‌ها و رشته‌ها^۱ و زمان در هم‌ترازخوانی معطوف شده است. از این رو، پژوهشگران بسیار کمی به صورت منتقدانه به گوناگونی انتخاب فرآیندهای هم‌ترازخوانی پرداخته‌اند؛ نتیجه این می‌شود که شواهد کلی و جامعی درباره سازوکار هم‌ترازخوانی وجود ندارد، شواهدی که به زمان صرف‌شده برای هم‌ترازخوانی، حل و فصل برخورد منافع، بررسی جمعیت‌شناختی دو طرف درگیر، نرخ پذیرش، کیفیت هم‌ترازخوانی، سوگیری ذاتی و تأثیر آموزش داوری پرداخته شود. با این حال، نبود چنین شواهدی نباید به عنوان مدرکی برای شکست این نظام‌ها باشد، بلکه باید بیانگر مشکلات موجود در ارزیابی اثربخشی روش‌های هم‌ترازخوانی تفسیر شود. به این دگرگونی‌ها می‌توان در چهارچوب تکامل فرایند هم‌ترازخوانی توجه کرد که در ادامه به آن پرداخته می‌شود.

تکامل و دگرگونی در هم‌ترازخوانی

از دیدگاه هیمز (۲۰۰۷، ۱) دو عامل باعث گسترش و دگرگونی هم‌ترازخوانی شده است:

- ✧ نخستین عامل، سردبیران بودند که تا چند دهه پیش برای پیدا کردن منابع کافی برای انتشار با چالش روبه‌رو بودند، اما نیاز نبود آثار را انتخاب کنند. البته این قضیه در بیش از ۵۰ سال گذشته تغییر پیدا کرد و سردبیران برای آثار فرستاده شده بسیار انتخاب‌گر شده‌اند.
- ✧ دومین عامل، گسترش حوزه‌های موضوعی بود که به سبب تخصص‌گرایی و پیچیدگی‌های موجود، سردبیران نمی‌توانستند در همه حوزه‌ها صاحب نظر باشند.

این دو عامل، زمین گسترش و دگرگونی هم‌ترازخوانی را فراهم کردند؛ اما عامل اصلی را شاید بتوان دگرگونی‌های به وجود آمده در فناوری‌های وب دانست. تِنْت و همکارانش (۲۰۱۹) بر این باورند که با پیشرفت فناوری‌های وب، شاهد مرحله‌ای از نوآوری و آزمایش

در رویکردها برای هم‌ترازخوانی هستیم. این دگرگونی‌ها ما را به بررسی مدل‌های نوظهور هم‌ترازخوانی از طیف وسیعی از رشته‌ها و حوزه‌های موضوعی می‌کشاند و وادارمان می‌کند تا از خودمان بپرسیم که با نظام‌های فعلی، هم‌ترازخوانی چگونه می‌تواند برخی از مسائل و دغدغه‌ها را برطرف کند. البته اشاره آن‌ها به برطرف کردن برخی از مسائل و دغدغه‌ها نمی‌تواند منجر به این شود که همه آن‌ها برطرف شوند و دشواری تازه‌ای برای نظام علمی یا نشر علمی به وجود نیاید. می‌توان گفت این دگرگونی‌ها با رشد علم، فناوری و نوآوری همچنان ادامه خواهند داشت.

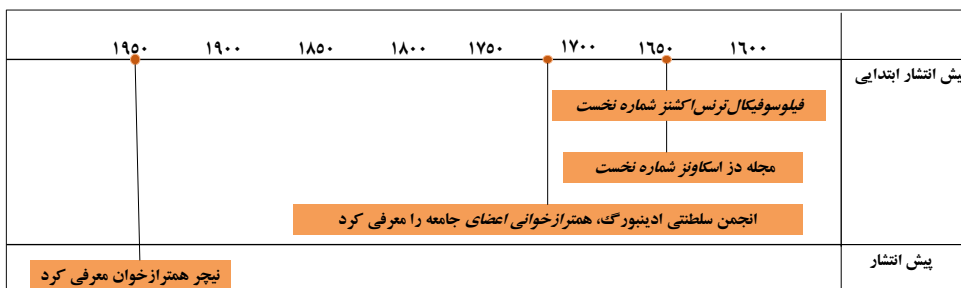
از دیدگاه تبنت و همکارانش (۲۰۱۹) در پنج تا ده سال گذشته موج شتابان نوآوری در هم‌ترازخوانی را شاهد بوده‌ایم که آن را مرحله انقلابی^۱ نامیده‌اند. طرح‌هایی مانند «بیانیه سان‌فرانسیسکو»^۲ نمونه‌هایی از این دست اقدام‌ها به شمار می‌روند؛ این طرح در خصوص ارزیابی پژوهش‌هایی بود که به دنبال تغییر نظام‌مند در نحوه ارزیابی نتایج پژوهش‌های علمی و پیشرفت در فناوری‌های وبی به عنوان تسهیل‌گر نوآوری بودند. از دیدگاه آن‌ها، نتیجه این تغییرهای به وجود آمده این شده که هم‌ترازخوانی مدرن بسیار پیچیده شده است. آن‌ها به نقل از راپر^۳ چنین اتفاقی را مرتبط به تغییر گسترده به سمت «فرهنگ علمی نئولیبرال»^۴ رقابتی دانسته یا در نتیجه آن می‌دانند. از دیدگاه آن‌ها، تلاش‌های نوآورانه‌ای برای جداکردن^۵ هم‌ترازخوانی از روند چاپ و انتشار و افزایش روزافزون پژوهش‌های منتشرشده صورت گرفته است. این تلاش‌ها یا برای جداکردن هم‌ترازخوانی از نشر و با در نظر گرفتن هم‌ترازخوانی به عنوان فرآیند پوششی^۶ بر مقاله‌های پژوهشی منتشر شده است یا با پیگیری رویکرد «نخست منتشر کن، سپس از صافی بگذران»^۷، با هم‌ترازخوانی پس از انتشار اولیه نتایج پژوهش‌ها همراه شده است.

آن‌ها انتشار مجله‌های دیجیتال‌بنیانی^۸ همچون مجموعه پی‌اِل‌اِس^۹ که امکان بیان دیدگاه

1. Revolutionary
2. San Francisco declaration
(ascb.org/dora/; DORA)
3. Raaper
4. Neoliberal academic culture

5. Decouple
6. Overlay
7. Publish first, filter later
8. Digital born
9. Public Library of Science

دربارهٔ مقاله‌های منتشرشده را فراهم می‌کرد و امکان ارائهٔ پاسخ‌های سریع^۱ در مجلهٔ بی/م‌جی^۲ به‌عنوان بستری برای اظهارنظرهای رسمی را از جمله اقدام‌های بسیار موفق در این میان نام می‌برند. از دیدگاه آن‌ها، چنین طرح‌هایی باعث دگرگونی در پلتفرم‌های یادداشت‌گذاری میان ناشرانی همچون پاب‌پیر^۳ و پیپ‌هایو^۴ شد. بعضی از مجله‌ها همچون اف/۱۰۰۰ ریسرچ^۵ و دوینوور^۶ نیز بر پایهٔ مدلی استوارند که هم‌ترازخوانی پس از دسترسی عمومی در آن‌ها انجام می‌گیرد. از دیگر خدماتی که در این زمینه و در ابتدای دههٔ دوم قرن بیست‌ویکم به‌وجود آمدند می‌توان پابلونز^۷ را نام برد؛ داوران می‌توانند در این پلتفرم فعالیت‌های خود را به‌عنوان داور مشخص و به همگان معرفی کنند. آکادمیک کارما^۸ و پلتفرم‌هایی مانند ساینس/وپن^۹ نیز هر یک نوآوری‌هایی از نظر شفافیت، شهرت، ارزیابی عملکرد و تعامل با جامعه، نسبت به سایر برنامه‌های وبی و پلتفرم‌های اجتماعی اشتراک‌هایی ایجاد کردند. آن‌ها روند زمانی تکامل هم‌ترازخوانی را به شکل نمودارهای زیر ترسیم کرده‌اند (به نمودار ۱، ۲ و ۳ بنگرید).



نمودار ۱. روند زمانی تکامل هم‌ترازخوانی؛ خاستگاه آغازین

1. Rapid responses
2. Bio Medical Journal (BMJ)
3. PubPeer
4. PaperHive
5. F1000 Research

6. The Winnower
7. Publons (<https://publons.com/about/home/>)
8. Academic Karma
9. Science Open

۲۰۱۰	۲۰۰۵	۲۰۰۰	۱۹۵۰	۱۹۹۰	
پیش از نشر	راه‌اندازی پلاس وان با موضوع داوری				
تسهیلگر داوری باز		راه‌اندازی ویکی‌پدیا	راه‌اندازی پایگاه علمی آرکیو		
پیش از نشر باز		بیومدستروال اسامی داوران را منتشر می‌کند			
	مجله نیچر داوری آزمایشی را راه‌اندازی می‌کند				
پیش و پس از انتشار		اتمسفریک کمستری اند فیزیکز داوری عمومی را ارائه می‌کند			
پس از نشر باز	پلاس کامنت‌های عمومی را در مقاله‌ها ارائه می‌کند				

نمودار ۲. روند زمانی تکامل هم‌ترازخوانی (سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۰)

۲۰۱۷	۲۰۱۶	۲۰۱۵	۲۰۱۴	۲۰۱۳	۲۰۱۲	۲۰۱۱	۲۰۱۰	۲۰۰۹	
طرح داوری آشکارا راه‌اندازی شد									خط‌مشی
					با همکاری هم‌ترازخوانی ای‌لایب راه‌اندازی شد				پیش‌نشر آشکارا
			کامنت‌های پایمند راه‌اندازی شد						پس از نشر آشکارا
			اف ۱۰۰۰ ارسرچ راه‌اندازی شد						
			ساینس‌اوپن راه‌اندازی شد						
		پیر هیو راه‌اندازی شد		پاب‌پیر راه‌اندازی شد					پس از نشر آشکارا جداکننده
					هایپوتیز راه‌اندازی شد				
					پالپونز راه‌اندازی شد				خدمات بازشناسی
					دایرکیو راه‌اندازی شد				پیش‌نشر جداکننده
					پیریج آف ساینس راه‌اندازی شد				
			اکسوزریو راه‌اندازی شد						
				پیریجی راه‌اندازی شد					پیش و پس از انتشار اختیاری آشکارا
		وین‌نوور راه‌اندازی شد							پیش از نشر اختیاری آشکارا
	پاب‌پاب راه‌اندازی شد								
	ریو راه‌اندازی شد								پیش و پس از نشر اختیاری آشکارا
		ساینس‌اوپن هم‌ترازخوانی را با امضاء معرفی کرد							پس از نشر اختیاری آشکارا

نمودار ۳. روند زمانی تکامل هم‌ترازخوانی (سال‌های ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۷)

آنچه که نگاه تَنَّت و همکارانش (۲۰۱۹) را از دیگر افراد در این حوزه موضوعی متمایز می‌کند، تأکید و تأثیر فناوری‌های وبی موجود بر فرایند هم‌ترازخوانی است که زیست‌بوم نشر مجله‌های علمی را تغییر داده و به سمت وسویی برده است که بازگشت به پیش از آن را نشدنی یا دست‌کم بسیار دشوار می‌نمایاند. به بیان دیگر، سرنوشت و آینده‌ای که آنها برای مجله‌های علمی بازنمون می‌کنند به دگرگونی‌های فناورانه گره خورده است و البته تحت تأثیر عملکرد جامعه علمی، به سوی ارتباط علمی تحت تأثیر علم آزاد^۱ و شبکه‌های اجتماعی و تفکر پلتفرمی^۲ است. نمونه بسیار روشن آن نیز پلتفرم پابلونز است که تأثیر کنونی آن میان سایر پلتفرم‌ها بیشتر دیده می‌شود (برای آگاهی بیشتر به فصل دوم، بخش «سامانه‌ها و پلتفرم‌های هم‌ترازخوانی» بنگرید). با این حال، برای تشریح بهتر این کنش‌ها و واکنش‌های فناورانه لازم است نوعی نگاه فرایندی و نظام‌مند نیز به هم‌ترازخوانی داشته باشیم تا بتوانیم آن را با دقت و تأمل بیشتری در ادامه مطرح کنیم.

نظام هم‌ترازخوانی و فرایند آن

در ساده‌ترین نگاه به هم‌ترازخوانی، دو نوع نظام هم‌ترازخوانی در مجله‌های علمی انجام‌پذیر است:

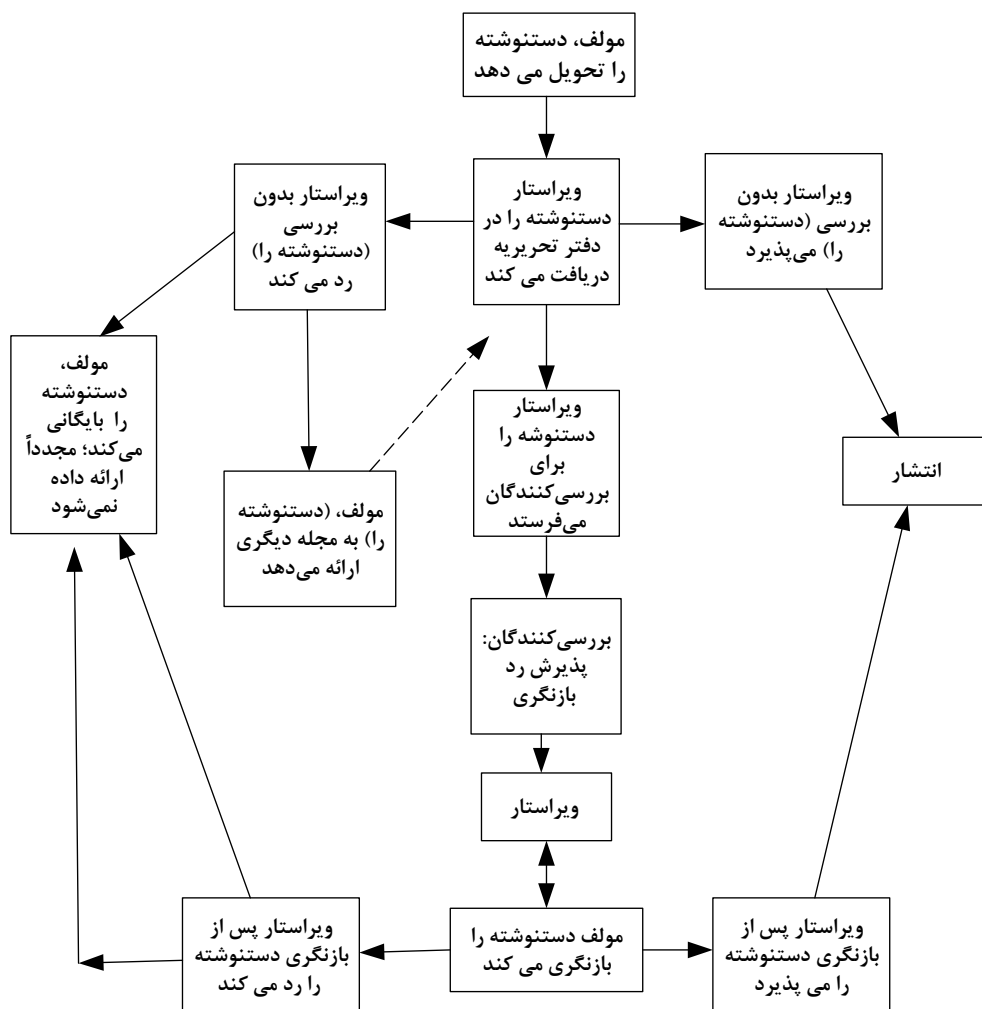
- ✧ نوع اول، نظام هم‌ترازخوانی سردبیرانه^۳ است که در این حالت، فرایند بیشتر به صورت غیرمدون است و سردبیر به تنهایی همه تصمیم‌ها را برمی‌گزیند. اگرچه این روش زمانی مرسوم بود، امروزه دست‌کم میان مجله‌های علمی معتبر چندان متداول نیست.
- ✧ نوع دوم، نظام هم‌ترازخوانی است که الگوی متداول و معمول آن، حضور سردبیر یا گروهی از دبیران (هیئت تحریریه) همراه با دست‌کم دو داور است که در این فرایند با هم همکاری دارند.

بنابراین لازم به نظر می‌رسد هم‌ترازخوانی را به صورت فرایندی ببینیم که می‌تواند در اجرای اخلاقی هم‌ترازخوانی تأثیرگذار باشد. به بیان دیگر، نظام هم‌ترازخوانی اجزایی دارد که با شناخت دقیق آن اجزا می‌توان کاستی‌های نظام را به درستی پایش و در ادامه، بهبود آن را دنبال کرد. پژوهش‌هایی در ارتباط با فرایند هم‌ترازخوانی و تأثیر آن بر بهبود هم‌ترازخوانی انجام شده است؛ برای نمونه، کال^۱ و همکارانش (۲۰۱۳) دیدگاه سردبیران را با این موضوع بررسی کردند که اگر پدیدآوران نتایج هم‌ترازخوانی مقاله‌های رده‌شده خود را به مجله جدید بفرستند، آیا در کاهش حجم بار پدیدآوران و داوران و سردبیران تأثیر مثبتی خواهد داشت یا خیر. یافته‌های این پژوهش نشان داد بیشتر سردبیران، تأثیر بالقوه این عمل را در تسریع هم‌ترازخوانی و پذیرش مقاله و انتشار آن مثبت دانستند. به بیان دیگر، این پژوهش به تغییر در بخشی از نظام هم‌ترازخوانی و تأثیر آن بر نتیجه هم‌ترازخوانی پرداخته است.

پژوهش‌ها تنها به نظام هم‌ترازخوانی محدود نشده است و برخی از پژوهش‌ها نیز به فرایند هم‌ترازخوانی پرداخته‌اند؛ برای نمونه، پاتل^۲ (۲۰۱۴) در مطالعه‌ای به ضرورت آموزش و تخصصی‌سازی در فرایند هم‌ترازخوانی اشاره کرده است. در این مطالعه موردی، وی با تکنیک کنترل تصادفی داوران، کیفیت عملکرد آن‌ها را ارزیابی کرد. پاتل نتیجه گرفت که آموزش داوران در کنار ارزیابی دوره‌ای عملکرد آن‌ها می‌تواند بسیاری از دشواری‌های هم‌ترازخوانی مجله‌های پزشکی را کاهش دهد. بنابراین، می‌توان گفت هم‌ترازخوانی هر اثر، فرایندی خطی نیست و باید در نظر داشت که فرایند هم‌ترازخوانی دربرگیرنده ذی‌نفعان گوناگونی است که هر کدام خواسته، انتظار و سوگیری احتمالی ویژه خود را دارند.

ولر (۲، ۱۳۸۹) فرایند کلی و معمول هم‌ترازخوانی در مجله‌های علمی را این‌گونه شرح می‌دهد: وقتی پدیدآوری اثری را به مجله‌ای تخصصی می‌فرستد، دبیر مجله دو یا چند داور یا هم‌ترازخوان را برای ارزیابی اثر انتخاب می‌کند و نسخه‌ای از اثر را برای هر یک از آن‌ها می‌فرستد. از داوران خواسته می‌شود درباره پذیرش، پذیرش همراه با اصلاحات یا رد کردن اثر نظر بدهند. آنگاه دبیر یا دبیران تصمیم می‌گیرند که توصیه‌های داوران را بپذیرند یا

نپذیرند. اگر داوران با انتشار مقاله موافق نباشند، دبیر می‌تواند اثر را به گروه دیگری از داوران بسپارد یا بدون بررسی بیشتر، تصمیم نهایی را مبنی بر رد یا پذیرش اثر اعلام کند (به نمودار ۴ بنگرید).



نمودار ۴. مسیر اثر در فرایند هم‌ترازخوانی دبیرانه (ولر ۱۳۸۹، ۲)

به‌طور معمول، در طول فرایند داوری با رویکرد هم‌ترازخوانی، دبیران از داوری دوسو

پنهان^۱ استفاده می‌کنند؛ اما اینکه چنین رویکردی در همه مجله‌های علمی جریان داشته باشد، چیزی است که در بخش‌های بعدی به آن‌ها می‌پردازیم (برای آگاهی بیشتر، بنگرید به بخش «گونه‌های هم‌ترازخوانی»). دبیران گاهی فرمی را به داوران می‌دهند تا تکمیل کنند. احتمال دارد چندین صفحه رهنمود نیز به آنان ارائه دهند یا اینکه فقط از آن‌ها نظرخواهی کنند. از دیدگاه ولر گزارش داوران به چند روش استفاده می‌شود: دقیقاً به همان صورت نوشته شده به پدیدآور ارجاع می‌شوند یا دبیر نظرها را خلاصه می‌کند یا صرفاً نظر نهایی را بدون توضیح‌های داوران به پدیدآور ارائه می‌دهد. داوران فقط نقش مشاور دارند و دبیر می‌تواند تصمیم‌هایی خلاف نظرهای همه داوران بگیرد و گاهی این کار را هم می‌کند. او ممکن است به این دلیل که موضوع به‌جا، جالب، تفکربرانگیز یا جنجالی است، تصمیم بگیرد اثری را منتشر کند (ولر ۱۳۸۹، ۳). همچنین، گاهی سیاهه واری یا رهنمودهای تفصیلی برای داوران ارائه می‌شود. اغلب وقتی که ارزیابی اثری از داوران درخواست می‌شود، داور نسخه‌ای از این سیاهه واری یا این‌گونه رهنمودها را نیز دریافت می‌کند (همان، ۲۹).

از دیدگاه شامو و رزنیک (۱۳۹۴، ۲۳۷) به‌طور معمول اگر هر دو داور به تأکید بر پذیرش یا رد مقاله‌ای نظر داده باشند، سردبیر نیز نظر آن‌ها را می‌پذیرد. با این حال، وقتی داوران در پذیرش یا رد تردید دارند یا اگر میان دو داور اختلاف نظر وجود داشته باشد، تصمیم نهایی را سردبیر می‌گیرد. برخی سردبیران ممکن است به سادگی مقاله‌ای را پذیرفته یا به همان سادگی آن‌را رد کنند، حال آنکه برخی دیگر ممکن است آن را به ارزیاب سومی بفرستند تا تصمیم درستی درباره اختلاف نظر ایجادشده میان دو ارزیاب نخست اتخاذ کند. البته، در برخی حالت‌های نادر ممکن است سردبیران بر این نظر باشند که ارزیاب‌ها به‌طور کامل اشتباه کرده‌اند و مقاله‌ای را که آن‌ها رد کرده‌اند، بپذیرند یا برعکس. هیمز (۲۰۰۷) بر این باور است که حتی یادداشت‌ها و اظهارنظرهای بالقوه توهین‌آمیز و تحقیرآمیز داوران را لازم است اعضا یا دست‌اندرکاران مجله ویراستاری کنند. البته در این میان دردسرهایی نیز به‌وجود می‌آید؛ برای نمونه، شاید داوران هویت خودشان را در گزارش‌های هم‌ترازخوانی

آشکار کنند و اگر دیدگاه آن‌ها ویرایش شود و به‌درستی بازنمون یا ارائه نشود، ممکن است باعث ناراحتی داوران یا پدیدآوران شود.

از سوی دیگر، امروزه سامانه یا دست کم وبگاهی برای داوری مجله‌ها راه‌اندازی شده است که در آن رویه‌های استاندارد برای داوری اثر، شیوه انتخاب داوران، زمان صرف شده برای هر اثر، تعداد دفعات استفاده از داوران و نامه‌های فرم‌گونه در آن‌ها تعبیه شده باشد. با وجود چنین سامانه‌هایی می‌توان گفت فرایند هم‌ترازخوانی آثار نمی‌تواند مقوله‌ای حسی و شهودی^۱ باشد، بلکه به آموزش و تجربه‌ای نیاز دارد که کسب آن همیشه آسان نیست. در حقیقت داور، مشاور برای پدیدآور است و موظف است هر آنچه را او ندیده است، ببیند. بنابراین، داور می‌تواند به اندازه پژوهشگر، همکار، استاد راهنما یا استاد مشاور کمک‌کننده و راهنما باشد (ابویی اردکان، میرزایی و شیخ شعاعی ۱۳۹۱). به‌باور شامو و رزنیک (۱۳۹۴، ۲۳۷) رهنمودهایی که به داوران داده می‌شود، به‌طور معمول نادیده گرفته می‌شوند و داوران تصمیم‌های خود را بر اساس عامل‌هایی اتخاذ می‌کنند که به‌نظرشان درست می‌آید. این نادیده گرفتن ممکن است باعث بروز دشواری‌ها و مسئله‌های اخلاقی شود و پیامدهای آن همه اعضای درگیر در هم‌ترازخوانی، به‌ویژه کنش‌گران و کنش‌پذیران اصلی را درگیر کند. رهنمودهای ارائه‌شده در کوپ، به هم‌ترازخوانی‌های انجام‌شد بر مقاله‌های ارسالی به مجله‌ها اشاره دارد؛ اما می‌تواند برای هم‌ترازخوانی‌های پلتفرم‌های دیگر و برای دیدگاه‌های همگانی پیش یا پس از انتشار نیز به‌کار آید. دیگر داورها، از جمله پیش‌چاپ‌ها^۲، پژوهانه‌ها، کتاب‌ها، مقاله‌های همایش، گزارش‌های ثبت‌شده و داده‌ها چهارچوب اخلاقی مشابهی دارند؛ اما فرایند آن، بسته به نوع منبع و نوع هم‌ترازخوانی درخواستی متفاوت خواهد بود. کوپ این‌گونه بیان می‌کند که مدل هم‌ترازخوانی بر عناصر فرایند هم‌ترازخوانی تأثیر می‌گذارد و ممکن است با ترکیبی از انتخاب یکی از گزینه‌های هر ردیف در جدول زیر به‌کار رود (به جدول ۱ بنگرید).

جدول ۱. مدل‌های هم‌ترازخوانی بر پایه رهنمودهای کوپ

زمان‌بندی کارکرد	پیش‌چاپ ^۳	پیش از انتشار ^۲	پس از انتشار ^۱
شناسایی‌پذیری	دوسو پنهان	یک‌سو پنهان ^۴	آشکار
میانجی‌گری	سردبیران همه تعامل‌های میان داوران و پدیدآوران را میانجی‌گری می‌کنند	داوران با یکدیگر آشکارا تعامل دارند	داوران و پدیدآوران با یکدیگر آشکارا همکاری می‌کنند
انتشار	گزارش هم‌ترازخوانی‌ها منتشر نمی‌شوند	هم‌ترازخوانی‌ها منتشر شده اما امضاء نمی‌شوند	هم‌ترازخوانی‌ها منتشر و امضاء می‌شوند
اجرا	هم‌ترازخوانی توسط مجله انجام می‌شود	هم‌ترازخوانی توسط شخص سوم ^۵ انجام می‌شود	هم‌ترازخوانی توسط پدیدآوران انجام می‌شود
مالکیت	هم‌ترازخوانی متعلق به یک مجله یا شخص سوم است	هم‌ترازخوانی متعلق به داوران است	مالکیت هم‌ترازخوانی مشترک یا ترکیبی است

از دیدگاه کالاهام^۶ (۲۰۰۳) همه داوران باید از انتظارهای مجله آگاه باشند و سردبیران نیز باید تلاش کنند که به آن‌ها آموزش دهند و به کسانی که به آموزش نیاز دارند منابع آموزشی پیشنهاد کنند. سردبیران باید به صورت مداوم کیفیت فعالیت داوران را بررسی کنند. کیفیت بازخورد و سایر ویژگی‌های عملکرد هم‌ترازخوانی نیز باید به صورت دوره‌ای ارزیابی شود تا عملکرد مجله بهینه شده و به تصمیم‌گیری مجدد کمک کند. داده‌هایی که عملکرد شخصی داوران را ارزیابی می‌کند، باید محرمانه باشد. گاهی معیارهای عملکرد^۷ نیز برای بررسی تغییر در فرایندهایی به کار می‌روند و عملکرد مجله را بهبود می‌دهند. از سوی دیگر، پژوهش درباره فرایند هم‌ترازخوانی طیف‌های گوناگونی را دربرمی‌گیرد،

1. Post publication

2. Pre publication

3. Pre print

۴. برای این نوع از داوری در متون گوناگون، از

واژه‌هایی همچون anonymous, blind/blinded, hidden استفاده شده است؛ اما بیشتر واژه

blind/blinded با برابر نهاد «ناشناس» به کار رفته

است. از سوی دیگر، واژه پنهان در برابر آشکار

قرار دارد و معنای متضادی را به وجود می‌آورد. از

این رو، از این پس در این کتاب به جای همه واژگان استفاده شده از برابر نهاد «ناشناس» استفاده می‌شود.

5. Third party

6. Callahan

7. Performance measurements

از جمله مدل‌های گوناگون هم‌ترازخوانی و به‌طور عمده، هم‌ترازخوانی آشکار در مقابل هم‌ترازخوانی پنهان^۱ که پژوهش دربارهٔ این نوع از هم‌ترازخوانی‌ها همچنان ادامه دارد. ورود فناوری‌های جدید و سازوکارهایی همچون ویکی‌ها^۲ و نظام‌های مدیریت آثار^۳ نیز با اینکه چشم‌اندازهایی برای حل مسائل قدیمی ارائه می‌دهند، خود سبب ایجاد دشواری‌ها و مسئله‌های جدیدی می‌شود. برای نمونه، هافمن^۴ به مزایای تألیفی ویکی‌ها خوش بین است؛ اما مارکینینی^۵ دربارهٔ شفافیت بیش از اندازهٔ نظام‌های آنلاین اظهار نگرانی می‌کند (سودر^۶، ۲۰۱۱). از این رو، می‌توان یکی از این مسئله‌ها را رد پای عمدتاً دیجیتالی دانست که به سبب ویژگی‌های ذاتی یا عمکردی این فناوری‌ها، هنگام خلق اثر یا داوری آن از سوی کنشگران بر جای می‌ماند.

البته این مسئله به‌خودی خود اهمیت ویژه‌ای ندارد؛ اما به‌دلیل تأثیری که در شناخت و البته به‌رسمیت شناختن هویت افراد دارد، می‌تواند دشواری‌هایی را ایجاد نماید (برای آگاهی بیشتر به بخش «هویت در هم‌ترازخوانی» مراجعه کنید). به بیان دیگر، شناسایی هویت کنشگران در هم‌ترازخوانی و داوری، دروازه‌ای به مسئله‌ها و دشواری‌های دیگری می‌گشاید که می‌تواند بر پیچیدگی‌های اجرای پیروزمندانه و هدفمند داوری علمی بیافزاید. البته با کاربست شیوه‌ها و رویکردهای دیگری همچون هم‌ترازخوانی مشارکتی، این مسئله‌ها و دشواری‌ها به فضای دیگری سوق پیدا می‌کنند؛ به این صورت که گاه مرز میان هم‌ترازخوانی و پدیدآوری روشن و متمایز نیست و گاهی به سبب دشواری‌های مرتبط با انتشار روزآمد آثار و تشتت در اهداف و نگرش‌های میان کنشگران در هم‌ترازخوانی و پدیدآوری، اثر سرانجام روشن و درخور توجهی پیدا نمی‌کند، دست کم در برخی از حوزه‌های موضوعی. از این رو شناخت دقیق گوناگونی‌های موجود در مدل‌های هم‌ترازخوانی می‌تواند زمینه

۱. می‌توان برای واژه پنهان، برابرنهاده‌هایی همچون

مخفی، کور، ناپیدا و ناشناس معرفی کرد؛ اما به این

دلیل که هویت کنشگران اهمیت دارد، از واژه پنهان

به جای Blind استفاده شده است.

2. Wikis

3. Manuscript management systems

4. Hoffmann

5. Marchionini

6. Souder

مناسبی برای اجرای بهینه آن‌ها فراهم کند.

همان‌گونه که پیش‌تر اشاره شد، یکی از مدل‌های هم‌ترازخوانی پنهان به‌نام هم‌ترازخوانی دوسو پنهان، اقبال بیشتری یافته است. با این حال، مدل‌های دیگر هم‌ترازخوانی نیز در حال رشد هستند و در آن‌ها بر عکس مدل سنتی، هویت پدیدآوران و داوران برای یکدیگر مشخص است. از این مدل‌های جدید که در آن هم‌ترازخوانی مقاله پس از انتشار آن صورت می‌گیرد، حتی بسیاری از طرفداران مدل‌های سنتی نیز استقبال کرده‌اند. بیش از یک دهه پیش، وِر^۱ (۲۰۰۸) بر این باور بود که در آینده اقبال بیشتر این مدل‌ها در میان جامعه نشر علمی دور از تصور نیست؛ اما هنوز پشتیبانی زیادی برای جایگزین شدن کامل آن‌ها به جای هم‌ترازخوانی دوسو پنهان یا حتی به‌عنوان مکمل آن صورت نگرفته است. این در حالی است که با وجود به‌کارگیری پلتفرم‌هایی همچون پابلو^۲، جریان هم‌ترازخوانی آشکار قوت و قدرت بیشتری گرفته است. اشاره به این نکته الزامی است که همه مدل‌های هم‌ترازخوانی باید به‌سوی تکامل کیفیت مجله بروند؛ چرا که به باور فتاحی (۱۳۹۰) هدف ضمنی هم‌ترازخوانی مقاله تبدیل قضاوت ذهنی و شخصی به فرایندی عینی و ملموس است. از پیامدهای این رویکرد، پرهیز از بروز خطا در ارزیابی و نیز اعمال سلیقه‌های شخصی است تا ضمن حفظ یکدستی و انسجام در ارزیابی، حرکت جامعه علمی به‌سوی تفکر منطقی و عینیت‌گرایی و دانش‌مداری تسهیل شود.

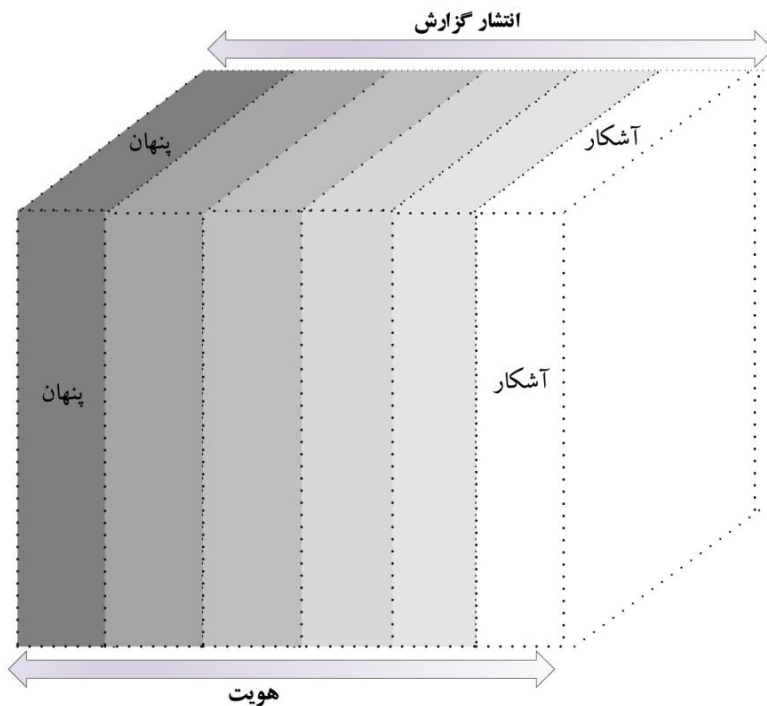
البته باید در نظر داشت که از دیدگاه وِندلر و میلر^۲ (۲۰۱۴) مجله‌ها رویکرد متفاوتی در هم‌ترازخوانی دارند؛ به‌طور معمول، مجله‌های پزشکی هم‌ترازخوانی یک‌سو پنهان را انجام می‌دهند که در آن، داوران هویت پدیدآوران را می‌شناسند؛ اما پدیدآوران از هویت داوران آگاهی ندارد. از دیدگاه آن‌ها هویت داوران به این سبب پنهان می‌شود که به آن‌ها اجازه می‌دهد بازخورد صادقانه خود را بدون نگرانی از انتقاد پدیدآوران به هم‌ترازخوانی‌های منفی آن‌ها ارائه دهند. با این حال، آشکاربودن هویت داور ممکن است او را به هم‌ترازخوانی دقیق‌تر تشویق کند. طبیعی است اگر هم‌ترازخوانی داوران در معرض تأیید یا رد باشند، آن‌ها

مراقبت بیشتری در انجام هم‌ترازخوانی خواهند داشت. افزون بر این، این استدلال وجود دارد که پنهان‌بودن هویت داوران با استانداردهای علمی برای شفافیت و کاهش مسئولیت داوران تناقض دارد. برای نمونه، بی/م‌جی هم‌ترازخوانی آشکار را در دستور کار خود قرار داده است؛ در این شیوه، داوران مجبورند هم‌ترازخوانی‌های خود را امضا کنند و به پدیدآوران این امکان را می‌دهد که نظرهای داوران را همراه با پاسخ‌های خود منتشر کنند. بنابراین، تصمیم‌گیری درباره انتشار و افشای هویت داوران بخشی از فرایند است که ممکن است دقت اجرای هم‌ترازخوانی‌های آن‌ها را افزایش بدهد. از دیدگاه وندلر و میلر، این مزیت‌های بالقوه ممکن است با کاهش شفافیت در بیان نظرهای انتقادی داوران به کاهش کیفیت هم‌ترازخوانی منجر شود. همچنین به نظر می‌رسد این نگرانی، به‌خصوص در حوزه‌های نسبتاً کوچک، فشاری مضاعف برای هم‌ترازخوانان به همراه خواهد داشت. افزون بر آن، احتمالاً هم‌ترازخوانی آشکار، پژوهشگران جدید را از انجام هم‌ترازخوانی‌های انتقادی اثر پژوهشگران برجسته باز می‌دارد؛ به دلیل ترس از اینکه این کار ممکن است تأثیری منفی بر چشم‌اندازهای شغلی آن‌ها داشته باشد. البته مزیت‌ها و کاستی‌های هم‌ترازخوانی آشکار و پنهان، بحث‌های فراوانی را ایجاد کرده که «هویت» یکی از این بحث‌هاست (برای آگاهی بیشتر به بخش «هویت در داوری» بنگرید)؛ با این حال، برای اینکه به‌درستی به جایگاه هویت در هم‌ترازخوانی پرداخته شود، لازم است به گونه‌های هم‌ترازخوانی و تفاوت و تمایز میان آن‌ها اشاره‌ای بکنیم.

گونه‌های هم‌ترازخوانی

همان‌طور که پیش‌تر نیز اشاره شد، به‌طور کلی چند نوع هم‌ترازخوانی را می‌توان برای آثار علمی مد نظر قرار داد. مهم‌ترین و مشخص‌ترین تمایز میان گونه‌های هم‌ترازخوانی‌ها به هویت داور و پدیدآور اثر ارتباط پیدا می‌کند، نه سایر کنشگران؛ زیرا به‌طور معمول، هویت اعضای هیئت تحریریه و سردبیران مجله‌های علمی شناخته شده است. از این رو، هنگامی که از آشکار یا پنهان‌بودن هویت داور و پدیدآور و دیگر مشارکت‌کنندگان در هم‌ترازخوانی (از جمله سردبیر) سخن به میان می‌آید، درباره درجه‌ای از آشکار یا پنهان‌بودن صحبت می‌شود.

آشکار یا پنهان بودن فرایند هم‌ترازخوانی زمانی پیچیده‌تر می‌شود که برای انتشار گزارش هم‌ترازخوانی نیز درجه‌ای از آشکار یا پنهان بودن وجود داشته باشد. بنابراین، آشکار بودن هویت داور و پدیدآور به معنای هم‌ترازخوانی آشکار نیست. دسته‌بندی‌های گوناگونی را در این خصوص می‌توان ارائه کرد. زمانی می‌توان گفت هم‌ترازخوانی و فرایند آن به‌طور کامل آشکار است که افزون بر آشکار بودن هویت داوران و پدیدآوران، گزارش‌های هم‌ترازخوانی نیز برای همگان پیگیرپذیر^۱، مشاهده‌پذیر^۲ و در دسترس^۳ باشد. در مقابل این رویکرد، هم‌ترازخوانی پنهان قرار دارد که در آن نه تنها هویت داوران و پدیدآوران برای یکدیگر آشکار نیست، گزارش‌های هم‌ترازخوانی نیز برای همگان پیگیرپذیر، مشاهده‌پذیر و در دسترس نیست. این طیف را می‌توان به شکل نمودار زیر ترسیم کرد.



نمودار ۵. هم‌ترازخوانی پنهان و آشکار از نظر هویت و انتشار گزارش

1. Tractable
2. Observable

3. Available

فارغ از این طیف، می‌توان هم‌ترازخوانی را از نظر آشکاربودن هویت ذی‌نفعان، انتشار گزارش هم‌ترازخوانی، امکان انتقال گزارش‌ها و اجرای فرایند داوری توسط سوم‌شخص نیز دسته‌بندی کرد. با توجه به اهمیت و کاربرد فراوان گونه‌های هم‌ترازخوانی، ارتباط آن با هویت افراد درگیر در فرایند هم‌ترازخوانی و پیوند موضوعی با اثر حاضر، نخست با ویژگی‌های هم‌ترازخوانی آشکار آشنا می‌شویم. البته طبیعی است به دلیل‌هایی که به برخی از آن‌ها اشاره شد، به هم‌ترازخوانی آشکار در برابر هم‌ترازخوانی پنهان، بیش از دیگر گونه‌ها توجه شود.

۱. هم‌ترازخوانی آشکار (آزادانه یا باز)

هم‌ترازخوانی آشکار را می‌توان جزء یا حلقه‌ای از زنجیره یا نظام علم آزاد^۱ دانست که در کنار داده‌های آزاد^۲، منبع آزاد^۳، روش‌شناسی آزاد^۴، دسترسی آزاد^۵ و منابع آموزشی آزاد^۶ قرار گرفته است. مهم‌ترین ویژگی این نوع هم‌ترازخوانی این است که هویت پدیدآور و داور برای یکدیگر آشکار باشد؛ افزون بر این، گزارش‌های هم‌ترازخوانی نیز منتشر و مشهود باشد. درباره ویژگی‌ها، مزیت‌ها و عیب‌های این نوع از هم‌ترازخوانی پژوهش‌های بسیاری انجام شده و موافقان و مخالفانی دارد. موافقان این نوع هم‌ترازخوانی بر این باورند که هم‌ترازخوانی آشکار باعث بهبود کیفیت مقاله و هم‌ترازخوانی و همچنین باعث انگیزه بیشتر داوران، به‌ویژه برای انتشار دیدگاه داور به‌عنوان بخشی از مقاله می‌شود. از سوی دیگر، مخالفان نیز بر این باورند که نگرانی از شناسایی هویت در نظام آزاد علم باعث خودداری هم‌ترازخوانان از بیان شفاف و روشن دیدگاهشان می‌شود.

البته از دیدگاه راس و هِلوئر (۲۰۱۷) درباره ویژگی‌ها و پیاده‌سازی‌های هم‌ترازخوانی آشکار اصول و تعریف استاندارد وجود ندارد و درباره این موضوع در پیشینه علمی، تعریف‌هایی مشترک و البته متناقض وجود دارد. برخی از پژوهشگران از این عبارت برای

1. Open Science
2. Open
3. Open source

4. Open methodology
5. Open access
6. Open educational resources

هم‌ترازخوانی‌ای استفاده می‌کنند که در آن هویت پدیدآور و داور برای یکدیگر فاش نیست و برخی دیگر، نظام‌هایی را هم‌ترازخوانی آشکار می‌دانند که گزارش‌های هم‌ترازخوانی را همراه با مقاله‌ها منتشر می‌کنند. همان‌گونه که پیش‌تر نیز اشاره شد، تمایزی که میان گونه‌های هم‌ترازخوانی وجود دارد، در هم‌ترازخوانی آشکار نیز مطرح است و برخی همچون ور (۲۰۰۸) بر این باورند که بحث دربارهٔ ویژگی‌های هم‌ترازخوانی آشکار به اندازهٔ نام آن روشن و آشکار نیست. از این رو، راس و هِلوئر (۲۰۱۷) با مروری نظام‌مند، بیش از ۱۲۰ تعریف را بررسی کردند تا نوع‌شناسی منسجمی از این نوع هم‌ترازخوانی ارائه کنند. همچنین آن‌ها تلاش کردند تعریفی عمل‌گرایانه از هم‌ترازخوانی آشکار ارائه کنند. آن‌ها هم‌ترازخوانی آشکار را این‌گونه تعریف می‌کنند:

«عبارتی چترگونه برای روش‌های هم‌پوشان، همچون آشکارسازی هویت‌های داور و پدیدآور و انتشار گزارش‌های هم‌ترازخوانی و امکان مشارکت بیشتر در روند هم‌ترازخوانی.»

این نوع از هم‌ترازخوانی مخالفانی دارد؛ اما از دیدگاه آرمسترانگ^۱ (راس و هِلوئر ۲۰۱۷) هم‌ترازخوانی آشکار بر دیگر نظام‌های هم‌ترازخوانی برتری دارد. البته وی برای این برتری ویژگی‌هایی برمی‌شمرد؛ برای نمونه، نخستین ویژگی و مزیت هم‌ترازخوانی آشکار را این می‌داند که همتایان باید از دیدگاه‌های خود دفاع کنند. همچنین، لازم است پیش‌تر انگیزه انجام هم‌ترازخوانی خوب برای داوران فراهم شده باشد و به سبب هم‌ترازخوانی‌هایی که انجام داده‌اند، دست کم برای مقاله‌هایی که منتشر شده، هویت آن‌ها شناخته شود. از دیدگاه آرمسترانگ، هم‌ترازخوانی آشکار باعث بهبود ارتباط می‌شود؛ همچنین، داوران و پدیدآوران می‌توانند برای یافتن راه‌هایی برای بهبود اثر و نیز دربارهٔ مسائل چالش‌برانگیز آن بحث کنند. از دیدگاه او، در این میان عوامل گوناگونی همچون حذف گمنامی، انتشار گزارش‌های هم‌ترازخوانی، تعامل میان مشارکت‌کنندگان، جمع‌سپاری^۲ هم‌ترازخوانی و امکان پیش‌داوری^۳

1. Armstrong
2. Crowdsourcing

3. Pre-review

عمومی آثار اهمیت پیدا می‌کنند. به‌نظر آرمسترانگ، به‌طور معمول افشای هویت داوران به افزایش مسئولیت‌پذیری و به کمینه رساندن سوگیری منجر می‌شود. در این صورت، آن‌ها باید برای هم‌ترازخوانی منصفانه بسیار باانگیزه باشند تا در صورت نیاز، به دفاع از دیدگاه‌های خود بپردازند. آرمسترانگ بر این باور است که انتشار گزارش هم‌ترازخوانی نیز با دشواری‌های انگیزشی همچون دشواری کسب اعتبار و بیهودگی‌هایی همچون مشورت خوانندگان اثر همراه است. افزون بر این، این عوامل لزوماً به یکدیگر مرتبط نیستند؛ به این معنی که می‌توان آن‌ها را به‌طور جداگانه به‌کار گرفت، هویت‌ها می‌تواند بدون انتشار گزارش‌ها افشا شوند و گزارش‌های منتشرشده با حذف نام‌های داور همراه باشند.

با تعیین ویژگی‌های هم‌ترازخوانی آشکار شاید بتوان به تعریفی مناسب از آن نزدیک شد. به همین دلیل، فورد^۱ (راس و هلوئر ۲۰۱۷) هشت ویژگی مشترک هم‌ترازخوانی آشکار را چنین برمی‌شمارد: هم‌ترازخوانی امضا شده، هم‌ترازخوانی افشا شده، هم‌ترازخوانی به‌واسطه سردبیر،^۲ هم‌ترازخوانی شفاف،^۳ هم‌ترازخوانی جمع‌سپاری شده،^۴ هم‌ترازخوانی پیش از انتشار، هم‌ترازخوانی هم‌زمان^۵ و هم‌ترازخوانی پس از انتشار. با این حال، راس و هلوئر (۲۰۱۷) برای هم‌ترازخوانی آشکار ویژگی‌های دیگری همچون هویت آشکار، گزارش آشکار، مشارکت آشکار، پیش‌هم‌ترازخوانی آشکار، یادداشت‌گذاری بر روی نسخه نهایی^۶ آشکار، تعامل آشکار، و پلتفرم آشکار معرفی می‌کنند. از دیدگاه آن‌ها هم‌ترازخوانی با هویت آشکار، که به هم‌ترازخوانی امضا شده و و داوری بی‌پرده^۷ نیز شناخته می‌شود، نوعی هم‌ترازخوانی است که در آن پدیدآوران و داوران از هویت یکدیگر مطلع هستند. بنا به نظر راس و هلوئر، از آسیب‌های هم‌ترازخوانی پنهان این است که این نوع هم‌ترازخوانی می‌تواند همچون تیغی دو لبه عمل کند که از یک‌سو در برابر خطاهای احتمالی داور از او پشتیبانی می‌کند و از سوی دیگر به او اجازه می‌دهد بدون ترس از انتقام یا تلافی‌های احتمالی پدیدآوران آسیب‌دیده، بازخوردی صریح ارائه کند.

1. Ford
2. Editor-mediated
3. Transparent
4. Crowdsourced

5. Synchronous review
6. Final-version
7. Unblinded review

در هم‌ترازخوانی با گزارش آشکار، گزارش‌های کامل یا خلاصه هم‌ترازخوانی در کنار مقاله منتشر می‌شود. این نوع هم‌ترازخوانی برای استفاده دوباره اطلاعات علمی مفید است؛ ولی در این روش، هویت هم‌ترازخوانان می‌تواند مخفی بماند. بنابراین، در گزارش آشکار، شفافیت و پاسخ‌گویی افزایش می‌یابد و می‌تواند مباحث پشت پرده و فرایندهای بهبود و ارزیابی را بررسی و با رؤیت‌پذیرکردن فعالیت هم‌ترازخوانی آن‌ها، افزون بر افزایش شهرت و اعتبار، باعث تشویق بیشتر هم‌ترازخوانان شود.

از دیدگاه پیترز و سیسی^۱ (راس و هلوئر ۲۰۱۷) گزارش‌های منتشرشده هم‌ترازخوانی به مخاطبان کمک می‌کند انتقادهای مطرح‌شده از سوی داوران را در نظر بگیرند و این شانس را داشته باشند که این روند «اختلاف خلایقانه»^۲ را بررسی و ارزیابی کنند و دیدگاه خود را شکل دهند. با این حال، در هم‌ترازخوانی با مشارکت آشکار که هم‌ترازخوانی جمع‌سپاری‌شده، داوری جامعه/عمومی و هم‌ترازخوانی عمومی نیز شناخته می‌شود، این امکان وجود دارد که جامعه گسترده‌تری به روند هم‌ترازخوانی کمک کنند؛ در حالی که در هم‌ترازخوانی سنتی، سردبیران از هم‌تایان ویژه‌ای برای هم‌ترازخوانی دعوت می‌کنند. فرایندهای مشارکت آشکار از اعضای علاقه‌مند جامعه علمی دعوت می‌کند از طریق مشارکت کامل، هم‌ترازخوانی‌های ساختاریافته یا اظهارنظر کوتاه‌تر، به هم‌ترازخوانی‌های بهتری یاری رسانند.

البته به این نوع هم‌ترازخوانی نیز انتقادهایی وارد است که به طور معمول به انتقادهای مربوط به صلاحیت داوران برای اظهارنظر و انگیزه‌های انجام این کار معطوف می‌شود. همان‌طور که هارناده^۳ نیز اشاره می‌کند، مشخص نیست که مفسران خود برگزیده^۴، متخصصان واجد شرایط و مناسبی برای هم‌ترازخوانی باشند. جمعیت متخصص در هر تخصص خاص نیز منبعی کمیاب است که وقت و توان او از قبل با هم‌ترازخوانی سنتی مشغول بوده و امکان اختصاص وقتی بیشتر برای خدماتی همچون یادداشت‌گذاری برای داوران کمتر به وجود

1. Peters & Ceci
2. Creative disagreement

3. Harnad
4. Self-appointed commentators

می‌آورد. با این حال، هم‌ترازخوانی با تعاملی آشکار، گفت‌وگوی متقابل و مستقیم میان داوران و پدیدآوران را شدنی می‌کند و برای این کار داوران را تشویق می‌کند. در حالی که در هم‌ترازخوانی سنتی، داوران و پدیدآوران فقط با سردبیران مکاتبه می‌کنند و داوران هیچ تماسی با سایر داوران ندارند و پدیدآوران به‌طور معمول فرصتی برای پرسش از دیدگاه داوران یا پاسخ مستقیم به دیدگاه آن‌ها ندارند. اجازه تعامل میان داوران یا میان پدیدآوران و داوران، راه دیگری برای آشکارسازی روند هم‌ترازخوانی است و به سردبیران و داوران یاری می‌رساند با پدیدآوران همکاری کنند تا آثار خود را بهبود بخشند.

پیش‌داوری نیز نوع دیگری از هم‌ترازخوانی آشکار است که در آن هم‌ترازخوانی آثار از طریق شبکه جهانی اینترنت، از قبل یا هم‌زمان با همه مراحل هم‌ترازخوانی رسمی امکان‌پذیر است. آرکایودات/وآرجی^۱ و بایوآرکایودات/وآرجی^۲، مخازن سازمانی، مخازن عمومی^۳ همچون «زنودو»^۴ یا «فیگشر»^۵ و برخی از مخازن میزبان ناشر همچون پیرجی به پدیدآوران اجازه می‌دهد تا روند انتشار سنتی را کوتاه کنند و آثار خود را بلافاصله در دسترس همه قرار دهند. اگر هدف از هم‌ترازخوانی، کمک به انتخاب و بهبود آثار برای انتشار است، بنابراین به نظر غیرمنطقی می‌آید که هم‌ترازخوانی یک‌بار و تنها هنگامی باشد که نسخه نهایی اثر به‌صورت عمومی نمایش داده شده است. این رویه را می‌توان یادداشت‌گذاری بر روی نسخه نهایی نامید.

پلتفرم‌های هم‌ترازخوانی آشکار نیز راهکار دیگری است که ممکن است توجه مجله‌های علمی را جلب کند. این راهکار سال‌هاست که با ظهور گروهی از پلتفرم‌های اختصاصی با هدف جداسازی عملکردهای هم‌ترازخوانی از مجله‌ها با هدف تقویت زیست‌بوم نشر سنتی آغاز شده است. خدماتی همچون «رابریک»^۶، «آگزیوس»^۷ و «پیرجی آف‌ساینس»^۸ هم‌ترازخوانی انتقال‌پذیر^۹ یا مستقلی ارائه می‌دهند که در آن، هر پلتفرم از پدیدآوران دعوت

1. arXiv.org
2. BioRxiv.org
3. Catch-all
4. Zenodo
5. Figshare

6. RUBRIQ
7. Axios
8. Peerage of Science
9. Portable

می‌کند آثار را به‌طور مستقیم به آن‌ها ارسال کنند، سپس هم‌ترازخوانی در میان جامعه داوران ترتیب داده و گزارش‌های هم‌ترازخوانی را به آن‌ها برمی‌گرداند. البته باید اشاره کرد که لازم است بیشتر به رابطه هویت و هم‌ترازخوانی به‌عنوان دو مفهوم اصلی آن‌ها پرداخته شود؛ اما برای پرداختن به چندوچون رابطه این دو لازم است هم‌ترازخوانی پنهان نیز تشریح شود. یادآوری این نکته ضروری است که آنچه در رابطه با دیگر گونه‌های هم‌ترازخوانی در ادامه می‌آید، اشاره‌ای کوتاه است و همچون هم‌ترازخوانی آشکار، به تفصیل به آن‌ها پرداخته نمی‌شود.

۲. هم‌ترازخوانی پنهان (ناآشنا یا گمنام)

همان‌گونه که پیش‌تر اشاره شد، آنچه که به‌عنوان مهم‌ترین ویژگی هم‌ترازخوانی آشکار در رابطه با آشکاربودن هویت پدیدآور و داور و انتشار گزارش‌های هم‌ترازخوانی مطرح شد، در هم‌ترازخوانی پنهان اجرایی نمی‌شود. این نوع از هم‌ترازخوانی گونه‌هایی دارد که به یک‌سو پنهان^۱، دوسو پنهان و سه‌سو پنهان^۲ شناخته می‌شوند. یک‌سو پنهان در کنار دوسو پنهان از رایج‌ترین شکل‌های هم‌ترازخوانی است که به‌طور معمول در آن هویت داور برای پدیدآور آشکار نبوده و گاهی برعکس، هویت پدیدآور برای داور آشکار نیست.

این نوع از هم‌ترازخوانی‌ها نیز مانند دیگر گونه‌های هم‌ترازخوانی موافقان و مخالفانی دارد. موافقان این نوع هم‌ترازخوانی بر این باورند که به‌علت نبودن ترس از انتقاد و پنهان بودن، صداقت داوران حفظ می‌شود. همچنین داور می‌تواند از دانش خود درباره پژوهش‌های پیشین پدیدآور استفاده کند. مخالفان این نوع هم‌ترازخوانی نیز اعتقاد دارند که دانش پدیدآور می‌تواند هم‌ترازخوانی درباره کیفیت اثر را تحت تأثیر قرار بدهد. دوسو پنهان نیز یکی دیگر از رایج‌ترین شکل‌های هم‌ترازخوانی‌هاست که در آن پدیدآور و داور از هویت یکدیگر آگاه نیستند. قضاوت عادلانه و بدون تعصب و پشتیبانی از داور و پدیدآور در برابر انتقادات از جنبه‌های مثبت این نوع هم‌ترازخوانی است. با این حال، نبود تضمین برای گمنامی

1. Single blind

2. Triple blind

در حوزه‌ای پژوهش (به‌ویژه حوزه‌ای کوچک) و همچنین داشتن قضاوت ناآگاهانه نیز از جنبه‌های منفی آن بیان شده است. مدل‌هایی مانند هم‌ترازخوانی سه‌سو پنهان حتی یک قدم فراتر می‌روند، جایی که پدیدآوران و وابستگی آن‌ها برای داوران و کمک‌سردبیران^۱ پنهان است. این کار برای بی‌اثرکردن عوامل مربوط به شهرت، وابستگی سازمانی یا موقعیت علمی فرد در فرایند هم‌ترازخوانی استفاده می‌شود که برای برخی از مجله‌ها همچون *ساینس مترز*^۲ به‌کار گرفته شده است (تنت و همکاران ۲۰۱۹).

۳. انتقال‌پذیر^۳

می‌توان گفت هم‌ترازخوانی انتقال‌پذیر شکل نسبتاً جدیدی از هم‌ترازخوانی است که این امکان را دارد اثرهای هم‌ترازخوانی شده به مجله‌های علمی دیگر انتقال یابند. موافقان این نوع هم‌ترازخوانی سرعت بخشیدن به روند انتشار، نگهداری اثر از جانب هیئت تحریریه و همچنین کاهش مسئولیت داوران را از نکات مثبت آن دانسته‌اند. آن‌ها مایل نبودن هیئت تحریریه برای ارسال مطالب بیشتر، به دلیل حجم بسیار مقاله و ناامیدی پدیدآور در صورت نپذیرفتن مجله دوم را از نکته‌های منفی آن برشمرده‌اند. این کار با استفاده از سامانه‌ها و پلتفرم‌های کنونی همچون *پابلونز* که مجله‌های گوناگون و داوران و داوری‌های فراوانی در آن‌ها ثبت شده است، بیش از پیش اجراشدنی است.

۴. مشارکتی^۴

این نوع هم‌ترازخوانی با پوشش طیف گسترده‌ای از رویکردها مواجه است. همان‌طور که از نام آن برمی‌آید، با همکاری دو یا چند داور برای مرور اثر و برای رسیدن به استاندارد از همکاری یک یا چند داور همراه با پدیدآور استفاده می‌شود. ویژگی دیگر هم‌ترازخوانی مشارکتی پنهان بودن هویت داوران از پدیدآوران است؛ در واقع، این امکان وجود دارد که

هویت داوران در زمان انتشار آشکار شود. موافقان هم‌ترازخوانی مشارکتی در مقایسه این رویکرد با رویکرد سستی، آن را سازنده دانسته و عمل محدود به آن را از مزیت‌های آن ذکر کرده‌اند و مخالفان نیز، از دست دادن ارزیابی مستقل و نبود تمایز میان نقش پدیدآوری و هم‌ترازخوانی را به‌عنوان مهم‌ترین کاستی این روش بیان داشته‌اند. الگوی هم‌ترازخوانی مشارکتی مبتنی و بر بستر فناوری وب ۲ و ویکی میسر شده است. در این نوع یا الگوی هم‌ترازخوانی در مرحله نخست، سردبیر برای افراد منتخب دعوتنامه ارسال می‌کند. این افراد می‌توانند اعضای پیشین هیئت تحریریه یا حتی گزینه‌های جدیدی باشند که سردبیر در جریان داوری مقاله‌ها با حوزه تخصص و توان اندیشه و سبک نگارش آن‌ها آشنا شده‌اند. این افراد دعوت‌نامه را می‌پذیرند و به‌عنوان عضو در ویکی مجله ثبت‌نام کرده و بدنه اصلی و اولیه الگو را شکل می‌دهند. اعضای جدید می‌توانند بنا بر اختیار خود عضویت رسمی در هیئت تحریریه، داوری یا صرفاً ویراستاری را به‌عنوان وضعیت خود در ویکی ثبت کنند (علی‌محمدی ۱۳۹۱).

۵. سوم شخص (شخص ثالث)^۱

نوع دیگری از هم‌ترازخوانی وجود دارد که در برخی از پلتفرم‌های هم‌ترازخوانی همچون پابلونز نیز به‌کار می‌رود. از ویژگی‌های این نوع هم‌ترازخوانی می‌توان به چند نکته مهم اشاره کرد که عبارت‌اند از:

- a. بررسی مقاله توسط خدمات هم‌ترازخوانی مستقل؛
- b. اعمال تغییرات توسط پدیدآور قبل از انتشار؛
- c. به‌دنبال افزایش فرصت انتشار اثر؛
- d. ارائه پیشنهادها مفصل برای فرصت انتشار؛
- e. حذف موضوع‌های مهمی که مانع انتشار اثر می‌شود.

۶. پس از انتشار^۱

نوع دیگری از گونه‌های هم‌ترازخوانی که بعد از انتشار اثر، هم‌ترازخوانی در آن انجام می‌شود، هم‌ترازخوانی پس از انتشار است. در این نوع هم‌ترازخوانی، انتشار اثر روی پلتفرم انجام می‌شود و نظر یا دیدگاه خوانندگان مقاله برای پدیدآوران اثر ارسال می‌شود و حتی پس از انتشار نیز ارزیابی و بازنگری مقاله ادامه خواهد داشت. موافقان آن عقیده دارند این نوع هم‌ترازخوانی نشان‌دهنده ماهیت در حال تحول دانش است و این امکان را می‌دهد تا فرصتی برای اصلاح یا بهبود مقاله فراهم کند. مخالفان نیز سازگارنبودن تجدیدنظر با مفهوم نسخه رکورد پس از انتشار و برطرف‌شدن کاستی‌ها و خطاها از طریق اصلاحات و خطاهای مختلف را علت مخالفت خود با این هم‌ترازخوانی بیان کردند.

۷. پلکانی یا آبشاری^۲

این نوع هم‌ترازخوانی، الگو یا سیاهه واریسی‌مانندی برای هدایت و ارسال اثرهای رد شده است تا در مجله مناسبی به انتشار برسند. در واقع در این الگو، انتقال دوری‌های رد شده از مجله‌های معتبر به مجله‌های کمتر معتبر در پورتفولیو^۳ و دامنه مجله‌های یک نظام علمی، کنسرسیومی^۴ از مجله‌ها یا پیشنهاد انتشار در مجله مناسب‌تر است (باروگا،^۵ ۲۰۱۳). ویژگی‌های مثبتی توسط موافقان ذکر شده است مبنی بر اینکه در این هم‌ترازخوانی، بینندگان می‌توانند از بحث‌های فردی یا کامنت‌های مختلف آگاهی پیدا کنند؛ همچنین کاهش هزینه و زمان ارزیابی چندباره و تأثیر بر اعتبار برخی مجله‌ها را از دیگر نکته‌های مثبت دانسته‌اند. نکته جالب توجه این است که دیدگاه مخالفی برای این نوع هم‌ترازخوانی ذکر نشده است. با توجه به آنچه درباره گونه‌های هم‌ترازخوانی گفتیم، این هم‌ترازخوانی‌ها در سامانه‌ها، پلتفرم‌ها، نظام‌ها و زیست‌بوم‌های گوناگونی اجرایی می‌شوند. در ادامه درباره سامانه‌ها و پلتفرم‌های موجود توضیح کوتاهی می‌آید.

1. Post-publication
2. Cascading
3. Portfolio

4. Consortium
5. Barroga

سامانه‌ها و پلتفرم‌های داوری

امروزه تصور اینکه داوری مجله‌ای بدون طی کردن مراحل آن در سامانه داوری انجام شود، امری بسیار دور از ذهن است. این سامانه‌ها اکنون جایگاه خود را به‌عنوان یکی از اجزای جایگزین‌ناپذیر فرایند نشر علمی تثبیت کرده‌اند. این در حالی است که کمتر از چهار دهه پیش، بیشتر فرایند داوری به‌صورت غیرخودکار و بدون سامانه انجام می‌شده است؛ البته غیرسیستمی دقیق‌تر است. فرایند داوری‌های گذشته نیز نظام‌مند بوده‌اند؛ به این معنا که مراحل مشخص و نظمی ویژه داشته‌اند.

در ایران سامانه‌ها و شرکت‌های گوناگونی با نام‌های سیناوب^۱ و یکتاوب^۲ راه‌اندازی شده‌اند که به‌طور عمده برگرفته از نرم‌افزارهای متن‌باز «اوجی‌اس»^۳ هستند. بسیاری از مجله‌های علمی در ایران از این دو سامانه استفاده می‌کنند. باید اشاره کرد که این سامانه‌ها در اندازه پلتفرم ظاهر نشده‌اند و چهارچوب توسعه یافته‌ای از گونه‌های هم‌ترازخوانی‌ها، به‌ویژه هم‌ترازخوانی آشکار در آن‌ها به‌کار گرفته نشده است؛ احتمالاً به درخواست مجله‌های علمی، بیشتر آن‌ها از هم‌ترازخوانی دوسو پنهان استفاده می‌کنند. در کشورهای دیگر و در سطح جهانی نیز سامانه‌ها و پلتفرم‌هایی برای داوری راه‌اندازی شده که مهم‌ترین آن‌ها پلتفرم داوری پابلونز است. از این نظر این سامانه‌ها به‌عنوان پلتفرم شناخته می‌شوند که بسته به زیرساخت‌های فنی و اجرایی و دانشی، در این سامانه‌ها زمینه تبادل و تعامل و حتی آموزش داوران و داوری‌ها فراهم شده است. از این رو این پلتفرم یکی از شناخته‌شده‌ترین سامانه‌ها در حوزه هم‌ترازخوانی آشکار نیز به‌شمار می‌آید که در ادامه درباره آن توضیح داده می‌شود.

پابلونز

پابلونز به‌عنوان نوعی پلتفرم در سال ۲۰۱۲ توسط اندرو پرستون^۴ و دانیل جانستون^۵ و به‌منظور به‌رسمیت شناختن تلاش هم‌ترازخوانان راه‌اندازی شد و هم‌اکنون نیز با قوت فعالیت

1. <https://sinaweb.net/>

2. <https://yektaweb.com/>

3. OJS (Open Journal System)

4. Andrew Preston

5. Daniel Johnston

می‌کند. پابلونز در واقع تلاشی است به‌سوی نظام هم‌ترازخوانی شفاف‌تری که توسط کَلاریویت آنالیتیکس^۱ هدایت می‌شود (تیکسیرا داسیلوا و آل - خطیب^۲ ۲۰۱۷). اسمیت (۲۰۱۶) ایده اصلی راه‌اندازی پابلونز را این‌گونه بیان می‌کند: «هنگامی که هویت داوران به رسمیت شناخته می‌شود، آنگاه به پذیرش درخواست‌های داوری بیشتر، اولویت‌بندی زمان برای داوری سریع‌تر و احتمالاً داوری جامع‌تر تمایل می‌یابند» (اسمیت ۲۰۱۶).

آن‌گونه که کوئلار^۳ (۲۰۱۸) گزارش می‌دهد، حدود ۲۵۰ هزار داور با بیش از ۱٫۴ میلیون گزارش داوری وجود داشته و ۱۶۵۰ مجله و ۴۲ ناشر با پابلونز همکاری داشته‌اند و تاریخچه آثار برخی از مجله‌ها همچون جی‌تی‌سی/ان^۴ را نیز نگهداری می‌کند. البته طبق آنچه در وبگاه آن آمده است، حدود ۲ میلیون پژوهشگر با این پلتفرم همکاری دارند^۵ که افزایش آمار در این دو سال تا انتشار کتاب حاضر (سال ۲۰۲۰ میلادی) چشمگیر به نظر می‌رسد. همچنین این پلتفرم خلاصه‌ای از فعالیت مقاله پدیدآور را نیز ارائه می‌دهد که برای اشتغال، ارتقاء و داوری‌های سالانه آن‌ها سودمند است و البته این امکان را می‌دهد تا داورانی را شناسایی کنیم که برای توسعه و یکپارچگی انتشار علم حیاتی است. این سامانه متمرکز و سودمند و در جریان، خدمات خوبی برای داوران فراهم می‌کند. همچنین، پابلونز را می‌توان با پلتفرم‌های دیگر مانند اُرسید^۶ نیز همگام‌سازی کرد و داوری‌های معتبری را تأیید و معرفی کرد که می‌توان به آن‌ها اعتماد کرد؛ در حالی که پیشینه‌های عمومی آن حریم خصوصی افراد را نیز پاسداری می‌کند.

آکادمی^۷ پابلونز دوره آموزشی عملی هم‌ترازخوانی دارد که برای پژوهشگران تازه‌کار طراحی شده تا دانشگاهیان و سردبیران خبره مهارت‌ها و توانمندی‌های اصلی برای هم‌ترازخوانی را آموزش بدهند. افزون بر این، پابلونز انگیزه‌هایی عالی برای داوران به‌وجود آورده است تا به‌عنوان مشوق و پاداش برای همکاری با مجله‌های علمی از این سامانه

1. Clarivate Analytics
2. Teixeira da Silva & Al-Khatib
3. Cuelar
4. Journal of Computational and Theoretical Nanoscience (JTCN)

5. www.publons.com
6. ORCID
7. Academy

استفاده کنند. ماسیج^۱ باور دارد که مهم‌ترین مزیت استفاده از پابلونز این است که به دانشگاهیان کمک می‌کند تا تخصص خود را نشان دهند و شناخت و اعتبار هم‌ترازخوانی اکنون واقعیتی است. پابلونز در بیانیهٔ مأموریت خود، عبارت «سرعت بخشیدن به علم» و «متخصصان درگیر در هم‌ترازخوانی سزاوار تلاش خود هستند» را برجسته کرده است. پابلونز به پژوهشگران فعالی که مایل به هم‌ترازخوانی هستند فرصت ثبت‌نام در این پلتفرم فراهم است. هر داور در سامانهٔ پابلونز سنجشی عینی از تلاش خود به‌دست می‌آورد که برای همگان در دسترس قرار دارد (تیکسیرا داسیلوا و آل-خطیب ۲۰۱۶).

تعداد زیادی از ناشران بزرگ پابلونز را تأیید کرده‌اند و برخی از مجله‌ها همچون *آندرولوژی*^۲ دسترسی مستقیم به پایگاه دادهٔ پابلونز را برای خود پیاده‌سازی کرده‌اند. تعدادی از ناشران مشهور دانشگاهی از جمله «وایلی» و «کمبریج پرس»^۳ و «روپال سوسایتی»^۴ نیز همین‌طور عمل کرده‌اند. آنچه در ادامه می‌آید، نمونه‌هایی از تصاویری است که از این پلتفرم تهیه شده است. با توجه به آنچه که در رابطه با گونه‌های هم‌ترازخوانی و سامانه‌ها و پلتفرم‌های اجرای آن اشاره کردیم، بهتر است به نقش هویت در هم‌ترازخوانی بپردازیم.

هویت در هم‌ترازخوانی^۵

همان‌گونه که پیش‌تر نیز اشاره شد، داوران و سردبیران به چند صورت می‌توانند با پدیدآوران در ارتباط باشند:

- ✧ هم‌ترازخوانی آشکار: در این حالت، هویت پدیدآور(ان) و داور(ان) برای یکدیگر آشکار است؛
- ✧ هم‌ترازخوانی یک‌سو پنهان (ناشناس یا گمنام): به‌طور معمول، در این حالت، هویت

1. Masic

2. Andrology

3. Cambridge University Press

4. Royal Society

۵. این بخش از اثر، برگرفته و ترجمه‌شده از اثر ینت

و همکارانش (۲۰۱۹) است. با این حال، تلاش

شده است محتوای مقتضی و مناسب به این بخش

افزوده شود.

- پدیدآور برای داور آشکار است، ولی پدیدآور هیچ اطلاعی دربارهٔ داور ندارد؛
- ✧ هم‌ترازخوانی دوسو پنهان: در این حالت، هیچ کدام از دو طرف، پدیدآور و داور، از هویت یکدیگر آگاه نیستند؛
- ✧ هم‌ترازخوانی سه‌سو پنهان: در این حالت، هویت پدیدآور، داور و سردبیر برای یکدیگر پنهان است.
- ✧ هم‌ترازخوانی با امضای مشخص^۱: این حالت برعکس حالت قبل است و هویت داور برای پدیدآور مشخص است؛

تَنَنّت و همکارانش (۲۰۱۹) بر این باورند که ایده‌های جدید دربارهٔ نظام‌های هم‌ترازخوانی آشکار به‌سرعت در حال ظهور بوده و از چند سال گذشته نوآوری‌های در این زمینه در حال افزایش است. به نظر او ظهور هم‌ترازخوانی آشکار بسیار پیچیده شده است؛ زیرا این اصطلاح می‌تواند به چندین بخش مختلف فرایند اشاره کند. همان‌گونه که پیش‌تر اشاره شد، تعریف آشکار و واضحی از هم‌ترازخوانی آشکار وجود ندارد که مورد پذیرش جامعهٔ پژوهش و نشر علمی باشد. ساده‌ترین تعاریف هم‌ترازخوانی آشکار توسط مالیگان^۲ و همکارانش (راس هلوئر ۲۰۱۷) ارائه شده و به‌عنوان روشی تعریف شده که تلاش دارد «به هویت پدیدآوران یا داوران نقاب نزند»؛ از این رو آشکاربودن به صراحت در شناسایی شخصی یا پنهان‌بودن هویت اشاره می‌کند. ور (۲۰۰۸) دربارهٔ رویه‌های افشای هویت داوران این‌گونه توضیح می‌دهد: «هم‌ترازخوانی آشکار می‌تواند به معنای مخالف دوسو پنهان باشد. در هم‌ترازخوانی آشکار هویت پدیدآوران و داوران برای یکدیگر شناخته شده است و گاهی اوقات افشا می‌شوند. اما از این نظر این موضوع پیچیده است که برای توصیف رویکردهای دیگر نیز استفاده می‌شود؛ همچون جایی که هویت داوران پنهان باقی می‌ماند، اما گزارش‌های آن‌ها منتشر شود». برخی نیز هم‌ترازخوانی را «انتشار همهٔ گفت‌وگوها در طی فرایندهای هم‌ترازخوانی یا اجرای آن به‌عنوان اظهارنظر مشارکتی عمومی» می‌دانند. بنابراین، می‌توان

1. Signed

2. Mulligan

گفت هم‌ترازخوانی آشکار بر مفهومی همچون «شفافیت» پایه‌ریزی شده است. از دیدگاه تَنّت و همکارانش (۲۰۱۹) این شفافیت به‌ندرت در مراحل گوناگون هم‌ترازخوانی مورد توجه قرار گرفته و پیشرفت در جهت دستیابی به شفافیت متفاوت بوده است. شیوه‌هایی از قبیل خودناشری^۱ و انتشار ناخواسته یا فریبکارانه^۲ بر اعتبار شفافیت این نوع از هم‌ترازخوانی‌ها سایه‌تردید افکنده است. همچنین، دعوت‌شدن به هم‌ترازخوانی اثری علمی، به‌ویژه برای پژوهشگران تازه‌کار می‌تواند افتخاری بزرگ تلقی شود؛ از این رو، نظام کنونی هم‌ترازخوانی در این رابطه با چالش‌های جدیدی روبه‌رو شده است. یکی از این چالش‌ها، «به‌رسمیت‌شناختن»^۳ هم‌ترازخوان یا داور است. به‌رسمیت‌شناختن به این معنی که حقوق معنوی و مادی آن‌ها پذیرفته و به آن احترام گذاشته شود.

از دیدگاه تَنّت و همکارانش (۲۰۱۹) یکی از راه‌های به‌رسمیت‌شناختن هم‌ترازخوانان، سپاسگزاری از آن‌ها در بخش قدردانی از مقاله‌های منتشر شده است. برخی از مجله‌ها برای داوران انگیزه‌هایی همچون اشتراک رایگان یا تخفیف در هزینه‌های دسترسی آزاد فراهم می‌آورند. یکی دیگر از رایج‌ترین سپاسگزاری‌ها، یادداشتی خصوصی است که مجله یا سردبیر از طریق آن از داور تشکر می‌کند؛ به‌طور معمول در این حالت، داور پس از اتمام هم‌ترازخوانی به‌صورت خودکار ایمیلی دریافت می‌کند. افزون بر این، مجله‌ها اغلب سالانه در شماره‌ای خاص یا در وب‌سایت خود از همه داوران تشکر می‌کنند. برخی مجله‌ها حتی جوایز سالانه‌ای برای پاداش به فعالیت‌های برجسته هم‌ترازخوانی به داوران تقدیم می‌کنند.

از دیدگاه آن‌ها، تقاضا برای به‌رسمیت‌شناختن هم‌ترازخوانی در حال افزایش است؛ به‌طوری که انتشارات «وایلی»^۴ بر پایه نظرسنجی‌ای گزارش داد که ۸۰ درصد پژوهشگران موافق‌اند که به‌رسمیت‌شناختن هم‌ترازخوانی به‌عنوان فعالیت پژوهشی باارزش، هم‌اکنون به شکل کافی نیست و در صورتی که هم‌ترازخوانی به فعالیت رسمی برای ارزیابی‌ها، فرصت‌های سرمایه‌گذاری و ترفیع پژوهشگران تبدیل شود، هم‌تراخوانان متعهد می‌شوند

زمان بیشتری را برای هم‌ترازخوانی صرف کنند. پژوهش نیکلسون و آلپرین^۱ (تنت و همکاران ۲۰۱۹) نیز نشان داد داوران، هم‌ترازخوانی را به‌عنوان خدمتی حرفه‌ای برای رزومه خود می‌دانند. بخشی از آن‌ها به رسمیت شناختن داور را به‌عنوان عاملی می‌دانند که باعث ترغیب شدن آن‌ها برای شرکت در هم‌ترازخوانی عمومی می‌شود.

البته اعتباربخشی^۲ هم‌ترازخوانی نیز می‌تواند راه‌حلی برای به رسمیت شناختن هم‌ترازخوان باشد و کارکرد تسهیلگرانه‌ای، حتی در نظام هم‌ترازخوانی پنهان نیز ایجاد کند. با انگیزه‌بخشی به داوران می‌توان بخش بزرگی از مسئولیت احتمالی هم‌ترازخوانی را با رشد جمعیت داوران و رشد درخواست‌های داوری کاهش داد. این کار باعث می‌شود فرایند هم‌ترازخوانی متنوع شده و شفافیت به آن تزریق شود، به‌ویژه زمانی که سهم کوچکی از پژوهشگران بیشتر هم‌ترازخوانی‌ها را انجام می‌دهند. برای نمونه، پژوهش کوانیس^۳ نشان داد در حوزه زیست‌پزشکی^۴ فقط ۲۰ درصد از پژوهشگران ۷۰ تا ۹۵ درصد هم‌ترازخوانی‌ها را انجام می‌دهند. خدمات هم‌ترازخوانی «سی‌ای‌اس‌آرای‌آی»^۵ نیز فعالیت‌های هم‌ترازخوانی را با داده‌ها، توصیفگرها،^۶ ماندگاری،^۷ دقت‌نظر^۸ و استناد^۹ هم‌ترازخوانان با یاری شناسگر «اورسید»^{۱۰} پیوند داد. آن‌ها بر این باورند که با استانداردسازی شرح فعالیت‌های هم‌ترازخوانی، نسبت دادن هم‌ترازخوانی به داوران آسان‌تر شده، جایگاه آن‌ها به رسمیت شناخته شده و پاداش نیز می‌تواند دریافت کنند.

همان‌گونه که پیش‌تر درباره پلتفرم پابلونز توضیح‌هایی ارائه شد، برای به رسمیت شناختن نقش سردبیران و داوران می‌توان از این پلتفرم استفاده کرد (برای آگاهی بیشتر به بخش «سامانه‌های هم‌ترازخوانی» بنگرید). پابلونز کیفیت مقاله علمی را نیز رتبه‌بندی می‌کند و کاربران می‌توانند هم‌ترازخوانی‌ها را امضا کرده، پیگیری کنند و پیشنهاد دهند. پلتفرم‌های دیگر همچون اف/۱۰۰۰ ریسرچ و ساینس/وپن موجب می‌شوند فعالیت‌های هم‌ترازخوانی

1. Nicholson & Alperin

2. Crediting

3. Kovanis

4. Biomedical research

5. Consortia Advancing Standards in Research Administration Information (CASRAI)

6. Descriptors

7. Persistence

8. Resolution

9. Citation

10. Open Researcher and Contributor ID (ORCID)

پس از انتشار با «دی‌آی»^۱ های «کراس‌رف»^۲ دریافت استناد داشته باشند و با آن‌ها معادل پژوهش دسترسی آزاد رفتار شود (تِنْت و همکاران، ۲۰۱۹). اُورسید نیز به ابزاری پایدار برای یکپارچه‌سازی این پلتفرم‌ها و زیرساخت مهمی برای هم‌ترازخوانی آشکار تبدیل شده که بیشتر به سمت پژوهش باز^۳ حرکت می‌کند.

یکی از راهکارهای افزایش شفافیت از طریق انتشار گزارش‌های هم‌ترازخوانی داوران برآورده می‌شود، بدون این‌که هویت هم‌تراخوانان فاش شود. دلیل اصرار بر انتشار گزارش‌های هم‌ترازخوانی در مزیتی نهفته است که در مطالعه گزارش‌های هم‌ترازخوانی برای همگان فراهم می‌شود و اگر منتشر نشوند پنهان و بی‌استفاده باقی می‌مانند. با انتشار گزارش‌ها، هم‌ترازخوانی به فرایند حمایتی و مشارکتی تبدیل می‌شود که با گفت‌وگوی مداوم میان گروه‌های دانشمندان، به تدریج کیفیت پژوهش‌ها ارزیابی شوند. افزون بر این، هم‌ترازخوانی‌ها راه خود را برای تجزیه و تحلیل و نظارت باز کرده‌اند؛ به گونه‌ای که چگونگی پاسخ پدیدآوران به هم‌ترازخوانی‌ها، افزودن لایه‌ای اضافی از کنترل کیفیت و ابزاری برای پاسخ‌گویی و تصدیق را به همراه دارد. انتشار گزارش‌های هم‌ترازخوانی مزیت‌های آموزشی دیگری نیز به همراه دارد، به‌ویژه برای «ژورنال کلاب‌ها». توصیه‌ی کوپ نیز بر پرکردن شکاف دانش و مهارت‌های مفید برای افراد تازه‌کار در هم‌ترازخوانی و نگارش مقاله است.

البته تِنْت و همکارانش (۲۰۱۹) بر این باورند که در حال حاضر، سیاست‌های حقوقی و مالکیتی ناشران درباره استفاده دوباره از گزارش‌های هم‌ترازخوانی بسیار مبهم است. انتشار یادداشت‌ها و اظهارنظرهای داوران می‌تواند به گفت‌وگوی سازنده میان پدیدآور و داوران و جامعه علمی گسترده‌تر منجر شود و ممکن است برای بهبود محتوای اثر نیز بهتر باشد. شفافیت در فرایند هم‌ترازخوانی می‌تواند به عنوان شاخصی برای کیفیت هم‌ترازخوانی در نظر گرفته شود و می‌تواند ابزاری برای سنجش کیفیت مجله‌های جدید باشد. یافته‌های پژوهش ویچرتس^۴ نشان می‌دهد مجله‌هایی که رتبه شفافیت بالاتری از نظر شاخص «اچ ۵

گوگل اسکالر^۱ دارند کمتر احتمال دارد مقاله‌های معیوب را بپذیرند و این مقاله‌ها یا مجله‌ها تأثیر بیشتری داشته‌اند.

ارزیابی مقاله‌های علمی، بدون انتشار گزارش‌های هم‌ترازخوانی هرگز نظام علمی مبتنی بر شواهد^۲ در نظر گرفته نمی‌شود. به بیان دیگر، انتشار گزارش‌های هم‌ترازخوانی بستر مناسبی را فراهم می‌کند تا رفتار کنشگران و ارتباط علمی شکل گرفته میان آن‌ها زیر ذره‌بینی از شفافیت آرا، آزادی عقیده و همچنین در چهارچوب پایش و ارزیابی همه‌جانبه قرار بگیرد. به دیگر سخن، به نظر می‌رسد انتشار گزارش‌های هم‌ترازخوانی اثر کمی در روند کلی هم‌ترازخوانی دارد؛ اما شاید داوران را بیشتر به نیک‌رفتاری تشویق کند. برخی همچون دانجلو (۲۰۱۲، ۴۸) نیز بر این باورند که ناشناس بودن هم‌ترازخوانی ممکن است سرقت داده‌ها توسط داور را آسان کند. یافته‌های پژوهش نیکلسون و آلپرین (تنت و همکاران ۲۰۱۹) نشان داد حدود ۷۵ درصد پاسخ‌دهندگان بر این باور بودند که هم‌ترازخوانی عمومی باعث تغییر لحن یا محتوای هم‌ترازخوانی‌ها می‌شود و ۸۰ درصد نیز بر این باور بودند که انجام هم‌ترازخوانی‌هایی که سرانجام منتشر می‌شود، از نظر هم‌ترازخوانی برای داوران زمان درخور توجهی نمی‌برد. با این حال، پاسخ‌ها حاکی از ایجاد انگیزه لازم برای داوران برای حضور در این شکل از هم‌ترازخوانی است. به رسمیت شناختن داور توسط کمیته‌های بررسی عملکرد پژوهشگران، نشر هم‌ترازخوانی‌های هم‌تایان، پرداخت هزینه هم‌ترازخوانی و دریافت بازخورد مثبت سردبیران از هم‌ترازخوانی‌ها از جمله این انگیزه‌ها بود. یافته‌های پژوهش لیک^۳ و همکاران (تنت و همکاران ۲۰۱۹) نشان داد که وقتی دیدگاه داوران همگانی شود، به طور درخور توجهی تعامل بیشتری شکل می‌گیرد؛ در حالی که خطر نظرات نادرست کاهش می‌یابد. به پیشنهاد آن‌ها با این کار داوران ترغیب می‌شوند تا با هم‌ترازخوانی‌های خود سازنده‌تر و دقیق‌تر باشند.

سطوح مختلفی از پنهان بودن دوسویه^۴ هویت در همه مراحل هم‌ترازخوانی وجود دارد؛

1. Google Scholar's h5-index
2. Evidence-based

3. Leek
4. Bi-directional

از جمله اینکه داوران می‌دانند پدیدآوران چه کسانی هستند، ولی پدیدآوران، داوران را نمی‌شناسند که به یک‌سو پنهان معروف است یا اینکه هر دو طرف برای یکدیگر ناشناس باقی می‌مانند که دوسو پنهان محسوب می‌شود. هم‌ترازخوانی دوسو پنهان بر این ایده استوار است که هم‌ترازخوانی باید بی‌طرفانه و بر اساس پژوهش باشد، نه نقد متفکری بر مبنای زندگی شخصی‌اش. بحث‌های فراوانی دربارهٔ اینکه آیا هویت داور باید پنهان باقی بماند همچنان وجود دارد.

برخی از پژوهشگران همچون لی^۱ و همکارانش (تَنت و همکاران ۲۰۱۹) بر این باورند: در حالی که ظرفیت‌های ارزشی بسیاری در پنهان بودن وجود دارد، گمنام ماندن نیز مشکل‌ساز است؛ چون می‌تواند باعث شود داوران پرخاشگرتر، سوگیرانه‌تر، سهل‌انگارتر، تندروتر^۲ شوند و خود را محق^۳ ببندارند و در کلام و ارزیابی خود سیاسی‌تر شوند، چرا که از پیامدهای منفی کنش خود هراسی ندارند، به جز از سردبیر. در مقام نظر، داوران گمنام از پیامدهای احتمالی واکنش شدید و پنهانی برای ابراز دیدگاه کامل خود مصون هستند؛ بنابراین، به احتمال زیاد در ارزیابی‌های خود صادقانه‌تر عمل می‌کنند.

یافته‌های برخی از پژوهش‌ها نشان می‌دهد هم‌ترازخوانی یک‌سو پنهان، تأثیر مخربی بر پدیدآوران تازه‌کار دارد و تأثیر مضر رفتارهای درون‌گروهی را تقویت می‌کند. افزون بر این، مجله‌ها با حفظ هویت داوران، جنبه‌ای از حیثیت و کیفیت و اعتبار در روند هم‌ترازخوانی را از دست می‌دهند و پژوهشگران را به سمت حدس زدن هویت داور پس از انتشار اثرشان می‌کشانند. شفافیتی که همراه با هم‌ترازخوانی امضا شده وجود دارد، برای جلوگیری از رقابت و برخورد منافع بوده و می‌تواند به دلیل‌های مادی و غیرمادی ایجاد شود. رقابت به این دلیل ایجاد می‌شود که داوران اغلب نزدیک‌ترین رقبا برای پدیدآوران هستند و آن‌ها به طور طبیعی بیشترین صلاحیت را برای ارزیابی پژوهش دارند. یافته‌های برخی دیگر از پژوهش‌ها نیز نشان می‌دهد هم‌ترازخوانی دوسو پنهان می‌تواند میزان پذیرش مقاله‌های پدیدآوران زن را در پیشینهٔ آثار منتشر شده افزایش دهد (تَنت و همکاران ۲۰۱۹).

1. Lee
2. Orthodox

3. Entitled

از سوی دیگر، هم‌ترازخوانی با نام مستعار این امکان را به وجود می‌آورد که با تشویق به افزایش نیک‌رفتاری، پاسخ‌گویی و اعلام سوگیری و برخورد منافع و هم‌ترازخوانی‌های متفکرانه را به نظام هم‌ترازخوانی تزریق کند. شناسایی هویت به گسترش این فرآیند کمک می‌کند و هم‌ترازخوانی را بیشتر به رویداد گفت‌وگومحور در جامعه تبدیل می‌کند تا اینکه فردمحور و ایستا^۱ باشد. با این حال، قلمرویی که برای هم‌ترازخوانی ترسیم شده این است که باید فارغ از سوگیری و چولگی در دیدگاه‌ها باشد. اگر گمنام‌بودن داوران، ضمن حفظ پنهان‌بودن هویت پدیدآور در هر زمان و هنگام هم‌ترازخوانی از میان برود، پاسخ‌گویی بیش از اندازه و افراطی به داوران تحمیل می‌کند؛ در حالی که پدیدآوران از هرگونه تعصب احتمالی علیه‌شان محفوظ می‌مانند. با این حال، چنین شفافی در مقام نظر، شیوه‌ای برای اعتبارسنجی ایجاد می‌کند و باید انحراف را کاهش دهد؛ زیرا هرگونه ارتباط میان پدیدآوران و داوران آشکار می‌شود. البته این رویکرد یک عیب آشکار دارد و آن مسئولیت‌پذیری یک‌سویه و بسیار افراطی است. نتیجه احتمالی دیگر این است که داوران می‌توانند در محیطی محافظه‌کار، در ارزیابی‌های خود سختگیرانه‌تر عمل کنند و از این طریق از انتشار پژوهش‌ها جلوگیری کنند. به این ترتیب، ممکن است استدلال‌ها و نگرش‌های قوی، اما بیشتر موقع‌ها متناقض، برای هر دو طرف بحث پنهان‌بودن هویت وجود داشته باشد و عمیقاً با بحث‌های انتقادی دربارهٔ پویایی قدرت در هم‌ترازخوانی پیوند دارد (تِنْت و همکاران ۲۰۱۹).

حفظ گمنامی هویت داوران دشوار است؛ زیرا راه‌هایی هرچند غیرمخربی وجود دارد که می‌توان هویت‌ها را کشف کرد. به‌عنوان نمونه، از طریق کلام و جمله‌بندی، دانش قبلی پژوهش و جهت خاص به کار گرفته‌شده، ارائهٔ قبلی در همایشی یا حتی جست‌وجوهای ساده در وب. طبق یافته‌های پژوهش بگز^۲ و همکاران (تِنْت و همکاران ۲۰۱۹) باورها و اولویت‌های داوران دربارهٔ هم‌ترازخوانی پنهان نشان داد که هم‌ترازخوانی دوسو پنهان توسط ۹۴ درصد داوران ترجیح داده شده؛ اگرچه برخی از مزایای فرآیند آشکاربودن نیز در آن پژوهش شناسایی شده‌اند. همچنین یافته‌های همان پژوهش نشان داد هنگامی که نام

پدیدآوران ناشناس باشند، ۶۲ درصد داوران نمی‌توانند پدیدآوران را شناسایی کنند؛ در حالی که ۱۷ درصد داوران می‌توانستند در کمتر از ۱۰ درصد موارد پدیدآوران را شناسایی کنند. یافته‌های پژوهش مک‌نات^۱ و همکارانش (تِنْت و همکاران ۲۰۱۹) نشان داد اگر داوران هویت پدیدآوران را شناسانند، کیفیت هم‌ترازخوانی‌ها بهبود پیدا می‌کند. البته شواهد پژوهش‌های دیگر نشان داد پنهان بودن هویت داوران تأثیر کمی بر کیفیت یا سرعت هم‌ترازخوانی یا نرخ پذیرش داشته است؛ اما آشکارشدن هویت داوران ممکن است احتمال اینکه فردی دعوت به هم‌ترازخوانی را بپذیرد، پایین بیاورد. پدیدآورانی که از هویت داوران خود آگاهی داشته باشند نیز ممکن است از اظهارنظرهای خصمانه و بی‌ادبانه ناراحت شوند. پژوهش‌های دیگر نشان داد هم‌ترازخوانی‌های امضاشده مؤدبانه‌تر و از کیفیت بیشتری برخوردار بوده و احتمالاً در نهایت پذیرش اثر را توصیه می‌کند.

تِنْت و همکارانش (۲۰۱۹) بر این باورند که پژوهشگران تازه‌کار، به‌ویژه برخی از محافظه‌کاران ممکن است این ترس را داشته باشند که با هم‌ترازخوانی‌های امضاشده به هدف واکنش‌های شدید و تلافی‌جویانه پژوهشگران ارشد تبدیل شوند. افزون بر این، آن‌ها یافته‌های پژوهش‌های گوناگونی را در اثر خود آورده‌اند تا ثابت کنند که پنهان بودن هویت پدیدآور می‌تواند پدیدآوران تازه‌کار را از کوچک شمردن شدن توسط اعضای جامعه پژوهش نجات دهد. این مسائل، دست کم بخشی از علت ایجاد نگرش عمومی محافظه‌کاری و عامل برجسته مقاومت جامعه پژوهش نسبت به هم‌ترازخوانی آشکار است. با این حال، همچنان می‌توان استدلال کرد که اگر دانش پیشینی وجود داشته باشد با شناسایی هویت افراد درگیر در هم‌ترازخوانی از چنین واکنش‌های شدیدی جلوگیری می‌شود؛ زیرا پژوهشگران نمی‌خواهند اعتبار خود را در هم‌اندیشی عمومی خدشه‌دار کنند. در این موقعیت، صراحت به ابزاری برای پاسخ‌گویی داوران و پدیدآوران در گفتمان عمومی و همچنین تصمیم‌گیری سردبیر درباره داور برای عمومی کردن انتخاب او و انتشار اثر تبدیل می‌شود. مطلوب این است که انتظار داشته باشیم بازخوردهای قوی و صادقانه و سازنده از طرف پدیدآوران خوب

پذیرفته شود. با این حال، به نظر می‌رسد برداشت واقعی جامعه علمی این گونه نیست. از دیدگاه فاکس و رنی^۱ (تنت و همکاران ۲۰۱۹) تلافی کار داوران با این روش منفی می‌تواند از جمله انواع بدرفتاری علمی باشد. با این وجود، یادآوری این نکته ضروری است که این قضیه نتیجه مستقیم هم‌ترازخوانی آشکار نیست، بلکه به دلیل شکست نظام علمی در کاهش یا اقدام علیه رفتار نامناسب کنشگر اصلی هم‌ترازخوانی است، یعنی هم‌ترازخوان. شفافیت بیشتر می‌تواند فقط در جلوگیری و مقابله با مسائل احتمالی سوگیری و بدرفتاری در نشر کمک کند، چیزی که تقریباً در نظامی بسته وجود ندارد. البته کوپ توصیه‌هایی به سردبیران و ناشران درباره اخلاق نشر می‌دهد تا این نمونه‌های بدرفتاری در نشر علمی و پژوهشی را مدیریت کنند.

جمع‌بندی فصل

با توجه به آنچه که در این فصل به آن اشاره شد، می‌توان گفت با وجود پیشینه طولانی هم‌ترازخوانی، تکامل و دگرگونی‌های رخ داده در اجرای آن و همچنین مدل‌های گوناگون در شیوه اجرای آن جایگاه نسبتاً ثابتی در میان فرایند پژوهش در جامعه علمی داشته است. تأثیر پیشرفت فناوریانه در بهبود و ارتقاء فرایند داوری و همچنین شفافیت در امور، بسیار چشمگیر و مهم بوده است. پیشرفت‌های مرتبط با فناوری اطلاعات، ایجاد پایگاه‌های اطلاعاتی، سامانه‌ها و پلتفرم‌های داوری و شبکه‌های اجتماعی تأثیر بسیار زیادی در شکل‌گیری نوع‌ها و گونه‌های جدیدی از داوری داشته است. همه این تغییرها و دگرگونی‌ها را می‌توان حول محور مؤلفه‌ای با نام «هویت» در هم‌ترازخوانی و داوری تبیین کرد که ساختارها و رویکردهای داوری جدیدی را به وجود آورده است. به بیان دیگر، بسیاری از این تغییرها به دلیل اهمیت و تأثیر شناسایی هویت ذی‌نفعان اصلی و همه افراد درگیر در فرایند داوری به وجود آمده‌اند تا با در نظر گرفتن مزیت‌ها و عیب‌های مشخص بودن هویت داوران و پدیدآوران و دیگر ذی‌نفعان، به‌سوی بهبود فرایند داوری حرکت کنند. آنچه در فصل بعدی

می‌آید اشاره‌ای به اهمیت و ضرورت و مزیت‌های هم‌ترازخوانی در برابر انتقادات و چالش‌هایی است که برای هم‌ترازخوانی توسط پژوهشگران مطرح شده است.

فصل دوم

اهمیت و ضرورت هم‌تراز خوانی و انتقادات به آن

مقدمه

همان‌گونه که پیش‌تر اشاره کردیم، نقش و جایگاه داوری و هم‌ترازخوانی در اخلاق پژوهش و اخلاق نشر بسیار ممتاز و حیاتی است. البته باید این را هم در نظر داشت که دگرگونی‌هایی طی سالیان دراز بر این بخش مهم از ارتباط علمی رخ داده است. درباره هم‌ترازخوانی و داوری علمی، جایگاه آن در ارتباط علمی و پیشرفت علم و اخلاق نشر دیدگاه‌های گوناگونی مطرح و پژوهش‌های پرشماری انجام شده است. با وجود گوناگونی در داوری‌های علمی و انتقادات و چالش‌هایی که به شیوه اجرا و ماهیت آن وارد شده، همچنان به‌عنوان هنجار اجتماعی در جامعه علمی پذیرفته شده است. بسیاری از داوران، هم‌ترازخوانی را به‌عنوان بخشی یکپارچه از وظیفه جامعه علمی می‌دانند و هم‌ترازخوانی اثر به‌عنوان تخصص در آن حوزه موضوعی قلمداد می‌شود. تینت و همکارانش (۲۰۱۹) و به نقل از اسمیت^۱ هزینه تخمین زده شده برای هم‌ترازخوانی را دست کم ۱٫۹ میلیارد پوند در سال ۲۰۰۸ می‌داند. این امر نشان‌دهنده این است که بار مالی درخور توجهی برای حفظ روند فعلی هم‌ترازخوانی صرف شده است. درباره داوری اخلاقی نیز تلاش‌های زیادی انجام شده که می‌توان آن را در چهارچوب کوپ و رهنمودهای اخلاق داوری و هم‌ترازخوانی علمی

دنبال کرد. فصل حاضر مروری است بر اهمیت، ضرورت و مزیت‌هایی که هم‌ترازخوانی برای جامعه علمی دارد. انتقادات و چالش‌هایی که توسط بسیاری از پژوهشگران به این رویکرد علمی مطرح شده نیز در ادامه بیان می‌شود.

اهمیت، ضرورت و مزیت‌های هم‌ترازخوانی

همان‌گونه که پیش‌تر اشاره شد، هم‌ترازخوانی برای ارزیابی و بهبود کیفیت پژوهش، بهبود استانداردهای کلی و یاری به انتشار آثار متناسب با هدف‌های مدنظر ضروری است. افزون بر مشخص ساختن اینکه آیا اثر علمی برای انتشار مناسب است، هم‌ترازخوانی مناسب به پدیدآوران کمک می‌کند تا کار خود را بهبود دهند تا در نهایت علم باکیفیت‌تر، مؤثرتر و مفیدتری منتشر شود. افزون بر دلایل نوع‌دوستانه برای داوطلب شدن در هم‌ترازخوانی آثار، مشارکت در فرایند هم‌ترازخوانی می‌تواند به داور نیز کمک کند تا با بررسی کارهای دیگران، بتواند بینشی درباره طراحی اثر به‌دست آورد. همچنین هم‌ترازخوانی اثر به داور کمک می‌کند که جدیدترین پژوهش‌ها را مطالعه و بررسی کند. در نهایت، هم‌ترازخوانی آثار می‌تواند در ارائه ایده‌های پژوهشی جدید هم به داور و هم به پدیدآور کمک کند؛ زیرا این گفت‌وگوها می‌تواند به تولید ایده‌های پژوهشی نیز منجر شود. بسیاری از افرادی که آثار خود را ارائه می‌کنند، آثار دیگران را نیز بررسی می‌کنند (واگنر^۱ و همکاران ۲۰۰۳). از دیدگاه دانجلو (۲۰۱۲، ۴۸) علم و ارتباط علمی بر پایه اعتماد استوار است و با درنظرگرفتن این اصل، بدرفتاری علمی به نسبت اصالت و اعتبار علمی آثار، تا اندازه‌ای نادر بوده و نمی‌توان آن را چندان مهم دانست. از این رو در باور وی، اینکه آیا هم‌ترازخوانی از بدرفتاری علمی جلوگیری می‌کند، ابهام‌آمیز و شاید مغالطه‌آمیز به‌نظر رسد. از دیدگاه رلمان و آنجل^۲ (۱۹۸۹) بسیاری از کاستی‌های هم‌ترازخوانی نتیجه مدیریت نامناسب سردبیر بر فرایند هم‌ترازخوانی است و بیشتر از همه از درک نادرست داوران و سردبیران از مسئولیت‌ها ریشه می‌گیرد. ازاین‌رو، ضروری است داوران به‌عنوان مشاور سردبیر و نه به‌عنوان تصمیم‌گیر نهایی انجام

وظیفه کنند. همچنین، ضروری است سردبیر در ارزیابی هم‌ترازخوانی‌ها دقیق باشد و داوری ناعادلانه و غیرمنطقی را رد کند و فرصتی فراهم کند تا پدیدآور پاسخی به نقدها ارائه کند. آن‌ها معتقدند برای درک ارزش و محدودیت‌های هم‌ترازخوانی، باید تصویر مناسبی از هم‌ترازخوانی ارائه شود. به باور آن‌ها هم‌ترازخوانی نه فرایندی علمی و عینی است و نه می‌تواند تضمینی بر اعتبار پژوهش‌های علمی باشد و عملکرد آن کمینه، اما باارزش است. سردبیران باید از میان آثار بسیاری که به مجله ارسال می‌شود، آثاری را انتخاب کنند که مهم و مورد علاقه خوانندگان هستند. سردبیران باید اثر را بررسی کرده و آن را به قدری باارزش ببینند که بهترین استانداردهای علمی جاری را برآورده می‌کند. برای انجام این قضاوت، سردبیران، به کمک متخصصان منتقد حوزه نیاز دارند و این متخصصان نیز باید پیشنهادهای برای کمک به پدیدآور برای اصلاح و بهبود کار ارائه کنند تا بتواند تحلیل‌ها، تفسیرها یا بازنمون اثر خود را اصلاح کند. در نتیجه، نسخه منتشر شده احتمالاً با ارزش‌تر و خواندنی‌تر از نسخه‌ای است که ابتدا برای هم‌ترازخوانی ارائه شده بود. به باور آن‌ها، هم‌ترازخوانی احتمال انتشار آثار کم‌ارزش یا تکراری را کم‌رنگ‌تر می‌کند (رلمان و آنجل ۱۹۸۹).

رزنیک با اذعان به وجود کاستی در هم‌ترازخوانی و فرایند آن، معتقد است هم‌ترازخوانی در شناسایی بدرفتاری‌های پژوهشی در محیط استرس‌زا، مهم و حیاتی است؛ در چنین محیط‌هایی گونه‌هایی از فشارها روی افراد وجود دارد تا مرتکب فعل غیراخلاقی شوند. او فعالیت در زمینه اخلاق پژوهش را به‌عنوان راهی برای آگاهی‌رسانی بیشتر به افراد درباره اخلاق و بدرفتاری پژوهش و بهبود قضاوت و تصمیم‌گیری اخلاقی آن‌ها می‌داند (رزنیک و المور^۱ ۲۰۱۶). به نظر می‌رسد برآیند دیدگاه‌های مرتبط با هم‌ترازخوانی، اثرگذاری آن را در فرایند نشر علمی تأیید می‌کند. به بیان دیگر، با وجود کاستی‌های متناسب به هم‌ترازخوانی، که در ادامه با آن‌ها بیشتر آشنا می‌شویم، به احتمال زیاد همچنان بخشی حیاتی از نشر علمی را به خود اختصاص می‌دهد. افزون بر این، هنوز گزینه جایگزینی برای هم‌ترازخوانی وجود ندارد و پژوهشگران و سردبیران نیز عمیقاً به آن باور دارند (اسمیت ۲۰۱۶). بنابراین، کیفیت

این فرایند، همواره مورد توجه مجله‌های علمی بوده است؛ چرا که اعتبار خود و حیثیت علمی داوران را در گرو ارزیابی کیفی و درست و هدفمند آثار می‌دانند (فتاحی ۱۳۹۰).

هم‌ترازخوانی نمی‌تواند اعتبار پژوهش را تضمین کند؛ اما می‌تواند بر امکان شناسایی بدرفتاری پژوهش تکیه کند. البته باید در نظر داشت بخش مهمی از پژوهش بر اعتماد استوار است و نمی‌توان همهٔ مسائل و جزئیات مربوط به هم‌ترازخوانی اثر را بر خلاف اعتبار پژوهشی پایه‌ریزی کرد. در همین راستا، رلمان و آنجل بر این باورند که داوران و سردبیران ناچارند به توصیف پدیدآور از روش و نتایج اعتماد کنند. آن‌ها ممکن است دربارهٔ اهمیت و نوآوری پژوهش، مناسب بودن طرح و ابزارها و منطق تحلیل، تفسیر و نتایج، پرسش‌هایی داشته باشند؛ اما باید به پدیدآور اعتماد کنند. در واقع، داوران نمی‌توانند کل آزمایش‌های اجراشده را ببینند. حتی اگر داده به‌طور کامل ساختگی باشد، ممکن است داوران و سردبیران به این دلیل که داده‌ها به‌طور کامل یکدست شده باشند، نتوانند بدرفتاری پژوهشی را تشخیص دهند. به‌طور کلی، داده‌های ساختگی باید بی‌دقت یا بدترکیب باشند تا امکان شناسایی در فرایند هم‌ترازخوانی را وجود داشته باشد.

بنابراین، هم‌ترازخوانی ممکن است آثاری را ارزیابی کند که بی‌اعتبار هستند. همچنین هم‌ترازخوانی عمدتاً شانس معتبرشدن کار منتشرشده را افزایش می‌دهد؛ اما نمی‌تواند تضمینی بر اعتبار علمی آثار بیافزاید یا ایجاد کند. به باور آن‌ها، این را هم باید در نظر گرفت که پدیدآوران و سردبیران و داوران جایز‌الخطا هستند و پدیدآوران ممکن است شکل‌های گوناگونی از اشتباه‌ها را داشته باشند و این اشتباه‌ها ممکن است به آسانی از دید داوران و سردبیران پنهان مانده یا نادیده گرفته شود. افزون بر این، مفاهیم و ابزارها در حال تغییر و پیشرفت دائمی هستند و یافته‌های جدید حتی دقیق‌ترین آثار هم‌ترازخوانی‌شده را تغییر می‌دهد یا رد می‌کند. از این رو، هم‌ترازخوانی ممکن است بالاترین استانداردها را داشته باشد، اما بروز اشتباه، جزئی از پژوهش بوده و اعتبار همیشه مشروط است. به باور رلمان و آنجل علم با کشف مداوم و اصلاح اشتباه‌ها پیشرفت می‌کند (رلمان و آنجل ۱۹۸۹).

با وجود اختلاف دیدگاه‌ها در رابطه با ارزش و اهمیت و ضرورت هم‌ترازخوانی،

اخلاق‌مدار شدن هم‌ترازخوانی مقاله‌ها مورد تأکید بسیاری از صاحب‌نظران است و درباره آن نیز پژوهش‌های بسیاری صورت گرفته تا به چالش‌های اخلاقی درخور توجه آن پردازند. در واقع، ورود اخلاق به این زمینه به‌طور کامل منطقی می‌نماید؛ چرا که هم‌ترازخوانی دروازه اعتباریابی دانش از نظر اجتماع علمی محسوب می‌شود و اجتماع علمی، اجتماعی اخلاقی نیز هست و داوران و سردبیران و دستیاران سردبیران مجله‌ها، حافظان اخلاق‌مند آن هستند (ابویی اردکان و میرزایی ۱۳۸۹).

البته باید در نظر داشت اگر هم‌ترازخوانی بیش از حد سختگیرانه باشد، پدیدآوران فرصت مناسبی برای ارائه و انتشار دیدگاه خود نخواهند داشت. اما در سطحی گسترده‌تر، هم‌ترازخوانی می‌تواند پیشرفت دانش را محدود کند و مانع از ترویج عمومی علم شود. برای نمونه، جی‌ای/م‌ای^۱ مقاله‌هایی را در رابطه با دشواری‌های هم‌ترازخوانی و راه‌حل‌های بالقوه آن منتشر کرد. اعضای دومین کنگره بین‌المللی هم‌ترازخوانی نیز این‌گونه نتیجه گرفتند که بازبینی فرایند هم‌ترازخوانی، انتخاب برای انتشار اثر را بهبود می‌بخشد. اعضای این کنگره پیش‌بینی کردند که استانداردسازی قوانین و راهنماها در آینده انجام خواهد شد و به‌احتمال زیاد به‌عنوان قاعده‌ای اخلاقی برای هم‌ترازخوانان به‌کار خواهد رفت (کریگر^۲ ۱۹۹۸). افزون بر این، بیشتر پژوهشگران بر این باورند که هم‌ترازخوانی به‌طور کلی به‌خوبی انجام می‌شود؛ اما بدون مشکل نیست. همچنین، باید این را نیز در نظر داشت که فرایند کنونی هم‌ترازخوانی، فرایندی تحت وب است و احتمالاً کارآمدتر است و هزینه بالقوه افزایش تعداد تقاضاهایی را که داور دریافت می‌کند، کاهش می‌دهد (تریگل و تریگل^۳ ۲۰۰۷). بر پایه آنچه اشاره شد، می‌توان چالش‌ها، نقدها و کاستی‌هایی را به فرایند و حتی ماهیت هم‌ترازخوانی مرتبط دانست. به بیان دیگر، چالش‌ها و کاستی‌های موجود در فرایند هم‌ترازخوانی را می‌توان با پیشرفت‌های به‌وجودآمده کم‌رنگ کرد؛ اما نمی‌توان آن را با چوبی جادویی به یک‌باره ناپدید کرد. آنچه در ادامه می‌آید، تلاشی است برای آنکه بینش متعادل‌تر به هم‌ترازخوانی در ذهن مخاطب ایجاد شود و البته راهکارهایی نیز برای رفع این کاستی‌های ماهوی و اجرایی پیدا شود.

1. The Journal of the American Medical Association (JAMA)

2. Crigger
3. Triggler & Triggler

انتقادهای به هم‌ترازخوانی و دغدغه‌ها و دشواری‌های آن

با وجود مزیت‌های فراوانی که هم‌ترازخوانی برای انتشار برون‌دادهای پژوهشی به همراه دارد، پژوهشگران انتقادهای گوناگونی به آن وارد دانسته‌اند. باید اشاره کنیم که این انتقادهای بیشتر جنبهٔ اصلاحی دارند و بر بنیان آن خدشه‌ای جدی وارد نکرده‌اند؛ اما برخی از این انتقادهای ماهیت و چرایی هم‌ترازخوانی را نشانه گرفته‌اند که در ادامه به تفصیل دربارهٔ آن‌ها صحبت می‌شود. یکی از بزرگ‌ترین انتقادهایی که دربارهٔ هم‌ترازخوانی مطرح می‌شود، این است که مانند بسیاری از تلاش‌های بشر، در نفس خود مغرضانه و سوگیرانه است و نمی‌تواند به‌طور کامل فرایندی عینی و بی‌طرفانه باشد. به بیان دیگر، اصل‌ها و قاعده‌هایی وجود دارند که داوران با توجه به هر یک از آن‌ها به آثار علمی می‌نگرند و همهٔ هم‌ترازخوانان با عینک یا لنزی ویژه به بررسی نوشته‌های علمی می‌پردازند. در واقع مسئله این نیست که هم‌ترازخوان تا چه اندازه نسبت به این اصول و قاعده‌های به‌وجودآمده از سوی جامعهٔ علمی سوگیرانه عمل می‌کند، بلکه به این مسئله ارتباط پیدا می‌کند که هم‌ترازخوانی تا چه اندازه در ابعاد اجرایی و علمی و در بافت‌های اجتماعی گوناگون نیز متفاوت اجرا می‌شود. یکی دیگر از دسته مسائل مهم این است که هم‌ترازخوانی از سوگیری نظام‌مند و ممکن رنج می‌برد که گاه به منحرف کردن روند پژوهش منجر می‌شود و گاه نظامی تشویقی ایجاد می‌کند که انتشارمحور نیز هست.

از این رو، بحث‌وجدل‌ها دربارهٔ کارایی و اجرای هم‌ترازخوانی به‌طور فزاینده شدت گرفته و ادعاهایی مبنی بر شکست یا ناکارآمدی آن نیز به‌گوش می‌رسد. بر خلاف وضوح اهمیت و پذیرش گسترده و اجرای طولانی‌مدت آن، به نظر می‌رسد جامعهٔ علمی دربارهٔ عملکرد هم‌ترازخوانی و تأثیر آن در دنیای گوناگون پژوهش مدرن اجماع مشخص یا یگانه و جامعی ندارد (لین و مورلو^۱ در هیمز ۲۰۰۷، ۲). با این حال، نگاهی دقیق به این انتقادهای چشم‌انداز روشن‌تری از انتظارات و چالش‌ها فراروی ما قرار می‌دهد و در ادامه با هر یک از آن‌ها آشنا می‌شویم. این چالش‌ها و انتقادهای در چهار دسته کلی به شرح زیر می‌آیند:

الف. ناتوانی از پشتیبانی از کیفیت و اصالت پژوهش؛ ب. کاستی در کارکرد و ناهماهنگی و تناقض در اجرا؛ ج. نقض غرض؛ د. نبود بی‌طرفی و انصاف.

ناتوانی از پشتیبانی از کیفیت و اصالت پژوهش

یکی از انتقادهایی که به هم‌ترازخوانی وارد شده این است که هم‌راستایی و سازگاری میان هم‌ترازخوانی و کیفیت چندان امیدوارکننده نیست. از این رو به باور هیمز (۲۰۰۷، ۳) یکی از انتقادهای مطرح شده درباره هم‌ترازخوانی بر این اصل تأکید دارد که شواهد ناچیزی برای پشتیبانی هم‌ترازخوانی به‌عنوان سازوکاری برای تأمین کیفیت نشر علمی وجود دارد یا به باور ور (۲۰۰۸) بر خلاف گستره استفاده و هزینه‌های هم‌ترازخوانی، شواهد تجربی ناچیزی برای پشتیبانی آن از تأمین کیفیت پژوهش‌های زیست‌پزشکی وجود دارد.

البته به باور او جایگزین مشخصی برای ادامه این فرایند نیز وجود ندارد و این قضیه کار را دشوارتر می‌کند. البته پاسخ‌هایی که برای این دست انتقادات مطرح شده از جنس رفع این دغدغه به‌شمار نمی‌روند و بیشتر به تصور ناشدنی بودن هم‌ترازخوانی، به‌ویژه در مجله‌های علمی حکایت دارد (لین و مورلو در هیمز ۲۰۰۷، ۲). برخی همچون بنوس^۱ و همکارانش، مهم‌ترین کاستی‌های فرایند هم‌ترازخوانی را ناتوانی آن در کشف و کاهش دادن دشواری‌های قانونی و اخلاقی می‌دانند و برخی نیز همچون آرمسترانگ (۱۹۹۷) خطر جدی تأثیر هم‌ترازخوانی بر نوآوری و کیفیت آثار و انصاف^۲ در پژوهش را مطرح می‌کنند. از سوی دیگر، هیمز (۲۰۰۷، ۲) نیز بر این باور است که هم‌ترازخوانی ماهیت محتاطانه‌ای^۳ برای تشخیص مقاله‌های مهم و خلاقانه دارد و در هدف‌گیری بدرفتاری‌ها ناتوان است و پیشنهاد ناچیزی در تشخیص تقلب علمی دارد؛ افزون بر این، بر گونه‌های گوناگون سوگیری، گشاده‌دستانه عمل می‌کند. بنابراین، برخی از این انتقادات به کاستی‌ها و ضعف‌های ذاتی هم‌ترازخوانی بازمی‌گردد. از این رو به باور برخی از پژوهشگران با وجود اینکه یکی از وظایف داوران، تشخیص بدرفتاری‌های علمی در آثار است، اما داوران به ندرت می‌توانند

1. Benos
2. Fairness

3. Conservative

داده‌سازی، تحریف یا گونه‌های دیگری از بدرفتاری را تشخیص دهند. با این حال، لی و همکارانش (رزنیک و المور ۲۰۱۶) بر این باورند که منصفانه نیست داوران را به ناتوانی در شناسایی بدرفتاری متهم کنیم؛ زیرا به‌طور معمول به منابعی همچون داده‌های اولیه پژوهش برای تشخیص داده‌سازی یا جعل نیاز دارند و به‌طور معمول و به آن‌ها دسترسی ندارند؛ همچنین، تشخیص دستکاری هوشمندانه داده‌ها می‌تواند بسیار دشوار باشد.

در پاسخ به چالش‌هایی که در ارتباط با کیفیت هم‌ترازخوانی آثار علمی مطرح شده است، می‌توان طرح‌هایی همچون «اکویتور»^۱ برای بهبود گزارش هم‌ترازخوانی بر پایه معیارهای استاندارد و تلاش‌های کوپ را به‌عنوان نمونه‌ای از تلاش‌ها مطرح کرد. صرف‌نظر از پژوهش‌هایی که درباره کارکرد و اثربخشی هم‌ترازخوانی انجام شده و برخی از آن‌ها با هم هم‌پوشانی دارند و گاهی نتایج متضاد ارائه کرده‌اند، نبود قطعیت در استانداردها و اجرای آن می‌تواند تا حدودی به شکست همه‌جانبه در کیفیت و اعتبار پژوهش نیز منجر شود. به نظر تِنْت و همکارانش (۲۰۱۹) نیز چالش‌هایی که شکست در هم‌ترازخوانی را نتیجه می‌گیرد، از خطاهای ساده ذهنی دروازه‌بانی گرفته تا شکست در کشف تقلبی است که وارد پرونده علمی می‌شود. آن‌ها همچنین مسئله زبان را نیز جزو چالش‌های عمده هم‌ترازخوانی می‌دانند؛ از این جهت که هم‌ترازخوانی پدیدآوران انگلیسی‌زبان می‌تواند منجر به نابرابری جهانی علم شود، در دنیایی که پژوهش‌ها به‌طور فزاینده‌ای در سطح جهانی رقابتی‌تر می‌شوند. این نابرابری به‌خودی خود منجر به حذف آثار باکیفیت و نوآوری‌های موجود در این آثار می‌شود که شکستی به دور از آرمان‌های علمی است. از دیدگاه آن‌ها، این انتقادات به‌واقع تلاش برای بازتولید چگونگی انجام شایسته هم‌ترازخوانی را پررنگ می‌سازد. بنابراین، این روند به‌طور کلی برای تشخیص پژوهش‌های معتبر کافی است؛ اما در تشخیص پژوهش‌هایی که بیشترین تأثیر را داشته‌اند، اغلب با شکست روبه‌رو می‌شود. این انتقاد بیشتر به «کاستی ذاتی» در هم‌ترازخوانی می‌پردازد و شاید نتواند چشم‌انداز روشنی برای رفع آن تصور کرد.

کاستی در کارکرد و ناهماهنگی و تناقض در اجرا

گوناگونی و دگرگونی‌های موجود بر سر راه این عنصر اصلی علمی باعث شده میان اینکه چگونه هم‌ترازخوانی به‌عنوان فرآیندی مناسبی در نظر گرفته شود و چگونگی اجرای آن اختلاف به‌وجود بیاید. از این رو، کوپ تلاش‌های فراوانی برای تدوین رهنمودهای علمی برای کنشگران (هم‌ترازخوانان، سردبیران و اعضای هیئت تحریریه) کرده است. با این حال، برخی همچون اسمیت بر این باورند که هم‌ترازخوانی «فرایند معیوبی» است که شواهدی روشن درباره کارآمدی آن وجود ندارد (گسپریان^۱ و همکاران ۲۰۱۳). از دیدگاه تَنت و همکارانش (۲۰۱۹)، امروزه بسیاری از منتقدان، هم‌ترازخوانی سستی را برای پژوهش مضر می‌دانند؛ زیرا باعث دیرکرد در انتشار می‌شود و پیامدهایی در اشاعه پژوهش‌های نوظهور در پی دارد. وقتی مقاله‌ها چند بار در مجله‌ها و حوزه‌های موضوعی گوناگون هم‌ترازخوانی می‌شود، خستگی^۲ و افزونگی^۳ داور باعث می‌شود، فقط برخی از انتقادات اساسی درباره اجرای فنی هم‌ترازخوانی مطرح شود. افزون بر این، از دیدگاه کاولی (۲۰۱۱) دیرکرد در هم‌ترازخوانی به خسارت بزرگی در برخی از حوزه‌های علمی حساس منجر می‌شود؛ به‌ویژه دیرکرد در انتشار مقاله‌های حاوی دستاوردهای پزشکی که می‌تواند موجب نجات جان بسیاری از انسان‌ها شود. البته از دیدگاه وی دیرکرد در انتشار سایر علوم نیز مجاز نیست؛ به‌دلیل اینکه همه موضوع‌های علمی ارزشمند هستند. او برای رفع این کاستی، هم‌ترازخوانی پس از انتشار^۴ را پیشنهاد می‌کند. از دیدگاه وی هم‌ترازخوانی، تنها در مجله‌های دسترسی آزاد^۵ اخلاقی است.

برخی از پژوهشگران، شکل‌های فراوان و رایج هم‌ترازخوانی را کاستی می‌دانند؛ زیرا در نظامی بسته و مبهم^۶ عمل می‌کنند و این نظام‌های گوناگون، داوران را با چالش‌هایی اساسی روبه‌رو می‌کند. از دیدگاه آن‌ها، هم‌ترازخوانی نظامی بسته به‌وجود می‌آورد که از وضع موجود حمایت کرده و پژوهش‌هایی را سرکوب می‌کند که به‌عنوان دیدگاه‌های افراطی^۷

1. Gasparyan
2. Fatigue
3. Redundancy
4. Post publication

5. Open access
6. Opaque
7. Radical

ابتکاری یا خلاف دیدگاه‌های نظری و تأییدشدهٔ داوران محسوب می‌شوند. در نتیجه آن‌ها پرسش‌هایی دربارهٔ شایستگی، اثربخشی، اعتبار و عناصر مشارکتی هم‌ترازخوانی سنتی مطرح می‌کنند؛ برخی از آن پرسش‌ها عبارت‌اند از:

✧ دروازه‌بانان علمی چه کسانی هستند و دروازه‌ها چگونه ساخته می‌شوند؟

✧ چه چیزی میان تنش‌های پدیدآور، داور و سردبیر تعادل ایجاد می‌کند و چگونه این

روابط قدرت و برخوردها حل و فصل می‌شوند؟

✧ سوگیری‌های ذاتی مرتبط با هم‌ترازخوانی چیست؟

✧ آیا امکان وجود نظام عادلانه یا ساختاری هم‌ترازخوانی هست؟

✧ پیامدهای این امر در تولید دانش و نظام‌های ارتباطی ما چیست؟

ناهماهنگی و تناقض، چالش و انتقاد دیگری است که به هم‌ترازخوانی وارد شده است. این ناهماهنگی و تناقض گاه در رابطه با هم‌ترازخوانی‌ها رخ می‌دهد و گاه تناقض ذاتی برای هم‌ترازخوانی فراهم می‌آورد، که در بخش بعدی توضیح داده می‌شود. از دیدگاه آرمسترانگ (۱۹۹۷) برخی از نوآوری‌ها ممکن است با باورهای جاری یا گذشتهٔ داوران تضاد داشته باشد و امکان انتشار ایده‌های نو از میان برود؛ برخی از داوران نیز یافته‌های پدیدآوران را تنها با دیدگاه‌های خود مطابقت می‌دهند که ممکن است برخی از پیشنهادها را با یکدیگر تضاد داشته باشد.

افزون بر این، ممکن است داور نسبت به پدیدآوران دانش کمتری داشته باشد. آرمسترانگ برای این امر به نتایج پژوهشی اشاره می‌کند که در آن نزدیک به نیمی از پدیدآوران بر این باور بودند که داوران آثار آن‌ها را با دقت نخوانده و کیفیت آن را درک نکرده‌اند. از دیگر آسیب‌های هم‌ترازخوانی، معیارهای نادرست داوران در هم‌ترازخوانی است. برخی از این معیارهای نادرست دربرگیرندهٔ معناداری آماری، اندازهٔ بزرگ نمونه‌های پژوهشی، روش‌های پیچیده و شیوهٔ نگارش ابهام‌آمیز^۱ است که به زعم برخی داوران، وجود

آن‌ها نشان از کیفیت چشمگیر مقاله دارد؛ در صورتی که چنین نیست. هم‌ترازخوانی نامناسب نیز از دیگر چالش‌هایی است که برای هم‌ترازخوانی مطرح می‌شود؛ به گونه‌ای که برخی پژوهش‌ها نشان داده‌اند که اغلب داوران در نوشته‌های ارسالی، خطاهای ساده و روش‌شناسی را تشخیص نداده‌اند (لی و همکاران در واگنر و همکاران، ۲۰۰۳). این مسئله ممکن است به سبب نداشتن دانش عمیق یا تخصص در هم‌ترازخوانی اثر یا ناشی از انتخاب ضعیف داوران و پیچیده و چندبُعدی بودن آثار باشد؛ در نتیجه هیچ هم‌ترازخوانی نتواند هم‌ترازخوانی کامل و آگاهانه ارائه دهد (رزنیک و المور^۱ ۲۰۱۶).

از دیگر انتقادهایی که برای هم‌ترازخوانی مطرح می‌شود، ناهماهنگی در میان توصیه‌های داوران است. برای نمونه، راثول و مارتین^۲ در بررسی تکرارپذیری نتایج هم‌ترازخوانی دریافتند توافق میان داوران برای پذیرش و اصلاح و رد کردن آثار در مجله‌ها متفاوت است. بنابراین، برخی از داوران ممکن است در خصوص جنبه‌هایی که باید هم‌ترازخوانی کنند مطمئن نباشند یا وقت و دانش مناسبی برای هم‌ترازخوانی مقاله‌ها نداشته یا آموزش مناسب و کافی ندیده باشند و تحت تأثیر تعصب شخصی قرار بگیرند (واگنر^۳ و همکاران ۲۰۰۳).

لی و همکارانش (رزنیک و المور ۲۰۱۶) نیز بر این باورند که هم‌ترازخوانی‌ها بسیار متناقض هستند و بر پایه شایستگی آثار انجام نمی‌شود و پذیرفته یا رد شدن آثار بیشتر به هم‌رأیی داور با نتایج اثر بستگی دارد. از دیدگاه آن‌ها، اختلاف درخور ملاحظه در هم‌ترازخوانی‌های نقادانه آثار می‌تواند تخصص نامتناسب داور یا دشواری‌های واضح نبودن استانداردهای هم‌ترازخوانی را نشان دهد و ممکن است این قضیه در پژوهش‌های میان‌رشته‌ای پررنگ‌تر باشد. پارک و همکارانش یکی از دلایل ناهماهنگی گزارش‌های هم‌ترازخوانی را ویژگی ذهنی ارزیابی آثار می‌دانند؛ زیرا داوران سطوح گوناگونی از تجربه و مفروضات نظری و روش‌شناختی دارند و از آنجا که ارزیابی ذهنی مقاله‌ها بخش مهمی از روند هم‌ترازخوانی است، ممکن است کاهش ناهماهنگی دشوار باشد؛ این نظر با نتایج

1. Elmore
2. Rothwell and Martyn

3. Wagner

پژوهش‌های پیترز و سِسی در رزنیک و المور (۲۰۱۶) هم‌راستا بود. بنابراین می‌توان دسته دیگری از انتقادات را به کاستی در کارکرد و تناقض و ناهماهنگی در اجرا مرتبط دانست، کارکرد از این نظر که این انتقادات به مسائلی اشاره می‌کنند که کارکردهای متصور شده برای داوری را نشانه گرفته است. یکی از دلیل‌های مهم برای برپایی هم‌ترازخوانی این است که بتواند در تشخیص بدرفتاری‌های علمی سودمند و یاری‌گر باشد؛ در حالی که از دیدگاه برخی این‌گونه نیست.

نقض غرض در هم‌ترازخوانی

از دیدگاه هوپ و مونرو^۱ (۲۰۱۹) وقتی فرایند هم‌ترازخوانی را به دقت بررسی می‌کنیم، متوجه می‌شویم که نشانه‌هایی از نادیده گرفته شدن اصول کلیدی پژوهش می‌بینیم که بیشتر مواقع به دلیل نبود فروتنی علمی و سوگیری در بخشی از هم‌ترازخوانی‌ها رخ می‌دهد. این قضیه در حالی رخ می‌دهد که انتظار می‌رود هم‌ترازخوانی نه در حالت بهینه خود، دست کم به بهبود یا بهینگی اخلاق پژوهش یاری برساند که نشان از هدف یا غرضی دارد؛ ولی گاه نه تنها به این هدف نمی‌رسد، بلکه حتی از آن دور می‌شود. حتی برخی همچون توماس^۲ (۲۰۱۸) با بیان عبارت «دستکاری^۳ هم‌ترازخوانی» به یافته‌های پژوهشی اشاره می‌کنند که در آن حلقه‌ای از افراد برای همدیگر هم‌ترازخوانی می‌کنند و به یکدیگر استناد می‌دهند و باعث شدند ۶۰ مقاله از انتشارات سیج^۴ یا ۵۰۰ مقاله منتشر شده به دلیل هم‌ترازخوانی‌های جعلی^۵ بازپس داده شده و از مجله حذف شوند. برخی نیز همچون سودر (۲۰۱۱) با تردید درباره کارایی هم‌ترازخوانی بر این باورند که اگر پژوهشگران همچنان به این نظام هم‌ترازخوانی وفادار باشند، فقط «ممکن است» با دقت بیشتری رفتار کنند. از این رو، کاسادیوال و فانگ^۶ (۲۰۰۹) هم‌ترازخوانی را حتی با سانسور مقایسه کرده‌اند. همچنین، هم‌ترازخوانی دری به روی «امکان سوءاستفاده» گشاده است و گاه باعث جلوگیری از پیشرفت رقیب می‌شود و

1. Hope & Munro

2. Thomas

3. Tampering

4. Sage

5. Rigged

6. Casadevall & Fang

گاهی با سرقت ایده‌ها و نتایج روبه‌روست.

از مهم‌ترین مسائل، پنهان‌بودن هویت پدیدآوران و داوران به‌ویژه در رویکرد دوسو پنهان است که پیش‌تر نیز درباره آن سخن به میان آمد. برای نمونه، جگسی^۱ و همکارانش (۲۰۱۴) موضوع پنهان‌بودن هویت پدیدآور و داور و نگرش‌های موجود درباره این موضوع را در حوزه اخلاق هم‌ترازخوانی بررسی کرده‌اند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد برخی داوران امکان شناسایی پدیدآوران و برخی دیگر امکان شناسایی وابستگی سازمانی پدیدآوران را دارند. البته برخی از پدیدآوران هم می‌توانند داور را شناسایی کنند. برخی همچون هوپ و مونرو (۲۰۱۹) بر این باورند که تأثیر گمنام‌بودن بر کیفیت هم‌ترازخوانی ناچیز است و در صورتی که هم‌ترازخوانی آشکارا انجام شود، احتمال پذیرش هم‌ترازخوانی از سوی داوران کاهش می‌یابد. آدلر و استریر^۲ هم‌ترازخوانی پنهان را مانع از سوگیری غیرمنصفانه^۳ نمی‌بینند (توماس ۲۰۱۸). از این رو، هم‌ترازخوانی افزون بر سوءاستفاده ممکن است با چالش دیگری همچون «امکان برخورد منافع» نیز روبه‌رو شود که این چالش با هویت کنشگران هم‌ترازخوانی ارتباطی تنگاتنگ پیدا می‌کند. این برخورد منافع می‌تواند بر منفعت شخصی، تجاری، سیاسی، علمی، مالی، رشته، موقعیت جغرافیایی پژوهشگران و جنسیتی مبتنی باشد و با سوگیری هم ارتباط پیدا کند.

کاولی^۴ (۲۰۱۱) هم‌ترازخوانی را فرایندی دشواری‌زا و آکنده از چالش‌های اخلاقی می‌داند. او غیراخلاقی‌بودن هم‌ترازخوانی را از نظر منطقی تحلیل می‌کند و ادعا می‌کند که هم‌ترازخوانی هم به‌طور ذاتی و هم ساختاری غیراخلاقی است. وی برای اثبات دیدگاه خود نمونه‌هایی نیز ارائه می‌کند که تأمل‌پذیر هستند و این مسئله‌ها برای همه گونه‌های هم‌ترازخوانی نیز در شکل‌های گوناگون صادق است. برای نمونه، وی بر این باور است که هم‌ترازخوانی قدرت تصمیم‌گیری به افرادی می‌دهد که نفعشان در رد کردن آثاری است که مشابه آثار خود آن‌ها است؛ به بیان دیگر، به آن‌ها قدرت می‌دهد تا موقعیت حرفه‌ای خود را

1. Jagsi
2. Adler & Strayer

3. Subconscious
4. Cawley

از طریق متوقف کردن پیشرفت‌های رقبا ارتقا دهند. از این رو، ساختار هم‌ترازخوانی را از این نظر غیراخلاقی می‌داند که پنهان‌بودن هویت داور، هم امکان تصمیم‌گیری علیه رقبا را می‌دهد و هم آن‌ها را از شناسایی شدن حفظ می‌کند. از دیدگاه وی، ناشناختگی این امکان را به داور می‌دهد که ایده‌ها و دستاوردهای رقبا را با معافیت از مجازات سرکوب کند. همچنین، داور گمنام می‌تواند ایده‌ها و نتایج را سرقت کند یا آن قدر در هم‌ترازخوانی مقاله معطل کند تا مقاله مشابه خودش زودتر منتشر شود. او ممکن است جلوی پذیرش آن را بگیرد تا پیشرفت رقیب جلوگیری کرده باشد یا نظر هم‌ترازخوانی نادرست و مبهمی درباره مقاله بنویسد. همچنین داور می‌تواند چندین رفتار غیراخلاقی دیگر کند، بدون اینکه مجازاتی در انتظار وی باشد؛ زیرا قربانی این عمل غیراخلاقی امکان شناسایی داور را ندارد. بنابراین، از دیدگاه کاولی، خود هم‌ترازخوانی در دوراهی اخلاقی قرار می‌گیرد و می‌تواند ذاتاً غیراخلاقی باشد.

از دیدگاه وی، حذف گمنامی تنها راه مؤثر برای دستیابی به هم‌ترازخوانی اخلاقی است. خود موضوع پنهان‌بودن دوسویه هویت، زمینه را برای انجام رفتارهای غیراخلاقی داور فراهم می‌کند. از آنجا که به‌طور معمول، حوزه‌های موضوعی برخی از جوامع علمی بزرگ نیست، در مقاله راه‌های کافی برای شناختن هم‌ترازخوانان و پدیدآوران وجود دارد. وی بر این باور است که در هم‌ترازخوانی یک‌سو پنهان، امکان بروز همه رفتارهای غیراخلاقی ممکن وجود دارد. افزون بر اینکه داور از هویت پدیدآور آگاه است، ممکن است هرگونه خصومت شخصی سبب صدور رأی نادرست شود. در فرایند هم‌ترازخوانی تا حدودی آشکار، هویت داور پنهان است؛ اما هم‌ترازخوانی وی در دید عموم قرار می‌گیرد. تنها مزیتی که این هم‌ترازخوانی دارد این است که خوانندگان می‌توانند از دیدگاه‌های داوران آگاه شده و هم‌ترازخوانی آن‌ها را هم‌ترازخوانی کنند. با این حال همچنان در این نوع هم‌ترازخوانی داور از شناخته‌شدن و مجازات‌شدن در صورت بروز رفتارهای غیراخلاقی در امان است. در هم‌ترازخوانی آشکار نیز که هویت داور و پدیدآور برای یکدیگر مشخص است، بروز بسیاری از رفتارهای غیراخلاقی داوران، به دلیل آشکاربودن نام و هم‌ترازخوانی آن‌ها در دید

عموم، به‌طور تقریبی نشدنی است و چه‌بسا داوران تلاش کنند دقت بیشتری را صرف هم‌ترازخوانی خود کنند؛ زیرا کیفیت قضاوت در محبوبیت آن‌ها تأثیر خواهد گذاشت. اما از دیدگاه وی بازهم این نوع هم‌ترازخوانی مطلوب نیست؛ چرا که ممکن است سوگیری‌های آگاهانه یا ناآگاهانه‌ای به دلیل شناختن پدیدآوران از سوی داوران صورت گیرد و بر هم‌ترازخوانی آن‌ها اثر بگذارد.

البته انتقادهای اخلاقی به هم‌ترازخوانی تنها به پنهان بودن هویت داور یا پدیدآور محدود نمی‌شود و می‌تواند به کل فرایند هم‌ترازخوانی نیز تعمیم داده شود. برای نمونه، کاولی ردکردن مقاله را به معنای ممانعت از نشر ایده‌های جدید می‌داند که ضربه بزرگی به علم می‌زند. وی بر این باور است که هم‌ترازخوانی نباید از نشر مقاله‌ها جلوگیری کند، بلکه باید کیفیت آن‌ها را بعد از انتشار ارزیابی کند.

نبود بی‌طرفی و انصاف در هم‌ترازخوانی

انتقاد به هم‌ترازخوانی تنها به مسائلی همچون فرایند، اخلاق و ساختار داوری و نیز تنها به دیدگاه کاولی و سودر محدود نمی‌شود. برای نمونه بیشتر، اسمیت (۲۰۰۶) نواقص هم‌ترازخوانی را افزون بر هزینه‌بری و زمان‌بری، به‌عبارتی هدردهندگی زمان در انجام امور پژوهشی، ماهیت بسیار ذهنی^۱ آن می‌داند که سوگیری دارد و سوءاستفاده بسیاری ممکن است در آن اتفاق بیافتد. وجود گونه‌های سوگیری، به بی‌انصافی در ارزیابی آثار پیوند دارد و بسیاری از پژوهشگران از جمله ور (۲۰۰۸)، رزنیک و المور (۲۰۱۶) و هوپ و مونرو (۲۰۱۹) به آن اشاره کرده‌اند. برای نمونه، از دیدگاه هوپ و مونرو، سوگیری به‌عنوان عنصری انسانی در هم‌ترازخوانی، دغدغه‌ای است که نمی‌تواند به‌طور کامل ریشه‌کن شود (هوپ و مونرو ۲۰۱۹). از دیدگاه لی و همکارانش، از آنجا که هم‌ترازخوانی توسط انسان انجام می‌پذیرد، هیچ هم‌ترازخوانی‌ای نمی‌تواند به‌طور کامل از سوگیری‌های نظری و روش‌شناختی رها باشد (لی و همکاران در رزنیک و المور ۲۰۱۶). با این حال، چندی از مهم‌ترین

سوگیری‌ها هم‌ترازخوانی عبارت است از سوگیری نسبت به اولویت قراردادن یافته‌های مثبت یا منفی، جنسیت پدیدآور، جنسیت داور، وابستگی سازمانی، ملیت پدیدآور، پژوهش بحث‌برانگیز یا نوآورانه، داوران پیشنهادی پدیدآوران، برخورد منافع هم‌ترازخوانی یا سردبیر و شهرت پدیدآور (رزنیک و المور ۲۰۱۶). برای نمونه، ممکن است داور تحت تأثیر سوگیری ملیت، زبان، تخصص و جنس داور یا پدیدآور قرار بگیرد و این شواهد در فرایند هم‌ترازخوانی به وضوح آشکار نشوند. می‌توان به عنوان شواهدی بر این مسئله، و سوسه پیداکردن خطا در آثار پدیدآوران رقیب در پژوهش (ایزرائیل و هی^۱ ۲۰۰۶، ۱۱۹)، سوگیری برای انتشار یافته‌های مثبت در مقایسه با یافته‌های منفی در پژوهش‌های ایستبروک^۲ و همکارانش و استرن و سیمز^۳ و دوان^۴ و همکارانش را نام ببریم؛ هرچند شواهدی همچون پژوهش‌های دیکرسین^۵ و همکارانش و آلسون^۶ و همکارانش (در رزنیک و المور ۲۰۱۶) وجود دارد که نشان می‌دهد نظام هم‌ترازخوانی مسئول این نوع از سوگیری‌ها نیست و ضروری است پژوهش‌های بیشتری درباره علت سوگیری برای انتشار یافته‌های مثبت انجام شود.

سوگیری جنسیتی نیز جزو گونه‌های سوگیری‌ها شناخته می‌شود. برای نمونه، پژوهش‌های وِرناس و وُلْد،^۷ بورنمان^۸ و همکارانش، لی و همکارانش، لوید^۹ و بورساک^{۱۰} و همکارانش وجود این دست سوگیری‌ها را بر ملا کرده‌اند. سوگیری می‌تواند مربوط به وابستگی‌های سازمانی و ملیت پدیدآوران باشد. برای نمونه پژوهش‌های راس^{۱۱}، تیمر^{۱۲} و همکارانش، ارنست و کین باکر^{۱۳} و گرافانکل^{۱۴} و همکارانش (رزنیک و المور ۲۰۱۶) به این دست از سوگیری‌ها پرداخته‌اند. البته ممکن است سوگیری به نفع یا علیه پدیدآوران براساس ملیت یا وابستگی سازمانی خاص، به دلیل تفاوت در دشواری علمی یا مهارت نوشتن میان کشورها یا نهادهای گوناگون متغیر باشد (رزنیک و المور ۲۰۱۶).

1. Israel & Hay
2. Easterbrook
3. Stern & Simes
4. Dwan
5. Dickersin
6. Olson
7. Wenneras & Wold

8. Bornmann
9. Lloyd
10. Borsuk
11. Ross
12. Timmer
13. Ernst & Kienbacher
14. Garfunkel

بنابراین، سوگیری جزو چالش‌های عمده‌ای است که هم‌ترازخوانی از ابتدا با آن روبه‌رو بوده است. سوگیری به‌واقع نوعی بی‌انصافی در ارزیابی آثار و به‌عنوان نقض بی‌طرفی در ارزیابی اثر و تعصبی نظام‌مند تعریف می‌شود که از تفسیر دقیق و عینی آثار علمی جلوگیری می‌کند، گاه آگاهانه و گاه غیرآگاهانه.

به‌نظر می‌رسد هر کدام از سوگیری‌های آگاهانه و ناآگاهانه نوعی چالش برای داوری به‌وجود می‌آورند. سوگیری‌های آگاهانه کل نظام داوری را با پرسش جدی مواجه می‌کنند. هر دو سوگیری آگاهانه و غیرآگاهانه ممکن است تا اندازه‌ای با آموزش داور برطرف شوند. از این رو، همان‌گونه که در فصل چهارم نیز اشاره می‌شود (به بخش رهنمودها و بیانیه‌های اخلاق داوری مراجعه کنید)، کوپ افزون بر آموزش داوران بر این امر تأکید می‌کند که داوران باید هرگونه برخورد منافی را که می‌تواند نظر آن‌ها را درباره‌ی اثری تحت تأثیر سوگیری قرار دهد، افشا کنند. همچنین داوران باید از هم‌ترازخوانی آثار ویژه‌ای اجتناب کنند که سوگیری بالقوه‌ای درباره‌ی آن‌ها وجود دارد. بنابراین، می‌توان به‌خوبی مشاهده کرد که هم‌ترازخوانی تا چه اندازه در مواجهه با سوگیری داور نسبت به اثر یا پدیدآور آن پرمخاطره است و این مسئله تا چه اندازه می‌تواند باعث خطا در داوری اثر شود. در حالی که بی‌طرفی عبارت است از ارزش‌گذاری‌های مشابه درباره‌ی کارهای مشابه، فارغ از اینکه افراد دست‌اندرکار چه کسانی هستند. اگر بی‌طرف باشیم، آن وقت مبنای ما در ارزش‌گذاری کار خود آن کار است، نه نقشی که در اوضاع و احوال کسی دارد. اگر داوری ما بر مبنای درست یا نادرست بودن انجام کاری برای کسی درست یا نادرست است، آن وقت بر اساس بی‌طرفی باید چنین داوری کنیم که انجام‌دادن همان کار در همان موقعیت برای هر کس دیگری هم درست یا نادرست است (گنسلر ۱۳۹۵، ۱۶۵).

برخی از انتقادات به محافظه‌کاری هم‌ترازخوانی ارتباط دارد. داوران در برابر پژوهش‌های متضاد، نوآورانه و میان‌رشته‌ای سوگیری دارند یا ایرادهای دیگری در چهارچوب‌های نظری، روش‌شناسی یا فرضیات مطرح می‌کنند. پژوهش‌های رش^۱ و همکارانش و ماهانی^۲ از جمله

این پژوهش‌ها به‌شمار می‌روند. نمونه‌هایی از انواع دیگر سوگیری‌ها چنین است: سوگیری نسبت به زبان اصلی پدیدآور در پژوهش نیلنا^۱ و همکارانش؛ سوگیری نسبت به در داوران پیشنهادی پدیدآور در پژوهش ریوارا^۲ و همکارانش؛ سوگیری نسبت به جنسیت در پژوهش‌های گیلبرت^۳، بورساک^۴ و وینگ^۵؛ سوگیری نسبت به برخورد منافع داور یا سردبیر در پژوهش‌های گاسپاریان^۶ و سیسموندو^۷؛ سوگیری نسبت به شهرت پدیدآوران در پژوهش‌های رزنیک و المور و لی و همکارانش از دیگر سوگیری‌ها بوده‌اند. البته باید در نظر داشت که برخی همچون دانجلو بر این باورند که هم‌ترازخوانی در شناسایی تخلف ناشی از برخورد منافع و افشای محرمانگی نیز ناتوان است (دانجلو ۲۰۱۲، ۴۹). همچنین، گاهی داوران به پدیدآوران حملات شخصی^۸ می‌کنند (رزنیک و المور، ۲۰۱۶).

جز این، داوران ممکن است با پدیدآوران برخورد منافع از نوع شخصی، تجاری، سیاسی، علمی یا مالی داشته باشند که با سوءاستفاده از آثار علمی به جایگاه علمی داور ارتباط پیدا کند. افزون بر این، ممکن است برخورد منافع بسته به رشته، موقعیت جغرافیایی پژوهشگران و حتی جنسیت پدیدآوران متفاوت باشد (گاسپاریان و همکاران ۲۰۱۳). کمیته اخلاق نشر پیشنهاد می‌کند افراد باید هم‌ترازخوانی اثری را رد کنند که با اثر دردست‌تهیه خودشان مشابهت دارد؛ در حالی جلوگیری از هم‌ترازخوانی همه کسانی که در حوزه‌ای خاص کار می‌کنند، باعث دورشدن از تخصص‌گرایی می‌شود (وندلر و میلر ۲۰۱۴) که برخورد منافع نیز چالش و انتقاد مهمی ایجاد کرده است و تنها با آشکارسازی آن توسط داوران مرتفع‌شدنی است. البته پژوهش‌های بسیاری در این زمینه انجام شده است که پژوهش‌های کوپر^۹ و همکارانش، رزنیک، کانسنی و کیسلینگ^{۱۰}، بلوم^{۱۱} و همکاران، بوش^{۱۲} و همکارانش، آنراکو^{۱۳} و همکارانش (رزنیک و المور ۲۰۱۸) تنها برخی از آن‌ها را دربرمی‌گیرد. کاستی مهمی که برخورد منافع در هم‌ترازخوانی ایجاد می‌کند این است که می‌تواند

1. Nylenna
2. Rivara
3. Gilbert
4. Borsuk
5. Wing
6. Gasparyan
7. Sismondo

8. Personal attack
9. Cooper
10. Konecny & Kissling
11. Blum
12. Bosch
13. Anraku

قضاوت‌های داوران را به نفع یا علیه شخصی تغییر داده و اعتماد پدیدآوران به روند هم‌ترازخوانی را تضعیف کند (رزنیک و المور، ۲۰۱۶). البته باید این را هم افزود که یافتن داورانی که برخورد منافع با اثر یا صاحب اثر نداشته باشند، در برخی از رشته‌ها بسیار دشوار است (رزنیک و المور ۲۰۱۸).

جنسیت هم ممکن است در رعایت انصاف اثر بگذارد. به‌کارگیری داوران متعدد سبب افزایش انصاف در هم‌ترازخوانی می‌شود. آرمسترانگ همچنین با اهمیت دادن به نوآوری در مقاله‌ها بر این باور است که ایده‌های جدید رد می‌شوند، چون در تضاد با باورهای جاری یا گذشته داوران قرار دارند یا زمان زیادی برای پذیرش آن به هدر می‌رود. پیامد بی‌توجهی به اهمیت نوآوری در آثار این است که پژوهشگران به جای تمرکز بر پیشرفت علم، بر پیشرفت علمی و حرفه‌ای خود توجه می‌کنند و باعث انتشار پژوهش‌های عاری از نوآوری می‌شوند. البته وی برای رفع این مشکل، چنین پیشنهادهایی طرح می‌کند: امکان فراخوان مقاله؛^۱ پذیرش اولیه مقاله، یعنی پذیرش موضوع بدون توجه به نتایج و یافته‌ها؛ امکان ارسال هم‌زمان اثر به چند مجله؛ هم‌ترازخوانی پیش از ارسال؛ معرفی داوران از سوی پدیدآوران؛ ارسال اثر بدون نتایج، برای جلوگیری از سوگیری در نتایج؛ استفاده از فرم‌های ساختاریافته هم‌ترازخوانی؛ هم‌ترازخوانی آشکار.

در کل، وی نتیجه می‌گیرد در بسیاری از موارد هم‌ترازخوانی جلوی انتشار نوآوری را می‌گیرد. با ظهور نشر الکترونیکی، دیگر مشکل فضای کاغذی مطرح نیست و نوآوری‌ها بایستی بیش از پیش، امکان انتشار داشته باشند؛ بنابراین، بهترین راه این است که رویه هم‌ترازخوانی از رد و پذیرش به چگونگی انتشار تغییر یابد.

البته باید به این نیز اشاره کرد که ضرورت دارد انصاف در همه فرایند هم‌ترازخوانی جاری و اجرایی شود؛ تنها نمی‌توان آن را برای پدیدآور ضروری دانست، بلکه برای داور نیز انصاف باید رعایت شود. به رسمیت شناختن تلاش داور نیز بخشی از انصاف است. از این رو، آرمسترانگ (۱۹۹۷)، به هم‌ترازخوانی بدون مزد و پاداش داوران اشاره می‌کند که حتی

در آن‌ها نام داوران نیز منتشر نمی‌شود و بنابراین نه‌تنها شهرت یا محبوبیتی هم برای آن‌ها به همراه نمی‌آورد، زمان‌بر هم هست و زمان درخور توجهی از داوران را می‌گیرد که به دور انصاف است. همچنین، به‌طور معمول داوران از رویه‌های ساختاریافته‌ای همچون مراحل انجام هم‌ترازخوانی به شکل ساختارمند استفاده نمی‌کنند. برای نمونه، در آن رویه‌ها شیوه استفاده از ابزارها و روال‌های داور به‌طور کامل مشخص شده است. به موجب این امر، انتقادهایی به عملکرد داور گسیل می‌شود که نمی‌تواند منصفانه باشد.

با وجود نکته‌هایی که اشاره شد و البته مزیت‌ها و ضرورت‌هایی که هم‌ترازخوانی دارد، همچنین با در نظر گرفتن این نکته که هنوز جایگزین مناسب و مشخصی برای همه گونه‌های روابط علمی و نشر علمی به وجود نیامده و به دلیل گوناگونی در گونه‌های هم‌ترازخوانی‌ها و زیست‌بوم‌های گوناگون، هنوز نمی‌توان به جایگزینی برای همه بافت‌ها امیدوار بود؛ بنابراین لازم است دست کم با در نظر گرفتن این چالش‌ها و کاستی‌ها، به مزیت‌ها و اهمیت و ضرورت آن امید داشت. همچنین، با توجه به گونه‌های هم‌ترازخوانی در نظام علمی جهانی، می‌توان دست کم با برخی از کاستی‌ها و چالش‌های آن آشنا شد و بر مزیت‌های هر یک از آن‌ها چنگ زد و به آن‌ها تکیه کرد. این کار مستلزم این است که با مزیت‌ها و عیب‌ها گونه‌های هم‌ترازخوانی آشنا شویم و نگاهی واقع‌گرایانه به آن‌ها داشته باشیم. آنچه در ادامه می‌آید، مزیت‌ها و عیب‌های رویکردهای گوناگون هم‌ترازخوانی است. همچنین، از آنجا که هویت و پنهان بودن آن اهمیت بسیار زیادی در شکل‌گیری گونه‌های هم‌ترازخوانی دارد، دیدگاه موافقان و مخالفان آن نیز در ادامه می‌آید؛ افزون بر این، جوانب مثبت و منفی گونه‌های رویکردهای هم‌ترازخوانی نیز در ادامه مطرح می‌شود؛ هر یک از موارد اشاره‌شده به صورت جدولی مجزا در ادامه آمده است (به جدول ۲ و ۳ و ۴ بنگرید).

جدول ۲. مزیت‌ها و عیب‌های رویکردهای مختلف هم‌ترازخوانی (تَبَنّت و همکاران ۲۰۱۹)

نوع	شرح	موافقان / فواید	مخالفان / خطرها	نمونه‌ها
یادداشت‌گذاری پیش‌هم‌ترازخوانی	یادداشت‌گذاری و بحث غیررسمی در خصوص پیش‌نویس اثر پیش از انتشار در دسترس همگان (همچون پیش از چاپ)	سریع، شفاف، همگانی، هزینه نسبتاً کم (رایگان برای پدیدآوران)، یادداشت‌گذاری آزاد	ترس از برملاشدن ^۱ ، ترس از رد مجله، ترس از ارتباط عجولانه، نبود کنترل سردبیرانه	bioRxiv، پیش‌چاپ OSF، پیش‌چاپ PeerJ، Figshare، Zenodo، Preprints.org
پیش از انتشار (بسته)	ارزیابی رسمی و به دعوت از سردبیر برای بخشی از پژوهش توسط کارشناسان منتخب در حوزه موضوعی مرتبط	تصمیم‌گیری ^۲ سردبیران، دست کم نوعی کنترل کیفیت را برای همه آثار منتشرشده فراهم می‌کند.	غالباً غیرشفاف، ارزیابی دشوار، در معرض سوگیری، محرمانه و انحصاری، مشخص نیست چه کسی «مالک» هم‌ترازخوانی‌هاست	Nature, Science, New England Journal of Medicine, Cell, The Lancet
پس از انتشار	ارزیابی رسمی و به‌اختیار دعوت‌شده برای پژوهش توسط متخصصان منتخب در حوزه مرتبط، پس از انتشار	انتشار سریع پژوهش، همگانی، شفاف، می‌تواند از نظر ویراستاری مدام اصلاح شود	فیلتر کردن «پژوهش‌های نامناسب» پس از انتشار	F1000 Research, ScienceOpen, RIO, The Winnower, Publons
یادداشت‌گذاری پس از انتشار	بحث غیررسمی درباره پژوهش منتشرشده، مستقل از هرگونه هم‌ترازخوانی رسمی که ممکن است انجام شده باشد.	می‌تواند در پلتفرم‌های شخص ثالث اجرا شود، همه می‌توانند مشارکت کنند، همگانی	دیدگاه‌ها می‌توانند بی‌ادبانه یا با کیفیتی ضعیف باشند، نظرات در پلتفرم‌های مختلف فاقد میان‌کنش‌پذیری هستند، رؤیت‌پذیری محدود	PubMed Commons, PeerJ, PLOS, BMJ

نوع	شرح	موافقان / فواید	مخالفان / خطرها	نمونه‌ها
مشارکتی	ترکیبی از داوران، سردبیران و خوانندگان خارجی در ارزیابی اثر علمی از طریق اظهار نظرهای تعاملی، اغلب برای رسیدن به تصمیمی اجماعی و مجموعه‌ای یکتا از بازنگری‌ها	تکرارپذیر، شفاف، ویراستاران گزارش‌ها را امضا می‌کنند، می‌توانند با فرایند رسمی یکپارچه شوند، مانع ارسال‌های کم‌کیفیت می‌شوند.	می‌تواند بیشتر زمان‌بر باشد، کیفیت بحث‌ها متغیر است، فشار و نفوذ هم‌تراز می‌تواند تعادل را برهم زند.	eLife, Frontiers series, Copernicus journals, BMJ Open Science
انتقال‌پذیر	پدیدآوران می‌توانند گزارش‌های هم‌ترازخوانی را به چندین حوزه دیگر برای داوری ببرند که اغلب این خدمت را شخص سومی اداره می‌کند	افزونگی را کاهش می‌دهد، باعث صرفه‌جویی در وقت می‌شود.	میزان کاربست کم یا محدود توسط پدیدآوران، پذیرش پایین توسط مجله‌ها، هزینه زیاد	BioMed Central journals, NPRC, Rubriq, Peerage of Science, MECA
خدمات توصیه‌ای ^۱	ارزیابی و توصیه پس از انتشار مقاله‌های مهم، اغلب از طریق کنسرسیومی هم‌تراز انجام می‌شود.	کشف پیشینه به‌صورت جمع‌سپاری، صرفه‌جویی در زمان، دارای پرستیژ بودن هنگامی که در یک کنسرسیوم باشد.	خدمات پرداختی (فقط با اشتراک)، باعث صرفه‌جویی در زمان سفارش‌دهنده می‌شود، انحصاری	F1000 Prime, CiteULike
جداسازی پس از انتشار	نظرات یا نکات برجسته مستقیماً به بخش‌های مشخص شده اثر اضافه می‌شوند. یادداشت‌های اضافه‌شده می‌توانند خصوصی یا همگانی باشند.	سریع، جمع‌سپاری شده و مشارکتی، میان ناشران، آستانه پایین برای ورود	غیرمیان‌کنش‌پذیر ^۲ ، محل اجرای چندگانه، تلاش تکراری، نسبتاً بی‌استفاده، انتقادهای افراد برجسته ذخیره می‌شود.	PubPeer, Hypothesis, PaperHive, PeerLibrary

جدول ۳. موافقان و مخالفان رویکردهای مختلف گمنامی در هم‌ترازخوانی (تنت و همکاران ۲۰۱۹)

نمونه‌ها	مخالفان/ زبان و ضررها	موافقان/ فواید	شرح	رویکرد
بیشتر مجله‌های زیست‌پزشکی و PLOS ONE, فیزیک, Science	مستعد سوگیری، محافظت‌نشدن از پدیدآوران، انحصاری، کنترل‌ناپذیر، داوران اغلب می‌توانند به هر حال شناسایی شوند.	داوران اجازه دارند بافت همه آثار دیگر پدیدآور را ببینند، امکان تشخیص برخورد منافع، کارآمدتری	پدیدآوران، داوران را نمی‌شناسند اما داوران از هویت پدیدآوران آگاه‌اند.	هم‌ترازخوانی یک‌سو پنهان
Nature, بیشتر مجله‌های حوزه علوم اجتماعی	مستعد سوءاستفاده و سوگیری فزاینده، محرمانه، انحصاری، کنترل‌ناپذیر، داوران اغلب می‌توانند به هر حال شناسایی شوند، زمان‌بر	افزایش تنوع پدیدآوران در پیشینه منتشر شده	هویت پدیدآوران و داوران برای یکدیگر پنهان هستند.	هم‌ترازخوانی دوسو پنهان
Science Matters	ناسازگار با پیش‌چاپ، بررسی‌ناپذیر، محرمانه	از میان بردن عوامل جغرافیایی، سازمانی، شخصی و جنسیتی سوگیری، اثر بر اساس شایستگی ارزیابی می‌شود.	هویت پدیدآوران و وابستگی آن‌ها برای سردبیران و پدیدآوران پنهان هستند.	هم‌ترازخوانی سه‌سو پنهان
PLOS Medicine, Learned Publishing	نرخ اجتناب از هم‌ترازخوانی افزایش می‌یابد، بررسی‌ناپذیر	از داوران محافظت می‌کند، بدون ترس از تلافی برای هم‌ترازخوانی‌های انتقادی	در صورت موافقت داوران یا از طریق سازوکاری ویژه نام داوران برای پدیدآوران آشکار می‌شوند.	خصوصی، هم‌ترازخوانی آشکار
مجله EMBO	مستعد سوءاستفاده و سوگیری مشابه روند دوسو پنهان، بررسی‌ناپذیر	گزارش‌های منتشر شده به دلیل بافت و استفاده دوباره، به اطلاع همگان می‌رسد.	در صورت موافقت داوران، گزارش هم‌ترازخوانی، گمنام و پس از انتشار اثر منتشر می‌شود	هم‌ترازخوانی غیرقابل توصیف ^۱

نمونه‌ها	مخالفان / زبان و ضررها	موافقان / فواید	شرح	رویکرد
PeerJ, Nature Communications	اگر همه هم‌ترازخوانی‌ها آشکار نشود تصویری نامفهوم از فرایند هم‌ترازخوانی ارائه می‌دهد.	شفافیت فزاینده	نوعی هم‌ترازخوانی یک‌سو پنهان، به جز اینکه به داوران این امکان داده شده که هم‌ترازخوانی و نام‌شان را آشکار کنند.	هم‌ترازخوانی آشکار اختیاری
The medical BMC-series journals, The BMJ	ترس: داوران ممکن است از داوری خودداری کنند یا مایل نباشند بیش از حد انتقادی یا مثبت برخورد کنند.	شفافیت، افزایش یکپارچگی در داوری‌ها	هویت داوران قبل از انتشار برای پدیدآوران آشکار شده، و در صورت انتشار اثر، پیشینه کامل هم‌ترازخوانی به همراه اسامی داوران منتشر می‌شوند.	هم‌ترازخوانی آشکار پیش از انتشار
F1000Research, ScienceOpen, PubPub, Publons	ترس: داوران ممکن است از هم‌ترازخوانی خودداری کنند یا مایل نباشند بیش از حد انتقادی یا مثبت برخورد کنند.	انتشار سریع، فرایند شفاف	گزارش هم‌ترازخوانی‌ها و نام داوران همیشه بدون در نظر گرفتن نتیجه هم‌ترازخوانی آشکار می‌شوند.	هم‌ترازخوانی آشکار پس از انتشار
مجله RIO	مستعد به سوگیری، معتبر در نظر گرفته نمی‌شود.	شفاف، مقرون به‌صرفه، سریع، پاسخ‌گو	داوران از پیش تعیین و دعوت شده، با «مهر تایید» داور در نشر اثر	هم‌ترازخوانی با امضا ^۱

جدول ۴: ویژگی‌های اصلی مدل‌های هم‌ترازخوانی و مخالفان و موافقان آن‌ها (تَبَت و همکاران ۲۰۱۹)

ویژگی‌ها	شرح	موافقان	مخالفان / خطر ها	مدل‌های موجود
رأی‌گیری یا رتبه‌بندی	ارزیابی هم‌ترازخوانی با کمی‌شده (۵ ستاره، امتیاز) دربرگیرنده رأی‌های بالا و پایین	اجتماع‌محور، فیلترگذاری کیفی، ساده و مؤثر	روش تصادفی، تبلیغ خودکار، بازی، سوگیری محبوبیت، غیراستاتیک	Reddit, Stack Exchange, Amazon
آشکارابودن	رؤیت‌پذیری عمومی محتوای هم‌ترازخوانی	مسئولیت‌پذیری، پاسخ‌گویی، بافت، کیفیت بالاتر	فشار هم‌تراز، کیفیت بالقوه پایین‌تر، امکان تلافی	همه
شهرت	ارزیابی و رتبه‌بندی داوران (امتیازها، آمارهای هم‌ترازخوانی)	فیلتر کیفی، پاداش، انگیزه	عدم تعادل مبتنی بر وضعیت کاربر، وابسته به پلتفرم	Stack Exchange, GitHub, Amazon
اظهارنظر عمومی	نظرات مشاهده‌پذیر در مورد اثر یا هم‌ترازخوانی	آثار زنده یا پویا، مشارکت جامعه، پیشرو، فراگیر	در معرض آزار، زمان‌بر، میان‌کنش‌ناپذیر، به‌کارگیری دوباره ضعیف	Reddit, Stack Exchange, Hypothesis
کنترل نسخه	نسخه‌ها و پیکربندی‌های مدیریت‌شده	آثار زنده یا پویا، امکان یادداشت‌گذاری، پیشرو، سازماندهی‌شده	ردیابی استاندارد، زمان‌بر، اعتماد پایین به محتوا	GitHub, Wikipedia
انگیزش	تشویق به تعامل با پلتفرم و فرآیند از طریق نشان‌ها، پول یا شهرت	انگیزه، بازگشت سرمایه	کسب درآمد از پژوهش، می‌تواند با طمع منحرف شود، گران	Stack Exchange, Blockchain
احراز هویت و مجوز	فیلترکردن مشارکت‌کنندگان از طریق تأیید	کنترل تقلب، محافظت از پدیدآور، ثبات	مدیریت دشوار	Blockchain
مدیریت دیدگاه‌ها	فیلترکردن رفتار نامناسب در دیدگاه‌ها، رتبه‌بندی	جامعه‌محور، فیلتر کیفی	سانسور، جهت‌دهی به دیدگاه‌ها	Reddit, Stack Exchange

با در نظر گرفتن آنچه درباره موافقان و مخالفان هم‌ترازخوانی وجود دارد، همچنین بر خلاف انتقادهایی که به اجرای هم‌ترازخوانی وجود دارد، روشن است که آرمان‌های آن هنوز هم نقش‌هایی اساسی در ارتباط علمی دارد و احترام شایانی در میان جامعه پژوهش در پی

دارد. یکی از دلایل اصلی ادامه هم‌ترازخوانی این است که همچنان راهی منحصر به فرد برای اعتباربخشی به فعالیت علمی پدیدآوران است و انتشار مجله‌های پژوهشی از دیگر گونه‌های پیشینه‌های علمی، از جمله وبلاگ‌ها و مقاله‌های رسانه‌ای و کتاب‌ها، تمایز اساسی و کارکردی ویژه‌ای دارد. از دیدگاه تَنَسُّت و همکارانش (۲۰۱۹) ناآگاهی عمومی از سیر دگرگونی تاریخی هم‌ترازخوانی، نبود پژوهش درباره کاستی‌های احتمالی آن و همخوانی یا تلفیق^۱ فرآیند هم‌ترازخوانی با جهان‌بینی آن باعث شده که کاربست همه‌جانبه و پایدار آن در حوزه علمی ادامه یابد. این تصور همگانی وجود دارد که هم‌ترازخوانی، فرآیندی ایستا دارد و به صورت گسترده به عنوان هنجاری اجتماعی پذیرفته شده است؛ از این رو، دورشدن از فرآیندی که هم‌اکنون در ژرفای راهبردهای مؤسسه‌های پژوهشی پی گرفته می‌شود، دشوار به نظر می‌رسد. نتیجه این است که اعتبارسنجی ارائه شده از طریق هم‌ترازخوانی، بدون در نظر گرفتن هرگونه کاستی احتمالی، یکی از ارکان اساسی اعتماد در ارتباط علمی به شمار می‌رود.

جمع‌بندی فصل

آنچه در این فصل به آن اشاره شد، بیان مختصری از اهمیت و ضرورت هم‌ترازخوانی و البته انتقادهای و چالش‌هایی بود که به آن وارد شده است. همان‌گونه که اشاره شد، برای هم‌ترازخوانی اهمیت و مزیت‌هایی بر شمرده‌اند. برای نمونه، هم‌ترازخوانی به دلیل ارزیابی و بهبود کیفیت پژوهش و یاری به انتشار آثار متناسب اهمیت دارد. افزون بر این، هم‌ترازخوانی مناسب به پدیدآوران کمک می‌کند تا کار خود را بهبود بخشند و به بهبود و ارتقاء علم نیز منجر می‌شود؛ این بهبود می‌تواند در بینش ذی‌نفعان فرایند داوری نیز رخ دهد و به ایجاد ایده‌های پژوهشی جدید یاری برساند. به‌واقع، انتقادهای وارد بر هم‌ترازخوانی تلاش برای بازتولید و بازنگری در چگونگی اجرا و انجام شایسته هم‌ترازخوانی را پررنگ‌تر می‌سازد. البته به نظر می‌رسد این انتقادهای بیشتر باعث شده افزون بر اینکه نگاه به هم‌ترازخوانی،

همچون سایر شئون علمی اجتماعی، با احتیاط‌های لازم همراه باشد، تلاش‌ها برای بهبود و رفع برخی از چالش‌ها نیز همچنان ادامه پیدا کند.

با این حال، هم‌ترازخوانی با همه اهمیت و مزیت‌های فراوان، با طیف گوناگونی از ویژگی‌ها از جمله پنهان یا آشکاربودن هویت، تنوع در نشر گزارش‌های داوری و اجرای مشارکتی یا برون‌سپاری آن‌ها روبه‌روست و نمی‌توان آن را در جوامع علمی گوناگون به مثابه امری یگانه و یکسان در نظر گرفت. این دگرگونی‌ها حتی در طول زمان نیز ادامه پیدا کرده و همچنان سرنوشتی در حال تغییر دارند. این تغییرها باعث شده نتوان درباره سرشت و سرنوشت آن قضاوتی واحد و یگانه داشت. افزون بر این، عواملی در آن تأثیرگذارند که می‌توانند در ادامه روند بسیار تأثیرگذار باشند. از سوی دیگر، آگاهی داوران نسبت به مؤلفه‌های اخلاق داوری می‌تواند در این میان بسیار سودمند و تأثیرگذار باشد. اشاره به این نکته ضروری است که درباره زیست‌بوم اخلاق داوری یا هم‌ترازخوانی و مؤلفه‌های آن در فصل پیش رو به تفصیل سخن خواهیم گفت؛ اما به نظر می‌رسد این مؤلفه‌های اخلاقی که با یکدیگر پیوندی درونی دارند در موقعیت‌ها و بسترهای گوناگون بروز و ظهور متفاوتی پیدا می‌کنند. همچنین به نظر می‌رسد دست کم رعایت این مؤلفه‌های اخلاقی توسط داوران و دیگر ذی‌نفعان از جمله سردبیران، تلاش‌ها برای امیدوارماندن به داوری اخلاقی را توجیه می‌کند.

فصل سوم

اخلاق هم‌ترازخوانی

مقدمه

فارغ از اینکه هم‌ترازخوانی چه گونه‌هایی دارد و چگونه انجام می‌شود، همان‌طور که پیش‌تر نیز اشاره شد، هم‌ترازخوانی اثر، امری زمان‌بر و دشوار است و نقش داور گاهی بسیار پیچیده می‌شود. از آنجا که نقش و ضرورت هم‌ترازخوانی اثر در بهبود برون‌دادهای پژوهشی مهم و تأثیرگذار است، لازم است این رفتار علمی به گونه‌ای از سوی داوران انجام شود که به بهبود اثر، چه برای انتشار در مجله نخست چه برای انتشار در سایر مجله‌ها یاری‌گر پدیدآوران باشد. بنابراین، لازم است داوران به اصول و رهنمودهای اخلاقی هم‌ترازخوانی پایبند باشند، رهنمودهایی همچون پایبندی به زمان در هم‌ترازخوانی، تهیه گزارش‌های هم‌ترازخوانی، سبک و زبان، حفظ محرمانگی و دیگر مؤلفه‌های اخلاق داوری. از این رو، برخی ملاحظه‌های اخلاقی در این میان پدید می‌آید که با عنوان ملاحظه‌های اخلاق هم‌ترازخوانی شناخته می‌شوند. پایبندی به این اصول و رهنمودهای اخلاقی کمک می‌کند مجله‌های علمی در جهت تعالی علمی و دوری از قضاوت‌های ذهنی و شخصی حرکت کنند. یکی از رویکردهای مهمی که مجله‌های علمی به آن توجه می‌کنند، تدوین و ارائه

بیانیه^۱ یا مرام‌نامه‌های اخلاقی برای هم‌ترازخوانی مقاله‌ها در مجله‌هاست. ارائه رهنمودهای اخلاقی برای هم‌ترازخوانی در مجله‌های علمی، یکی از مهم‌ترین راهکارهای دستیابی به اخلاق هم‌ترازخوانی است که در میان مجله‌های معتبر جایگاه خود را پیدا کرده است. برای نمونه، انتشارات «وایلی» در بیانیه اخلاقی خود بر این باور است که انتشار اخلاقی مقاله‌ها به اجتماع علمی بهتر کمک می‌کند تا هر کسی مسئول اثری باشد که منتشر می‌کند.^۲ از سوی دیگر، برخی از پژوهشگران همچون بوزتی و توسکانو^۳ (۲۰۰۸) بر این باورند که همه مجله‌های علمی باید استاندارد یا قواعد مدونی از اخلاق هم‌ترازخوانی را بپذیرند تا به کار تمامی ذی‌نفعان فرایند هم‌ترازخوانی بیاید و نباید محدود به پدیدآوران باشد. از دیدگاه آن‌ها، این بیانیه‌ها باید با راهنمایی سردبیران انجام شود و دست کم دربرگیرنده نکته‌های زیر باشد:

۱. سیاست یا خط‌مشی مشخص در مجله و وب‌سایت آن درباره استانداردهای اخلاقی پذیرفته‌شده پدیدآوران و سردبیران و داوران؛

۲. ضرورت افشای برخورد تصور شده^۴ یا واقعی^۵ منافع پدیدآوران، سردبیران و اعضای هیئت تحریریه و داوران در طی مراحل هم‌ترازخوانی؛
۳. سازوکار دقیق برای سردبیران و داوران با برخورد بالقوه یا واقعی منافع برای هم‌ترازخوانی و مواردی که برخورد منافع را مشخص می‌کند.

واگنر و همکارانش (۲۰۰۳) برخی از پرسش‌هایی را که به اخلاق هم‌ترازخوانی نیز مرتبط است و داور پیش از فرایند هم‌ترازخوانی باید از خودش بپرسد، به شرح زیر بیان می‌کنند:

۱. آیا من برای بررسی این مقاله تخصص دارم؟ داور باید فهرستی از حوزه‌های موضوعی مورد علاقه خود را ارائه کند. در حالت مطلوب، این نشان‌دهنده موضوع یا حوزه ویژه‌ای از

۱. در این متن برای عبارت Ethical statement هم از بیانیه و هم مرامنامه استفاده می‌شود که هر دو، یکی در نظر گرفته شده‌اند.

2. <https://authorservices.wiley.com/Reviewers/journal-reviewers/how-to-perform-a-peer-review/general-and-ethical-guidelines.html>

3. Bosetti & Toscano

۴. اینجا از اصطلاح Perceived استفاده شده که به معنای «تصور شده» است؛ اما از آنجا که این برخورد منافع ممکن است واقعی نباشد، می‌توان این برخورد را بالقوه نیز در نظر گرفت.

5. Real conflicts

تخصص یا علاقه است. در هنگام انتخاب داوران برای اثر، سردبیر به این فهرست در حوزه خاص ارجاع داده و هم‌ترازخوانی‌ها را بر اساس نزدیک‌ترین حوزه مطابق با تأکید نوشته‌شده و کلیدواژه‌های تعریف‌شده تعیین می‌کند. اگر اثر به داوری اختصاص داده شده است که خارج از حوزه تخصص او است، داور باید قبل از ادامه به سردبیر این موضوع را اطلاع بدهد. گاهی، نوشته به حوزه‌ای اشاره دارد که متخصص کمی در آن وجود دارد و سردبیر ممکن است هم‌ترازخوانی را انتخاب کند که تخصص او در طراحی تجربی یا پیش‌زمینه آماری یا حوزه مرتبط با تخصص باشد. داور ممکن است ضروری بداند که مراجع استنادشده را هم‌ترازخوانی کند و هم‌ترازخوانی موضوعی مربوط به تأکید نوشته را انجام بدهد. اغلب بزرگ‌ترین توجه داور به یافتن فرصتی برای توسعه دانش و افق‌های بالینی خود او است.

۲. آیا برای بررسی این مقاله دانش دارم؟ داور باید بتواند طرح تحقیق مناسب و روش‌شناسی و تحلیل‌های آماری مربوط به مقاله را بررسی کند. اگر داور با روش‌های فعلی برای تخصص خاصی ناآشنا باشد و برای کسب اطلاعات لازم برای هم‌ترازخوانی انتقادی، زمان و منابع لازم را نداشته باشد، قبل از ادامه باید به سردبیر اطلاع دهد. داوران نباید نگران درخواست کمک یا پرسش در هم‌ترازخوانی مقاله یا برملاشدن تخصص‌نداشتشان در ارزیابی جنبه خاصی از اثر باشند (مثل روش‌شناسی یا تحلیل آماری به‌کار رفته).

۳. آیا به‌عنوان داور برخورد منافی دارم؟ در معنای دقیق‌تر، برخورد منافع وقتی رخ می‌دهد که داور ارتباط مالی یا شخصی با دیگر اشخاص یا سازمان‌ها دارد که تأثیر نامناسبی (سوگیری) بر عمل او می‌گذارد. این ارتباط ممکن است در شکل استخدام، مشاوره، حق‌الوکاله، گرفتن تصدیق تخصص، اختراعات یا مالکیت سهام باشد. تضادها ممکن است دلایلی شخصی‌تر داشته باشد، مثل ارتباط شخصی / خانوادگی، رقابت علمی یا تعصب فکری. پتانسیل سوگیری ممکن است بدون توجه به اعتقاد داور وجود داشته باشد و رابطه بر قضاوت علمی او تأثیر نگذارد؛ ولی اعتبار داور و سردبیر و مجله را تضعیف کند. اگر امکان برخورد منافع وجود داشته باشد، داور قبل از ادامه هم‌ترازخوانی باید به سردبیر اطلاع بدهد (واگنر و همکاران ۲۰۰۳).

۴. آیا وقت کافی برای هم‌ترازخوانی این مقاله دارم؟ بیشتر مجله‌ها درخواست می‌کنند که هم‌ترازخوانی‌ها طی دو هفته بعد از دریافت اثر انجام گیرد تا پدیدآور اطمینان پیدا کند زمانی منطقی مناسبی برای هم‌ترازخوانی اثر فراهم کرده‌اند. با این حال، زمان بیشتری صرف هم‌ترازخوانی می‌شود که کیفیت بررسی را افزایش می‌دهد. اغلب داور برای اطمینان از برنامه زمانی مطابق با درخواست مجله، با سردبیر یا عوامل مجله در ارتباط خواهد بود. وقتی که داور مقاله را باز می‌گرداند، سردبیر ممکن است نیاز داشته باشد که نظرهای دو یا سه داور را در سندی مختصر و یکپارچه که به نفع پدیدآور(ان) است در نظر بگیرد. به این ترتیب، هم‌ترازخوانی متفکرانه باید زمان کافی در برنامه خود داشته باشد تا به‌طور کامل، زمانی برای خواندن اثر، زمان اضافی برای بررسی استناد و زمان برای ایجاد تفسیر مناسب اختصاص یابد.

از این رو، واگنر و همکارانش (۲۰۰۳) برخی از پرسش‌هایی که لازم است داور هنگام انجام هم‌ترازخوانی از خودش بپرسد به شرح زیر بیان می‌کنند. این پرسش‌ها از معیارهای هم‌ترازخوانی برای نوشته‌های پژوهشی بوردیج^۱ و همکارانش (۲۰۰۱) اقتباس شده است.

۱. آیا این مقاله مورد علاقه مجله است؟ بدیهی است که به دانش و تخصص داوری نیاز دارد که مجله را با هدف هم‌ترازخوانی مطالعه و بررسی می‌کند. مجله جاما و مجله پزشکی نیوانگلند مخاطبان بسیار گسترده‌تری از مجله‌های خاصی مثل مجله آمریکایی پزشکی و توان‌بخشی دارند. بنابراین، مقاله‌هایی که آن‌ها منتشر می‌کنند، اهمیت زیادی دارند. علاوه بر این، برخی از مجله‌ها همچون کنسِت^۲ مخاطبان بین‌المللی بسیاری دارند که پژوهش‌های انجام شده این مقاله‌ها در خارج از کشور آمریکا انجام شده است. هنگامی که درباره اهمیت مقاله‌ای در مجله‌ای تردید وجود دارد، داوران باید دستورالعمل‌ها برای پدیدآوران و بیانیه مأموریت مجله را بررسی کنند تا از عینیت آن‌ها در خصوص اهمیت موضوع اطمینان حاصل شود.

۲. آیا مقاله به دانش پایه درباره موضوع ویژه‌ای می‌افزاید؟ بازتولید نتایج دیگر پژوهش‌ها در چهارچوب مطالعه‌های مروری اهمیت دارد، مقاله‌های خوب، باعث توسعه علمی پژوهش‌های دیگران می‌شود.

۳. آیا مقاله شیوه‌های اجرا^۱ در حوزه موضوعی خاصی را تغییر می‌دهد، مسیرهای پژوهشی را عوض می‌کند یا بر آن تأثیر می‌گذارد؟ این معیار شناخته‌شده‌ای برای جمله «خب که چی!»^۲ است. برای نمونه، اثر خوب در حوزه پزشکی، دلالت‌هایی برای شیوه درمان بالینی یا خط‌مشی بهداشتی یا چگونگی و چرایی مطالعه را در پی دارد.

۴. آیا پژوهشگران روش‌های جدید یا جالب دیگری را استفاده می‌کنند که مناسب‌تر باشد؟ گاهی اثری روش پژوهش جدیدی را به سایر پژوهشگران معرفی می‌کند یا روش‌هایی را بهبود می‌بخشد که با آن‌ها پژوهش انجام می‌شود و در هم‌ترازخوانی باید به آن‌ها توجه شود.

۵. آیا اثر، روشن و منطقی و سازمان‌یافته است؟ نوشتن مقاله در سبکی علمی آسان نیست و تمرین زیادی نیاز دارد. این سختی می‌تواند با محدودیت‌های مشخص مجله‌ها بر مقاله‌ها و دشواری‌های زبان برای پدیدآوران خارجی تشدید شود. ممکن است برخی از پیشنهادها یا نمونه‌هایی از نحوه بهبود دستور زبان و سبک نوشتن ضروری باشد.

با این حال، آنچه به نظر می‌رسد در بسیاری از فرایندهای نشر علمی دیده می‌شود، چهارچوبی کلی است که در این چهارچوب، اجزای اصلی داوری علمی در تعامل با یکدیگر زیست‌بومی می‌سازند که در آن ذی‌نفعان گوناگون در تعامل با یکدیگر به انتشار اثری مناسب برای جامعه علمی اقدام می‌کنند. این تعامل که لازم است در بستر اخلاقی اتفاق بیافتد؛ می‌توان آن را زیست‌بوم اخلاق داوری نامید که در ادامه در تشریح آن سخن به میان می‌آید.

۱. منظور واگنر و همکارانش (۲۰۰۳) شیوه درمان در

حوزه پزشکی است؛ اما این قضیه برای همه حوزه‌های موضوعی کاربرد دارد.

2. So, what?!

زیست‌بوم اخلاق داوری

افراد و اجزای گوناگونی در فرایند نشر علمی و داوری، به‌ویژه در حوزه مجله‌های علمی حضور داشته و هر یک نقش و جایگاه ویژه‌ای دارند. در برخی از مجله‌های علمی گروهی از افراد درگیر این کار هستند. پیش از همه‌گیرشدن سامانه‌های داوری، دریافت و بررسی آثار، ارسال آن‌ها به داوران، پیگیری آن‌ها از داوران و هماهنگی‌ها کار افراد متفاوتی بود. امروزه با وجود این سامانه‌ها، شیوه کارها کمی فرق کرده است؛ اما مسئولیت‌های مشخصی باقی مانده‌اند که کمک‌ویراستار یا کمک‌سردبیر^۱، مدیر اجرایی (داخلی)، اعضای هیئت تحریریه و سردبیر از مهم‌ترین این افراد هستند. به‌طور معمول، سردبیر یا ویراستار اصلی^۲ به ویراستار علمی یا معادل آن اشاره دارد که بالاترین درجه را در تصمیم‌گیری و ویراستاری دارد. در این میان، کمک‌سردبیر سطح پایین‌تری از مسئولیت و قدرت تصمیم‌گیری را دارد و به‌طور معمول فرایند مکانیکی داوری را دنبال می‌کند. در برخی از مجله‌ها، کمک‌ویراستار^۳ ممکن است مسئولیت بیشتری از ویراستار داشته باشد.

سامانه‌های داوری از اواخر دهه پایانی قرن بیستم پا به عرصه گذاشتند (هیمز ۲۰۰۷، ۱۰-۱۱). بنابراین، افزون بر افراد درگیر در داوری، اجزایی همچون سامانه داوری نیز در این میان وجود دارند و کارکرد و عملکرد آن‌ها می‌تواند در فرایند داوری تأثیرگذار باشد. البته هیمز (۲۰۰۷، ۵) هشدار می‌دهد که استفاده از سامانه پیچیده ممکن است همه کاربران (پدیدآور، سردبیر، اعضای هیئت تحریریه، مدیر اجرایی و ...) را سردرگم و گمراه کند.

بنابراین، همه افراد درگیر در فرایند داوری مسئولیت‌هایی دارند و باید‌هایی را لازم است اجرا کنند و این مسئولیت‌ها فقط به داور مرتبط نیست. برای نمونه، هیچ‌یک از اعضای درگیر در فرایند داوری نباید اطلاعات به‌دست‌آمده در فرایند داوری را برای استفاده شخصی خودشان یا بی‌اعتبارکردن دیگران به‌کار بگیرند و باید هرگونه برخورد منافع خود را آشکار کنند. برخی از این مسئولیت‌ها در همه گروه‌ها و برخی دیگر برای افراد خاصی جاری و ساری است. با این حال، زین و گولدزبای^۴ (۲۰۱۶) بر این باورند که گاهی اوقات در

1. Assistant editor or associate editors
2. Editor-in-chief

3. Editorial assistant
4. Zinn & Goldsby

مجله‌های علمی، نقش و اهمیت داور و کمک‌سردبیر در فرایند داوری نادیده گرفته می‌شود. به بیان دیگر، به «دست‌های نامرئی»^۱ آن‌ها در برون‌دادهای سردبیرانه آثار و همچنین، تجربه‌ای که پدیدآوران در ارتباط با این اعضا دارند، کمتر توجه می‌شود. آن‌ها این قضیه را که کیفیت مجله تنها به کیفیت آثار ارسالی مرتبط است به چالش می‌کشند. آن‌ها بر این باورند که داوران و کمک‌سردبیران خوب، می‌توانند مقاله‌ای پذیرفته شده را به مشارکتی عمده و جدی در تولید دانش^۲ تبدیل کنند و تلاش آن‌ها، به‌ویژه در فرایند دوسو‌ناشناس، گمنام باقی می‌ماند. گویی در چهارچوب مبادله‌ای اقتصادی، علایق شخصی افراد در مدل عرضه و تقاضا به تعادل می‌رسد؛ البته جامعه بزرگ‌تر از کنش جمعی این کنشگران سودمند می‌شود. در این میان، داوران و کمک‌سردبیران دانش و بینش و استعداد خود را برای بهبود اثر به کار گرفته و در پایان عرضه و تقاضای موجود را به تعالی می‌کشانند.

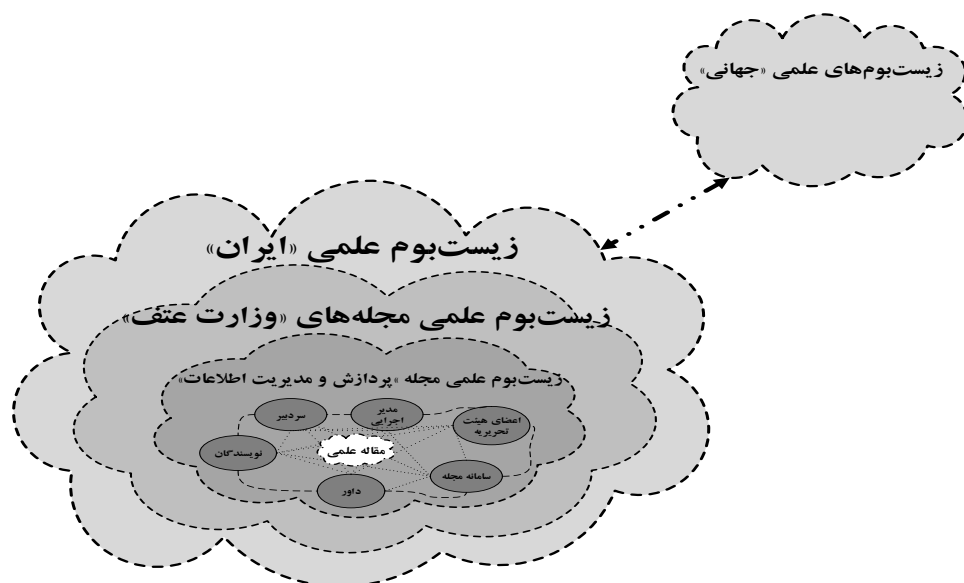
با تعمیم دیدگاه آن‌ها می‌توان این توالی را شبکه‌ای از توالی‌های زمانی و مسئولیتی در نظر گرفت که نه تنها اجزای این نظام را تحت تأثیر قرار می‌دهد، بلکه از بیرون از نظام نیز تأثیر می‌پذیرد. به بیان دیگر، در طی زمان‌ها و فرایندهای گوناگونی که از طراحی و اجرای پژوهش تا هم‌ترازخوانی برون‌دادی علمی گسترده می‌شوند، کنش‌هایی اتفاق می‌افتد که به کنشگران گوناگونی ارتباط پیدا می‌کنند و این مسئولیت‌ها الزاماً به هم‌ترازخوانی مرتبط نیستند. این اجزا و شبکه را می‌توان به زیست‌بومی تشبیه کرد که حذف، تغییر، افزودن بر وظایف یا کاستن از فعالیت‌ها و مسئولیت‌های هر یک از اجزا بر کل این زیست‌بوم تأثیرگذار خواهد بود. این تأثیرگذاری می‌تواند در چهارچوب زیست‌بوم اخلاقی علمی، برخی از زمینه‌های ظهور و بروز یا ارتکاب نقض اخلاق داوری را از سوی داوران ایجاد نماید. زیست‌بوم اخلاقی علمی به بافتار^۳ خود بسیار وابسته است. البته به همین جهت است که هیمز (۲۰۰۷) پیشنهادها و توصیه‌هایی به دست‌اندرکاران نشر و مقاله‌های علمی ارائه کرده است که برخی از این پیشنهادها با یکدیگر هم‌پوشانی درخور توجهی دارند (به پیوست ۱ بنگرید). از این رو باید در نظر داشت که این مؤلفه‌های بافتی ارتباط تنگاتنگی با یکدیگر

1. Invisible hands

2. Major contribution to knowledge

3. Context

دارند و می‌توانند بر یکدیگر تأثیرگذار باشند و بهبود و ارتقاء یکی بر وضعیت دیگری مؤثر باشند. آنچه در ادامه می‌آید، توصیف کوتاهی از این مؤلفه‌های بافتی در مجله‌های علمی است که بر پایه یادداشت‌های تحلیلی پژوهش رجبعلی بگلو و همکارانش (۱۳۹۸) و از تحلیل محتوای اسناد و بحث گروهی متمرکز در آن پژوهش به‌دست آمده است. می‌توان مؤلفه‌های بافتی نقض اخلاق داوری را در چهارچوب شکل زیر ترسیم کرد (به نمودار ۶ بنگرید).



نمودار ۶. زیست‌بوم علمی مجله‌های علمی و اجزای آن (با تأکید بر پژوهش‌نامهٔ پردازش و مدیریت اطلاعات)
برگرفته از رجبعلی بگلو و همکاران (۱۳۹۸)

اگر مجله‌ای علمی را در بافت مجله‌های علمی در کشوری همچون ایران ملاک قرار بدهیم، اثر یا مقاله علمی پس از ارسال به سامانه مجله (برای نمونه، پژوهش‌نامهٔ پردازش و مدیریت اطلاعات) با تعامل و برهم‌کنش اجزا و مسئولیت‌های آن مجله با یکدیگر روبه‌رو می‌شود. اگر فضایی را که میان این اجزا شکل می‌گیرد، به شکل کوچک‌ترین ابر ممکن در زیست‌بوم علمی مجله‌ها و زیست‌بوم علمی در نظر بگیریم، در مرکز این زیست‌بوم، اثر علمی (مقاله) قرار دارد. این در حالی است که سایر اجزا، همچون سردبیر، مدیر اجرایی،

اعضای هیئت تحریریه، پدیدآور(ان)، سامانه مجله و داوران نیز در این زیست‌بوم فعالیت می‌کنند. کنش و تأثیر هر یک از این اجزا بر دیگری می‌تواند زمینه‌ها و وضعیت‌های گوناگونی را برای دیگران به وجود بیاورد. این وضعیت‌ها و زمینه‌ها می‌تواند تأثیر مستقیم یا غیرمستقیمی بر دیگر اجزا داشته باشد. به بیان دیگر، زیست‌بومی که مجله در آن فعالیت می‌کند، در درجه نخست، برهم کنشی از کنشگران و ذی‌نفعان اصلی مجله (سردبیر و اعضای هیئت تحریریه و مدیر اجرایی) است. از این رو، اگر یکی از این کنشگران و ذی‌نفعان به درستی وظایف محول شده خود را انجام ندهد، وضعیتی را فراهم می‌کند تا در لایه بعدی که سایر کنشگران و اجزای ارتباط علمی (پدیدآوران و داوران و سامانه‌ها) قرار دارند، نتوانند مسئولیت‌ها، وظایف علمی، حرفه‌ای و به‌ویژه اخلاقی خود را به درستی انجام بدهند.

می‌توان گفت مرحله نخست این چرخه رعایت مسئولیت‌های حرفه‌ای، علمی و اخلاقی مجله است؛ سپس به داور و اثر آن به پدیدآور مقاله می‌رسد. با این حال، اگر این پیش‌زمینه به درستی به وظایف خود عمل نکند، تأثیر خود را به داور و به تدریج به مقاله نیز تعمیم خواهد داد. برای نمونه، نتایج پژوهش رجبعلی بگلو و همکارانش (۱۳۹۸) نشان داد در بخشی از بحث گروهی متمرکز که به تعامل میان داور و سردبیر و مخاطب قراردادن او توسط داور اشاره می‌کند، مؤلفه «بیان احترام‌آمیز و منصفانه» داور و «پیشنهادهای سازنده و عینی» مطرح شده او ارتباط پیدا می‌کند. به همین سبب است که اگر همچون پلتفرم پابلونز بتوان امکاناتی را فراهم کرد که داوران تازه‌کار بتوانند نمونه‌هایی از داوری افراد سرشناس، اندیشمند و دانشمند را ببینند، طبیعی است که می‌توانند در این زمینه الگوبرداری کرده و آموزش لازم را دریافت کنند.^۱

البته باید این را نیز در نظر داشت که نقض اخلاق داوری به درجه‌ای از نسبیت و بافت

۱. البته باید در نظر داشت که در پابلونز بیشتر داوری‌ها به صورت آشکارا انجام می‌شود که با شرایط زیست‌بوم هر یک از مجله‌های علمی متفاوت است. فارغ از مزیت‌ها و کاستی‌هایی که برای این دو نوع داوری (دوسو پنهان و آشکار) می‌توان در نظر گرفت، نوع ارتباط علمی که در این دو نوع داوری هست، با یکدیگر تمایز و تفاوت اساسی و جدی دارند.

وابستگی دارد و فقط زمانی می‌توان به قطع درباره آن سخن گفت که به‌درستی از وضعیت بافتی آن آگاهی داشته باشیم. به هر حال، آنچه روشن و بدیهی به‌نظر می‌رسد، این است که وضعیت بافتی مرتبط با مجله در لایه اول توجه قرار دارد و در لایه بعدی وضعیت بافتی مرتبط با داور قرار می‌گیرد. از این رو نمی‌توان برخی از شرایطی که داور را به‌سوی نقض اخلاق داوری سوق می‌دهد نادیده گرفت. برای نمونه، در صورتی که داور به‌درستی از وظایف اخلاقی خود آشنا باشد یا برای انجام داوری آموزش کافی دیده باشد، می‌توان از او انتظار داشت اخلاقی داوری کند و در صورتی که نقض اخلاق داوری از او سر زد، می‌توان او را مؤاخذه کرد یا از فهرست داوران مجله کنار گذاشت. با این حال، وضعیت بافتی که داور در آن قرار دارد از حوزه گسترده‌تری از ارتباط علمی حاکم بر مجله‌های علمی ریشه می‌گیرد یا از آن تأثیر می‌پذیرد.

برای نمونه، مقاله‌ای را در نظر بگیرید که به هر دلیلی از رصد و پایش اعضای هیئت تحریریه دور مانده و ویژگی‌های اصلی و بنیادی مقاله علمی را ندارد؛ این مقاله به‌خودی‌خود می‌تواند «بیان غیراحترام‌آمیز و نامنصفانه» از سوی داور به پدیدآور(ان) یا «جدی‌نگرفتن مسئولیت داوری» توسط داور را به‌دنبال داشته باشد. این موضوع ممکن است تحت تأثیر برخی از حالت‌ها و عادت‌های داوران در شرایطی مشابه، ولی در بافت‌های علمی دیگر رخ دهد، همچون دفاع پایان‌نامه و رساله. یکی از نمونه‌های پرتکرار در اسناد داوری که در پژوهش رجبعلی بگلو و همکارانش (۱۳۹۸) بررسی شد، استفاده فراوان و غیرضروری از علامت‌های تعجب (!) و پرسش (؟) برای بیان دیدگاه‌ها و یادداشت‌های داوری بود. از دیدگاه اعضای بحث گروهی متمرکز در این پژوهش، این‌گونه کاربرست علامت‌های تعجب نقض اخلاق نبود و تنها به‌عنوان هشدار و توجه بیشتر پدیدآور تلقی شد و نشان‌دهنده هیجان علمی داوران در مواجهه با برخی نکته‌های مطرح شده در مقاله‌ها بود؛ با این حال، ممکن است از نگاه پدیدآوران مقاله، بیان غیراحترام‌آمیز تلقی گردد.^۱

۱. از آنجا که این پژوهش، به دیدگاه پدیدآوران مقاله‌ها نپرداخته است، شاید لازم باشد این قبیل مؤلفه‌ها در پژوهشی تکمیلی پیگیری شوند.

در میان نمونه‌های نقض اخلاق داوری در پژوهش یادشده، آثاری به چشم می‌خورد که سطحی و ناشیانه نوشته شده بودند. گویی داور به‌گونه‌ای تحریک می‌شد به سمت نقض برخی از مؤلفه‌های اخلاق داوری، از جمله نقض «بیان احترام‌آمیز و منصفانه» یا «پیشنهاد عینی و سازنده» حرکت کند. این پیش‌زمینه‌ها که تحت تأثیر تجربه‌های شخصی داور در تعامل با مجله یا سایر پدیدآوران نیز قرار دارد، زمینه‌ای برای نقض یکی از مؤلفه‌های اخلاق داوری فراهم می‌کرد. از این رو، اهمیت کار اعضای هیئت تحریریه و سردبیر مجله در تشخیص مقاله‌های سطحی و ناشیانه مشخص می‌شود. در اهمیت «شیوه بیان» در گزارش‌های داوری اشاره به این نکته ضروری است که از آنجایی که داوران تأثیری مستقیم بر دیدگاه سردبیران دارند، در صورت رعایت نکردن برخی مؤلفه‌های اخلاق داوری، از جمله ارائه نکردن «پیشنهاد سازنده و مفید»، ممکن است سردبیر به اشتباه به سوی رد کردن اثر یا مقاله سوق پیدا کند؛ هرچند مقاله کمینه امتیازهای مدنظر سردبیر را نیز کسب کرده باشد.

با توجه به تأکید کوپ بر رهنمودهای اخلاق داوری، به‌ویژه بر رعایت اخلاق داوری، ممکن است در بافت موجود در زیست‌بوم مجله‌های علمی، میان مؤلفه‌های اخلاق داوری با رفتار داوران تطابق وجود نداشته باشد؛ این مسئله به بافت سایر مجله‌های علمی تعمیم‌پذیر^۱ و انتقال‌پذیر^۲ است. از سوی دیگر، لزوماً تمایز موجود یا ممکن میان هنجارهای اخلاق داوری با مصداق‌های موجود در بافت یک یا چند مجله علمی و تمایز میان عرف‌های موجود یا ممکن در مجله‌های بین‌المللی با هنجارهای اخلاق داوری نباید یا نمی‌تواند با رهنمودهای اخلاق داوری همچون کوپ منطبق یا هم‌راستا باشد. همین ناهمراستایی را می‌توان به سایر مجله‌های علمی نیز تعمیم یا انتقال داد. این تمایز می‌تواند در درجه نخست تحت تأثیر بافت علمی حاکم بر هر کشور یا بافت علمی سایر کشورهای جهان باشد. تصور اینکه همه داوران، پدیدآوران، سردبیران و اجزای تأثیرگذار در مجله علمی فقط در بافت علمی یک کشور فعالیت کنند، دور از ذهن و نادرست است. شمار درخور توجهی از این افراد تجربه‌هایی از تعامل با سایر سامانه‌های مجله‌های علمی، پژوهشگران، سردبیران و ... در

مجله‌های علمی ممتاز نیز داشته و دارند و همین تعامل زیست‌بوم مجله‌های علمی را دستخوش تغییر می‌کند.

یکی دیگر از اجزای این زیست‌بوم، گروه سردبیری دربرگیرنده کمک‌سردبیر و اعضای هیئت تحریریه است که به‌نوعی یکی از مهم‌ترین اجزای فرایند داوری هستند. یکی از نقش‌های مهم آن‌ها، انتخاب یا کمک به انتخاب دقیق داور مناسب و توانمند و متخصص است. سردبیر هم در رابطه با پدیدآور و هم سایر افراد (داور و اعضای هیئت تحریریه) مسئولیت‌هایی دارد. سردبیر در انتخاب داوران نقش پررنگ و به‌سزایی دارد؛ در درجه نخست نباید داورانی انتخاب کند که بار کاری زیادی دارند. همچنین، سردبیر باید عملکرد داوران را مدام پایش کند و از کاستی‌های ممکن در فرایند داوری آگاهی پیدا کند (هیمز ۲۰۰۷، ۱۶۱). البته اشاره به پایش عملکرد داوران نباید مسئولیت‌های دیگر سردبیر را کمرنگ یا کم‌اهمیت کند. مهم‌ترین وظیفه سردبیر، بررسی و جمع‌بندی داوری‌های انجام شده است؛ بنابراین، لازم است در این فرایند با دقت عمل کند.

آثار فرستاده شده به مجله کیفیت و ویژگی‌های یکسانی ندارند و ممکن است در مواجهه با داوران متفاوت، وضعیت گوناگونی پیدا کنند. برای نمونه، برخی از آثار ممکن است گزارش‌های داوری متناقض و متضادی از داوران دریافت کنند. حتی ممکن است این تناقض‌ها و تضادها به‌گونه‌ای باشد که گمان برود داوران دو اثر متفاوت را داوری کرده‌اند. از این رو، پیش از اینکه گزارش‌های داوری برای پدیدآوران فرستاده شود، باید به دقت بررسی شوند. حتی ممکن است داوران به دلیل خطای انسانی یا خطای مربوط به یک نظام یا سیستم داوری، یک اثر واحد را دریافت نکرده باشند یا داور گزارش داوری درست را نفرستاده باشد. اگر در این زمینه شکي وجود دارد، باید با داور تماس گرفته شود و این موضوع روشن شود (هیمز ۲۰۰۷، ۹۱).

با توجه به آنچه بیان شد، درست عمل کردن این جزء از زیست‌بوم نیز در اجرای داوری اخلاقی اهمیت بسیار زیادی در این زیست‌بوم پیدا می‌کند. اگر حوزه تخصصی سردبیر به اثر فرستاده‌شده بسیار نزدیک باشد، او می‌تواند هنگام ارائه گزارش‌های متناقض داوری، خودش

تشخیص و تصمیم‌گیری نهایی را انجام بدهد. هیمز (۲۰۰۷، ۹۱) پیشنهاد می‌کند اگر داورها متناقض و متضاد باشند، نباید بدون بررسی بیشتر، اثر را برای داور دیگر یا بیشتری فرستاد؛ البته پیشنهادها متناقض داورها می‌تواند برای گروه سردبیری مفید واقع شود (برای آگاهی بیشتر به پیوست ۲ بنگرید).

سردبیران، مسئول تأمین کیفیت مجله‌ها و اخلاقی بودن و دقت و ارتباط گزارش‌های داور هستند. آن‌ها تصمیم‌گیرنده نهایی فرایند داور هستند؛ رفتار آن‌ها باید شفاف باشد؛ نباید از اعتماد افراد درگیر در فرایند داور سوءاستفاده کنند؛ نباید از اطلاعات به‌دست‌آمده برای استفاده شخصی یا بی‌اعتباری دیگران استفاده کنند؛ باید در تصمیم‌گیری نهایی استقلال داشته باشند؛ نباید تحت تأثیر فشار افراد دیگری خارج از مجله قرار بگیرند. سردبیران همچون داوران، باید اثر را فارغ از سوگیری‌های نژادی، جنسیتی، مذهبی، قومی، شهروندی، سیاسی و ... پدیدآور قضاوت کنند؛ باید خود را به‌طور کامل از داور اثر (جز در موارد استثناء) دور کنند و تلاش نکنند جزئیات فرایند داور را فهمیده یا بر نتیجه داور تأثیر بگذارند. همچنین باید، خط‌مشی سردبیری را با مشورت سایر اعضا تدوین و روزآمد کنند (هیمز ۲۰۰۷، ۱۵۸-۹).

با در نظر گرفتن مسائلی که اشاره شد، می‌توان وظیفه‌ها و مسئولیت‌های اخلاقی برای هم‌ترازخوان در نظر گرفت که در ادامه تشریح می‌شوند.

وظیفه و مسئولیت اخلاقی هم‌ترازخوان

وظیفه داور، قضاوت درباره کیفیت اثر ارائه شده (به مجله‌ها) است. مهم‌ترین وظیفه داور این است که نظر یا عقیده آگاهانه خود را درباره اثر بیان کند.

پولاک^۱ (ابویی اردکان و میرزایی ۱۳۸۹) وظایف داوران را این‌گونه شرح می‌دهد:

۱. ارزیابی دقیق اثر ارائه‌شده و بررسی صلاحیت و شایستگی علمی و طبقه‌بندی آن؛

۲. به‌کارگیری کلیه روش‌های علمی در هنگام ارزیابی اثر؛

۳. مطالعه و بررسی کلیه متون منتشرشده در آن حوزه تخصصی؛

۴. تأیید استنادها و تصاویر؛

۵. کمک به سردبیران در انتخاب مقاله‌ها و کمک به پدیدآوران در انتقال صریح و واضح پیام خود به خوانندگان.

بنوس و کرک و هال^۱ (ابویی اردکان و میرزایی ۱۳۸۹) مسئولیت‌های داوران را به صورت زیر خلاصه کرده‌اند:

۱. داور باید ارزیابی انتقادی و صادقانه‌ای از پژوهش تهیه کند. وظیفه داور، تجزیه و تحلیل نقاط قوت و ضعف پژوهش و ارائه پیشنهادهایی برای اصلاح پژوهش است. داور باید برای بیان پیشنهادها از شیوه و لحنی استفاده کند که شور و شوق پدیدآوران را برای اجرای پیشنهادها افزایش دهد. داور نباید فرایند ارزیابی مقاله را به گونه‌ای دستکاری کند که پدیدآوران مجبور شوند به موضوعاتی بپردازند که صرفاً از نظر او جالب توجه و بااهمیت هستند؛ اما در واقع برای هدف پژوهش، کم‌اهمیت یا جانبی باشند.

۲. داور باید حالت محرمانه بودن محتوا و موجودیت اثر را حفظ کند. داور نباید اثر را در اختیار دیگران قرار دهد یا درباره جزئیات آن با دیگران بحث کند. البته سلسله استثنائی نیز وجود دارد که باید ابتدا به تأیید سردبیر برسد، از جمله مشورت داور با همکاری که به لحاظ سطح علمی از خودش پائین‌تر است، ولی در زمینه تحت بررسی تجربه دارد. در این صورت همکار داور نیز باید حالت محرمانه بودن اثر را حفظ کند.

۳. داور نباید در سرقت ادبی مشارکت کند. استفاده از داده‌ها یا مفاهیم جدید اثر قبل از انتشار آن، برای پیشرفت پژوهش فرد داور، نوعی تجاوز و تخطی جدی محسوب می‌شود. داور باید همیشه از هم‌ترازخوانی اثری که با آن هرگونه برخورد منفعی دارد، پرهیز کند. برای نمونه، داور نباید بررسی اثرهایی را بپذیرد که با موضوع آن‌ها

اختلاف نظر اساسی دارد و احساس می‌کند که نمی‌تواند بررسی منصفانه‌ای انجام دهد. از این دست برخورد منافع‌ها می‌توان به پیش‌دאوری علیه مطالعاتی با نتایج غیردلخواه یا وجود رابطه شخصی یا حرفه‌ای نزدیک میان پدیدآوران و داور اشاره کرد. در این حالت ممکن است واقع‌بینی داور به خطر افتد.

۴. داور باید اثرهایی را برای دآوری بپذیرد که با حوزه تخصصی‌اش ارتباط داشته باشند. سردبیران به دقت سعی می‌کنند تا هر اثر را برای داوران متخصص در آن زمینه بفرستند؛ ولی گاهی اشتباهاتی رخ می‌دهد. به‌طور کلی اگر داور تخصص کافی برای بررسی اثر نداشته باشد، این موضوع برای پدیدآوران و به‌طور کلی، برای فرایند بررسی نامنصفانه است. البته استثناء در این حالت، زمانی است که سردبیر دیدگاه داور را به‌عنوان فرد غیرمتخصص بخواهد یا به دنبال عقیده داور در جنبه‌های خاصی از اثر باشد، مانند آمارهای ارائه‌شده.

۵. داور باید بررسی اثرهایی را بپذیرد که می‌تواند آن‌ها را به موقع آماده کند. گاهی اوقات اتفاق‌های پیش‌بینی‌ناپذیری رخ می‌دهد که مانع از تحویل اثرها در زمان مشخص می‌شود. در چنین وضعیتی، داور باید سریع با سردبیر تماس بگیرد. دیرکرد در بررسی اثرها به دلیل تعلل داوران، از نظر پدیدآوران نامنصفانه است. گاهی اوقات این موضوع باعث می‌شود که پدیدآوران داورانی را که در همان موضوع کار می‌کنند، به سوءاستفاده متهم کنند. پدیدآوران علت کارشکنی را انتشار زودتر آثار داوران می‌دانند.

۶. داوران باید با آثار متهم به مسائلی مانند تقلب، سرقت ادبی و نادیده گرفتن ملاحظات اخلاقی پژوهش برخورد جدی داشته باشند.

۷. داور باید بررسی‌اش را به سبکی سازنده و آموزشی بنویسد و از بحث درباره نقاط قوت و ضعف مطالعه فراتر نرود. این موضوع به‌خصوص برای پژوهشگران تازه‌کار مفید است؛ چرا که هیچ‌چیز ناامیدکننده‌تر از این نیست که پژوهشگری تازه‌کار (حتی مجرب) ارزیابی‌ای طعنه‌آمیز یا مخرب از مقاله‌اش دریافت کند. هیچ‌کس دوست

ندارد مقاله‌اش رد شود، اما بررسی دقیق همراه با پیشنهادهای مناسبی برای اصلاحات، می‌تواند خیلی مفید باشد. به همین دلیل، اگر فرایند بررسی اشتباهات موجود در مقاله‌ها به خوبی پیش رفته باشد، پدیدآوران از اینکه مقاله‌هایشان رد شود چندان احساس ناخوشایندی نخواهند داشت. به هر حال این وظیفهٔ سردبیر است که تبحر علمی داوران را بررسی کرده و داوران شایسته‌ای انتخاب کند.

در پایان می‌توان به‌طور خلاصه معیارهای کلی زیر را برای ارزیابی داوران ارائه داد:

۱. وقت‌شناسی؛
۲. استناد به شواهد معتبر و متناسبی که برای حمایت از اظهارنظرهای پدیدآور تهیه شده‌اند؛
۳. انتقاد سازنده؛
۴. واقع‌بینی؛
۵. بیانی واضح برای سردبیر در باب میزان مناسب بودن و اولویت‌های پژوهش برای انتشار.
۶. با در نظر گرفتن این توصیه‌های کلی، می‌توان مؤلفه‌های اخلاق هم‌ترازخوانی را در ادامه مطرح کرد.

مؤلفه‌های اخلاق هم‌ترازخوانی

هیمز (۲۰۰۷، ۱۸۲) مهم‌ترین بدرفتاری‌های اخلاقی داوران را آشکار نکردن برخورد منافع، افشای اطلاعات به دیگران، استفاده از ایده‌ها و یافته‌های پژوهشگران، دیرکرد در انجام داوری و خدشه وارد کردن به شخصیت یا شهرت سایر پدیدآوران معرفی می‌کند. شامو و رزنیک (۱۳۹۴، ۲۴۰-۲۵۱) مؤلفه‌های اخلاقی هم‌ترازخوانی را شامل رازداری، رعایت حقوق معنوی پدیدآور، توجه به برخورد منافع، وقت‌شناسی و تعهد حرفه‌ای می‌دانند. آن‌ها بر این باورند که تمامی افراد دخیل در فرایند داوری باید محرمانگی را رعایت کنند؛ چرا که آثار فرستاده شده برای داوری دربرگیرندهٔ داده‌ها، نتایج، ایده‌ها و شیوه‌هایی هستند که پیش‌تر

منتشر نشده‌اند. شامو و زرنیک بر این باورند که اگر پدیدآوران از محرمانه‌ماندن آثار خود مطمئن نباشند، کل نظام داوری بی‌اعتبار می‌شود. از دیدگاه آن‌ها، ایده‌ها، داده‌ها، شیوه‌ها، نتایج و دیگر جنبه‌های اثر را باید به‌عنوان حقوق معنوی اثر در نظر گرفت؛ از این رو، تمامی افراد دخیل در فرایند داوری نباید بدون اجازه صریح پدیدآوران از هیچ جنبه‌ای از این حقوق معنوی استفاده کنند.

همچنین داوران باید داوری را در زمان تعیین‌شده انجام دهند و در صورتی که نمی‌توانند این کار را در مدت زمان معینی انجام دهند، نباید مسئولیت داوری را بپذیرند و در صورت امکان، فرد دیگری را برای داوری معرفی کنند. افزون بر این، داوران باید مسئولیت‌های حرفه‌ای خود را اجرا کنند؛ این مسئولیت‌ها دربرگیرنده بررسی دقیق، کامل، انتقادی و مسئولانه آثار است. هرچند این اصول اخلاقی مشهود به‌نظر می‌آیند، ولی گاهی از سوی داوران رعایت نمی‌شوند. متأسفانه، بسیاری از پژوهشگران با داوری‌های غیرحرفه‌ای مواجه بوده‌اند و از این نظر آسیب دیده‌اند. رجبعلی بگلو و همکارانش (۱۳۹۸) در پژوهشی مؤلفه‌های اصلی اخلاق داوری را دربرگیرنده ۸ مؤلفه اصلی و ۴۰ مؤلفه فرعی معرفی کردند. مؤلفه‌های اصلی اخلاق داوری عبارت است از: پایبندی به زمان، رعایت محرمانگی، نبود سوگیری، توجه به برخورد منافع، توجه به بدرفتاری پژوهشی، بیان احترام‌آمیز و منصفانه، پیشنهاد سازنده و عینی و مسئولیت‌پذیری و پاسخ‌گویی. این مؤلفه‌ها در مجموع، دربرگیرنده ۴۰ مؤلفه فرعی بودند. بر پایه آنچه در ادامه می‌آید، هشت مؤلفه اصلی اخلاق داوری به شرح زیر است. این مؤلفه‌ها، تعریف‌های مفهومی و عملیاتی مفاهیم اخلاق داوری بوده و برای تحلیل محتوای اسناد داوری استفاده شده است. لازم به یادآوری است که مؤلفه‌های فرعی در درون هر یک از مؤلفه‌های اصلی گنجانده شده است.

توجه به بدرفتاری پژوهشی^۱

هیمز (۲۰۰۷، ۱۷۴) به نقل از «دفتر اصالت علمی»^۲ بدرفتاری علمی را داده‌سازی، جعل،

1. Misconduct of research

2. Office of research integrity (<https://ori.dhhs.gov/>)

سرقت علمی و دیگر کنش‌هایی معرفی می‌کند که به‌طور جدی از هنجارهای مرسوم و پذیرش‌شدهٔ جامعهٔ علمی منحرف شده است. این کنش‌ها هنگام پیشنهاد یا اجرا یا گزارش پژوهش رخ می‌دهند. به باور هیمز (۲۰۰۷، ۱۷۳) فرایند داوری به اعتماد و رفتار مناسب همهٔ شرکت‌کنندگان بستگی دارد؛ از این رو گاهی وقت‌ها پدیدآوران بدرفتاری پژوهشی دارند؛ این رفتار در حال افزایش است و پدیدآوران باید از این مسئله آگاهی کافی داشته باشند. او بر این باور است که هرگونه بدگمانی یا ادعا دربارهٔ بدرفتاری پژوهش نباید نادیده گرفته شود.

البته باید اشاره کرد که به نظر برخی از پژوهشگران همچون دانجلو (۲۰۱۲، ۴۷)، با وجود اینکه هم‌ترازخوانی می‌تواند برخی از نمونه‌های بدرفتاری علمی در اخلاق پژوهش را شناسایی کند؛ اما شناسایی این بدرفتاری‌های علمی جزو هدف اصلی هم‌ترازخوانی به‌شمار نمی‌آید و در برخی از نمونه‌ها ممکن است فرایند هم‌ترازخوانی باعث تشویق بدرفتاری پژوهشی محدود یا حتی بی‌اخلاقی شود. با این حال، رزنیک و المور (۲۰۱۶) بر این باورند که داوری در شناسایی بدرفتاری‌های پژوهشی مهم و حیاتی است و فعالیت در زمینهٔ اخلاق پژوهش راهی برای آگاهی‌رسانی بیشتر به افراد دربارهٔ اخلاق پژوهش و بدرفتاری پژوهش و بهبود قضاوت و تصمیم‌گیری اخلاقی داورها است. به باور لی و همکارانش (رزنیک و المور ۲۰۱۵) نیز در صورتی که داوران به منابعی همچون پرونده‌های اولیهٔ پژوهش برای تشخیص داده‌سازی یا جعل دسترسی داشته باشند، می‌توانند این گونه از بدرفتاری‌ها را شناسایی کنند. از سوی دیگر، کوپ بدرفتاری پژوهشی را دربرگیرندهٔ داده‌سازی، جعل، سرقت علمی، دستکاری تصویر، پژوهش غیراخلاقی و گزارش‌دهی سوگیرانه، سوءاستفاده از نویسندگی، افزونگی یا تکرار انتشار و برخورد منافع می‌داند (کوپ ۲۰۱۷).

اینکه داور حق دارد یا می‌تواند هرگونه بدرفتاری علمی را به جامعهٔ علمی منعکس کند، مسئلهٔ مهمی است که لازم است به‌درستی تبیین شود. هیمز (۲۰۰۷، ۱۷۴) هشدار می‌دهد که بدرفتاری واضح ممکن است در نتیجهٔ خطایی حقیقی باشد؛ اما داور نباید ادعاهای بدرفتاری ثابت‌نشده را اشاعه بدهد. از آنجا که به‌طور معمول، سردبیران افرادی پر مشغله هستند، ممکن

است نتوانند به این بدرفتاری‌ها رسیدگی کنند. این رسیدگی بسیار زمان‌بر است و موقعیت‌های حساسی دارد و ممکن است دلالت‌های حقوقی نیز در پی داشته باشد؛ از این رو برخی از سردبیران و حتی مجله‌های علمی ممکن است برای آغاز بررسی دربارهٔ بدرفتاری‌های پژوهشی بی‌میل باشند. هیمز (۲۰۰۷، ۱۸۳) این بدرفتاری را تنها به داوران محدود نمی‌داند و بر این باور است که سردبیران نیز ممکن است در وقوع بدرفتاری پژوهشی نقش داشته باشند. وی بر این باور است که برای نمونه، مجله‌های علمی زیست‌بومی دارند که در این زیست‌بوم همهٔ اجزا با یکدیگر در تعامل هستند. از این رو، کوپ قواعد اخلاقی برای سردبیران معرفی کرده است که راهنمایی برای تعامل منصفانه با پدیدآوران و داوران و مخاطبان به‌شمار می‌آید.^۱ هیمز (۲۰۰۷، ۱۸۳-۴) نمونه‌هایی از گونه‌های عمدهٔ این بدرفتاری‌ها را به شرح زیر برمی‌شمرد:

- ✧ سوءاستفاده از اعتماد افراد درگیر در فرایند هم‌ترازخوانی؛
- ✧ کنش افتراآمیز هنگام اجرای وظایف سردبیری؛
- ✧ رعایت نکردن محرمانگی اطلاعات هنگام داوری؛
- ✧ استفاده از اطلاعات برای بهره‌برداری شخصی و ضرر یا بی‌اعتبارسازی دیگران؛
- ✧ آشکار نکردن برخورد منافع یا اجازه دادن به تأثیر آن‌ها بر تصمیم‌گیری مثبت یا منفی؛
- ✧ دیرکرد آگاهانه و عامدانه در پیشرفت فرایند داوری؛
- ✧ پذیرش انتشار آثاری که به‌صورت جعلی، یا همراه با اشتباه یا غیراخلاقی تدوین شده‌اند؛
- ✧ انتشار آثار خود بدون اینکه فرایند هم‌ترازخوانی را طی کند؛
- ✧ اجازهٔ بر وقوع کنش‌ها یا تصمیم‌ها، تحت تأثیر القاء‌ها و رشوه؛
- ✧ استفاده از ابزارهای غیراخلاقی برای افزایش ضریب تأثیر مجله.

۱. برای آگاهی بیشتر به این پیوند مراجعه کنید:

http://publicationethics.org/files/u2/Best_Practice.pdf

به باور او (هیمز ۲۰۰۷، ۱۸۴) شناسایی بدرفتاری‌های پژوهشی سردبیران بسیار دشوار است. او نمونه‌هایی از این بدرفتاری را که در چند بخش توسط سیریل برت^۱ انجام شده بود، در چهارچوب انتشار آثار متعدد خود، چنین معرفی می‌کند: تغییر آثار دیگران بدون اجازه آن‌ها؛ افزودن استناد به آثار خود در آثار ارسالی دیگران؛ تهیه نامه‌هایی بی‌نام از سوی پدیدآوران برای انتقاد از همکار. این نمونه به‌درستی نشان می‌دهد که زیست‌بوم اخلاق داوری می‌تواند تحت تأثیر عملکرد همه اعضای کنشگر قرار بگیرد. او البته هشدار می‌دهد که هنگام ارسال پیام‌های گروهی مرتبط با نمونه‌های مشکوک به بدرفتاری پژوهشی، نباید جزئیاتی بیاید که منجر به شناسایی افراد و سازمان‌های اشاره‌شده شود.

برخورد منافع^۲

برخورد منافع در هم‌ترازخوانی مسئله مهمی است و از این نظر که گاهی بسیار عینی و گاه بسیار پنهان است، نسبت به همه مؤلفه‌ها به توجه بیشتری نیازمند است. هیمز (۲۰۰۷، ۱۶۴) در یکی از قانون‌های طلایی خود اشاره می‌کند که هیچ‌گونه برخورد منافع و پیش‌داوری نباید ارسال مقاله و داوری آن و تصمیم‌گیری درباره انتشار اثر را تحت تأثیر قرار دهد. همچنین، همه افراد درگیر در فرایند داوری باید برخورد بالقوه منافع خود را آشکار کنند و اگر نمی‌توانند اثر را عینی و منصفانه داوری کنند، از پرداختن به داوری اثر باید کناره‌گیری کنند (به پیوست ۲-۳ بنگرید). بنابراین، ممکن است این برخورد منافع برای همه اعضای درگیر در فرایند داوری وجود داشته باشد. در نتیجه، همه افراد درگیر لازم است در نظر داشته باشند که هرگونه رابطه‌ای ممکن است برخورد منفعی در پی داشته باشد. برخورد منافع می‌تواند قضاوت‌هایی را که داوران یا سردبیران انجام می‌دهند به سود یا علیه اثر تبدیل کند و اعتماد پدیدآوران به روند هم‌ترازخوانی را تضعیف کند (رزنیک و المور ۲۰۱۶). در دیدگاه دانجلو داور متعهد است از تخلف در برخورد منافع جلوگیری کند؛ در غیر این صورت، مسئولیت این امر به سردبیر بازمی‌گردد که این تخلف را کشف کند (دانجلو ۲۰۱۲).

۴۹). از دیدگاه مانچیکانتی^۱ و همکارانش (۲۰۱۵) داوران نباید برخورد منافع عمده‌ای در موضوع اثر داشته باشند. آن‌ها برخورد منافع را واقعی می‌دانند که برای پدیدآور یا شرکت‌کننده در فرایند انتشار آشناست و اگر بعداً برای وی آشکار شود که برخورد منافی از او پنهان مانده است احساس می‌کند او را گمراه کرده‌اند یا فریب خورده است. این برخورد منافع که می‌تواند شخصی، تجاری، سیاسی، علمی یا مالی باشند، ممکن است بر قضاوت پدیدآوران و داوران و سردبیران تأثیر بگذارد. برخورد منافع مالی دربرگیرنده استخدام، بودجه پژوهشی، مالکیت سهام، پرداخت‌های مالی برای ارائه یا سفر، مشاوره، پشتیبانی معنوی یا هر منفعت سازمانی دیگری است. درک برخورد منافع به عنوان تضادی واقعی مهم است؛ زیرا اعتماد را از میان می‌برد. برخورد منافع هنگامی اتفاق می‌افتد که شرکت‌کنندگان در انتشار اثر، منافع شخصی یا حرفه‌ای دارند که می‌تواند تأثیر نامناسبی بر قضاوت آن‌ها بگذارد. همچنین، سردبیران و داوران ممکن است به دوستان، همکاران یا دانشمندانی که عقیده پژوهش آن‌ها را تأیید می‌کنند یا کمتر از آن انتقاد می‌کنند، توجه ویژه‌ای داشته باشند. برعکس نیز ممکن است اتفاق بیفتد؛ مثلاً داوری با اثر پژوهشگری مواجه شود که ایده رقابتی دارد یا پدیدآور وقتی داور است، نظر منفی به مقاله داور اثر خود داشته باشد یا داوری قصد انتشار مقاله‌ای در موضوع مرتبط به مقاله در دست داوری خود دارد، از این رو نشر مقاله منتظر داوری را به دیرکرد بیاندازد. برخورد منافع بسیار شایع است و شناسایی آن دشوار است. برخورد منافع ممکن است بسته به رشته، موقعیت جغرافیایی پژوهشگران و حتی جنسیت پدیدآوران متفاوت باشد. مهم‌تر از همه این است که سیاست هیئت تحریریه مجله با ارجاع به استانداردهای اخلاقی و پیروی از آن، نقشی کلیدی در شناسایی و اصلاح برخورد منافع دارد (گاسپاریان و همکاران ۲۰۱۳).

مجله‌ها می‌توانند به منظور آشکارسازی برخورد منافع در فرایند هم‌ترازخوانی، سیاست‌های مشخص و مؤثری برای کمک به داوران و سردبیران تهیه کنند. برای این منظور باید برخورد منافع را تعریف کنند و نمونه‌هایی از مصداق‌های برخورد منافع را فراهم کرده

و فرایندی برای داوران و سردبیران برای گزارش برخورد منافع طراحی کنند. اگر داوری برخورد منافع خود را افشا کرد، سردبیر می‌تواند فرد دیگری برای داوری آن مقاله انتخاب کند. در صورتی که مجله بیشتر از یک سردبیر دارد، اگر سردبیری برخورد منافع خود را افشا کرد، سردبیر دیگری که برخورد منافع ندارد می‌تواند فرایند داوری را به‌دست گیرد. کوپ (۲۰۱۷) راهنمایی برای مجله‌ها ایجاد کرده است که مجله‌ها می‌توانند آن را بپذیرند یا برای رسیدگی به برخورد منافع داوران و سردبیران به‌کار برند.

رزنیک و المور (۲۰۱۸) برخی از گونه‌های برخورد منافع را به‌شرح زیر برمی‌شمرند: (۱) از پژوهشگری با سهمی مشخص در شرکتی خواسته شده است مطالعه‌ای را داوری کند که مطالعه داوری تولیدی از یک شرکت برتر (محصول رقابتی) است؛ (۲) سردبیر با سهمی مشخص در شرکتی فرایند داوری را مدیریت کند؛ (۳) از پژوهشگری خواسته شده مقاله کسی را داوری کند که رابطه حرفه‌ای با او دارد (دانشجو یا مشاور سابق اوست)؛ (۴) از پژوهشگری خواسته شده مقاله‌ای را داوری کند که توسط گروه پژوهشی رقیب ارسال شده است؛ (۵) سردبیر مجله مقاله‌ای به مجله ارسال کند. داوران باید هرگونه برخورد منافی را که ممکن است نظر آن‌ها را در نوشته‌ای تحت تأثیر قرار دهد، افشا کنند و از داوری آثار ویژه‌ای که به‌صورت بالقوه روی آن‌ها سوگیری وجود دارد، اجتناب کنند. داوران نباید پیش از انتشار اثر، از دانش اثری که در حال داوری آن هستند برای افزایش منافع خود استفاده کنند (گاسپاریان و همکاران ۲۰۱۳؛ رزنیک و شامو در رزنیک و المور ۲۰۱۵)، منافع مالی پدیدآوران می‌تواند برخورد منافی در پژوهش ایجاد کنند (شامو و رزنیک در رزنیک و المور ۲۰۱۵).

در رهنمودهای اخلاق داوری کوپ نیز بر این تأکید شده است که داور باید هرگونه برخورد منافع (بالقوه و بالفعل) را به مجله اعلام کند. کوپ انواع برخورد منافع رادبرگیرنده گونه‌های شخصی، مالی، فکری، حرفه‌ای، سیاسی یا مذهبی می‌داند. کوپ نمونه‌های دیگر را مواردی می‌داند که داوران در همان مؤسسه مشغول به کار هستند یا یکی از پدیدآوران به‌شمار می‌روند یا به‌تازگی (به‌عنوان نمونه، در طی ۳ سال گذشته) مشاور، تحت مشاوره

همکاران نزدیک یا از بهره‌گیران مشترک پژوهانه قرار گرفته‌اند. افزون بر این، کوپ حالت‌هایی را مصداق‌های برخورد منافع می‌داند، از جمله اینکه داور اثری را بدون اینکه قصد داوری داشته باشد، فقط برای به‌دست‌آوردن چشم‌اندازی از موضوع آن برای داوری می‌پذیرد یا وقتی که اثر به اثری که در حال آماده‌سازی دارد یا در دست داوری مجله‌ای دیگر است، بسیار شبیه باشد (کوپ ۲۰۱۷).

اگر برخورد منافع بالقوه‌ای وجود داشته باشد، به معنی این نیست که کنشی نادرست و سوگیرانه اتفاق می‌افتد. آشکارسازی برخورد منافع، نکته مهمی است که باید صورت پذیرد تا بتوان به تصمیم‌گیری و ارزیابی آن پرداخت (هیمز ۲۰۰۷، ۱۶۷). کوپ فرایندی را که داور به برخورد منافع بالقوه خود شک می‌کند، به شکل نمودار زیر ترسیم کرده است (به نمودار ۷ بنگرید).

وقتی که داور درباره برخورد منافع پنهان شک می‌کند



نمودار ۷. برخورد منافع داور با پدیدآور(ان) و فرایند آشکارسازی آن

بیان احترام‌آمیز و منصفانه^۱

رهنمودهای کوپ، حرفه‌ای بودن داور و بیان احترام‌آمیز و منصفانه را خودداری داور از بیان داوری خصومت‌آمیز، التهاب‌افزا، یادداشت‌ها و اظهارنظرهای شخصی مخرب و منحرف یا بیان اتهامات بی‌اساس در نظر می‌گیرد. همچنین، داوران را ملزم می‌داند که به حساسیت‌های زبانی آگاه باشند و مسائل زبانی را بیشتر در داوری آثار پدیدآورانی می‌داند که زبان آن‌تر، زبان اصلی‌شان نیست. همچنین کوپ بر بیان محترمانه در جمله‌های بازخورد، بیان‌نکردن دیدگاه‌های منفی ناعادلانه یا انتقادهای اثبات‌نشده درباره آثار فرستاده شده برای داوری تأکید دارد (کوپ ۲۰۱۷). هیمز (۲۰۰۷، ۷۷) یکی از نمونه‌های بیان نامحترمانه و نامنصفانه را که برگرفته از نمونه‌ای واقعی است، این‌گونه مطرح می‌کند:

«پدیدآور ... هرگز ایده‌ای بکر و تازه در زندگی علمی خود نداشته و نمی‌داند با چنین ایده‌ای چه کار باید بکند.»

به باور او باید یادداشت‌های توهین‌آمیزی همچون نمونه بالا حذف شوند و چنین یادداشت‌هایی به‌طور کلی پذیرفتنی نیستند. در چنین حالتی، گویا داور به جای اثر، شخص را قضاوت می‌کند که نادرست است. گاهی نیز در چنین قضاوتی از واژه‌های نامحترمانه استفاده می‌کند. وی بیان محترمانه جمله بالا را چنین پیشنهاد می‌کند:

«به گمانم دانشمند صادق باید دو ابزار استفاده‌شده در پژوهش را کالبره کرده و فعالیت‌های ارزشی نسبی را دوباره محاسبه کند.»

اشاره هیمز (۲۰۰۷) به این نمونه برای تأکید درباره استفاده نامناسب از برخی واژه‌ها و عبارت‌هاست که می‌تواند تأثیر بدی روی پدیدآور بگذارد. از این رو به سردبیران پیشنهاد می‌کند مواظب یادداشت‌های توهین‌آمیز و استفاده نامناسب از واژه‌ها در گزارش‌های داوری باشند. آنچه در بررسی پژوهش رجبعلی بگلو و همکارانش (۱۳۹۸) به‌دست آمد، نمونه‌هایی

مربوط به همین موضوع بود که در بررسی اسناد داوری به شکل زیر در بیانیه اخلاق داوری مجله در دست بررسی گزارش شده است (برای آگاهی بیشتر به «بیانیه اخلاق داوری پژوهش‌نامه پردازش و مدیریت اطلاعات» در فصل چهار بنگرید):

«این مقاله حتی در حد مقاله علمی‌ترویجی هم نیست»؛

«هیچ نکته مثبتی در این اثر وجود ندارد»؛

«مقاله حاصل کار کلاسی دانشجویی تازه‌کار است و انتشار آن در شأن

مجله نیست».

گاهی اوقات مشکل بیان احترام‌آمیز برای داوری آثار پدیدآورانی رخ می‌دهد که زبان نگارش مقاله، زبان دوم آن‌ها بوده است. از این رو پیشنهاد کوپ این است که داوران به حساسیت‌های زبانی آگاه باشند. برای نمونه این مثال را مطرح می‌کند:

«پایداری پدیدآور تحسین‌برانگیز است، اما توپ را به زمین بعدی
پرتاب کنید.

Fercryinoutloud، ... [این «کلمه» در هیچ فرهنگ واژگانی دیده

نمی‌شود!]

پایبندی به زمان^۱

ابویی اردکان و میرزایی (۱۳۸۹) طولانی‌شدن زمان داوری را مهم‌ترین مشکل مجله‌های علمی‌پژوهشی ایران می‌دانند. این مسئله در تعارض با برخی گزاره‌ها و رهنمودهای اخلاقی کوپ درباره داوری به‌موقع و در چهارچوب زمانی^۲ تعیین‌شده برای هم‌ترازخوانی است (کوپ ۲۰۱۷). علیدوستی و دیگران (۱۳۸۷) نیز بر طولانی‌بودن زمان داوری، به‌عنوان یکی از مشکل‌های مورد توجه سردبیران اشاره داشتند. رهنمودهای اخلاق داوری کوپ نیز بر پذیرش داوری به‌هنگام اشاره دارد. البته کوپ موقعیت‌های پیش‌بینی‌نشده را نیز در نظر

گرفته است و توصیه می‌کند در این‌گونه مواقع، داور باید سریع با سردبیر تماس بگیرد و نیاز به افزایش زمان داوری را فوراً به مجله اطلاع بدهد. همچنین، کوپ بر طولانی‌نکردن عمدی فرایند یا ارسال داوری تأکید دارد و درخواست غیرضروری برای اطلاعات اضافی از مجله یا پدیدآور را مجاز نمی‌داند. کوپ سرعت‌بخشیدن برای پاسخ به درخواست‌های مجله را نیز مهم می‌داند (کوپ ۲۰۱۷).

پیشنهادهای عینی و سازنده^۱

بنوس و کرک و هال تجزیه و تحلیل نقاط قوت و ضعف پژوهش و تهیهٔ پیشنهادها به شیوه و لحنی که شوروشوق پدیدآوران را جهت اصلاح پژوهش افزایش دهد، جزو وظایف داور می‌داند. کوپ نیز بر این تأکید دارد که داوری باید عینی (بی‌طرف) و سازنده باشد و داور بازخوردی به پدیدآوران ارائه کند که به آن‌ها کمک می‌کند اثر را بهبود بخشند. برای نمونه، پیشنهاد می‌کند در داوری واضح عمل کند و شواهد پشتیبان همراه با ارجاع‌های مقتضی برای اثبات بیانی‌های کلی خود ارائه کند تا به سردبیران در ارزیابی اثر یاری برساند. همچنین باید نظرها و پیشنهادها را برای سردبیر با گزارش به پدیدآوران مطابقت داشته باشد و بیشتر باید بازخوردها در گزارش ارائه شود تا پدیدآوران آن‌ها را ببینند. همچنین همهٔ پیشنهادها باید بر اساس دلایل علمی یا فنی معتبر باشد (کوپ ۲۰۱۷).

- ✧ «مقاله توصیفی بوده و بدون هرگونه تحلیل متعالی است»؛
- ✧ «مقاله از جامعیت و انسجام کافی برخوردار نیست و به‌نوعی شتاب‌زدگی در نگارش اثر به چشم می‌خورد»؛
- ✧ «در پیشنهادات آتی و در نتیجه‌گیری و در پیشینهٔ پژوهش ضعف وجود دارد»؛
- ✧ «روش پژوهش که پیمایشی است با جامعه و نمونه سنخیت ندارد»؛
- ✧ «در انتخاب درست جامعهٔ پژوهش تردید وجود دارد»؛
- ✧ «دست‌آورد نوین علمی کاربردی در این مقاله مشاهده نمی‌شود».

رعایت محرمانگی^۱

از دیدگاه کالاهام (۲۰۰۳) داوران باید فرایند داوری و شرایط و جزئیات آن را محرمانه تلقی کنند و نباید پیشینه داوری‌ها را نگهداری کرده یا از آن‌ها نسخه‌برداری کنند. از دیدگاه وی، داور نباید بدون اجازه مستقیم سردبیر و پدیدآور(ان) داوری‌ها را با همکاران خود به اشتراک بگذارد. همچنین، داوران و سردبیران نباید به هیچ‌وجه قبل از انتشار اثر، استفاده شخصی یا حرفه‌ای از داده‌ها، بحث یا تفسیری از داده‌ها داشته باشند، به جز مواردی که به‌طور مستقیم در هم‌ترازخوانی است؛ مگر اینکه مجوز خاصی از پدیدآور داشته باشند.

کوپ نیز بر این تأکید دارد که داور باید به محرمانگی فرایند هم‌ترازخوانی احترام گذاشته و از اطلاعات به‌دست‌آمده در طی فرایند داوری برای منفعت شخصی یا منفعت و ضرر یا بی‌اعتبارشدن دیگران استفاده نکند. همچنین، داور نباید بدون اینکه ابتدا مجوز مجله را دریافت کرده باشد، فرد دیگری را (همچون پژوهشگران تازه‌کار) در داوری اثر درگیر کند. از دیدگاه وی، باید نام همه افرادی که در داوری، داور را یاری کرده‌اند آورده شود تا داوری آن‌ها در پیشینه داوری مجله ثبت شود و تلاش‌های آن‌ها به رسمیت شناخته شود. همچنین، داوران نباید درباره آثار پدیدآوران به‌طور عمومی بحث کنند و ایده‌های پدیدآوران را قبل از انتشار از آن خود کنند.

کوپ همچنین بر این امر تأکید دارد که درباره بدرفتاری‌های پژوهشی پدیدآور یا هر نگرانی اخلاقی دیگر، داور نباید بدون اطلاع سردبیر، بررسی‌های بیشتری انجام بدهد؛ مگر در مواقعی که مجله اطلاعات و مشاوره اضافی از داور داشته باشد. یادداشت‌های محرمانه به سردبیر نیز نباید باعث بدنامی یا اتهام نادرست به پدیدآوران شود و داور باید اطمینان پیدا کند که پدیدآوران یادداشت‌ها و نظرهای خودش را نمی‌بینند. داورانی که می‌خواهند دانشجویان و پژوهشگران تازه‌کار خود را در هم‌ترازخوانی درگیر کنند، باید درخواست خود را به سردبیر بدهند و منتظر نظر او باشند (کوپ ۲۰۱۷).

هیمز (۲۰۰۷، ۸۵) هشدار می‌دهد تا زمانی که نتیجه داوری نهایی نشده است، نباید به

پدیدآور اطلاعات گمراه‌کننده‌ای دربارهٔ وضعیت اثر در فرایند داوری ارائه شود. این اطلاعات ممکن است دربرگیرندهٔ بیان شفاهی یا غیررسمی دربارهٔ داوری‌ها باشد و از سوی داور و سایر اعضای درگیر در فرایند داوری به آگاهی پدیدآور برسد. آشکارکردن هویت داور نیز نمونهٔ دیگری از افشای جزئیات و فرایند داوری است. برای نمونه، رجبعلی بگلو و همکارانش (۱۳۹۸) نمونه‌ای از رعایت نکردن محرمانگی را در اسناد داوری مجلهٔ در حال بررسی‌شان، این‌گونه گزارش کرده‌اند (برای آگاهی بیشتر به فصل چهارم بخش «بیانیهٔ اخلاق داوری» پژوهش‌نامهٔ پردازش و مدیریت اطلاعات بنگرید).

«اطلاعات کتاب‌شناختی مقالهٔ اینجانب که در پیشینه ... بررسی شده، اصلاح شود».

سوگیری^۱

سوگیری، چالش دیگری است که در فرایند هم‌ترازخوانی به آن اشاره شده است و بی‌انصافی در ارزیابی آثار به‌عنوان نقض بی‌طرفی در ارزیابی اثر شناخته می‌شود. سوگیری تعصبی نظام‌مند تعریف می‌شود که از تفسیر دقیق و عینی پژوهش‌های علمی جلوگیری می‌کند و به‌راحتی قابل تشخیص یا قابل اصلاح نباشد. پژوهش‌های گوناگونی وجود دارد که نشان می‌دهد محققان برجسته از گروه‌های پژوهشی شناخته‌شده حمایت می‌کنند (مانچیکانتی و همکاران ۲۰۱۵).

به باور لی و همکارانش، از آنجا که هم‌ترازخوانی توسط انسان انجام می‌شود، هیچ هم‌ترازخوانی‌ای نمی‌تواند از سوگیری‌های نظری و روش‌شناختی به‌طور کامل آزاد و رها باشد (لی در رزینک و المور ۲۰۱۵). با این حال، گونه‌های خاصی از سوگیری می‌تواند کیفیت و عادلانه‌بودن و اخلاق هم‌ترازخوانی را تحت تأثیر قرار دهد. بعضی از نمونه‌هایی را که ممکن است در سوگیری داور تأثیر داشته باشد، عبارت است از: سوگیری نسبت به اولویت برای یافته‌های مثبت یا منفی، جنسیت پدیدآور، جنسیت داور، وابستگی سازمانی،

ملیت پدیدآور، پژوهش بحث‌برانگیز یا نوآورانه، داوران پیشنهادی پدیدآوران، برخورد منافع هم‌ترازخوانی یا سردبیر، شهرت پدیدآور (رزنیک و المور ۲۰۱۵)، ویژگی‌های پدیدآور، اعتبار و شهرت، زبان، ویژگی‌های داور، سوگیری مبتنی بر محتوا، سوگیری تأیید، سوگیری محافظه‌کاری، سوگیری در مقابل تحقیق میان‌رشته‌ای، سوگیری شناختی و سوگیری نشر (مانچیکانتی و همکاران ۲۰۱۵).

ایزرائیل شواهدی را مطرح می‌کند که نشان می‌دهد فرایند هم‌ترازخوانی تحت تأثیر سوگیری ملیت، زبان، تخصص و جنس داور یا پدیدآور قرار دارد و این شواهد از سوگیری در فرایند هم‌ترازخوانی به‌وضوح آشکار نمی‌شوند. همچنین، وی بر این باور است که داوران وسوسه می‌شوند خطاهای پدیدآوران رقیب را پیدا کنند (ایزرائیل ۲۰۰۶، ۱۱۹). لی و همکارانش بی‌طرفی را به‌عنوان توانایی داور در تفسیر و کاربرد معیارهای ارزیابی به روش ارزیابی اثر تعریف کردند و بر این باورند داوران بی‌طرف، ارزیابی آثار مشابه را بر اساس معیارهای ارزیابی دقیق انجام می‌دهند؛ زیرا آن‌ها به نوشته به‌عنوان اثر نگاه می‌کنند. کوپ بر این امر تأکید می‌کند که داوران باید هرگونه برخورد منافی را که می‌تواند نظر آن‌ها را در نوشته‌ای تحت تأثیر سوگیری قرار دهد، افشا کنند و باید از هم‌ترازخوانی آثار ویژه‌ای اجتناب کنند که روی آن‌ها سوگیری بالقوه وجود دارد. از دیدگاه کوپ، داور باید در ملاحظه‌های مرتبط با ملیت، اعتقادات مذهبی یا سیاسی، جنسیت یا دیگر ویژگی‌های شخصیتی پدیدآور که از اثر یا ملاحظه‌های تجاری آن نشأت می‌گیرد، بی‌طرف باقی بماند. کوپ همچنین تأکید می‌کند که اگر داوری متوجه برخورد منافع خود شد باید آن را اعلام کند تا هم‌ترازخوانی عادلانه و بدون سوگیری انجام شود. کوپ همچنین پیشنهاد می‌کند در حالتی که داور تخصص لازم برای ارزیابی جنبه‌های مرتبط با اثر را ندارد، داور به مجله اطلاع بدهد. در هم‌ترازخوانی‌های دوسو پنهان نیز اگر داور به هویت پدیدآور(ان) مشکوک شد، در صورت برخورد منافع، آن را به مجله اطلاع بدهد (کوپ ۲۰۱۷). برای نمونه، هیمز (۲۰۰۷، ۹۱) بر این باور است که تصمیم مجله (سردبیران) نباید تحت تأثیر ویژگی‌های منشأ اثر همچون ملیت، قومیت، باورهای سیاسی، جنسیت و مذهب پدیدآور باشد. این تصمیم‌ها حتی نباید توسط خط‌مشی‌های دولتی یا دیگر مؤسسه‌های خارج از مجله تعیین شود.

مسئولیت‌پذیری و پاسخ‌گویی^۱

هاپتمن^۲ (ایزرائیل ۲۰۰۶، ۱۱۹) بر این باور است که برخی از داوران مسئولیت‌های هم‌ترازخوانی خود را جدی می‌گیرند و برخی دیگر ممکن است مقاله را رد کنند، بدون آنکه آن را بخوانند؛ زیرا در وضعیت روحی بدی قرار دارند، موضوع اثر یا پدیدآور را دوست ندارند، بی‌نظمی‌های نگارشی مانع از بیان درست نتایج می‌شود، مقاله را برای ماه‌ها نگه می‌دارند یا گم می‌کنند. به هر حال، مسئولیت اخلاقی هم‌ترازخوانی با خودداری از هم‌ترازخوانی آثاری که برخورد منافع دارد، گره خورده است (راکول در فاکس و همکاران ۲۰۰۹). کوپ تأکید می‌کند که داور باید خودش گزارش را آماده کند، مگر اینکه از مجله اجازه داشته باشد فرد دیگری را درگیر هم‌ترازخوانی یا تهیه گزارش کند. همچنین، کوپ از داور می‌خواهد از ارائه پیشنهاد به پدیدآوران برای استناد به اثر خود داور یا همکاری خودداری کند چرا که این استنادها به صورت غیرضروری و صرفاً به دلیل افزایش تعداد ارجاع‌ها یا ارتقاء مشاهده‌پذیری اثر داور خواهد بود. همچنین، از داور می‌خواهد درخواست غیرضروری برای اطلاعات اضافی از مجله یا پدیدآور نداشته باشد (کوپ ۲۰۱۷).

برای نمونه، هیمز (۲۰۰۷، ۷۹) به داوران پیشنهاد می‌کند اگر اثر فرستاده شده برای هم‌ترازخوانی بسیار بد بود، داور می‌تواند برخی از مهم‌ترین یا عمده‌ترین کاستی‌های موجود در اثر را فهرست نماید و نیازی نیست وقت خود را برای همه خطاها و اشتباه‌های موجود در اثر هدر بدهد. او حتی فهرستی از ویژگی‌های گزارش خوب تهیه کرده و به داوران پیشنهاد داده که در آن به نکاتی همچون وضوح (به ویژه برای غیرانگلیسی‌زبان‌ها) و عینی بودن در بیان گزارش، سازنده بودن و مخرب نبودن و اثبات هرگونه بدرفتاری پژوهشی اشاره شده است (برای آگاهی بیشتر به فصل چهارم بخش «رهنمودهای اخلاقی کوپ برای هم‌ترازخوانان» بنگرید).

برای اینکه نگاهی کلی به همه مؤلفه‌های اصلی و فرعی اخلاق هم‌ترازخوانی و مصداق‌های ممکن برای آن‌ها داشته باشیم، می‌توانیم همه آن‌ها را در چهارچوب جدولی به شرح زیر نمایش داد (به جدول ۵ بنگرید).

جدول ۵. مؤلفه‌های اصلی و فرعی و مصداق‌های اخلاق هم‌ترازخوانی

ردیف	مؤلفه‌های اصلی	مؤلفه‌های فرعی	مصداق‌ها
۱	پابندی به زمان	پاسخ به موقع درخواست مجله برای هم‌ترازخوانی مقاله انجام هم‌ترازخوانی در زمان / چهارچوب زمانی پذیرفته‌شده / پیشنهادی درخواست زمان بیشتر هنگام تغییر شرایط داور پیشنهاد داور جایگزین در صورت ناتوانی در انجام به موقع هم‌ترازخوانی طولانی نکردن عمدی فرایند هم‌ترازخوانی / دیرکرد در ارسال هم‌ترازخوانی	طولانی بودن زمان هم‌ترازخوانی، درخواست زمان بیشتر در موقعیت‌های پیش‌بینی‌نشده، سرعت در پاسخ به درخواست مجله
۲	رعایت محرمانگی	پرهیز از ایجاد ضرر یا بی‌اعتباری دیگران از طریق فاش کردن اطلاعات محرمانه درگیر نکردن دیگران در فرایند هم‌ترازخوانی بدون اجازه مجله اعلام اسامی افراد یاری‌گر در هم‌ترازخوانی فاش نکردن فرآیند و جزئیات هم‌ترازخوانی	نسخه‌برداری نکردن از پیشینه هم‌ترازخوانی، به اشتراک نگذاشتن اثر، استفاده نکردن از اطلاعات برای منفعت شخصی یا حرفه‌ای یا ضرر و بی‌اعتباری دیگران، ثبت نام افراد یاری‌گر، پنهان بودن نظرات و یادداشت‌ها، نظرخواهی از سردبیر برای درگیری تازه‌کاران
۳	نبود سوگیری	بی‌طرفی در رابطه با ملیت / اعتقادات مذهبی / سیاسی / جنسیتی / شخصیتی / همکاران نزدیک اطلاع دادن به مجله در صورت شناختن پدیدآوران در رویکرد دوسو پنهان	نقض بی‌طرفی، تعصب نظام‌مند (جنسیت، وابستگی سازمانی، ملیت، زبان، تخصص، اعتقادات مذهبی یا سیاسی)، اعلام برخورد منافع به مجله (هویت پدیدآور)
۴	توجه به برخورد منافع	افشای هرگونه برخورد منافع و اطلاع آن به مجله و کسب مشاوره یا مجوز از مجله پرهیز از استفاده از اطلاعات اثر برای منفعت شخصی یا دیگری نپذیرفتن هم‌ترازخوانی اثری که به اثر ارسالی یا آماده به ارسال داور شباهت اساسی دارد پرهیز از اینکه بدون انجام هم‌ترازخوانی، از یافته‌ها، نتایج یا موضوع اثر، اطلاعاتی کسب یا بهره‌برداری شود	شخصی، علمی، مالی، فکری، حرفه‌ای، سیاسی، مذهبی، رشته‌ای، جنسیتی و موقعیت جغرافیایی

ردیف	مؤلفه‌های اصلی	مؤلفه‌های فرعی	مصادقاتها
۵	توجه به بدرفتاری پژوهشی	توجه به بی‌نظمی و اخلال در اخلاق پژوهش یا نشر و اعلام آن به مجله اطمینان از بروز بدرفتاری پژوهشی و اعلام به سردبیر	داده‌سازی، جعل، سرقت علمی، دستکاری، پژوهش غیراخلاقی، گزارش‌دهی سوگیرانه، سوءاستفاده از نویسندگی، افزونگی یا تکرار انتشار و برخورد منافع
۶	بیان احترام‌آمیز و منصفانه	بازنویسی نکردن سبک نوشتاری اثر بر پایه سبک نوشتاری داور آگاهی نسبت به حساسیت‌های زبانی و رعایت آن‌ها بیان احترام‌آمیز و منصفانه در بازخورد و پرهیز از بیان نامناسب و اتهام‌زنی بیان نکردن دیدگاه‌های نامنصفانه/ انتقادهای غیرقابل اثبات	بیان خصومت‌آمیز و التهاب‌افزا، اظهارنظرهای شخصی (مخرب، منحرف)، اتهامات بی‌اساس، حساسیت زبانی، انتقادهای اثبات‌نشده ...
۷	پیشنهاد سازنده و عینی	بیان دیدگاه درباره کیفیت اثر و دقت نظر پدیدآوران ارائه بازخوردهای مفید و سازنده برای افزایش وضوح اثر پیشنهاد عینی برای بهبود تحلیل‌های بیشتر در اثر درخواست شواهد پشتیبان از پدیدآوران برای ادعاهای مطرح‌شده ارائه پیشنهادها بر پایه دلایل علمی و فنی معتبر	افزایش شور و شوق جهت اصلاح، عینی (بی‌طرف)، سازنده، واضح، دارای شواهد پشتیبان و بر اساس دلایل علمی و فنی
۸	مسئولیت‌پذیری و پاسخ‌گویی	درخواست نکردن از پدیدآوران برای استناد غیرضروری به اثر خود یا همکاران در صورت وجود هرگونه موضوعی جدید و یا ابهام، برای روشن شدن قضیه با مجله تماس گرفته شود هم‌ترازخوانی دور دوم آثار با همان جدیت دور اول هم‌ترازخوانی درک دامنه هم‌ترازخوانی (همه وظایف هم‌ترازخوانی) پیش از آغاز هم‌ترازخوانی آگاهی‌دادن به مجله در صورت نداشتن تخصص در هم‌ترازخوانی اثر	جدی‌نگرفتن مسئولیت هم‌ترازخوانی (نامناسب بودن وضعیت روحی، علاقه نداشتن به موضوع اثر یا پدیدآور)، اجازه از مجله برای درگیری فرد دیگر، درخواست استناد به اثر خود یا همکاران، درخواست غیرضروری برای اطلاعات اضافی

ردیف	مؤلفه‌های اصلی	مؤلفه‌های فرعی	مصادق‌ها
۸	مسئولیت‌پذیری و پاسخ‌گویی	نداشتن ارتباط مستقیم با پدیدآوران برای درخواست اطلاعات بیشتر درخواست نکردن اطلاعات غیرضروری از مجله یا پدیدآوران پرهیز از توسعه دامنه و حوزه اصلی فعالیت پژوهشی اثر توسط داور کسب اجازه از مجله نخست برای انتقال و واگذاری گزارش‌های هم‌ترازخوانی به دیگر مجله‌ها توجه به تغییر اثر در هم‌ترازخوانی‌های انتقالی با اجازه مجله نخست آگاهی‌دادن و کسب اجازه از مجله برای واگذاری هم‌ترازخوانی به تازه‌کاران و همکاران تنظیم گزارش توسط خود داور یا در غیر این صورت، اعلام آن به مجله تهیه گزارش بر پایه راهنمای هم‌ترازخوانی مجله ارائه شواهد پشتیبان برای هم‌ترازخوانی برای تغییر یا بهبود اثر	

با در نظر گرفتن آنچه که درباره مؤلفه‌های اخلاق هم‌ترازخوانی مطرح شد، می‌توان این مؤلفه‌های اخلاقی را همچون شبکه‌ای درهم‌تنیده از مؤلفه‌ها دانست که داور در موقعیت‌ها^۱ و شرایط^۲ و محیط‌های^۳ گوناگون هم‌ترازخوانی، با آن‌ها روبه‌رو می‌شود. بنابراین، لازم به نظر می‌رسد داور در این موقعیت‌ها به گونه‌ای عمل کند که با رعایت بایسته‌های اخلاقی، داوری مناسبی را انجام بدهد. شاید بتوان این شبکه درهم‌تنیده مؤلفه‌های اخلاقی هم‌ترازخوانی را به مثابه مکعب اخلاقی در نظر گرفت که در ادامه درباره آن توضیح داده می‌شود.

مکعب اخلاق هم‌ترازخوانی

تصمیم‌گیری داوران در موقعیت‌های گوناگون و دشوار و پیچیده اخلاقی به شرایط و

موقعیت‌های گوناگونی وابسته است. از این رو، بسیاری از انجمن‌ها و سازمان‌های فعال در حوزه اخلاق از جمله کمیته اخلاق نشر و انجمن پژوهشگران اینترنتی^۱ به جای کدهای رفتاری^۲ ساده که جنبه امرونهی دارند، به‌سوی تدوین رهنمودهای اخلاقی حرکت کرده‌اند از دیدگاه تفه‌الاسلامی (۱۳۹۷) انعطاف‌پذیر و پذیرای زمینه‌های گوناگون بوده و همواره با تغییر محیط‌ها همراه شود. به بیان دیگر، در این دست رهنمودها و به تبع آن پژوهش‌های انجام‌شده در این زمینه، تحلیل‌ها و تصمیم‌گیری‌های اخلاقی، فقط پیروی ساده‌انگارانه از مجموعه قواعد یا کدهایی اخلاقی نیست، بلکه این تحلیل‌ها و تصمیم‌گیری‌ها به زمینه‌ها^۳ و موقعیت‌های مختلف، متکثر و متنوع وابسته است. در حوزه اخلاق داوری نیز چنین به‌نظر می‌رسد که این رهنمودهای (به جای کدهای) اخلاقی به‌گونه‌ای تنظیم شده است که فرد، خود را در چهارچوب این رهنمودهای اخلاقی قرار داده و با توجه به شرایطی که در آن قرار دارد، به‌درستی در موقعیت‌های اخلاقی تصمیم‌گیری نماید. با این حال، آنچه در این فرآیند اهمیت دارد، ارائه تحلیلی مستدل و اتخاذ تصمیمی موجه برای دستیابی به تصمیمی اخلاقی است. این تأکید بر رویکرد فرآیندی، مسئولیت افراد را در انجام چنین تحلیل‌ها و تصمیم‌هایی درون زمینه‌ها و مبتنی بر موقعیت‌های ویژه برجسته می‌نماید. البته، در برخی از موقعیت‌های افراطی خاص ممکن است اجماع گسترده‌ای بر این موضوع وجود داشته باشد که چه فعالیت‌هایی خاص، اخلاقی یا غیراخلاقی است. با این حال باید یادآوری کرد که در عمده موقعیت‌های اجتماعی، طیف مسائلی اخلاقی که افراد درگیر آن می‌شوند در چنین موقعیت‌هایی، گوناگون‌تر است (همان).

البته باید اشاره کرد که در این بخش، بحث تعارض‌ها یا دوراهی‌هایی^۴ که برای تصمیم‌گیری میان دو هنجار اخلاقی اتفاق می‌افتند مدنظر قرار ندارد. در حالی که در موقعیت‌هایی پیوند میان مؤلفه‌های اخلاقی و نه الزاماً تعارض میان آن‌ها را در نظر می‌گیرد؛ در ادامه این موقعیت‌ها مطرح می‌شوند. با در نظر گرفتن نکته‌ای که اشاره شد می‌توان

موقعیت‌ها، شرایط، محیط‌ها و به‌طور کلی زمینه‌های گوناگونی برای مسائل اخلاقی از جمله اخلاق داوری در نظر گرفت. اینکه داوران در هر یک از این شرایط و موقعیت‌ها چه رفتاری را برمی‌گزینند بسیار چالش‌برانگیز و البته بحث‌برانگیز است. آنچه در ادامه می‌آید، تلاش برای ساده‌سازی^۱ و شبیه‌سازی^۲ موقعیت‌هایی است که در آن، داور در چهارچوب مؤلفه‌های اخلاقی داوری تصمیم‌گیری کرده یا با سایر مؤلفه‌های اخلاقی داوری روبه‌رو می‌شود. برای نمونه، از میان بی‌شمار موقعیتی که ممکن است داور با آن روبه‌رو شود، موقعیت زیر را تصور کنید:

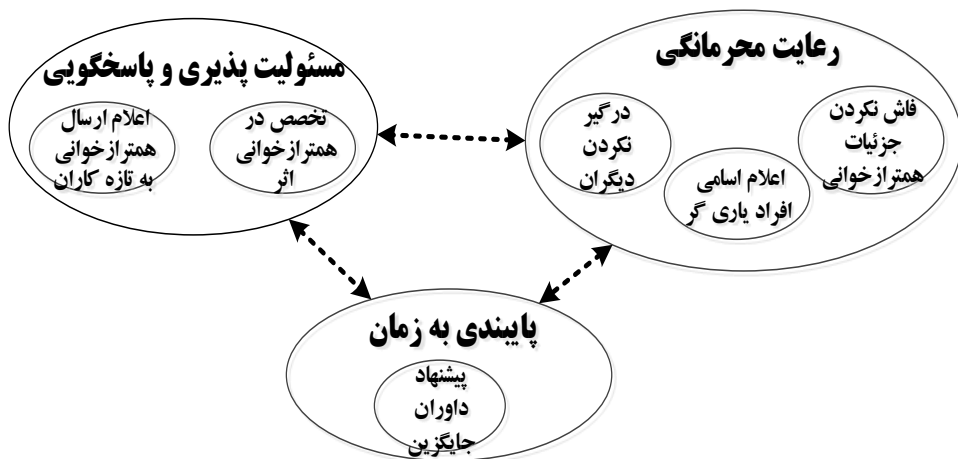
موقعیت فرضی نخست:

«داور متوجه می‌شود فرد دیگری از همکاران یا اطرافیانش به حوزه موضوعی اثر اشراف بیشتری دارد.»

در این موقعیت داور می‌تواند تصمیم بگیرد:

۱. از همکار خود راهنمایی بخواهد، ولی خودش هم‌ترازخوانی را انجام بدهد؛
۲. از همکار خود بخواهد هم‌ترازخوانی را انجام دهد، چون او را شایسته‌تر می‌داند؛
۳. با آن‌که می‌داند او شایسته‌تر است، همچنان خودش هم‌ترازخوانی را انجام می‌دهد؛
۴. و ...

در این موقعیت، داور برای تصمیم‌گیری از میان رعایت مؤلفه‌های هشت‌گانه اخلاق داوری که پیش‌تر اشاره شد، میان چند مؤلفه اصلی و فرعی قرار می‌گیرد. این تصمیم‌گیری تحت تأثیر این موقعیت قرار دارد (به نمودار ۸ بنگرید).



نمودار ۸. موقعیت فرضی نخست: پیوند میان مؤلفه‌های اصلی «مسئولیت‌پذیری و پاسخ‌گویی» و «رعایت محرمانگی» و «پایبندی به زمان».

همان‌گونه که در نمودار بالا می‌توان مشاهده کرد، در موقعیت فرضی اشاره‌شده میان سه مؤلفه اصلی «مسئولیت‌پذیری و پاسخ‌گویی»، «پایبندی به زمان» و «رعایت محرمانگی» در این موقعیت فرضی، پیوندی درونی وجود دارد و لازم است داور در این موقعیت به‌گونه‌ای عمل کند که هم مؤلفه محرمانگی را رعایت کند و هم به زمان پایبند بوده و در رابطه با هم‌ترازخوانی مسئولیت‌پذیر و پاسخ‌گو باشد. به نظر می‌رسد گزینه منطقی و ترجیحی این باشد که داور بدون اجازه مجله نباید هم‌ترازخوانی را به فرد دیگری بسپارد که به مؤلفه «فاش کردن فرایند و جزئیات هم‌ترازخوانی» مربوط می‌شود. از سوی دیگر، برای تسریع هم‌ترازخوانی می‌تواند «پیشنهاد داور جایگزین» کند و البته لازم است «نام افراد یاریگر» را نیز به مجله اعلام کند. از این رو، شبیه‌سازی فرایند تصمیم‌گیری اخلاقی در موقعیت اخلاقی فرضی نخست، بیشتر میان این سه مؤلفه اصلی و مؤلفه‌های فرعی دیگر حرکت دارد. برای موقعیت‌های فرضی دیگر نیز می‌توان نمونه‌هایی ارائه کرد. برای نمونه، موقعیت زیر را نیز تصور کنید:

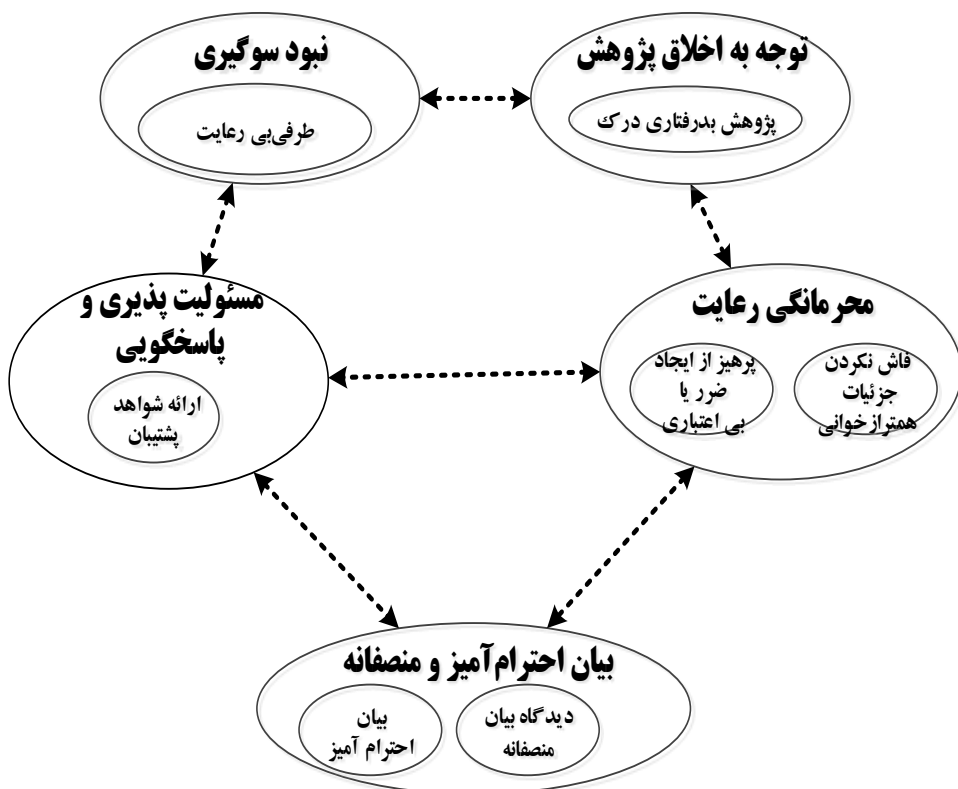
موقعیت فرضی دوم:

«داور متوجه می‌شود پدیدآوری، اخلاق پژوهش را نقض کرده و مرتکب یکی از مصادیق نقض اخلاق (همچون سرقت علمی) شده است.»

در این موقعیت داور می‌تواند:

۱. قضیه را به سردبیر یا مدیر اجرایی اطلاع بدهد؛
۲. قضیه را با جامعه علمی یا دوستانش مطرح کند و مصداق سرقت علمی را افشا کند؛
۳. پس از اعلام به سردبیر، با جامعه علمی یا دوستانش مطرح کند؛
۴. به هیچ‌کس درباره این موضوع مطلبی اعلام نکند؛
۵. و

در این موقعیت، داور برای تصمیم‌گیری از میان رعایت مؤلفه‌های هشت‌گانه اخلاق داوری، میان مؤلفه‌های اصلی «رعایت محرمانگی»، «بیان احترام‌آمیز و منصفانه»، «نبود سوگیری» و «مسئولیت‌پذیری و پاسخ‌گویی» و برخی از مؤلفه‌های فرعی آن قرار می‌گیرد (به نمودار ۹ بنگرید).



نمودار ۹. موقعیت فرضی دوم: پیوند میان مؤلفه‌های اصلی «توجه به اخلاق پژوهش»، «نبود سوگیری»، «رعایت محرمانگی»، «مسئولیت‌پذیری و پاسخ‌گویی» و «بیان احترام‌آمیز و منصفانه».

همان‌گونه که در نمودار بالا می‌توان مشاهده کرد (به نمودار ۹ بنگرید) میان این پنج مؤلفه اصلی «توجه به اخلاق پژوهش»، «نبود سوگیری»، «رعایت محرمانگی»، «مسئولیت‌پذیری و پاسخ‌گویی» و «بیان احترام‌آمیز و منصفانه» در این موقعیت فرضی، پیوندی درونی وجود دارد. لازم است داور در این موقعیت به‌گونه‌ای عمل کند که هم بتواند بدر رفتاری را شناسایی کند، محرمانگی را رعایت کند، بیان احترام‌آمیز و منصفانه‌ای داشته باشد و دست آخر، شواهد پشتیبان برای سرقت علمی ارائه کند. به‌نظر می‌رسد گزینه منطقی و ترجیحی این باشد که داور نخست باید بداند بدر رفتاری پژوهشی چیست و چه مصداق‌هایی دارد؛ سپس بتواند بدر رفتاری را تشخیص بدهد. بعد، در عین حال که بی‌طرف

بوده، لازم است به دنبال کشف حقیقت باشد. سپس به مؤلفه فاش نکردن فرایند و جزئیات هم‌ترازخوانی پایبند بوده و از ایجاد ضرر و بی‌اعتباری خودداری کند؛ همچنین شواهد پشتیبانی برای این بدرفتاری ارائه کند (همچون اثری که از آن سرقت علمی انجام شده). در پایان باید این موضوع را با بیانی منصفانه و احترام‌آمیز مطرح کند. سایر موقعیت‌های هم‌ترازخوانی نیز می‌تواند اتفاق بیافتد؛ برای نمونه، موقعیت سوم دربرگیرنده وضعیتی است در نوع داوری دوسو پنهان:

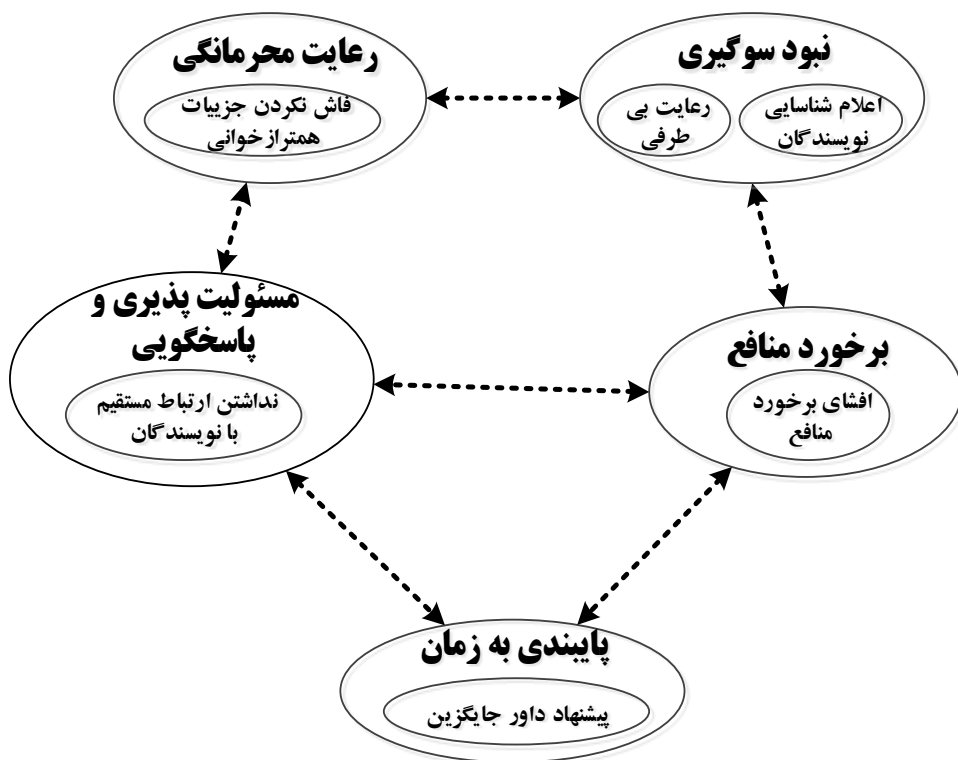
موقعیت سوم (در داوری دوسو پنهان):

«داور متوجه هویت صاحب اثر می‌شود.»

با درنظرگرفتن این نکته که مجله مد نظر از رویکرد دوسو پنهان برای هم‌ترازخوانی استفاده می‌کند، این موقعیت می‌تواند دربرگیرنده وضعیت‌های زیر برای داور باشد:

۱. به او (آن‌ها) اطلاع می‌دهد که هم‌ترازخوانی اثر را می‌پذیرد و انجام می‌دهد یا اطلاعات تکمیلی درخواست می‌کند؛
۲. به سردبیر یا مجله اعلام افشای برخورد یا تضاد منافع می‌کند و از هم‌ترازخوانی انصراف می‌دهد؛
۳. به سردبیر یا مجله اعلام افشای برخورد یا تضاد منافع می‌کند و منتظر پاسخ یا نتیجه سردبیر یا مجله می‌ماند؛
۴. و ...

در این موقعیت، داور برای تصمیم‌گیری از میان رعایت مؤلفه‌های هشت‌گانه اخلاق داوری، میان مؤلفه‌های اصلی «رعایت محرمانگی»، «برخورد منافع»، «مسئولیت‌پذیری و پاسخ‌گویی» و «پایبندی به زمان» و برخی از مؤلفه‌های فرعی آن قرار می‌گیرد (به نمودار ۱۰ بنگرید).



نمودار ۱۰. موقعیت فرضی سوم: پیوند میان مؤلفه‌های اصلی «نبود سوگیری»، «رعایت محرمانگی»، «برخورد منافع»، «مسئولیت‌پذیری و پاسخ‌گویی» و «پایبندی به زمان».

همان‌گونه که در نمودار بالا می‌توان مشاهده کرد (به نمودار ۱۰ بنگرید) میان این پنج مؤلفه اصلی «نبود سوگیری»، «رعایت محرمانگی»، «برخورد منافع»، «مسئولیت‌پذیری و پاسخ‌گویی» و «پایبندی به زمان» در این موقعیت فرضی، پیوندی درونی وجود دارد. لازم است داور در این موقعیت به‌گونه‌ای عمل کند که هم بتواند بی‌طرف بماند، هم محرمانگی را رعایت کند، هم برخورد منافع را افشا کند، هم مسئولیت‌پذیر باشد و اگر لازم باشد، هم ترازخوانی را از نظر پایبندی به زمان رعایت کند. گزینه منطقی و ترجیحی این است که داور نخست، باید شناسایی پدیدآوران را اعلام کند، محرمانگی داوری را نیز فاش نکند؛ بعد، در صورت ضرورت، برخورد منافع را افشا کند، با پدیدآور(ان) ارتباط برقرار نکند و در صورت نیاز، جایگزین معرفی کند.

اما موقعیت چهارم دربرگیرنده چنین وضعیتی است:

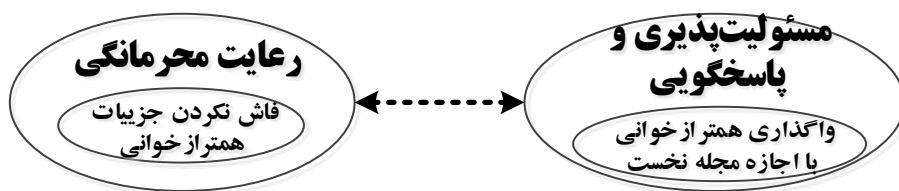
موقعیت فرضی چهارم:

«داور پیش‌تر هم‌ترازخوانی مقاله‌ای را برای مجله‌ای انجام داده و می‌خواهد همان مقاله را برای مجله دیگری نیز هم‌ترازخوانی کند.»

موقعیت‌ها می‌تواند دربرگیرنده این وضعیت‌ها برای داور باشد:

۱. بدون توجه به هم‌ترازخوانی پیشین، برای مجله دوم هم‌ترازخوانی انجام می‌دهد؛
۲. اگر تغییری جدی در اثر به وجود نیامده باشد، با اجازه سردبیر یا مجله نخست، نتایج هم‌ترازخوانی پیشین را به مجله دوم اعلام می‌کند؛
۳. اگر تغییری جدی در اثر به وجود آمده باشد، پس از دریافت اجازه سردبیر یا مجله نخست، دوباره هم‌ترازخوانی را انجام می‌دهد؛
۴. و ...

در این موقعیت، داور برای تصمیم‌گیری از میان رعایت مؤلفه‌های هشت‌گانه اخلاق داوری، میان مؤلفه‌های اصلی «مسئولیت‌پذیری و پاسخ‌گویی» و «رعایت محرمانگی» قرار می‌گیرد (به نمودار ۱۱ بنگرید).



نمودار ۱۱. موقعیت فرضی چهارم: پیوند میان مؤلفه‌های اصلی «مسئولیت‌پذیری و پاسخ‌گویی» و «رعایت محرمانگی».

همان‌گونه که در نمودار بالا می‌توان مشاهده کرد (به نمودار ۱۱ بنگرید) میان دو مؤلفه اصلی «مسئولیت‌پذیری و پاسخ‌گویی» و «رعایت محرمانگی» در این موقعیت فرضی، پیوندی

درونی وجود دارد. لازم است داور در این موقعیت به گونه‌ای عمل کند که هم گزارش یا نتایج هم‌ترازخوانی را با اجازه مجله نخست واگذار کرده و هم محرمانگی را رعایت کند. موقعیت‌های دیگری نیز می‌توان برای هم‌ترازخوانی در نظر گرفت؛ برای نمونه، در موقعیت فرضی پنجم:

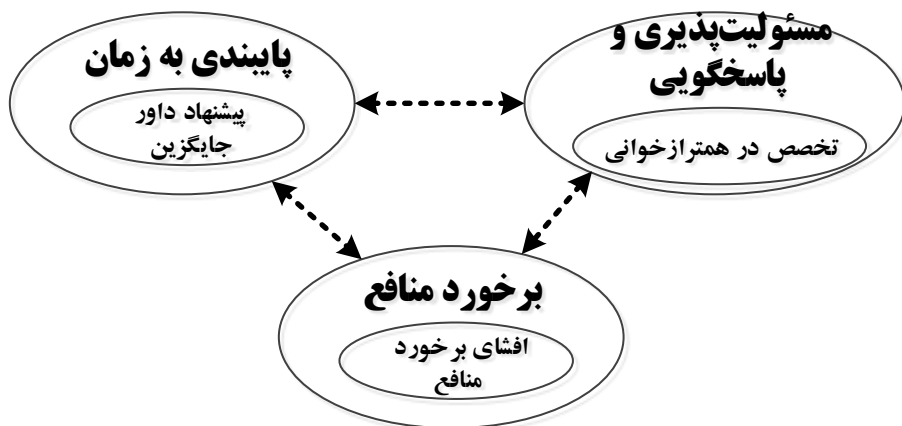
موقعیت فرضی پنجم:

«داور به حوزه موضوعی اثر اشراف ندارد و باید پاسخ بدهد که این هم‌ترازخوانی را انجام می‌دهد یا خیر.»

موقعیت‌ها می‌تواند دربرگیرنده این وضعیت‌ها برای داور باشد:

۱. به تصمیم سردبیر احترام می‌گذارد، هم‌ترازخوانی را پذیرفته و انجام می‌دهد؛
۲. به سردبیر یا مجله اعلام می‌کند و از پذیرش مقاله اجتناب می‌ورزد؛
۳. در صورتی که داور(ان) جایگزین برای حوزه موضوعی بشناسد به سردبیر یا مجله پیشنهاد می‌کند؛
۴. و ...

در این موقعیت، داور برای تصمیم‌گیری از میان رعایت مؤلفه‌های هشت‌گانه اخلاق داوری، میان مؤلفه‌های اصلی «مسئولیت‌پذیری و پاسخ‌گویی»، «پایبندی به زمان» و «برخورد منافع» قرار می‌گیرد (به نمودار ۱۲ بنگرید).



نمودار ۱۲. موقعیت فرضی پنجم: پیوند مؤلفه‌های اصلی «مسئولیت‌پذیری و پاسخ‌گویی»، «پایبندی به زمان» و «برخورد منافع».

همان‌گونه که در نمودار بالا می‌توان مشاهده کرد (به نمودار ۱۲ بنگرید) میان سه مؤلفه اصلی «مسئولیت‌پذیری و پاسخ‌گویی»، «پایبندی به زمان» و «برخورد منافع» در این موقعیت فرضی، پیوندی درونی وجود دارد. لازم است داور در این موقعیت به‌گونه‌ای عمل کند که هم تخصص در هم‌ترازخوانی داشته باشد و اگر شرایط فراهم بود، پیشنهاد داور جایگزین بدهد و هم برخورد منافع را افشا کند.

این پنج موقعیت فرضی را می‌توان به‌عنوان نمونه‌هایی اندک از تعداد بی‌شماری موقعیت فرضی دیگر در نظر داشت. تشریح این موقعیت‌ها به داوران یاری می‌کند تا در شرایط و موقعیت‌های فرضی اخلاقی بدانند در تصمیم‌گیری‌های اخلاقی خود با چه ابعاد و مسائلی روبه‌رو هستند. البته این را هم باید در نظر داشت که در هر یک از موقعیت‌های یادشده ممکن است و می‌توان مؤلفه‌های اصلی و فرعی دیگری را نیز در نظر داشت که در میان مؤلفه‌های اصلی و فرعی یادشده نیامده‌اند. این نزدیک به ذهن نگه‌داشتن موقعیت‌های اخلاقی در حوزه‌های موضوعی گوناگون و همچنین در حوزه اخلاق داوری سودمندی‌های زیادی در پی دارد. نخست اینکه به داور کمک می‌کند در موقعیت مشابه درک و دریافتی از موقعیت‌هایی ممکن در ذهن به‌وجود بیاورد. افزون بر این، باید در نظر داشت که موقعیت‌ها

و شرایط داوری گوناگون بوده یا تغییر می‌کنند و توجه به مسائل اخلاق پژوهش نیز می‌تواند تغییر کند. همچنین، تکامل و گسترش پیوسته فناوری‌ها و امکانات آن‌ها می‌تواند موقعیت‌های اخلاقی را دستخوش تغییر نماید؛ بنابراین، نیازمندی‌های اخلاقی در فرایندهای اخلاقی باید در زمینه‌ها و شرایطی ویژه و موقعیت‌های خاص و تحت تأثیر مناسبات و اقتضائات جهان‌های مجازی، واقعی و فنی در نظر گرفته شود (ثقه‌الاسلامی ۱۳۹۷).

جمع‌بندی فصل

با توجه به آنچه در این فصل به آن اشاره شد، هم‌ترازخوانی با در نظر گرفتن زیست‌بوم متنوع و متکثر مجله‌ها، سازمان‌ها و مؤسسه‌ها، اجتماع‌ها و بسترهای فرهنگی، اجتماعی و فناورانه گوناگون و دگرگون‌شده در شرایط ویژه‌ای قرار دارد؛ از این رو، مؤلفه‌های اخلاقی مرتبط با آن نیز با در نظر گرفتن چنین شرایط و موقعیت‌هایی لازم است مورد بازنگری و پایش مداوم و همیشگی قرار گیرد. از سوی دیگر، جایگاه سامانه‌ها و پلتفرم‌های داوری بر فرایند داوری کنونی، به ویژه مجله‌های علمی قابل چشم‌پوشی نیست و تأثیری که این پلتفرم‌ها بر زیست‌فکری و اخلاقی همه ذی‌نفعان به‌ویژه داوران و پدیدآوران دارند، انکارناشدنی است. با این حال، مؤلفه‌های اخلاق داوری که در چهارچوب رهنمودهای کوپ و در قالب رهنمودهای اخلاق هم‌ترازخوانی ارائه شده، دربرگیرنده طیف نسبتاً گسترده‌ای از مؤلفه‌های اصلی و فرعی اخلاقی است. البته لازم به نظر می‌رسد این طیف را در چهارچوب شرایط، موقعیت‌ها، محیط‌ها و زمینه‌ها و بافت‌های گوناگونی تصور کرد که تصمیم‌گیری داور در موقعیت‌های اخلاقی را با دشواری مواجه می‌سازد. آشنایی با آنچه که در این فصل با عنوان مکعب اخلاق داوری مطرح شد می‌تواند زمینه مناسبی برای تصمیم‌گیری داوران در موقعیت‌های دشوار اخلاقی فراهم سازد.

فصل چهارم

رهنمودها و بیانیه‌های اخلاقی هم‌ترازخوانی

مقدمه

هیچ مجموعه‌ای از قوانین سختگیرانه نمی‌تواند ظرافت شرایط اخلاقی به‌وجود آمده را پوشش بدهد (براکمن^۱ ۲۰۰۲). به بیان دیگر، نمی‌توان رهنمودها، کدها، قواعد یا اصولی اخلاقی تنظیم کرد که برای همه شرایط و موقعیت‌های ممکن یا موجود راه‌حلی پیش پای افراد گرفتار در موقعیت‌های اخلاقی قرار بدهد. کوپ رهنمودهایی تهیه و ارائه کرده است. این رهنمودها دربرگیرنده اصول اساسی و استانداردهایی هستند که همه هم‌ترازخوانان لازم است در طول فرایند هم‌ترازخوانی به آن پایبند باشند. کوپ این رهنمودها را کلی تنظیم کرده است؛ به‌گونه‌ای که در حوزه‌های موضوعی و رشته‌های متفاوت بتوان آن‌ها را به‌کار برد (کوپ ۲۰۱۷). آنچه در ادامه می‌آید، اشاره‌ای کلی به رهنمودها و بیانیه‌های اخلاق هم‌ترازخوانی است که با تأکید بر رهنمودهای اخلاقی کوپ تهیه و تنظیم شده است. افزون بر این، گزارش کوتاهی از توجه مجله‌های علمی ایران به رهنمودها و بیانیه‌های اخلاق هم‌ترازخوانی و نمونه‌ای از بیانیه اخلاق داوری تدوین شده برای پژوهش‌نامه پردازش و مدیریت اطلاعات در ادامه می‌آید.

رهنمودها و بیانیه‌های اخلاق هم‌ترازخوانی

ضروری به نظر می‌رسد که داوران به اصول و رهنمودهای اخلاقی هم‌ترازخوانی همچون زمان هم‌ترازخوانی، تهیه گزارش‌های هم‌ترازخوانی، سبک و زبان، حفظ محرمانگی و اصولی از این دست پایبند باشند. از این رو، برخی ملاحظه‌های اخلاقی در این میان پدید می‌آید که با عنوان ملاحظه‌های اخلاق هم‌ترازخوانی شناخته می‌شوند. پایبندی به این اصول و رهنمودهای اخلاقی کمک می‌کند مجله‌های علمی در جهت تعالی علمی و دوری از قضاوت‌های ذهنی و شخصی حرکت کنند. یکی از رویکردهای مهمی که مجله‌های علمی به آن توجه می‌کنند، تدوین و ارائه بیانیه^۱ یا مرام‌نامه‌های اخلاقی برای هم‌ترازخوانی مقاله‌ها در مجله‌هاست. ارائه رهنمودهای اخلاقی برای هم‌ترازخوانی در مجله‌های علمی، یکی از مهم‌ترین راهکارهای دستیابی به اخلاق هم‌ترازخوانی است که در میان مجله‌های معتبر جایگاه خود را پیدا کرده است. برای نمونه، انتشارات «وایلی» در بیانیه اخلاقی خود بر این باور است که انتشار اخلاقی مقاله‌ها به اجتماع علمی بهتر کمک می‌کند تا هر کسی مسئول اثری باشد که منتشر می‌کند.^۲ از سوی دیگر، برخی از پژوهشگران همچون بوزتی و توسکانو (۲۰۰۸) بر این باورند که همه مجله‌های علمی باید استاندارد یا قواعد مدونی از اخلاق هم‌ترازخوانی را بپذیرند تا به کار تمامی ذی‌نفعان فرایند هم‌ترازخوانی بیاید و نباید محدود به پدیدآوران باشد.

کوپ نقش هم‌ترازخوانان را در تضمین اصالت پیشینه علمی بسیار مهم می‌داند. کوپ همچنین بر این باور است که فرایند هم‌ترازخوانی تا اندازه زیادی به اعتماد و اراده مشارکت جامعه علمی بستگی دارد و نیازمند است همه افراد درگیر در آن، مسئولانه و اخلاقی رفتار کنند. از دیدگاه کوپ، هم‌ترازخوانان در فرایند هم‌ترازخوانی نقش حیاتی و اصلی ایفا می‌کنند؛ اما ممکن است در ایفای این نقش، راهنمایی نداشته باشند و از تعهدات اخلاقی

۱. در این متن برای عبارت Ethical statement هم از

بیانیه و هم مرام‌نامه استفاده می‌شود که هر دو، یکی در نظر گرفته شده‌اند.

2. <https://authorservices.wiley.com/Reviewers/journal-reviewers/how-to-perform-a-peer-review/general-and-ethical-guidelines.html>

هم‌ترازخوانی آگاه نشوند. از این رو، برای سهولت در ارائه هم‌ترازخوانی یک‌دست^۱ و عادلانه و به موقع، ضروری است ارتباط میان مجله‌ها و داوران شفاف باشد. از سوی دیگر، کوپ نمونه‌هایی مرتبط با مسائل هم‌ترازخوانی را از اعضای خود دریافت و بر پایه آن‌ها رهنمودهایی را تهیه کرده؛ بخشی از آن بر اساس تجربه و خرد جمعی شرکت‌کنندگان در مجمع کوپ گردآوری شده است. از دیگر بخش‌های مهمی که کوپ به آن تأکید دارد، ناسازگاری منافع،^۲ محرمانگی،^۳ سوگیری،^۴ انتقال‌پذیری^۵ هم‌ترازخوانی، ارائه بازخورد مناسب، توجه به سبک و زبان^۶ در هم‌ترازخوانی، پاسخ‌گویی به هم‌ترازخوانی، آماده‌سازی گزارش و پیشنهادهایی برای بهبود اثر است. نگاهی کلی و جامع به رهنمودهای ارائه‌شده کوپ نشان می‌دهد، این رهنمودهای اخلاقی برای انتشار اثر به شکلی مناسب‌تر، علمی‌تر و البته اخلاقی‌تر اهمیت بسیار زیادی دارند. همچنین، با تأکیدی که کوپ به پابندی مجله‌ها به ملاحظه‌های اخلاقی ارائه‌شده خود دارد، مجله‌های علمی را متعهد می‌پندارد خط‌مشی‌های شفافی برای هم‌ترازخوانی ارائه کنند و البته داوران را نیز متعهد می‌داند هم‌ترازخوانی‌ها را به شیوه‌ای اخلاقی و پاسخ‌گو انجام بدهند (کوپ، ۲۰۱۷).

بر پایه آنچه اشاره شد، ضروری به نظر می‌رسد مجله‌های علمی پژوهشی در کشور، در راستای افزایش کیفیت مقاله‌ها، در چهارچوب این رهنمودهای اخلاقی حرکت کنند. از سوی دیگر، به نظر می‌رسد لازم است نگاهی نظام‌مند و تحلیلی نسبت به رهنمودهای اخلاقی ارائه‌شده در مجله‌های علمی پژوهشی در میان پژوهش‌های علمی وجود داشته باشد؛ چرا که چشم‌انداز مجله‌های علمی پژوهشی داخلی نسبت به اهمیت و جایگاه اخلاق هم‌ترازخوانی تا حدودی سهل‌انگارانه به نظر می‌رسد. اگرچه در بسیاری از وبگاه‌های مجله‌های داخلی، مرام‌نامه‌های اخلاقی وجود دارند، نتایج برخی پژوهش‌های داخلی نشان می‌دهند برخی ملاحظات اخلاق هم‌ترازخوانی در مجله‌های داخلی رعایت نمی‌شود. برای نمونه ابویی اردکان و میرزایی (۱۳۸۹) طولانی‌بودن زمان هم‌ترازخوانی را مهم‌ترین مشکل مجله‌های

1. Integrate
2. Conflict of interests
3. Confidentiality

4. Bias
5. Transferability
6. Style & language

علمی ایران می‌دانند و علیدوستی و دیگران (۱۳۸۷) نیز بر طولانی بودن زمان هم‌ترازخوانی به عنوان یکی از مشکل‌های مدنظر سردبیران اشاره داشتند که در تعارض با برخی گزاره‌ها و رهنمودهای اخلاقی مطرح شده کوپ (۲۰۱۷) درباره هم‌ترازخوانی به موقع و در چهارچوب زمانی^۱ تعیین شده برای هم‌ترازخوانی است. همچنین، نتایج پژوهش رجبعلی بگلو و حاجی عزیزی و کریمی (۱۳۹۶) نشان داد سهم کمی از مجله‌های علمی پژوهشی به موضوع اخلاق هم‌ترازخوانی در مرام‌نامه اخلاقی و انتشاراتی خود توجه کرده‌اند. این قضیه از این جهت اهمیت دارد که نگاهی متمایز به اخلاق هم‌ترازخوانی در این انتشارات علمی می‌تواند زمینه‌ساز بهبود برون‌داد پژوهش‌های علمی باشد و باعث ارتقاء کیفی برون‌دادهای پژوهشی شود.

رهنمودهای اخلاقی کوپ برای هم‌ترازخوانان^۲

شورای کوپ

هم‌ترازخوانان در تضمین یکپارچگی پیشینه علمی نقش دارند. فرایند هم‌ترازخوانی تا اندازه زیادی به اعتماد و اراده مشارکت جامعه علمی بستگی دارد و نیازمند است همه افراد درگیر در آن، مسئولانه و اخلاقی رفتار کنند. هم‌ترازخوانان در فرایند هم‌ترازخوانی نقش حیاتی و اصلی ایفا می‌کنند؛ اما ممکن است در ایفای این نقش، راهنمایی نداشته باشند و از تعهدات اخلاقی هم‌ترازخوانی آگاه نشوند. مجله‌های علمی تعهد دارند خط‌مشی‌های شفاف برای هم‌ترازخوانی ارائه کنند و داوران تعهد دارند هم‌ترازخوانی‌ها را به شیوه‌ای اخلاقی و پاسخ‌گو انجام بدهند. برای سهولت در ارائه هم‌ترازخوانی یک‌دست و عادلانه و به موقع، ضروری است ارتباط میان مجله‌ها و داوران شفاف باشد. کوپ نمونه‌هایی مرتبط با مسائل هم‌ترازخوانی را از اعضای خود دریافت و بر پایه آن‌ها این راهنماها را ایجاد کرده است؛ بخشی از آن هم بر اساس تجربه و خرد جمعی شرکت‌کنندگان در «مجمع کوپ» گردآوری

1. Time-frame

2. <https://publicationethics.org/resources/guidelines-new/cope-ethical-guidelines-peer-reviewers>

شده است. امید است این راهنماها، برای پژوهشگران رهنمودهای مفیدی فراهم کنند، مرجعی برای سردبیران و ناشران و راهنمایی برای داوران باشند و به‌عنوان منبعی آموزشی برای مؤسسه‌ها در آموزش دانشجویان و پژوهشگران عمل کنند.

هم‌ترازخوانی در این راهنما، به هم‌ترازخوانی‌های انجام‌شده بر مقاله‌های ارسالی به مجله‌ها اشاره دارد؛ اما می‌تواند برای هم‌ترازخوانی‌های پلتفرم‌های دیگری به جز مجله‌ها و برای یادداشت‌های عمومی^۱ پیش یا پس از انتشار نیز به‌کار آید. داورهای دیگر منابع، از جمله پیش‌چاپ‌ها، کمک‌هزینه‌ها، کتاب‌ها، مجموعه مقاله‌های کنفرانس، گزارش‌های ثبت‌شده (پروتکل‌های از پیش ثبت‌شده) یا داده‌ها، چهارچوب اخلاقی مشابهی دارند؛ اما فرایند آن، بسته به نوع منبع و نوع هم‌ترازخوانی درخواستی، متفاوت خواهد بود. مدل هم‌ترازخوانی بر عناصر فرایند هم‌ترازخوانی تأثیر می‌گذارد.

مدل‌های هم‌ترازخوانی

گونه‌ها و مدل‌های متفاوت و متعددی از هم‌ترازخوانی وجود دارد که همه آن‌ها مزیت‌ها و معایب بی‌شماری دارند. سند کوپ را درباره «چه کسی «مالک» هم‌ترازخوانی است؟»^۲ (عنوان بخشی از مدل‌های هم‌ترازخوانی) برای توضیح مدل‌های مختلف هم‌ترازخوانی ببینید. ضروری است از مدل هم‌ترازخوانی که مجله یا پلتفرم استفاده می‌کند، آگاه باشید؛ پیش از اینکه متعهد هم‌ترازخوانی شوید. جدول زیر که با اجازه QUT از استرالیا بازتولید شده است، عناصر کلیدی مدل‌های گوناگون مرتبط با فرایندهای هم‌ترازخوانی را معرفی می‌کند. داوران باید از مسئولیت‌های مربوط به محرمانه‌بودن فرایندها و مالکیت هم‌ترازخوانی اثر بر اساس مدل هم‌ترازخوانی به‌کار رفته، آگاه باشند (به جدول ۱ همین کتاب بنگرید).

داوربودن

مسئولیت حرفه‌ای: پدیدآورانی که از فرایند هم‌ترازخوانی بهره‌مند شده‌اند باید

1. Public commenting

2. https://publicationethics.org/files/u7140/Who_Owns_Peer_Reviews_Discussion_Document_Web.pdf

هم‌ترازخوان‌شدن را به‌عنوان بخشی از مسئولیت‌های حرفه‌ای خود در نظر بگیرند. برخی از مجله‌ها به فرایندی رسمی برای انتصاب هیئت داوران و برخی از آن‌ها به تخصص خاصی نیاز دارند. هر کسی که به انجام هم‌ترازخوانی علاقه‌مند است، باید به دنبال راهنمای هم‌ترازخوانی مجله باشد و از همه الزام‌های منتشرشده پیروی کند. برای تعیین داوران مناسب، سردبیران باید داوران را به‌گونه‌ای انتخاب کنند که محتوای اثر با حوزه موضوعی داوران مطابقت داشته باشد تا بهترین هم‌ترازخوانی ممکن به‌دست آید. داوران بالقوه باید اطلاعات شخصی و حرفه‌ای خود را که بازنمون دقیق و عادلانه تخصص و دربرگیرنده اطلاعات دقیق تماس آن‌هاست به مجله ارائه کنند. ضروری است تأکید شود معرفی شخص دیگری در فرایند هم‌ترازخوانی به‌عنوان سوءرفتار جدی تلقی می‌شود (برای نمونه، مورد کوپ ۱۲-۱۲: هم‌ترازخوانی توافقی در مقاله‌های منتشرشده). هنگامی که به هم‌ترازخوانی می‌پردازید، زمانی با هم‌ترازخوانی موافقت کنید که تخصص لازم را برای ارزیابی اثر دارید و در ارزیابی خود بدون سوگیری هستید. بهتر است وقتی برای هم‌ترازخوانی انتخاب شدید هرگونه خلأ در تخصص خود را به‌وضوح مشخص کنید.

داوربودن (ادامه)

ناسازگاری منافع: اطمینان حاصل کنید که وجود هرگونه رویارویی یا ناسازگاری منافع را اعلام کرده‌اید. اگر از رویارویی بالقوه منفعی که ممکن است از هم‌ترازخوانی شما جلوگیری کند، مطمئن نیستید، آن را اعلام کنید. ممکن است ناسازگاری منافع در اصل امری شخصی، مالی، فکری، حرفه‌ای، سیاسی یا مذهبی باشد. اگر در زمان هم‌ترازخوانی، در همان مؤسسه مشغول به کار هستید یا یکی از پدیدآوران به‌شمار می‌روید یا به‌تازگی (به‌عنوان نمونه، در طی ۳ سال گذشته) مشاور، تحت مشاوره، همکار نزدیک یا از بهره‌گیران مشترک پژوهانه هستید، نباید با انجام هم‌ترازخوانی موافقت کنید. افزون بر این، نباید اثری را برای هم‌ترازخوانی بپذیرید که قصد هم‌ترازخوانی آن را ندارید و فقط برای به‌دست آوردن چشم‌اندازی از آن موضوع هم‌ترازخوانی را بپذیرفتید یا وقتی که اثر بسیار شبیه به اثری باشد که در حال آماده‌سازی دارید یا توسط مجله دیگری در حال بررسی است.

پایبندی به زمان: حتی اگر نمی‌توانید هم‌ترازخوانی را انجام بدهید، مجاز هستید دعوت هم‌ترازخوانی را در دوره زمانی معقولی پاسخ بدهید. اگر احساس می‌کنید واجد شرایط برای هم‌ترازخوانی اثر هستید، شما باید موافقت برای هم‌ترازخوانی را تنها زمانی اعلام کنید که می‌توانید هم‌ترازخوانی را در چهارچوب زمانی پیشنهادی یا ازپیش‌پذیرفته‌شده انجام بدهید. اگر شرایطتان تغییر کرد و نتوانستید موافقت اولیه خود را برای هم‌ترازخوانی اعلام کنید یا اینکه به افزایش زمان هم‌ترازخوانی نیازمندید، این قضیه را خیلی زود به مجله اطلاع بدهید. اگر نمی‌توانید هم‌ترازخوانی کنید، سودمند است داوران جایگزین پیشنهاد دهید و این پیشنهاد باید بر پایه تخصص آن‌ها و بدون دخالت دادن ملاحظه‌های شخصی یا هر نیت دیگری باشد که ممکن است اثر مثبت یا منفی در نتیجه کار داشته باشد.

انجام هم‌ترازخوانی

مراحل اولیه: نسخه‌ای از اثر، داده‌های تکمیلی و منابع کمکی (برای نمونه، راهنماهای هم‌ترازخوانی، اصول اخلاقی و بیانیه‌های خط‌مشی) را به‌طور کامل بخوانید، اگر مواردی واضح نیست به مجله اعلام کنید و هرگونه کاستی را از مجله بخواهید. با پدیدآوران به‌طور مستقیم و بدون اجازه مجله تماس نداشته باشید. اهمیت دارد که پیش از آغاز هم‌ترازخوانی، از دامنه هم‌ترازخوانی آگاه شوید (به‌عنوان نمونه، هم‌ترازخوانی داده‌های خام انتظار می‌رود؟).

محرمانگی: لازم است محرمانگی فرایند هم‌ترازخوانی احترام بگذارید و از اطلاعات به‌دست‌آمده در طی فرایند هم‌ترازخوانی برای منفعت شخصی یا منفعت، ضرر یا بی‌اعتبارشدن دیگران استفاده نکنید (برای نمونه، مورد ۰۶-۱۴ کوپ را ببینید: امکان نقض محرمانگی داور). بدون اینکه ابتدا مجوز مجله را دریافت کنید فرد دیگری را (از جمله پژوهشگران تازه‌کاری که آن‌ها را راهنمایی می‌کنید) در هم‌ترازخوانی اثر درگیر نکنید (برای نمونه، مورد ۲۹-۱۱ کوپ را ببینید: داور از کارآموز می‌خواهد اثری را هم‌ترازخوانی کند). نام همه افرادی را که در داوری یاری‌تان کرده‌اند، ذکر کنید؛ به‌گونه‌ای که داوری آن‌ها در پیشینه داوری مجله ثبت شود و تلاش‌های آن‌ها به رسمیت شناخته شوند.

سوگیری و ناسازگاری منافع: ضروری است در ملاحظه‌های مرتبط به ملیت، اعتقادات مذهبی یا سیاسی، جنسیت یا دیگر ویژگی‌های شخصیتی پدیدآور که از اثر یا ملاحظه‌های تجاری آن نشئت می‌گیرند، بی‌طرف باقی بمانید. اگر ناسازگاری منفعی را کشف کردید که ممکن است باعث شود از هم‌ترازخوانی عادلانه و بدون سوگیری جلوگیری کند، به مجله اطلاع بدهید و مشاوره بگیرید (برای نمونه، مورد ۱۵-۰۵ کوپ را ببینید: درخواست‌های داور برای اضافه‌شدن به عنوان پدیدآور پس از انتشار اثر). در مواقعی که درخواست برای هم‌ترازخوانی لغو شود، هنگامی که منتظر پاسخ هستید، از بررسی اثر و منابع همراه با آن خودداری کنید. در حالت‌های مشابه، اگر متوجه شدید که تخصص لازم برای ارزیابی جنبه‌های مرتبط با اثر را ندارید به گونه‌ای که باعث دیرکرد در هم‌ترازخوانی نشود، به مجله اطلاع بدهید. در هم‌ترازخوانی‌های دوسو پنهان، اگر به هویت پدیدآور(ها) مشکوک شدید و اگر این شناخت به صورت بالقوه ممکن است باعث ناسازگاری منافع شود به مجله اطلاع دهید.

انجام هم‌ترازخوانی (ادامه)

تردید در نقض اخلاق: اگر با هر نوع بی‌نظمی در ارتباط با احترام به اخلاق پژوهش یا نشر روبه‌رو شدید، مجله را از این قضیه آگاه کنید (برای نمونه، مورد ۱۱-۰۲ کوپ: تماس با کمیته‌های اخلاق پژوهش در رابطه با نگرانی پژوهش‌ها). برای نمونه، ممکن است درباره سوءرفتاری که هنگام پژوهش یا نگارش و ارسال اثر رخ داده است، نگران باشید یا متوجه وجود شباهت زیادی میان اثر ارسالی به مجله‌ای دیگر یا مقاله منتشرشده دیگر شده باشید. در این مسائل یا هر نگرانی اخلاقی دیگر، به‌طور مستقیم با سردبیر تماس بگیرید و سعی نکنید بدون اطلاع، خودتان این قضیه را بررسی کنید. مقتضی است به صورت محرمانه با مجله همکاری کنید، اما شخصاً بررسی بیشتری انجام ندهید؛ مگر اینکه مجله درخواست اطلاعات و مشاوره اضافی از شما داشته باشد.

انتقال‌پذیری هم‌ترازخوانی: ناشران ممکن است خط‌مشی‌هایی در ارتباط با انتقال هم‌ترازخوانی به دیگر مجله‌ها به عنوان نمونه کاری ناشران داشته باشند (گاهی اوقات به عنوان

هم‌ترازخوانی انتقال‌پذیر یا آبشاری). در صورتی‌که خط‌مشی مجله ایجاب کند، ممکن است از داوران خواسته شود که اجازه انتقال هم‌ترازخوانی آن‌ها را بدهند. اگر اثر در مجله‌ای رد شده باشد و برای مجله دیگری ارسال شده باشد و از شما درخواست شود که همان مقاله را هم‌ترازخوانی کنید، باید برای هم‌ترازخوانی دوباره آن آماده باشید؛ چرا که ممکن است اثر میان ارسال به دو مجله تغییر کرده باشد و معیارهای ارزیابی و پذیرش این دو مجله نسبت به هم متفاوت باشند. برای اینکه شفافیت و کارآمدی حاصل شود، ممکن است لازم شود هم‌ترازخوانی نهایی نیز برای مجله جدید (با اجازه مجله پیشین) فراهم شود، با توضیح اینکه شما پیشتر اثر را هم‌ترازخوانی کرده‌اید و تغییری در این اثر به وجود نیامده است (بحث شماره ۲ را با پیت بینفیلد و الیزابت مویلان^۱ ببینید که بر بعضی از نکته‌های حاشیه‌ای در ارتباط با هم‌ترازخوانی انتقال‌پذیر تأکید دارد)^۲.

آماده‌سازی گزارش

قالب: راهنماهای مجله‌ها را برای نگارش و ارسال هم‌ترازخوانی اجرا کنید. اگر به قالبی خاص یا ارقام نمره‌دهی نیاز است، از ابزارهای ارائه‌شده از سوی مجله استفاده کنید. در هم‌ترازخوانی خود عینی (بی‌طرف) و سازنده باشید و بازخوردی به پدیدآوران ارائه کنید که به آن‌ها کمک می‌کند اثر را بهبود بخشند. برای نمونه، در نقد خود مشخص عمل کنید و شواهد پشتیبان همراه با ارجاع‌های مقتضی برای اثبات بیانیه‌های کلی خود ارائه کنید تا به سردبیران در ارزیابی اثر یاری برساند. حرفه‌ای باشید و از بیان هم‌ترازخوانی خصومت‌آمیز یا التهاب‌افزا خودداری کنید. از یادداشت‌ها و اظهارنظرهای شخصی، مخرب و منحرف یا بیان اتهامات بی‌اساس اجتناب کنید (برای نمونه، مورد ۱۳-۸ کوپ: سخنان شخصی در میان مجمع ادبیات پس از انتشار).

بازخورد مناسب: در نظر داشته باشید که سردبیر به ارزیابی عادلانه، صادقانه و بی‌طرف نقاط قوت و ضعف اثر نیازمند است. اکثر مجله‌ها به داوران اجازه می‌دهند یادداشت‌ها و نظرهای

1. Pete Binfield & Elizabeth Moylan

2. <https://www.youtube.com/watch?v=SIOYO4Kau8I>

محرمانه خود را به سردبیر بدهند، همچنان که پدیدآوران نیز می‌توانند این نظر را بخوانند. همچنین ممکن است مجله پیشنهادهایی برای پذیرش یا اصلاح یا رد اثر از داوران درخواست کند؛ هرگونه پیشنهادی باید با نظرهای ارائه‌شده در هم‌ترازخوانی هماهنگ باشد. اگر کل اثر را هم‌ترازخوانی نکردید، نشان بدهید کدام جنبه‌های اثر را ارزیابی کرده‌اید. اطمینان حاصل کنید که نظرها و پیشنهادهای شما برای سردبیر با گزارش شما برای پدیدآوران مطابقت داشته باشد. بیشتر بازخوردها باید در گزارش ارائه شود که پدیدآوران آن‌ها را ببینند. یادداشت‌های محرمانه به سردبیر نباید باعث بدنامی یا اتهام نادرست به پدیدآوران شود. اطمینان پیدا کنید پدیدآوران یادداشت‌ها و نظرهای شما را نمی‌بینند.

آماده‌سازی گزارش (ادامه)

زبان و سبک: به یاد داشته باشید که اثر، مقاله پدیدآوران است؛ بنابراین، اگر در اصل درست و روشن بود، سعی نکنید آن را به سبکی که خودتان ترجیح می‌دهید بازنویسی کنید؛ هرچند، پیشنهادهایی که برای انجام تغییر در جهت وضوح بیشتر ارائه می‌شوند بسیار مهم هستند. افزون بر این، از حساسیت‌های زبانی آگاه باشید؛ به‌خصوص مسائل زبانی پدیدآورانی که زبان مقاله، زبان اصلی آن‌ها نیست. جمله‌های بازخورد را متناسب و با احترام بیان کنید.

پیشنهادهایی برای تلاش بیشتر: وظیفه هم‌ترازخوانان است که درباره کیفیت و دقت اثری که دریافت می‌کنند نظر بدهند. اگر اثر به دلیل نبود تحلیل، روشن و واضح نیست، داور باید توضیح دهد که اثر ارسالی با چه تحلیلی بیشتر واضح می‌شود. وظیفه داور این نیست که کار را فراتر از دامنه فعلی خود گسترش دهد. به‌صراحت اعلام کنید که (در صورت لزوم) پژوهش‌های بیشتری برای پشتیبانی از ادعاهای مطرح‌شده در اثر باید مدنظر قرار گیرد و باعث تقویت یا گسترش اثر می‌شود.

پاسخ‌گویی: گزارش را خودتان آماده کنید؛ مگر اینکه از مجله اجازه داشته باشید فرد دیگری را درگیر هم‌ترازخوانی کنید. از بیان دیدگاه‌های منفی ناعادلانه یا انتقادهای اثبات‌ناپذیر درباره کارهای هر یک از رقبا که در اثر ذکر شده است، خودداری کنید. از ارائه پیشنهادهایی

اجتناب کنید که از پدیدآوران می‌خواهد به اثر شما یا همکاری صرفاً به دلیل افزایش تعداد ارجاع‌ها یا ارتقاء رؤیت‌پذیری شما یا همکاران استناد بدهند؛ پیشنهادها باید بر اساس دلایل علمی یا فنی معتبر باشند. عمداً فرایند بازنگری را طولانی نکنید یا در ارسال هم‌ترازخوانی خود دیرکرد نداشته باشید یا برای اطلاعات اضافی از مجله یا پدیدآور درخواست غیرضروری نکنید.

اگر سردبیر هستید و می‌خواهید هم‌ترازخوانی اثری را انجام بدهید (شاید اگر دیگر داوران نتوانند گزارشی ارسال کنند) این کار را در پوشش داور ناشناس دیگر و به صورت شفاف انجام بدهید.

آنچه پس از هم‌ترازی باید در نظر گرفت

در صورت امکان، سعی کنید درخواست‌های مجله‌ها را برای تجدیدنظر یا ارسال دوباره به شکلی جدی بررسی کنید. اگر از سوی مجله‌ای درباره موضوع‌های مربوط به هم‌ترازخوانی شما و ارائه اطلاعات لازم تماس گرفته شد، با سرعت پاسخ دهید. به همین ترتیب، اگر بعد از اینکه هم‌ترازخوانی خود را ارائه کردید، موضوعی روشن شد که ممکن است بر بازخورد و پیشنهادهاى اولیه تان تأثیر بگذارد، به مجله اطلاع بدهید. همچنان به محرمانگی فرایند هم‌ترازخوانی احترام بگذارید و جزئیات هم‌ترازخوانی اثری را آشکار نکنید؛ مگر اینکه از پدیدآور و مجله مجوز داشته باشید (برای نمونه، مورد ۱۳-۰۵ کوپ را ببینید: انتشار آنلاین پیش‌نویس مجرمانه توسط هم‌ترازخوان). سند بحث کوپ درباره «چه کسی «مالک» هم‌ترازخوانی است؟» برای بحث کامل درباره مسائل ببینید.

آموزش هم‌ترازخوانی و راهنمایی

از فرصت‌هایی که برای برنامه‌های راهنمایی یا آموزش در جهت بهبود مهارت‌های هم‌ترازخوانی ایجاد شده استفاده کنید. پیشنهاد می‌شود مشاوران به پژوهشگران تازه‌کار، فرایند هم‌ترازخوانی را یاد بدهند. استاد راهنماهایی که می‌خواهند دانشجویان و پژوهشگران تازه‌کار

خود را در هم‌ترازخوانی درگیر کنند، برای ارسال هم‌ترازخوانی به این دست افراد، باید به سردبیر درخواست بدهند و منتظر نظر او باشند. در مواقعی که دانشجو، هم‌ترازخوانی را زیر نظر استاد راهنما انجام می‌دهد، باید به این موضوع اشاره و دانشجو به‌عنوان داور معرفی شود. ممکن است خواندن هم‌ترازخوانی‌های سایر داوران مفید باشد، البته اگر این امکان از سوی مجله فراهم شده باشد تا فرد، موضوع و دلیل تصمیم سردبیر را بیشتر درک کند. نهاد «سینس اباوت ساینس»^۱ می‌تواند راهنمای مفیدی برای هم‌ترازخوانی پژوهشگران تازه‌کار دربر داشته باشد.^۲ همچنین، دوره‌های آموزشی برای افرادی که هم‌ترازخوانی را تازه آغاز کرده‌اند، وجود دارد؛ برای نمونه، پابلونز دوره آموزشی آنلاین و رایگان فراهم کرده است.^۳

مشارکت پدیدآوران

تارا هُک،^۴ ترور لین،^۵ چارون پیرسون^۶ و الیزابت مویلان^۷ راهنمای ۲۰۱۳ را بازنگری کردند که در اصل آیرن هیمز از طرف شورای کوپ مفهوم‌سازی کرده و نوشته بود. همه پدیدآوران به ترتیب الفبایی فهرست شده‌اند. مشارکت‌ها در این پروژه به‌شرح زیر آمده است:

- ✧ نسخه ۲۰۱۳: مفهوم‌سازی و نگارش - آیرن هیمز؛
- ✧ نسخه ۲۰۱۷: مفهوم‌سازی: الیزابت مویلان و چارون پیرسون؛ آماده‌سازی پیش‌نویس اصلی: الیزابت مویلان و چارون پیرسون؛ نگارش - بازنگری و ویرایش: تارا هُک، ترور لین، الیزابت مویلان و چارون پیرسون؛ نظارت: چارون پیرسون؛ بصری‌سازی: الیزابت مویلان و چارون پیرسون.

1. Sense About Science
2. <http://senseaboutscience.org/activities/peer-review-the-nuts-and-bolts/>
3. <https://publons.com/community/academy/>

4. Tara Hoke
5. Trevor Lane
6. Charon Pierson
7. Elizabeth Moylan

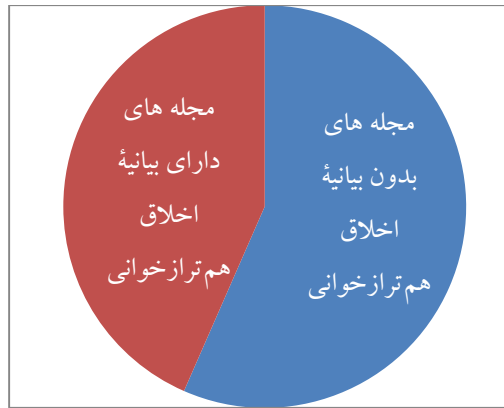
توجه مجله‌های علمی در ایران به اخلاق هم‌ترازخوانی؛ گزارشی کوتاه^۱

از آنجا که لازم است مجله‌های علمی در راستای افزایش کیفیت مقاله‌های منتشرشده در چهارچوب رهنمودهای اخلاقی حرکت کنند؛ به نظر می‌رسد باید نگاهی نظام‌مند و کلی به رهنمودهای اخلاقی ارائه‌شده در مجله‌های علمی پژوهشی و در میان پژوهش‌های علمی داشته باشیم. به نظر می‌رسد چشم‌انداز مجله‌های علمی در ایران به اهمیت و جایگاه اخلاق هم‌ترازخوانی تا حدودی سهل‌انگارانه است. اگرچه در بسیاری از وبگاه‌های مجله‌های داخلی، مرام‌نامه‌های اخلاقی وجود دارد، نتایج برخی پژوهش‌های داخلی نشان می‌دهند برخی ملاحظات اخلاق هم‌ترازخوانی در مجله‌های داخلی رعایت نمی‌شود. برای نمونه، ابویی اردکان و میرزایی (۱۳۸۹) طولانی‌بودن زمان هم‌ترازخوانی را مهم‌ترین مشکل مجله‌های علمی ایران می‌دانند و علیدوستی و دیگران (۱۳۸۷) نیز بر طولانی‌بودن زمان هم‌ترازخوانی به‌عنوان یکی از مشکل‌های سردبیران اشاره داشتند. طولانی‌بودن زمان هم‌ترازخوانی با برخی گزاره‌ها و رهنمودهای اخلاقی مطرح‌شده کوپ (۲۰۱۷) درباره هم‌ترازخوانی به‌موقع و در چهارچوب زمانی^۲ تعیین‌شده برای هم‌ترازخوانی در تعارض است. همچنین، نتایج پژوهش رجبعلی بگلو و همکارانش (۱۳۹۸) نشان داد، سهم کمی از مجله‌های علمی پژوهشی به موضوع اخلاق هم‌ترازخوانی در مرام‌نامه اخلاقی و انتشاراتی خود توجه کرده‌اند. یافته‌های پژوهش آن‌ها نشان داد، از تعداد ۲۹۷ مجله نمونه از میان ۱۲۹۶ مجله علمی در سامانه رتبه‌بندی نشریات وزارت علوم، تحقیقات و فناوری (عتف)، کمتر از نیمی از مجله‌ها (۱۲۹ مجله) بیانیه اخلاق هم‌ترازخوانی داشتند یا به رهنمودهای اخلاقی داوری ارجاع داده‌اند (به نمودار ۱۳ بنگرید).

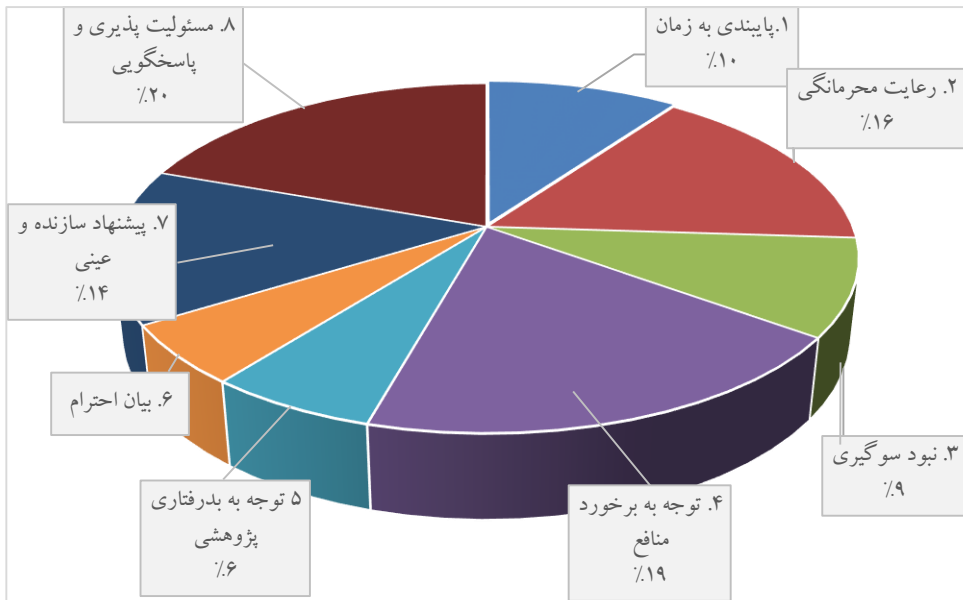
۱. داده‌های این بخش از کتاب، برگرفته و خلاصه‌شده

از پژوهش رجبعلی بگلو و همکارانش (۱۳۹۸) است.

2. Time-frame

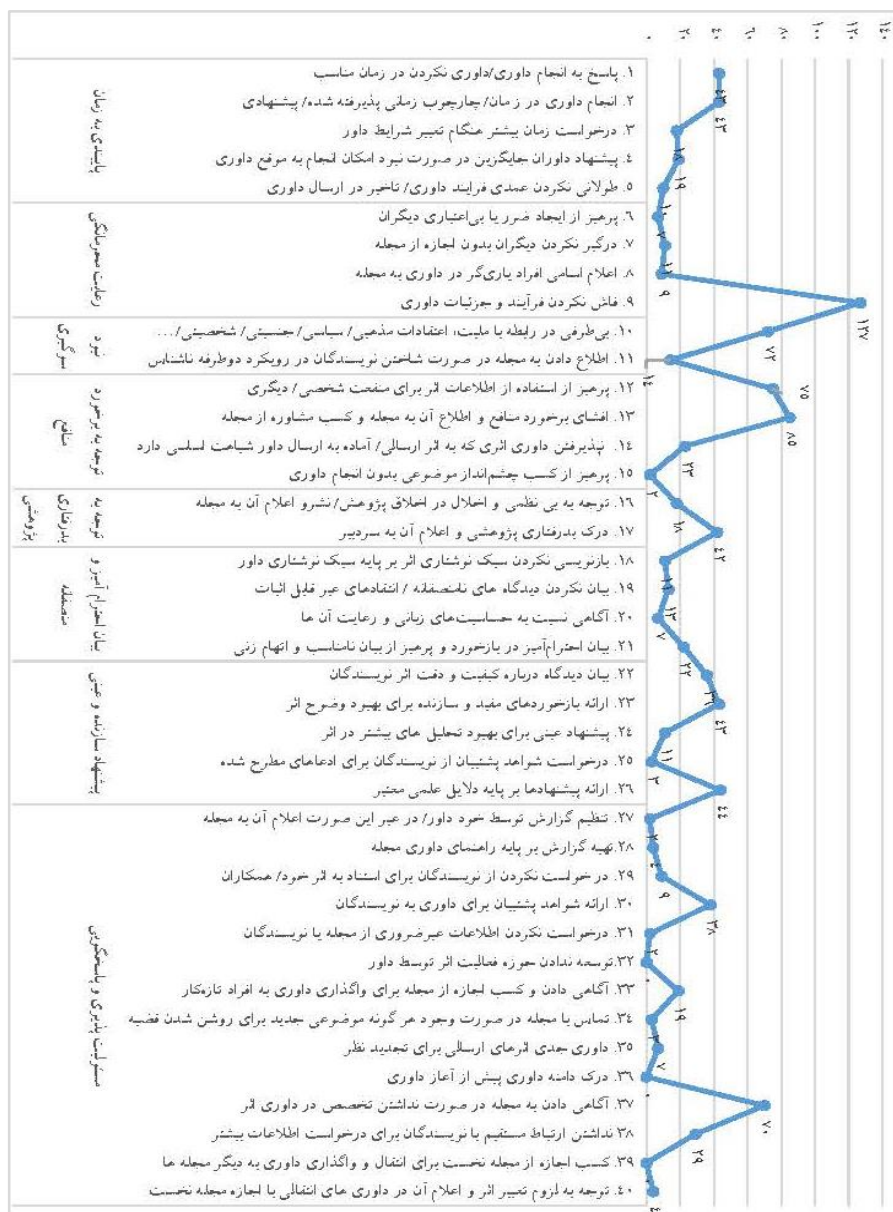


نمودار ۱۳. سهم مجله‌های علمی «وزارت عتف» از نظر داشتن بیانیه اخلاق هم‌ترازخوانی. همچنین یافته‌های پژوهش آن‌ها نشان داد بیشترین میزان توجه مجله‌های وزارت عتف به مؤلفه اخلاق هم‌ترازخوانی به مسئولیت‌پذیری و پاسخ‌گویی و توجه به برخورد معطوف شده بود. این در حالی است که بیان احترام‌آمیز و منصفانه و توجه به بدرفتاری پژوهشی کمترین میزان توجه را به خود اختصاص می‌دادند (به نمودار ۱۴ بنگرید).



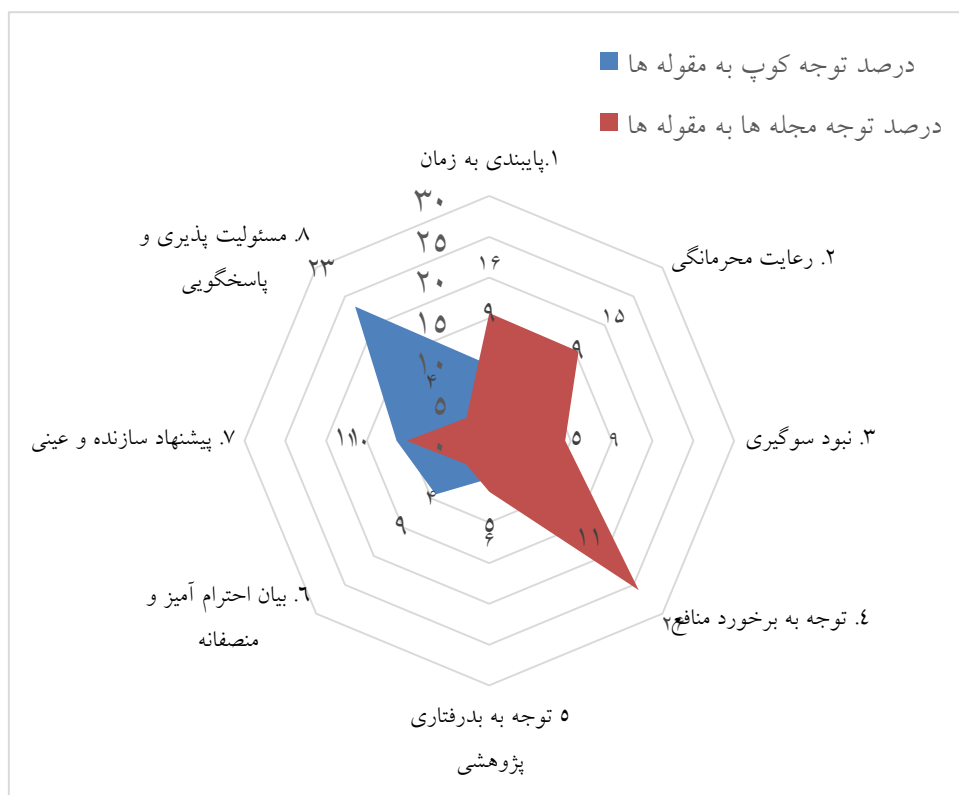
نمودار ۱۴. سهم (درصد) توجه مجله‌های بررسی‌شده به مؤلفه‌های اصلی اخلاق هم‌ترازخوانی.

با این حال، نگاهی دقیق‌تر و جزئی‌تر درباره مؤلفه‌های فرعی نشان می‌دهد که مجله‌ها بر کدامیک از مؤلفه‌های فرعی بیش از سایر مؤلفه‌ها تأکید داشتند (به نمودار ۱۵ بنگرید).



نمودار ۱۵. میزان (تعداد) توجه مجله‌های «وزارت عتف» به مؤلفه‌های فرعی اخلاق هم‌تراز خوانی

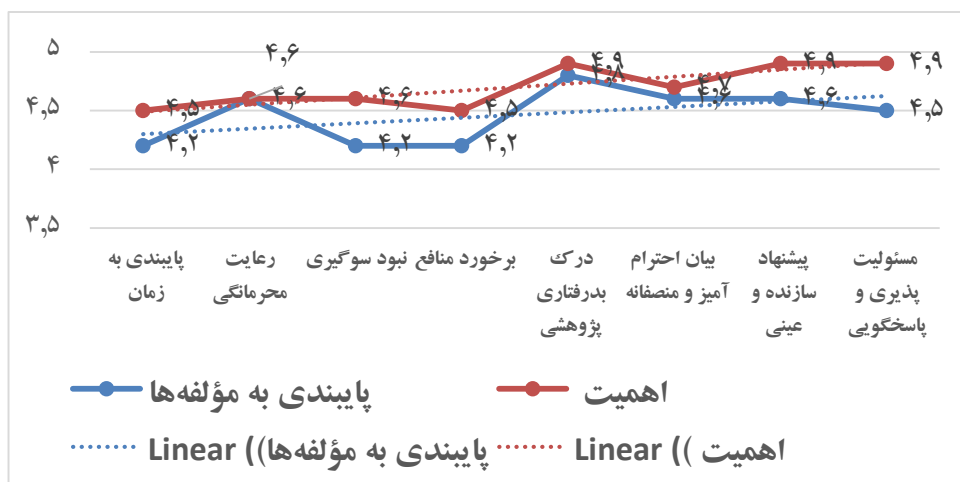
همان‌گونه که در نمودار بالا می‌توان دید (به نمودار ۱۵ بنگرید) مجله‌های وزارت عتف بیش از همه مؤلفه‌های فرعی اخلاق هم‌ترازخوانی، بر فاش نکردن جزئیات هم‌ترازخوانی و افشای برخورد منافع تأکید داشتند و برخی از مؤلفه‌ها، همچون توسعه ندادن حوزه فعالیت اثر و درک دامنه هم‌ترازخوانی پیش از آغاز هم‌ترازخوانی را به هیچ وجه در نظر نداشتند. تحلیل شکاف میان توجه کوپ و مجله‌های بررسی شده به مؤلفه‌های اخلاق هم‌ترازخوانی، یافته‌های دیگری نشان داد (به نمودار ۱۶ بنگرید).



نمودار ۱۶. تحلیل شکاف میزان توجه مجله‌های «وزارت عتف» در برابر کوپ به مؤلفه‌های اخلاق هم‌ترازخوانی.

همان‌گونه که در نمودار بالا می‌توان مشاهده کرد، تأکید کوپ بر مسئولیت‌پذیری و پاسخ‌گویی داوران بوده است؛ در حالی که توجه به برخورد منافع در میان مجله‌ها بیش از سایر مؤلفه‌های اصلی به چشم می‌خورد. این تحلیل شکاف نشان می‌دهد که مجله‌ها افق

فکری، دغدغه‌های علمی و حرفه‌ای و اوضاع بسیار متفاوتی نسبت به کوپ برای پرداختن به مؤلفه‌های اخلاق هم‌ترازخوانی داشته‌اند. همچنین به نظر می‌رسد این مجله‌ها نگاه، رویکرد و چشم‌انداز متفاوتی نسبت به کوپ در ارتباط با مؤلفه‌های اخلاقی دارند. این شرایط، ویژگی‌ها و الزام‌های مجله‌های علمی در بافت علمی، پژوهشی، انتشاراتی و به تبع آن، شرایط، ویژگی‌ها و الزام‌های اخلاقی متفاوتی را ایجاد می‌کنند. از این رو، لازم به نظر می‌رسد به این شرایط، ویژگی‌ها و الزام‌های اخلاقی در بررسی نیازمندی‌های ویژه مجله‌های علمی نیز توجه شود. این قضیه از این رو اهمیت پیدا می‌کند که فارغ از شباهت‌ها و تفاوت‌های میان زیست‌بوم، ذی‌نفعان و امکانات مجله یادشده نسبت به سایر مجله‌های وزارت عتف، فضا و زیست‌بوم علمی که در آن، مجله‌های علمی به حیات خود ادامه می‌دهند، مجله‌ای را تحت تأثیر قرار می‌دهد. نتایج پژوهش رجبعلی بگلو و همکارانش (۱۳۹۸) که برای تدوین بیانیه اخلاق هم‌ترازخوانی پژوهش‌نامه پرد/زش و مدیریت /اطلاعات انجام شد، نشان داد داوران این مجله درباره پایبندی خودشان به مؤلفه‌های اخلاق هم‌ترازخوانی و اهمیت این مؤلفه‌ها نگاه بسیار مثبتی دارند. یافته‌های به‌دست‌آمده از دیدگاه داوران این مجله درباره مؤلفه‌های اخلاق هم‌ترازخوانی به شرح نمودار زیر است (به نمودار ۱۷ بنگرید).



نمودار ۱۷. میانگین اهمیت و پایبندی به اخلاق هم‌ترازخوانی از دیدگاه داوران پژوهش‌نامه پرد/زش و مدیریت /اطلاعات

همان‌گونه که در نمودار بالا می‌توان مشاهده کرد، از دیدگاه داوران میزان پایبندی به مؤلفه‌های اخلاق هم‌ترازخوانی با میزان اهمیت این مؤلفه‌ها از دیدگاه آن‌ها هم‌راستا بوده و با هم همبستگی دارد. یادآوری این نکته ضروری است که میانگین‌های این نمودار دست کم بالای ۴ (مهم) به دست آمد و در برخی از مؤلفه‌ها همچون رعایت محرمانگی، درک بدرفتاری پژوهشی و بیان احترام‌آمیز و منصفانه بسیار به یکدیگر نزدیک بودند. از این رو ممکن است در بافت موجود در زیست‌بوم مجله‌های علمی میان مؤلفه‌های اخلاق هم‌ترازخوانی با رفتار داوران تطابق وجود نداشته باشد و رعایت کردن یا رعایت نکردن این مؤلفه‌ها به بافت حاکم بر همان مجله‌های علمی باز می‌گردد. همچنین، تمایز موجود یا ممکن میان هنجارهای اخلاق هم‌ترازخوانی با مصداق‌های موجود در مجله‌های علمی و تمایز میان عرف‌های موجود یا ممکن در مجله‌های بین‌المللی با هنجارهای اخلاق هم‌ترازخوانی لزوماً نباید یا نمی‌تواند با رهنمودهای اخلاق هم‌ترازخوانی همچون کوپ منطبق یا هم‌راستا باشد و پژوهش‌هایی که تدوین بیانیه اخلاق هم‌ترازخوانی را نشانه گرفته است، ضرورت توجه و هم‌راستایی هنجارها، عرف‌ها و مصداق‌های موجود با این رهنمودها را مدنظر قرار می‌دهند.

اگر به پژوهش‌هایی که در حوزه اخلاق هم‌ترازخوانی در ایران انجام شده است توجه کنیم، درمی‌یابیم که وضعیت اخلاق هم‌ترازخوانی در مجله‌های ایران چندان روشن و مشخص نیست. برای نمونه، در پژوهش ابویی اردکان و همکاران (۱۳۸۹) با وجود اینکه به موضوع داوران و اخلاق هم‌ترازخوانی در مجله‌های داخلی توجه کردند، اخلاق هم‌ترازخوانی را از ابعاد محدود و ناکافی بررسی کردند. برای نمونه، آن‌ها نتیجه گرفتند طولانی بودن زمان هم‌ترازخوانی مهم‌ترین مشکل مجله‌های علمی در ایران است که به یکی از مؤلفه‌های اخلاق هم‌ترازخوانی که پایبندی به زمان است، ارتباط پیدا می‌کند. از این رو، پژوهش حاضر می‌تواند در شناختی کلی از مؤلفه‌های اخلاق هم‌ترازخوانی در چهارچوب مجله‌های علمی ایران سودمند و مؤثر واقع شود.

با بررسی بیانیه‌های اخلاق هم‌ترازخوانی در مجله‌های وزارت عتف و تحلیل شکاف میان تأکید این بیانیه‌ها با مؤلفه‌های اخلاق هم‌ترازخوانی، افزون بر اینکه مشخص شد سهم

کمی (کمتر از نیمی) از مجله‌ها بیانیه اخلاق هم‌ترازخوانی داشتند، همچنین مشخص شد این مجله‌ها نگاه، رویکرد و چشم‌انداز متفاوتی با کوپ در ارتباط با مؤلفه‌های اخلاقی داشتند. به بیان دیگر، تأکید کوپ بر مسئولیت‌پذیری و پاسخ‌گویی داوران بود؛ در حالی که «توجه به برخورد منافع» و «رعایت محرمانگی» در میان مجله‌ها بیش از سایر مؤلفه‌های اصلی به چشم می‌خورد. این تحلیل شکاف نشان داد که مجله‌ها نسبت به کوپ، افق فکری، دغدغه‌های علمی و حرفه‌ای و شرایط متفاوتی را برای پرداختن به مؤلفه‌های اخلاق هم‌ترازخوانی در نظر داشتند. همان‌گونه که پیش‌تر نیز اشاره شد، یادآوری این نکته ضروری است که توجه به موضوع اخلاق پژوهش و اخلاق هم‌ترازخوانی در ایران از پیشینه طولانی برخوردار نیست و در بسیاری از مؤسسه‌های آموزشی و پژوهش به‌درستی آموزش داده نمی‌شود؛ حتی بسیاری از داوران و سردبیران با این موضوع آشنایی عملی ندارند.

با این حال، برای تدوین بیانیه اخلاق داوری در مجله‌ای می‌توان بر پایه رهنمودهای اخلاق داوری همچون کوپ عمل کرد. آنچه در ادامه می‌آید، دو نمونه از بیانیه اخلاق داوری در مجله‌های علمی است. نخست، نمونه‌ای از تدوین بیانیه اخلاق داوری در مجله علمی است که برگرفته از پژوهش رجبعلی بگلو و همکارانش (۱۳۹۸) است. در این پژوهش که به شیوه آمیخته انجام شد، شواهد رعایت نکردن اخلاق هم‌ترازخوانی از میان اسناد داوری (دربگیرنده گزارش‌ها و فایل‌های هم‌ترازخوانی) پژوهش‌نامه پرد/زش و مدیریت اطلاعات همراه با دیدگاه داوران این مجله بررسی و برای تدوین بیانیه اخلاق هم‌ترازخوانی از آن‌ها استفاده شد. نمونه دوم نیز که بیانیه اخلاق هم‌ترازخوانی مجله پژوهش‌های اقتصادی ایران است، تطابق بسیار زیادی با رهنمودهای اخلاق هم‌ترازخوانی کوپ دارد و به همان شکل و عیناً از وب‌سایت آن مجله در کتاب حاضر می‌آید. البته اشاره به این نکته ضروری است که مقایسه بیانیه‌های اخلاق داوری تنها با انجام پژوهش شدنی است و این دو نمونه تنها برای بررسی و مطالعه در این اثر می‌آیند.

بیانیه اخلاق هم‌ترازخوانی پژوهش‌نامه پردازش و مدیریت اطلاعات (ویرایش نخست)

«ویرایش نخست بیانیه اخلاق داوری» پژوهش‌نامه پردازش و مدیریت اطلاعات برگرفته از یافته‌های پژوهشی است که از بررسی دیدگاه‌های برخی از کنشگران اصلی داوری مجله (داوران و مدیر اجرایی)، اسناد داوری مجله و فرایند داوری مجله به‌دست آمده است. این بیانیه با بررسی سه جزء از شش جزء زیست‌بوم پژوهش‌نامه پردازش و مدیریت اطلاعات انجام شد. در تدوین بیانیه اخلاق داوری این مجله، دیدگاه داوران، محتوای اسناد داوری و دیدگاه مدیر اجرایی مجله بررسی و استفاده شد. یادآوری این نکته ضروری است که چهارچوب اصلی این بیانیه بر پایه «رهنمودها اخلاقی کوپ برای هم‌ترازخوانان؛ ویرایش دوم» و از نظر شکلی بر پایه «اصول اخلاقی بین‌المللی برای انتشار علمی» که اس‌تی‌ام^۱ تهیه کرده تدوین شده است (برای آگاهی بیشتر به پیوست ۱-۳ بنگرید).

بیانیه کوتاه پژوهش‌نامه پردازش و مدیریت اطلاعات؛ (ویرایش نخست)

فرایند داوری به‌عنوان بخش مهم از ارتباط رسمی علمی تا اندازه زیادی به اعتماد و مشارکت کنشگران جامعه علمی بستگی دارد و همه افراد و اجزای درگیر در داوری، لازم است مسئولانه و اخلاقی رفتار کنند. داوران در فرایند داوری نقش حیاتی و اصلی ایفا می‌کنند و لازم است در ایفای این نقش، آموزش ببینند و از تعهدات اخلاقی هم‌ترازخوانی آگاه شوند. «ویرایش نخست بیانیه اخلاق داوری» پژوهش‌نامه پردازش و مدیریت اطلاعات برگرفته از یافته‌های پژوهشی است که از بررسی دیدگاه‌های برخی از کنشگران اصلی داوری مجله (داوران و مدیر اجرایی)، اسناد داوری مجله و فرایند داوری مجله به‌دست آمده است. همچنین، این بیانیه با یاری و همکاری برخی از اعضای «کیان» تدوین شده است. امید است ویرایش نخست این «بیانیه اخلاق داوری» راهنمای سودمندی برای کنشگران اصلی داوری به‌ویژه داوران فراهم کند و به‌عنوان مرجعی برای سردبیر، هیئت تحریریه و نویسندگان (گان) این مجله یا سایر مجله‌های علمی به‌ویژه در ایران در نظر گرفته شود.

بیان احترام‌آمیز و منصفانه

داوران باید از بیان دیدگاه‌ها یا پیشنهادهای نامحترمانه و نامنصفانه در داوری‌ها خودداری کنند و در بازخوردهای خود، از بیان نامناسب و اتهام زنی پرهیز نمایند. آن‌ها باید از به‌کارگیری عبارت‌های خصومت‌آمیز یا التهاب‌افزا و اظهارنظرهای شخصی مخرب و منحرف‌کننده یا بیان اتهام‌های بی‌اساس، غیرمستدل و اثبات‌نشده اجتناب کنند.

برخورد منافع

داوران باید به برخورد منافع خود با پدیدآوران توجه کرده و این برخورد منافع را برای مجله آشکار کنند. این برخوردهای منافع می‌تواند دربرگیرنده منافع شخصی، علمی، سازمانی، مالی، فکری، حرفه‌ای، سیاسی، مذهبی، رشته‌ای، جنسیتی و جغرافیایی در داوری مقاله‌ها باشد. همچنین، داوران نباید از اطلاعات و دانش تولیدشده در مقاله برای منفعت خود یا دیگران استفاده کنند و اگر در هم‌ترازخوانی اثری، شباهت بنیادین با اثر داور وجود دارد، داوران باید از داوری آن اثر خودداری کنند.

پایبندی به زمان

داوران نباید از روی عمد فرایند هم‌ترازخوانی را طولانی کنند و در ارسال نتیجه هم‌ترازخوانی نیز نباید دیرکرد داشته باشند. همچنین باید به‌موقع به درخواست مجله برای هم‌ترازخوانی پاسخ بدهند و اگر وضع آن‌ها تغییر کرد یا اینکه به افزایش زمان هم‌ترازخوانی نیازمند شدند، باید این مسئله را خیلی زود به مجله اطلاع بدهند. پیشنهاد می‌شود در صورت نیاز، داور(ان) جایگزین پیشنهاد دهند.

توجه به بدرفتاری پژوهشی

داوران باید نسبت به امکان بروز بدرفتاری یا اخلال در اخلاق پژوهش در مقاله حساس باشند و اگر در مقاله‌ای با آن روبه‌رو شدند، باید به‌طور مستقیم با سردبیر یا مجله تماس

بگیرند. همچنین، باید شواهد پشتیبان برای دلایل خود دربارهٔ بروز بدرفتاری علمی نویسنده به مجله ارائه کنند.

مسئولیت‌پذیری و پاسخ‌گویی داور

داوران باید مسئولیت خود را در انجام داوری یا تجدیدنظر داوری جدی بگیرند و از پذیرش مقاله در حوزهٔ موضوعی که تخصصی در آن ندارند، خودداری کنند. همچنین، داوران باید از ارائهٔ پیشنهادهایی اجتناب کنند که از پدیدآوران می‌خواهند به آثار خودشان یا همکارانشان استناد بدهند. داوران باید شواهد پشتیبان برای دیدگاه‌های خود ارائه کنند تا به سردبیران در ارزیابی اثر یاری رسانند و باعث بهبود یا ارتقاء اثر شوند. داوران نباید به‌طور مستقیم با پدیدآور(ان) تماس داشته باشند و نباید تلاش کنند هویت آن‌ها را شناسایی کنند. داوران نباید بدون آگاهی و اجازهٔ مجله (سردبیر یا مدیر اجرایی) هم‌ترازخوانی اثر را به افراد دیگر واگذار کنند؛ همچنین باید خودشان گزارش را بر پایهٔ راهنمای مجله تهیه کنند.

ارائهٔ پیشنهادهای عینی و سازنده

داوران باید بازخوردهایی دربارهٔ کیفیت و دقت نظر پدیدآوران ارائه کنند و در هم‌ترازخوانی خود پیشنهادهای عینی و سازنده ارائه کنند که به نویسنده(گان) کمک می‌کند اثر خود را بهبود دهد، باعث افزایش وضوح اثر شود یا تحلیل‌های بهتری ارائه کند. این پیشنهادهای باید بر پایهٔ دلایل علمی و فنی معتبر باشد.

رعایت محرمانگی

از آنجا که داوری در این مجله به‌صورت «دوسو پنهان» انجام می‌شود، داوران نباید جزئیات و فرایند داوری را (چه به‌صورت شفاهی و چه کتبی) برای همکاران، دوستان یا جامعهٔ علمی فاش کنند. همچنین داوران باید، از ایجاد ضرر یا بی‌اعتباری دیگران از طریق فاش کردن اطلاعات محرمانه خودداری کنند. داوران نباید بدون اجازهٔ مجله افراد دیگر را در

فرایند هم‌ترازخوانی درگیر کنند و نام همه افرادی که در هم‌ترازخوانی یاری‌شان کرده‌اند باید به مجله اعلام شود.

نبود سوگیری

داوران در صورتی که نویسندگان را بشناسند، باید به مجله اطلاع بدهند. همچنین، داوران باید در رابطه با ملیت، اعتقادات مذهبی، سیاسی، جنسیتی، شخصیتی، مالی، حرفه و رشته یا همکاران نزدیک خود بی‌طرف باشند و سوگیری نداشته باشند.

نسخه مشروح پژوهش‌نامه پردازش و مدیریت اطلاعات؛ (ویرایش نخست)

فرایند داوری به‌عنوان بخش مهمی از ارتباط رسمی علمی تا اندازه زیادی به اعتماد و مشارکت کنشگران جامعه علمی بستگی دارد و همه افراد درگیر در داوری، لازم است مسئولانه و اخلاقی رفتار کنند. داوران در فرایند داوری نقش حیاتی و اصلی ایفا می‌کنند و لازم است برای ایفای این نقش، آموزش ببینند و از تعهدات اخلاقی هم‌ترازخوانی آگاه شوند. «ویرایش نخست بیانیه اخلاق داوری» پژوهش‌نامه پردازش و مدیریت اطلاعات برگرفته از یافته‌های پژوهشی است که از بررسی دیدگاه‌های برخی از کنشگران اصلی داوری مجله (داوران و مدیر اجرایی)، اسناد داوری مجله و فرایند داوری مجله به‌دست آمده است. همچنین، این بیانیه با یاری و همکاری برخی از اعضای «کیان» تدوین شده است. امید است ویرایش نخست این بیانیه اخلاق داوری راهنمای سودمندی برای کنشگران اصلی داوری به‌ویژه برای داوران فراهم کنند و به‌عنوان مرجعی برای سردبیر، هیئت تحریریه و پدیدآور(ان) این مجله و سایر مجله‌های علمی به‌ویژه در ایران در نظر گرفته شود.

بیان احترام‌آمیز و منصفانه

داوران باید از بیان نظر یا پیشنهادهای نامحترمانه و نامنصفانه در داوری‌ها خودداری کنند و در بازخوردهای خود از بیان نامناسب و اتهام‌زنی پرهیز نمایند. همچنین داوران باید از به‌کارگیری عبارتهای خصومت‌آمیز یا التهاب‌افزا و اظهارنظرهای شخصی مخرب و

منحرف‌کننده یا بیان اتهام‌های بی‌اساس، غیرمستدل و اثبات‌ناپذیر اجتناب کنند. برای نمونه، به‌کارگیری ادبیاتی مثل این جمله‌ها می‌تواند مصداقی از بیان غیراحترام‌آمیز و نامنصفانه دیدگاه‌ها باشد: «این مقاله حتی در حد مقاله علمی‌ترویجی هم نیست»؛ «هیچ نکته مثبتی در این اثر وجود ندارد»؛ «مقاله حاصل کار کلاسی دانشجویی تازه‌کار است و انتشار آن در شأن مجله نیست»؛ «نویسنده اصلاً روی موضوع مسلط نبوده است».

برخورد منافع

داوران باید به برخورد منافع خود با پدیدآوران توجه کرده و این برخورد منافع را برای مجله افشا کنند. این برخوردهای منافع می‌تواند دربرگیرنده منافع شخصی، علمی، سازمانی، مالی، فکری، حرفه‌ای، سیاسی، مذهبی، رشته‌ای، جنسیتی و جغرافیایی در داوری مقاله‌ها باشد. برای نمونه، اگر مقاله‌ای برای داوری فرستاده شود که داور همکار نزدیک نویسنده در سازمان باشد، داور باید برخورد منافع خود را آشکار کرده و در صورت صلاحدید، مجله از سپردن داوری به ایشان خودداری کند. همچنین، داوران نباید از اطلاعات و دانش تولیدی در اثر برای منفعت خود یا دیگران استفاده کنند و اگر در هم‌ترازخوانی اثری، شباهت بنیادین با اثر داور وجود دارد، داور باید از داوری آن اثر خودداری کند. همچنین، اگر هم‌ترازخوانی اثری را نپذیرفت نباید از یافته‌ها، نتایج یا موضوع اثر برای منفعت خود بهره‌برداری نماید.

پایبندی به زمان

داوران نباید از روی عمد فرایند هم‌ترازخوانی را طولانی کنند و در ارسال نتیجه هم‌ترازخوانی نیز نباید دیرکرد داشته باشند. همچنین باید به‌موقع به درخواست مجله برای هم‌ترازخوانی پاسخ بدهند؛ اگر شرایطشان تغییر کرد یا اینکه به افزایش زمان هم‌ترازخوانی نیازمند شدند، باید این قضیه را خیلی زود به مجله اطلاع بدهند. اگر به هر دلیلی نتوانستند داوری را انجام دهند پیشنهاد می‌شود بر پایه تخصص و بدون دخالت دادن ملاحظه‌های شخصی، داوران جایگزین پیشنهاد دهند.

توجه به بدرفتاری پژوهشی

داوران باید نسبت به امکان بروز بدرفتاری یا اخلال در اخلاق پژوهش در اثر حساس باشند و اگر در اثری با آن روبه‌رو شدند باید به‌طور مستقیم با سردبیر یا مدیر اجرایی مجله تماس بگیرند و نباید بدون اطلاع مجله آن را به آگاهی جامعه علمی برسانند یا خودشان شخصاً این موضوع را بررسی کنند. همچنین، داوران باید شواهد پشتیبان برای دلایل خود درباره بدرفتاری علمی به مجله ارائه کنند. برای نمونه، اگر سرقت علمی در داوری تشخیص داده شد، باید اثری که از آن سرقت علمی شده برای مجله ارسال شود. برخی از مصداق‌های بدرفتاری پژوهش دربرگیرنده داده‌سازی، جعل، سرقت علمی، دستکاری، پژوهش غیراخلاقی، گزارش‌دهی سوگیرانه، سوءاستفاده از نویسندگی، افزونگی یا تکرار انتشار و برخورد منافع نویسنده است.

مسئولیت‌پذیری و پاسخ‌گویی داور

داوران باید مسئولیت خود در انجام داوری یا تجدید نظر در داوری را جدی بگیرند و از پذیرش مقاله در حوزه موضوعی خودداری کنند که تخصصی در آن ندارند. همچنین، داوران باید از ارائه پیشنهادهایی اجتناب کنند که از پدیدآوران می‌خواهد به آثار خودشان یا همکاران‌شان استناد بدهند بدون اینکه دلایل علمی و فنی معتبر برای این استناد وجود داشته باشد و تنها به این دلیل که تعداد استناد به آثارشان افزایش یابد یا رؤیت‌پذیری علمی‌شان بهبود پیدا کند. داوران همچنین باید پیش از آغاز هم‌ترازخوانی، به همه وظایف داوری آشنا باشند و از دامنه وظایف انتظار رفته در هم‌ترازخوانی اثر آگاه باشند. برای نمونه، ممکن است از داوری خواسته شود که فقط بخش روش‌شناسی یا داده‌های پژوهش بررسی شود و به داوری کل اثر نیازی نباشد. داوران لازم است در فرایند داوری شواهد پشتیبان برای دیدگاه‌های خود ارائه کنند تا به سردبیران در ارزیابی اثر یاری رسانند و باعث بهبود یا ارتقاء اثر شوند. برای نمونه، جمله‌هایی مانند «بسیاری از پیشینه‌های مرتبط با اثر نادیده گرفته شده‌اند» یا «فهم صحیح از موضوع در اثر وجود ندارد» در تصمیم‌گیری سردبیر بدون ارائه

شواهد پشتیبان محسوب می‌شود و نمی‌تواند به او در ارزیابی دقیق اثر کمک نماید. داوران نباید به‌طور مستقیم با پدیدآور(ان) تماس داشته باشند و نباید تلاش کنند هویت آن‌ها را شناسایی کنند. همچنین اگر پیشتر، داوری اثری را انجام داده باشند و درخواست داوری همان اثر را (با تغییر یا بدون تغییر اساسی) دریافت کنند باید از مجله نخست برای انتقال یا واگذاری گزارش‌های هم‌ترازخوانی اجازه بگیرند. داوران نباید بدون آگاهی و اجازه مجله (سردبیر یا مدیر اجرایی) هم‌ترازخوانی اثر را به افراد دیگر (تازه‌کاران، همکاران و ...) واگذار کنند؛ همچنین گزارش را باید خودشان و بر پایه راهنمای مجله تهیه کنند. داوران در صورتی که با موضوعی جدید یا با ابهام روبه‌رو شدند، پیشنهاد می‌شود برای روشن شدن قضیه با مجله تماس بگیرند.

ارائه پیشنهادهای عینی و سازنده

داوران باید بازخوردهایی درباره کیفیت و دقت نظر پدیدآور(ان) ارائه کنند و در هم‌ترازخوانی خود پیشنهادهای عینی و سازنده بدهند که به نویسنده(گان) کمک می‌کند اثر خود را بهبود دهد، باعث افزایش وضوح اثر شود یا تحلیل‌های بهتری ارائه کند. این پیشنهادها باید بر پایه دلایل علمی و فنی معتبر باشد. برای نمونه، در بازخوردهای زیر پیشنهادهای عینی و سازنده‌ای ارائه نشده است: «مقاله توصیفی بوده و بدون هرگونه تحلیل متعالی است»، «مقاله از جامعیت و انسجام کافی برخوردار نیست و به‌نوعی شتابزدگی در نگارش اثر به چشم می‌خورد»، «ضعف در پیشنهادات آتی، ضعف در نتیجه‌گیری و ضعف در پیشینه پژوهش وجود دارد» «روش پژوهش که پیمایشی است با جامعه و نمونه سنخیت ندارد»، «در انتخاب درست جامعه پژوهش تردید وجود دارد» و «دست‌آورد نوین علمی کاربردی در این مقاله مشاهده نمی‌شود».

رعایت محرمانگی

از آنجا که داوری در این مجله به‌صورت «دوسو پنهان» انجام می‌شود، داوران نباید جزئیات و فرایند داوری را (چه به‌صورت شفاهی و چه کتبی) برای همکاران، دوستان یا

جامعه علمی فاش کنند. همچنین داوران باید، از ایجاد ضرر یا بی‌اعتباری دیگران از طریق فاش کردن اطلاعات محرمانه خودداری کنند. داوران نباید بدون اجازه مجله، افراد دیگر را در فرایند هم‌ترازخوانی درگیر کنند و باید نام همه افرادی که در هم‌ترازخوانی یاری‌شان کرده‌اند به مجله اعلام کنند تا هم‌ترازخوانی آن‌ها در پیشینه هم‌ترازخوانی مجله ثبت شود و تلاش‌های آن‌ها به رسمیت شناخته شود. داوران باید تلاش کنند در بیان دیدگاه‌ها و یادداشت‌های خود به گونه‌ای عمل کنند که هویت‌شان فاش نشود. برای نمونه این بازخورد باعث فاش شدن هویت داور می‌شود «اطلاعات کتابشناختی مقاله اینجانب اصلاح شود که در پیشینه ... بررسی شده است».

نبود سوگیری

از آنجا که داوری در این مجله به صورت «دوسو پنهان» انجام می‌شود، داوران در صورتی که نویسندگان را بشناسند، باید به مجله اطلاع بدهند. همچنین، داوران باید در رابطه با ملیت، اعتقادات مذهبی، سیاسی، جنسیتی، شخصیتی، مالی، حرفه و رشته یا همکاران نزدیک خود بی‌طرف باشند و سوگیری نداشته باشند.

بیانیه اخلاق هم‌ترازخوانی مجله پژوهش‌های اقتصادی ایران^۱

اصول کلی که داوران هم‌تا ملزم به رعایت آن‌ها هستند

داوران می‌بایست:

- ◇ تنها به داوری نسخه اولیه مقاله‌هایی بپردازند که در حیطه توانایی حرفه‌ای آن‌ها می‌گنجد و همچنین قادر به انجام آن‌ها در زمان معلوم هستند؛
- ◇ به محرمانه بودن اطلاعات داوری هم‌تا احترام گذاشته و هیچ‌یک از اطلاعات نسخ اولیه را در مراحل داوری فاش نکنند؛
- ◇ از اطلاعات به دست آمده هنگام داوری به نفع خود یا هر شخص یا سازمان دیگری

- استفاده نکنند، همچنین از این اطلاعات برای آسیب زدن یا بی اعتبار جلوه دادن دیگران استفاده ننمایند؛
- ✧ ناسازگاری‌های بالقوه با علایق مجله را اطلاع دهند یا اگر در زمینه یکی از ناسازگاری‌ها اطمینان حاصل نشده است با مجله مکاتبه کرده تا مطمئن شوند؛
 - ✧ اجازه ندهند که داوری آن‌ها تحت تأثیر مسائلی چون ملیت، مذهب، باورهای سیاسی، جنسیت یا دیگر مسائل این چنینی مربوط به نویسنده قرار گیرد؛
 - ✧ در نقدها بی طرف و سازنده باشند و از خشونت کلامی، اصطلاحات زننده و توهین‌آمیز پرهیز کنند؛
 - ✧ درک صحیحی از دوطرفه بودن فرآیند داوری هم‌تا داشته و سهم خود از کار را در زمان مشخص شده انجام دهند؛
 - ✧ جعل هویت شخصی دیگر در حین فرایند داوری سوء رفتار و بسیار جدی تلقی می‌شود.

انتظارات حین فرایند داوری هم‌تا

داوران می‌بایست:

- ✧ در زمان مشخص شده پاسخ‌گو باشند، به خصوص اگر قادر به انجام داوری نیستند؛
- ✧ اگر توانایی حرفه‌ای لازم برای انجام داوری ندارند، اطلاع دهند؛
- ✧ تنها در صورتی با داوری موافقت کنند که توانایی انجام آن را تحت جدول زمانی تفاهم شده داشته باشند؛
- ✧ هرگونه ناسازگاری با علایق را اطلاع دهند؛
- ✧ در موارد ناسازگاری در داوری از خط‌مشی مجله پیروی کنند؛
- ✧ نسخه‌های اولیه‌ای را که پیش‌تر برای مجلات دیگر داوری کرده‌اند، به طور کامل از ابتدا داوری کنند؛ چرا که امکان تغییرات زیادی میان دو ارائه مختلف وجود دارد؛
- ✧ اطمینان حاصل کنند که پیشنهادهای آن‌ها مبنی بر داور جایگزین بر طبق تناسب

آن‌ها، نه خواسته‌های شخصی است؛

- ◇ از قبول داوری نسخه اولیه‌ای پرهیزند که فقط به منظور کسب اطلاعات در آن زمینه و نه داوری واقعی تمایل به داوری آن دارند؛
- ◇ اگر قادر به داوری بی‌طرفانه نیستند، از قبول کار پرهیز کنند؛
- ◇ اگر به هر نحوی در پژوهش نقشی داشته‌اند، از داوری آن پرهیز کنند؛
- ◇ اگر خود پژوهشی، شبیه به نسخه اولیه ارائه شده، در دست انجام دارند یا به مجله دیگری ارائه کرده‌اند، از داوری کار خودداری کنند.

انتظارات در زمان داوری

داوران می‌بایست:

- ◇ اگر هنگام داوری با ناسازگاری مواجه شدند که هنگام قبول کار آشکار نبود، بلافاصله به مجله اطلاع دهند؛
- ◇ اگر قادر به داوری همه قسمت‌های نسخه اولیه نیستند، بلافاصله به مجله اطلاع دهند؛
- ◇ از داخل کردن اشخاص دیگر، از جمله دانشجویان و محققین تحت آموزش خود، در داوری بدون کسب اجازه از مجله خودداری کنند؛
- ◇ کل نسخه اولیه ارائه شده و نقدهای آن را محرمانه نگه دارند؛
- ◇ در داوری دوسو ناشناس، اگر به هویت نویسنده مشکوک هستند و این امر باعث ناسازگاری خاصی می‌شود، مراتب را به مجله اطلاع دهند؛
- ◇ اگر هنگام داوری به بی‌قاعدگی خاص یا نکته اخلاقی در زمینه جنبه‌های مختلف کار برخوردند، بلافاصله به مجله اطلاع دهند؛
- ◇ از روی قصد داوری را طولانی‌تر از حد زمان‌بندی تعیین شده نکنند؛
- ◇ اطمینان حاصل کنند که داوری آن‌ها بر اساس خصوصیات کار ارائه شده و نه تحت تأثیر مسائل شخصی، مالی یا ناسازگاری‌های دیگر است؛

✧ از تماس با نویسندگان کار بدون کسب اجازه از مجله خودداری کنند.

انتظارات هنگام آماده‌کردن گزارش داوری

داوران می‌بایست:

- ✧ سازنده و بی‌طرف بوده و نویسندگان را از نظرات سازنده خود برای بهترکردن نسخه اولیه آگاه سازند؛
- ✧ از ارائه نظرات توهین‌آمیز و اتهامات بی‌پایه و اساس خودداری کنند؛
- ✧ به‌طور جزئی به نقد بپردازند و در مورد نظرات کلی از شواهد مرتبط برای اثبات عقیده خود استفاده نمایند؛
- ✧ از حساسیت‌های ناشی از مسائل مرتبط با زبان، به‌خصوص در مورد نویسندگانی که به زبان مادری خود نمی‌نویسند، آگاهی کامل داشته باشند؛
- ✧ تحقیقات مازاد اساسی و لازم برای اثبات ادعاهای مطرح‌شده در نسخه اولیه را دقیقاً مشخص نمایند؛
- ✧ گزارش را به‌نحوی ننویسند که به‌گونه‌ای منفی و غیرعادلانه درباره شخص خاصی باشد؛
- ✧ اطمینان حاصل کنند که نظرات و پیشنهاداتشان برای سردبیر مجله و نویسنده نسخه اولیه، هماهنگ و یکسان باشند؛
- ✧ از پیشنهاد استناد به کار خود، تنها برای بالابردن میزان استنادات مقاله خود، پرهیز کنند.

انتظارات پس از آماده‌کردن گزارش

داوران می‌بایست:

- ✧ نسخه اولیه ارائه‌شده و نقدهای آن را همچنان محرمانه نگه دارند؛
- ✧ اگر از سوی مجله در زمینه داوری آن‌ها تماس گرفته شد، بلافاصله پاسخ‌گو باشند

و اطلاعات لازم را ارائه دهند؛

- ✧ اگر مطلبی مرتبط پس از تسلیم گزارش به نظر داور رسید که امکان تغییر در نظرات و پیشنهادات به‌وجود می‌آورد، حتماً به مجله اطلاع دهند؛
- ✧ گزارش آماده‌شده توسط داوران دیگر را مطالعه کنند تا درک آن‌ها از موضوع و تصمیم حاصل‌شده افزایش یابد؛
- ✧ تلاش کنند تا خود را با درخواست‌های مجله مبنی بر اصلاح گزارش خود یا تسلیم مجدد نسخه اولیه داوری‌شده تطبیق دهند.

جمع‌بندی فصل

با توجه به آنچه که در این فصل به آن اشاره شد، رهنمودها و بیانیه‌های اخلاقی هم‌ترازخوانی در مجله‌های علمی، کاربرد و جایگاه ویژه‌ای دارند. این رهنمودهای اخلاقی در ایران یا سایر کشورهای جهان، بیشتر تحت تأثیر یا به‌دنبال رهنمودهای اخلاق هم‌ترازخوانی کوپ تدوین شده‌اند و ردپای این رهنمود به‌وضوح به چشم می‌خورد. البته باید اشاره کرد که رهنمودهای اخلاقی داوری لازم است با توجه به بافت حاکم بر مجله علمی تنظیم شود و اتکای صرف به رهنمودهای موجود و بی‌توجهی به شواهد و داده‌ها و زمینه‌های به‌وجودآورنده تأثیرگذاری مناسبی برای جامعه ذی‌نفعان مجله در پی نخواهد داشت. البته لازم به یادآوری است، نباید نسبت به فرایند داوری و فناوری‌های موجود نیز غافل شد و سهم آن را در حیات علمی مجله‌ها نادیده گرفت. آنچه در پیوست این کتاب می‌بینید، نگاهی به برخی از دیگر رهنمودهای اخلاق هم‌ترازخوانی است که با پیشنهادهایی برای هم‌ترازخوانی و هم‌ترازخوانان همراه شده است. به نظر می‌رسد این رهنمودها و پیشنهادات می‌توانند چهارچوب به‌نسبت روشن و مناسبی برای هم‌ترازخوانی فراهم کند و در بهبود هم‌ترازخوانی یاری‌گر باشند.

منابع

- ابویی اردکان، سید آیت‌الله میرزایی و شیخ‌شعاعی. ۱۳۹۱. «فرایند داوری مقالات در مجلات علمی ایران». پژوهش‌نامه پردازش و مدیریت اطلاعات. ۱۳۹۱؛ ۲۸ (۲): ۳۰۵-۳۴۶
- ابویی اردکان، و محمد، سید آیت‌الله میرزایی. ۱۳۸۹. «داوران و اخلاق هم‌ترازخوانی در مجله‌های علمی ایران». فصلنامه اخلاق در علم و فناوری. ۵ (۲۱): ۴۷-۳۶.
- ثقه‌الاسلامی، علیرضا. ۱۳۹۷. «چهارچوبی برای تحلیل موقعیت‌های اخلاقی در پژوهش‌های اینترنتی». مدیریت اطلاعات ۴ (۲)، ۶۳-۸۸
- جمالی مهمویی، حمیدرضا. بی‌تا. «هم‌ترازخوانی» در دایره‌المعارف کتابداری و اطلاع‌رسانی. ویراسته ابراهیم افشار، دسترسی در ۳۰ / ۱۰ / ۱۳۹۸. <https://bit.ly/2sn7o0J>
- خالقی، نورگس. ۱۳۸۷. «اخلاق پژوهش در حوزه علوم اجتماعی». فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری ۳ (۱ و ۲)، ۸۳-۹۲.
- رجبعلی بگلو، رضا و همکاران. ۱۳۹۸. بررسی اخلاق داوری در مجله‌های علمی ایران: مطالعه موردی تدوین مرامنامه اخلاق داوری در «پژوهش‌نامه پردازش و مدیریت اطلاعات». تهران: پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک).
- شامو، عادل، و دیوید رزنیک. ۱۳۹۴. جایگاه اخلاق در پژوهش علمی. ترجمه عباس کاردان. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- علیدوستی، سیروس، محمد ابویی اردکان، سید آیت‌الله میرزایی، و فاطمه شیخ‌شعاعی. ۱۳۸۷. بررسی وضعیت فرایند داوری مقالات در مجلات معتبر علمی ایران. تهران: پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک).

- علی‌محمدی، داریوش. ۱۳۹۱. «هم‌ترازخوانی مشارکتی: الگوی مجله فلسفه و کاربری کتابخانه». *فصلنامه نقد کتاب، اطلاع‌رسانی و ارتباطات*: ۱۷۷، ۳۲-۳۷.
- فتاحی، رحمت‌الله. ۱۳۹۰. «مجله‌های علمی پژوهشی و مسئله داوری مقاله‌ها (یادداشت سردبیر)». *علوم و فناوری اطلاعات ایران* ۲۷ (۱): ۱-۳.
- فرامرزی قراملکی، احد. ۱۳۸۸. *اخلاق داوری علمی*. راهبرد فرهنگ (۸، ۹): ۲۰-۷.
- گنسلر، هری جی. ۱۳۹۵. *درآمدی جدید به فلسفه اخلاق*. ترجمه حمیده بحرینی، ویراستار: مصطفی ملکیان. تهران: آسمان خیال.
- ولر، آناسی. ۱۳۸۹. *فرایند داوری در مجلات علمی، نقاط قوت و ضعف*. ترجمه علی حسین قاسمی و سیروس آزادی. ۱۳۸۹. تهران: پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران.
- هولمز، رابرت ال. ۳۸۵. *مبانی فلسفه اخلاق (ویراست سوم)*. تهران: ققنوس.
- Adewoyin, Oluwabunmi and Julita Vassileva. 2014. Ethics of Scientific peer review: Are we judging or helping the review recipients? IEEE International Symposium on Ethics in Engineering, Science, and Technology, Ethics: 23-24 May, 2014: Chicago Marriott.
- Armstrong, J. Scott. 1997. Peer Review for Journals: Evidence on Quality Control, Fairness, and Innovation. *Science and Engineering Ethics* 3 (1): 63-84.
http://repository.upenn.edu/marketing_papers/104
- Barroga, E. F. 2013. Cascading peer review for open-access publishing. *European Science Editing*, 39 (4), 90-91.
- Bordage G, et al. 2001. Review criteria for research manuscripts. *Academic Medical*. 76, 897-978.
- Bosetti, Francesca and Christopher D. Toscano. 2008. Is it time to standardize ethics guiding the peer review process? *Lipids*. 43 (2): 107-108.
- Broga, Mindaugas. Mijaljica, Goran. Waligora, Marcin. Keis, Aime and Marusic, Ana. 2014. Publication Ethics in Biomedical Journals from Countries in Central and Eastern Europe. *Science Engineering Ethics*. 20:99-109
- Bruckman, Amy. 2002. Ethical Guidelines for Research Online. Available at (Access: 2020.08.29): <https://www.cc.gatech.edu/~asb/ethics/>
- Callaham, Michael L. 2003. Journal Policy on Ethics in Scientific Publication. *Annals of emergency medicine*. 41:1
- Cals, Jochen W. L., Christian D. Malen, Liam G. Glynn, Daniel Kotz. 2013. Should Authors Submit Previous Peer-Review Reports When Submitting Research Papers? Views of General Medical Journal Editors. *Annals of Family Medicine*. 11 (2):179-181.
- Casadevall, A. & F. C. Fang. 2009. Is Peer Review Censorship. *Infection and Immunity*. 77 (4), 1273-1274. doi:10.1128/IAI.00018-09

- Cawley, Valentine. 2011. An analysis of the ethics of peer review and other traditional academic publishing practices. *International Journal of Social Science and Humanity*. 1 (3): 205–213.
- Chaguturu, Rathnam. 2015. Peer Review Pitfalls. Editorial. *Combinatorial Chemistry & High Throughput Screening*. 18 (1).
- Committee on Publication Ethics (COPE). 2017. Ethical guidelines for peer reviewers (English). <https://doi.org/10.24318/cope.2019.1.9>
- Crigger, Nancy J. 1998. What we owe the author: rethinking editorial peer review. *Nursing Ethics*. 5 (5).
- Cuelar, G. 2018. Recognition for Reviewers: PUBLONS! *Journal of Transcultural Nursing*. 29 (3), 221. DOI: 10.1177/1043659618764157.
- D'Angeglo, John. 2012. Ethics in science: Ethical misconduct in scientific research. Boca Raton: Taylor & Francis.
- Gasparyan, Armen Yuri; Lilit Ayvazyan, Nurbek A. Akazhanov, George D. Kitas. 2013. Conflicts of interest in biomedical publications: considerations for authors, peer reviewers, and editors. *Croatian Medical Journal*. 54: 600-8
- Hames, Irene. 2007. Peer Review and Manuscript Management in Scientific Journals Guidelines for Good Practice. Malden: Blackwell.
- Hope, A. A. & C. L. Munro. 2019. Criticism and judgment: A critical look at scientific peer review. *American Journal of Critical Care*. 28 (4), 242-245. doi:<https://doi.org/10.4037/ajcc2019152>
- Israel, M, & I. Hay. 2006. *Research ethics for social scientists: Between ethical conducts and regulatory compliance*. London: Sage.
- Jagsi, Reshma, Katherine Egan Bennett, Kent A. Griffith, Rochelle Decastro, Calley Grace, Emma Holliday, and Anthony L. Zietman. 2014. Attitudes towards Blinding of Peer Review and Perceptions of Efficacy within a Small Biomedical Specialty. *International Journal of Radiation Oncology Biography Physics*. 89 (5):940-946.
- Manchikanti, Laxmaiah, Kaye, Alan David, Boswel, Mark and Hirsch, Joshua A. 2015. Medical Journal Peer Review: Process and Bias. *Pain Physician*. 18:E1-E14
- Patel, Jigisha. 2014. Why Training and Specialization is Needed for Peer Review: A Case Study of Peer Review for Randomized Controlled Trials. *BMC Medicine*. 12:128
- Relman, Arnold S. and Angell, Marcia. 1989. How good is peer review? *The new England Journal of Medicine*. 321 (12), 827- 829.
- Resnik, David B, Elmore, Susan A. 2016. Ensuring the Quality, Fairness, and Integrity of Journal Peer Review: A Possible Role of Editors. *Science & Engineering Ethics*. 22(1), 169-188.
- Resnik, David B. and Elmore, Susan A. 2018. Conflict of Interest in Journal Peer Review. *Toxicologic Pathology*. 46 (2) 112-114
- Resnik, David B. 2011. What is ethics in research and why is it important? *National Institute of Environmental Health Sciences*. Available at: <http://www.niehs.nih.gov/research/resources/bioethics/whatis> (2019-15-04).
- Rockwell, Sara. 2006. Ethics of Peer Review: A Guide for Manuscript Reviewers. <http://66.129.110.148/sites/default/files/prethics.pdf> (2019-15-04)

- Ross and Hellauer. 2017. What is open peer review? A systematic review. *F1000Research*, 6:588
Last updated: 15 MAY 2017. Available at: <https://f1000research.com/articles/6-588/v1>
- Smith, Richard. 2006. Peer review: a flawed process at the heart of science and journals. *Journal of Royal Society of Medicine* 99: 178-182. Doi: 10.1087/20110109
- Souder, Lawrence. 2011. The ethics of scholarly peer review: a review of the literature. *Learned Publishing*. 24:55–74.
- Spier, Ray. 2002. The history of the peer-review process. *Trends in Biotechnology*. 20 (8):357-358.
- Teixeira da Silva & , J. A. & A. Al-Khatib. 2019. Research Ethics: The ClarivateTM Analytics acquisition of Publons – an evolution or commodification of peer review? Vol. 15 (3-4) 1–11. DOI: 10.1177/1747016117739941.
- Tennant, J. P., et al. 2019. A multi-disciplinary perspective on emergent and future innovations in peer review [version 3; peer review: 2 approved]. *F1000Research*. 6:1151
- Thomas, S. P. 2018. Current Controversies Regarding Peer Review in Scholarly Journals. *Issues in Mental Health Nursing*, 39(2), 99-101. <https://doi.org/10.1080/01612840.2018.1431443>
- Triggle, Chris R, Triggle, David J. 2007. What is the future of peer review? Why is there fraud in science? Is plagiarism out of control? Why do scientists do bad things? Is it all a case of: “All that is necessary for the triumph of evil is that good men do nothing?” *Vascular Health and Risk Management*. 3(1) 39–53.
- Wagner AK, Boninger ML, Levy C, Chan L, Gater D, Kirby RL. 2003. Peer review: Issues in physical medicine and rehabilitation. *American Journal of Physical Medicine & Rehabilitation*. 82:790 – 802.
- Ware, Mark. 2008. Peer review: benefits, perceptions and alternatives. *Publishing Research Consortium*. 4:4-20.
- Wendler, David and Miller, Franklin. 2014. The ethics of peer review in bioethics. *Journal of Medical Ethics*. 40(10): 697–701.
- Zinn, W. & T. J. Goldsby. 2016. The “Invisible Hands” in Research: The Critical Roles of Reviewers and Associate Editors. *Journal of Business Logistics*, 37 (3): 202–204.

پیوست‌ها

پیوست ۱. دیگر بیانیه‌های اخلاق هم‌ترازخوانی

پیوست ۱-۱. توصیه‌هایی برای انجام، گزارش‌نویسی، ویرایش و انتشار آثار علمی در مجله‌های پزشکی^۱

شرکت‌کنندگان (در هم‌ترازخوانی)

همه شرکت‌کنندگان در فرایند هم‌ترازخوانی و انتشار، نه فقط پدیدآوران، بلکه هم‌ترازخوانان و ویراستاران و اعضای هیئت تحریریه مجله‌ها باید هنگام اجرای نقش خود در روند هم‌ترازخوانی و انتشار مقاله همه روابطی را که می‌توان به‌عنوان تضاد بالقوه منافع می‌توان در نظر گرفت، افشا کنند.

هم‌ترازخوانان

باید از داوران خواست زمانی که از آن‌ها نقد نوشته‌ای را می‌خواهند اگر برخورد منافع دارند که ممکن است هم‌ترازخوانی آن‌ها را پیچیده کند، اعلام کنند. داوران باید هرگونه برخورد منافی که می‌تواند نظر آن‌ها را در نوشته‌ای تحت تأثیر سوگیری قرار دهد، افشا کنند و باید از هم‌ترازخوانی آثار ویژه‌ای که سوگیری بالقوه‌ای بر روی آن‌ها وجود دارد،

1. <http://www.medicc.org/mediccreview/documents/ICMJE.PDF>

اجتناب کنند. داوران برای افزایش منافع خود نباید از دانشِ اثری که در حال هم‌ترازخوانی آن هستند، پیش از انتشار آن اثر استفاده کنند.

از داوران انتظار می‌رود بی‌درنگ به درخواست‌های هم‌ترازخوانی پاسخ دهند و در زمان توافق شده هم‌ترازخوانی را ارسال کنند. نظرهای داوران باید سازنده، صادقانه و مؤدبانه باشند. داوران باید برخورد منافع خودشان را اعلام کنند و در صورت وجود تضاد، خود را از فرایند هم‌ترازخوانی خارج کنند.

آثاری که به مجله‌ها ارسال شده‌اند مکاتبات مهمی هستند که مالکیت خصوصی و محرمانهٔ پدیدآوران هستند و افشای زودهنگام هر یک از جزئیات اثر، ممکن است به پدیدآوران آسیب بزند. بنابراین، داوران باید محرمانگی آثار و اطلاعات آن‌ها را به‌درستی حفظ کنند. داوران نباید دربارهٔ آثار پدیدآوران به‌طور عمومی بحث کنند و ایده‌های پدیدآوران را قبل از انتشار از آن خود کنند. داوران نباید اثر را برای استفادهٔ شخصی نگهداری کنند و پس از ارسال هم‌ترازخوانی‌ها، باید رونوشت‌های آثار را از میان ببرند.

پیوست ۱-۲. رهنمودهای آثار ارسالی به مجله‌ها؛ رهنمودهایی برای داوران^۱

اصول کلی

- ◇ داوری‌ها باید منصفانه و عینی انجام شود. انتقاد شخصی از پدیدآور ناشایست است. اگر پژوهش گزارش شده در اثری ناقص باشد، از علم انتقاد کنید نه دانشمند. انتقاد شخصی احتمالاً باعث می‌شوند پدیدآور نظرهای مفید را نادیده بگیرد و هم‌ترازخوانی شما را در این حوزه کمتر مفید بدانند. انتقادها باید عینی باشند و صرفاً بر پایه اختلاف نظر نباشد و به پدیدآور برای بهبود مقاله کمک کند؛
- ◇ باید هم‌ترازخوانی آثاری را کاهش دهید که در آن روابط رقابتی، مشارکتی یا سایر روابط موجود با هر یک از پدیدآوران، شرکت‌ها یا مؤسسه‌های مرتبط با مقاله‌ها وجود دارد؛
- ◇ اگر ارتباط قبلی یا فعلی شما با پدیدآور(ان) یا مؤسسه پدیدآور ممکن است به‌عنوان برخورد منافع تفسیر شود، اما هیچ تضاد واقعی وجود نداشته باشد، لطفاً این قضیه را در نظرهای محرمانه خود به ویراستار بیان کنید. اگر شک دارید، قبل از پذیرش درخواست هم‌ترازخوانی، لطفاً با ویراستار تماس بگیرید؛
- ◇ به محرمانه‌بودن اثری که برایتان ارسال شده احترام بگذارید. نباید آثار منتشرنشده را با همکاران خود مطرح کنید یا از اطلاعات آن در کار خود استفاده کنید. اگر احساس می‌کنید همکاری نسبت به شما برای هم‌ترازخوانی مقاله شایسته‌تر است، پیش از اینکه از ویراستار اجازه انجام چنین کاری را بگیرید، اثر را به آن فرد ارسال نکنید. هم‌ترازخوانی و پیشنهادهای شما نیز باید محرمانه باشد؛
- ◇ اگر می‌خواهید ناشناس باشید، از دادن نظرهای خود به پدیدآوران اجتناب کنید؛ چرا که ممکن است سرنخی برای آشکارشدن هویت شما باشد.

1. <https://www.springer.com/authors/manuscript+guidelines?SGWID=0-40162-6-1261021-0>

ارسال دیدگاه‌ها به ویراستار

دیدگاه ارسالی شما، فقط به کمک ویراستار و سردبیر ارسال می‌شود. این نظرها دربرگیرنده برخورد منافع نیز می‌شود. نظرها و انتقادهای سازنده درباره اثر باید در نظرهای ارسالی به پدیدآور بیاید.

ارسال دیدگاه‌ها به پدیدآور

دیدگاه ارسالی شما به پدیدآور، فقط به کمک ویراستار و سردبیر ارسال می‌شود. آن‌ها همچنین با پدیدآوران و در صورت نیاز، دیگر داوران ناشناس اثر در ارتباط هستند. دیدگاه‌ها باید سازنده بوده و برای بهبود اثر تنظیم شده باشد. خودتان را به‌عنوان مشاور پدیدآوران در نظر بگیرید. تا جایی که شدنی است، دیدگاه خود را کامل و دقیق بیان کنید. نظرهای خود را واضح و با استدلال‌های پشتیبان و در صورت نیاز با ارجاعات بیان کنید. دیدگاه‌های روشن دربرگیرنده نقاط قوت، نقاط ضعف و ارتباط موضوعی اثر با مجله، اصالت و اهمیت آن در حوزه موضوعی است. بهتر است در نظرهای ویژه، به شماره صفحه و خط^۱ در اثر نیز اشاره شود. اگر احساس می‌کنید در برخی از جنبه‌های اثر شایستگی هم‌ترازخوانی ندارید، این بخش‌ها (جنبه‌ها) را اعلام کنید.

با شناسایی سهم عمده مقاله در دانش، شروع کنید. نقاط قوت و ضعف اصلی و مناسب بودن آن برای انتشار چیست؟ لطفاً هر دو نظر کلی و ویژه خود را در رابطه با این سؤالات ذکر و بر دیدگاه‌های مهم خود تأکید کنید. نظرهای کلی خود را، مثبت یا منفی، با شواهد خاص تأیید کنید. اگر بخواهید، می‌توانید به‌طور مستقیم روی پی‌دی‌اف اثر با استفاده از ابزار یادداشت‌دهی^۲ نظر بدهید. با این حال، انتظار نداریم اثر را ویرایش علمی کنید. اگر پی‌دی‌اف را حاشیه‌نویسی^۳ می‌کنید، لطفاً خلاصه‌ای از دیدگاه‌های کلی خود را نیز در آن قرار دهید. همچنین ممکن است مدارک دیگر (برای نمونه هم‌ترازخوانی‌تان را به‌عنوان مدرک، ارجاع‌های سودمند) بارگذاری^۴ کنید. دستیار هیئت تحریریه هویت شما را از جزئیات این

1. line numbers
2. Note tool

3. Annotate
4. Upload

مدارک حذف خواهد کرد تا ناشناس بودنشان حفظ شود.

نکات مدنظر در هم‌ترازخوانی دربرگیرنده چنین است:

- ◇ آیا موضوع اثر برای مجله مناسب است؟ آیا اطلاعاتی درباره خوانندگان گسترده مجله وجود دارد؟
- ◇ آیا عنوان، چکیده، کلمات کلیدی، مقدمه و نتیجه‌گیری به‌طور دقیق و پیوسته منعکس‌کننده نکات مهم مقاله هست؟
- ◇ آیا اثر، مختصر، آسان‌خوان، جالب و بدون تکرار است؟
- ◇ آیا هدف به‌روشنی بیان شده است؟
- ◇ آیا این روش‌ها مناسب، علمی، رایج، به‌وضوح و کافی شرح داده شده که اثر بتواند توسط شخص دیگری تکرار شود؟
- ◇ آیا اخلاق پژوهش و تأیید/رضایت (آزمودنی‌ها) به‌درستی رعایت شده است؟
- ◇ آیا تجزیه‌وتحلیل آماری استفاده‌شده مناسب است؟ آیا آن‌ها به اندازه کافی توجیه و توضیح داده شده‌اند؟ آیا مفاد بیانیه‌های معناداری توجیه شده‌اند؟
- ◇ هنگامی که نتایج در متن مقاله بیان می‌شود، آیا به‌وسیله داده‌ها پشتیبانی می‌شوند؟ آیا می‌توانید با بررسی جداول و ارقام، آن‌ها را به‌راحتی بررسی کنید؟ هیچ‌کدام از نتایج مقبول^۱ هستند؟
- ◇ آیا تمام جداول و ارقام لازم هستند؟ به‌وضوح عنوان‌گذاری و به‌درستی طراحی شده‌اند و به‌راحتی تفسیرپذیر هستند؟ آیا اطلاعات در جداول و ارقام اضافی‌اند؟ آیا در متن تکرار می‌شود؟
- ◇ آیا نتایج به‌وسیله داده‌های ارائه‌شده پشتیبانی می‌شود؟

- ✧ آیا استندهای ارائه‌شده برای پشتیبانی از اثر، مناسب‌ترین استندها هستند؟ آیا استندهایی که برای همه ادعاها ارائه شده است، به‌وسیله این داده‌ها در این مقاله پشتیبانی نمی‌شود؟ آیا استندهای کلیدی وجود دارد که به آن‌ها ارجاع داده نشده است؟
- ✧ طول اثر را نسبت به محتوا در نظر بگیرید. آیا بخشی از مقاله باید گسترش یابد، فشرده شده یا ترکیب یا حذف شود؟ (لطفاً توصیه‌های خود را خاص بگویید و نظریات را خلاصه و کوتاه با درصد بگویید).
- ✧ آیا اثر مطابق با دستورالعمل پدیدآوران است؟

لطفاً نظراتان را درباره هر نوع سوءرفتار ممکن در پژوهش یا نشر بگویید، از جمله:

- ✧ آیا اثر، داده‌ها یا نتایج منتشرشده یا در حال چاپ را گزارش می‌کند؟ اگر چنین است، لطفاً جزئیات را ارائه دهید.

- ✧ آیا پدیدآور از انتشارات دیگری دستبرد علمی زده است؟
- ✧ آیا نشانه‌ای وجود دارد که در داده‌ها تقلب یا دست‌کاری شده است؟
- ✧ آیا پدیدآوران تمام منافع متضاد مرتبط را اعلام کرده‌اند؟

پیوست ۱-۳. اصول اخلاقی بین‌المللی برای انتشار علمی^۱

داوران

مشارکت در تصمیم‌های سردبیر

هم‌ترازخوانی به هیئت‌تحریریه کمک می‌کند تا سردبیر تصمیم بگیرد؛ همچنین ممکن است به پدیدآوران در بهبود مقاله‌های خود کمک کنند. هم‌ترازخوانی جزء ضروری از ارتباط رسمی و علمی است و در بطن روش علمی قرار دارد. به‌طور معمول پژوهشگران که مایل به انتشار اثر خود در مجله‌ها هستند، وظیفه دارند هم‌ترازخوانی منصفانه‌ای در این مجله‌ها داشته باشند.

پایبندی به زمان^۲

هر داور منتخب که احساس می‌کند شایسته هم‌ترازخوانی پژوهش گزارش‌شده در اثر نیست یا می‌داند نمی‌تواند فوری اثر را هم‌ترازخوانی کند، باید ویراستار را آگاه سازد و از فرایند هم‌ترازخوانی کناره‌گیری کند.

استانداردهای عینی (بی‌طرفانه)

داوری‌ها باید صادقانه، عینی (بی‌طرف) و بدون تعصب شخصی باشد. انتقاد شخصی از پدیدآور درست نیست. داوران باید نظرهای‌شان را به‌صورت شفاف با استدلال‌های معین بیان کنند.

تأیید منابع

داوران باید کارهای منتشرشده‌ای را شناسایی کنند که توسط پدیدآوران استناد داده نشده‌اند. هرگونه بیانیه‌ای که مشاهده، برگرفته^۳ یا استدلال شده و بیشتر گزارش شده است باید با استناد همراه باشد. داور همچنین باید هرگونه شباهت درخور توجه یا هم‌پوشانی در اثر در حال هم‌ترازخوانی و هر مقاله منتشرشده دیگری را که از آن‌ها دانش شخصی دارد به سردبیر اطلاع دهد.

1. http://www.stm-assoc.org/2013_05_21_STM_Ethical_Principles_for_Scholarly_Publication.pdf

2. Promptness
3. Derivations

پیوست ۱-۴. توصیه‌هایی درباره خط‌مشی‌های اخلاقی انتشارات برای مجله‌های پزشکی^۱

هم‌ترازخوانی

هم‌ترازخوانی یکی از ارکان تشکیل‌دهنده فرایند انتشار علمی و نشر علم ناب است. هم‌ترازخوانان متخصص برای ارزیابی نوشتاری نقاط قوت و ضعف پژوهش و با هدف بهبود گزارش پژوهش و شناسایی مناسب‌ترین و باکیفیت‌ترین مقاله‌ها برای مجله و توسط ویراستاران انتخاب می‌شوند. داوران عادی که برای مجله انتخاب شده‌اند باید کمینه استانداردها (تعیین و اعلام‌شده توسط هر مجله) را در رابطه با پیشینه پژوهش اصیل، انتشار مقاله‌ها، آموزش رسمی و ارزیابی انتقادی پیشین از آثار داشته باشند.

هم‌ترازخوانان باید در حوزه موضوعی مقاله‌هایی که هم‌ترازخوانی می‌کنند خبره باشند و باید به دلیل عینیت^۲ و دانش علمی‌شان انتخاب شود. افرادی که چنین خبرگی‌ای را ندارند، نباید داور شوند و افرادی که هم‌ترازخوانی مقاله‌ها را انجام می‌دهند نباید برخورد منافع^۳ عمده در موضوع مقاله داشته باشند (برای نمونه، داورانی که برای شرکتی که محصولشان آزمایش‌شده کار می‌کنند، رقبای آن‌ها، افرادی که برنامه‌های سیاسی و ایدئولوژیک دارند و...).

انتظار می‌رود هم‌ترازخوانی‌ها حرفه‌ای، صادقانه، مؤدبانه، سریع و سازنده باشند. مؤلفه‌های عمده هم‌ترازخوانی باکیفیت به شرح زیر است:

- ✧ داوران باید درباره نقاط قوت و ضعف اصلی طرح و روش‌شناسی پژوهش اظهارنظر کنند؛
- ✧ داور باید اظهارنظر دقیق و سازنده‌ای درباره کیفیت تفسیر پدیدآور از داده‌ها و تأیید محدودیت‌های پژوهش داشته باشد؛
- ✧ داور باید درباره نقاط قوت و ضعف عمده اثر به‌عنوان ارتباط نوشتاری، مستقل از طرح، روش‌شناسی، نتایج و تفسیر پژوهش اظهارنظر کند؛

1. <http://wame.org/recommendations-on-publication-ethics-policies-for-medical-journals#Peer%20Review>

2. Objectivity
3. Competing interest

- ◇ داور باید هرگونه نگرانی اخلاقی برآمده از پژوهش یا هرگونه شواهد احتمالی از اجرای ضعیف استانداردهای علمی را بیان کند؛
- ◇ داور باید پدیدآور را با پیشنهادات مفید برای بهبود اثر یاری کند؛
- ◇ یادداشت‌های داور به پدیدآور باید سازنده و حرفه‌ای باشد؛
- ◇ داوری باید محتوا و چشم‌انداز مناسبی برای سردبیر در جهت تصمیم‌پذیرش یا تجدید نظر اثر فراهم کند (بعضی از مجله‌ها ممکن است از داور توصیه‌ای بخواهند راجع به اینکه آیا مقاله منتشر شود یا خیر. برخی دیگر نمی‌خواهند؛ زیرا به‌طور معمول این‌گونه از تصمیم‌ها بر اساس اولویت‌ها متفاوت است)؛
- ◇ همهٔ داوران باید از انتظارات مجله آگاه باشند و سردبیران باید تلاش کنند داوران را آموزش داده و مواد آموزشی را (از جمله مقاله‌هایی برای هم‌ترازخوانی) به آن‌ها پیشنهاد کنند.

پیوست ۱-۵. رهنمودهای به‌روشنی^۱ برای اخلاق نشر و استانداردهای ویراستاری و فرایندها^۲

هم‌ترازخوانان در شناسایی بدرفتاری‌های پژوهشی از جمله احتمال داده‌سازی، جعل، سرقت علمی، دستکاری تصویر، پژوهش غیراخلاقی و گزارش‌دهی سوگیرانه، سوءاستفاده از نویسندگی، افزونگی یا تکرار انتشار و تضاد پنهان منافع نقش مهمی دارند. سردبیران باید نقش‌ها و نیازمندی‌های هم‌ترازخوانی زیر را به هم‌ترازخوانان یادآوری کنند:

- ✧ محرمانگی هم‌ترازخوانی را رعایت کنید و درباره‌ی اثر با پدیدآوران و دیگر افراد بحث نکرده یا با آن‌ها تماس نگیرید؛
- ✧ برخورد منافع را آشکار کنید؛
- ✧ برای توصیه‌های خود دلایلی عینی و سازنده ارائه کنید؛
- ✧ اجازه ندهید که تصمیمتان درباره‌ی اثر، تحت تأثیر خاستگاه یا پدیدآوری آن قرار بگیرد؛
- ✧ از پدیدآور نخواهید به مقاله‌های خودتان استناد بدهد، مگر اینکه دلیل علمی قوی‌ای برای این کار وجود داشته باشد؛
- ✧ پیش از انتشار اثر توسط پدیدآوران، از بازتولید اطلاعات یا هربخش از مقاله در دست هم‌ترازخوانی در آثار خود پرهیز کنید؛
- ✧ تنها هنگامی با هم‌ترازخوانی آثار موافقت کنید که در آن حوزه موضوعی تخصص دارید و در بازه زمانی معقول می‌توانید آن را انجام بدهید؛
- ✧ باعث دیرکرد در انتشار اثر نشوید؛
- ✧ از بیان توهین‌آمیز، خصومت‌آمیز یا افتراگونه دوری کنید؛
- ✧ آثار ارسالی و همه منابع مرتبط را پس از انجام هم‌ترازخوانی حذف کنید.

1. Best practice guidelines

2. <https://authorservices.wiley.com/ethics-guidelines/editorial-standards-and-processes.html#7>

پیوست ۲. پیشنهادهایی به هم‌ترازخوانان

پیوست ۱-۲. پیشنهادهایی دربارهٔ چگونگی تهیهٔ گزارش مطلوب به پدیدآوران

۱. خلاصه

- ◇ با خلاصه‌ای کوتاه دربارهٔ یافته‌های مقاله آغاز کنید؛
- ◇ یافته‌ها را در بافت پیشینه‌های موجود و دانش فعلی قرار دهید؛
- ◇ اهمیت کلی اثر را بیان کنید و بیان کنید که آیا خلاقانه یا تأییدی است؛
- ◇ دربارهٔ کیفیت و کامل بودن اثر، دیدگاه خود را ارائه دهید و نقاط قوت آن را بیان کنید؛
- ◇ اگر کاستی و ضعف عمده‌ای در اثر وجود دارد، مطرح کنید؛
- ◇ به ملاحظات ویژه، برای نمونه نقض نظریه‌های مطرح‌شدهٔ پیشین، توجه کنید.

۲. موضوع‌های مهم

- ◇ آیا کاستی (فناوری یا طراحی یا تفسیر) در اثر وجود دارد؟ آن کاستی‌ها چه هستند و شدت تأثیر آن‌ها بر یافته‌ها چیست؟
- ◇ آیا تاکنون اثر مشابهی بدون اینکه پدیدآوران نیز این تشابه را مطرح کنند، منتشر شده است؟ گونهٔ پژوهش فعلی با پژوهش(های) منتشر شده ارتباط دارد؟ آیا نتایج مشابهی که پژوهش‌های دیگر را تقویت کند یا نتیجه‌ای که با آن‌ها مغایرت داشته باشد، وجود دارد؟
- ◇ اگر پدیدآوران یافته‌هایی را مغایر با بینش فعلی ارائه می‌دهند، آیا به اندازهٔ کافی شواهد قوی برای اثبات آن ارائه داده‌اند؟ اگر این گونه نباشد، چه اطلاعات اضافی نیاز است؟ آیا آن‌ها به تمام آثار مرتبطی که می‌تواند با تفکر آن‌ها و متناسب با آن مغایرت داشته باشند، استناد کرده‌اند؟
- ◇ اگر تجدیدنظرهای اساسی لازم باشد، آن بازبینی‌ها چیستند؟

- ✧ آیا مشکلات عمده‌ای در بازنمون وجود دارد؟ آن‌ها چه هستند؟ آیا آن‌ها به اندازه کافی جدی هستند که مانع از انجام ارزیابی دقیق اثر یا جلوگیری از درک خوانندگان آن شوند؟ آیا مشکلات مربوط به زبان، ساختار آثار یا بازنمونه اطلاعات و داده‌ها هستند؟
- ✧ آیا مسائل اخلاقی در این میان وجود دارد؟ اگر وجود دارد، آن‌ها کدام‌اند؟

۳. مسائل جزئی‌تر

- ✧ آیا جاهایی از اثر وجود دارد که معنی آن مشخص نیست یا مبهم است؟ چطور می‌توان آن را ویرایش کرد؟
- ✧ آیا منابع صحیح ذکر شده است؟ اگر نه، در عوض به کدام منابع باید استناد کرد؟
- ✧ آیا برای بازتاب آثار دیگر استناد کافی ارائه شده است؟ آیا بیش از اندازه، محدود یا سوگیرانه است؟
- ✧ آیا خطایی واقعی وجود دارد؟ آن خطاها چه هستند؟
- ✧ آیا هرگونه خطای عددی یا واحدی وجود دارد؟ آن خطاها چه هستند؟
- ✧ آیا شکل‌ها، نمودارها، صفحه‌ها و جدول‌ها به شیوه‌ای مناسب، کافی و به‌درستی برچسب‌گذاری شده‌اند؟ اگر این‌طور نیست، نمونه‌های نادرست را نشان دهید.

۴. گسترش پرسش‌ها و دیدگاه‌های مطرح‌شده در سیاهه واریسی هم‌ترازخوانی

- این پرسش‌ها و دیدگاه‌ها از مجله‌ای به مجله دیگر متفاوت است و به این بستگی دارد که چه پرسش‌هایی در ترکیب آن‌ها ارائه شده است. برای نمونه:
- ✧ آیا کلیدواژه‌ها محتوا را به طور دقیق منعکس می‌کنند؟ اگر نه، گزینه‌های دیگری را پیشنهاد کنید؟
- ✧ آیا مشکلی درباره نام‌گذاری وجود دارد؟ اگر وجود دارد، آن‌ها چیست و چگونه باید اصلاح شوند؟

◇ آیا تمام نیازمندی‌های خط‌مشی مجله رعایت شده‌اند؟ اگر نه، کدام یک رعایت نشده است؟

◇ آیا منبع داده‌ها و مواد ساخته‌شده وجود دارد و شماره‌های ارجاعی ارائه شده است؟ اگر چنین نیست، جزئیات حذف‌شده را بیان کنید.

۵. دیدگاه

دیدگاه خود را خلاصه بیان کنید؛ اما این را در نظر داشته باشید که برخی از مجله‌ها به‌صورت صریح از داوران می‌خواهند توصیه‌ای برای انتشار اثر نداشته باشند.

پیوست ۲-۲. پیشنهادهایی به هم‌ترازخوانان دربارهٔ بیان محرمانهٔ دیدگاه به سردبیر

- ◇ از این فرصت برای خیانت به پدیدآور(ان) استفاده نکنید. پدیدآوران دیدگاه‌ها را به‌طور مستقیم نمی‌بینند؛ بنابراین، نمی‌توانند نسبت به یادداشت‌های منفی پاسخ‌گو باشند. آن‌ها قادر نیستند موضع خود از ماجرا را اعلام کنند، مگر اینکه از سوی ویراستار خواسته شود این کار را انجام دهند.
- ◇ آیا دربارهٔ بدرفتاری اثر یا ارسال آن نگرانی‌هایی دارید؟ جزئیات آن را بیان کنید.
- ◇ آیا اطلاعات اضافی دارید که ممکن است به سردبیر کمک کند، اما نمی‌توانید در گزارش به پدیدآوران بگنجانید و ممکن است شناسایی شوید؟
- ◇ آیا احساس می‌کنید قادر نیستید ارزیابی مناسبی از همهٔ قسمت‌های آثار داشته باشید؟ جزئیات را بیان کنید. آیا نظرات سایر متخصصان لازم است؟
- ◇ اگر برخورد احتمالی منافع دارید، جزئیاتش را بیان کنید؛
- ◇ اگر کسی به شما در هم‌ترازخوانی کمک کرده است، نام او را عنوان کنید.

پیوست ۲-۳. قوانین طلایی هم‌ترازخوانی (هیمز ۲۰۰۷، ۲۰۱-۲۰۲)

۱. سردبیران مسئولیت دارند از کیفیت مجله و نیز اخلاقی بودن و دقیق بودن و مرتبط بودن گزارش‌های هم‌ترازخوانی اطمینان پیدا کنند؛
۲. هم‌ترازخوانی باید دربرگیرنده ارزیابی توسط داوران خارجی باشد؛
۳. دفتر مجله و همه افراد درگیر در فرایند هم‌ترازخوانی باید ارسال آثار و همه جزئیات آن را محرمانه نگه دارند؛
۴. هویت داوران باید محرمانه نگه داشته شود، مگر اینکه از هم‌ترازخوانی باز استفاده شود؛
۵. داوران مشاوره می‌دهند و توصیه‌هایی ارائه می‌کنند؛ سردبیران تصمیم می‌گیرند؛
۶. داوران باید آثار را به طور عینی ارزیابی کنند و اثر را هم‌ترازخوانی کنند، نه پدیدآور(ان)؛
۷. سردبیران باید استقلال کامل در ویراستاری داشته باشند؛
۸. سردبیران باید بر پایه شایستگی اثر ارسالی و مناسب بودن آن برای مجله تصمیم بگیرند. نباید به دلایل تجاری به سردبیران موضوعی دیکته شود، نباید تحت تأثیر منشأ اثر باشند یا عوامل خارج از مجله خط‌مشی‌های آن را تعیین کنند؛
۹. همه افراد درگیر در روند هم‌ترازخوانی باید همیشه مطابق با برترین معیارهای اخلاقی عمل کنند؛
۱۰. افراد درگیر نباید از اطلاعات دریافتی در مراحل ارسال و هم‌ترازخوانی به نفع خود یا دیگری یا برای خدشه‌دارکردن یا بی‌اعتبارکردن دیگران استفاده کنند؛
۱۱. طرفین در روند هم‌ترازخوانی باید هرگونه برخورد بالقوه منافع را اعلام کنند و خود را از درگیری با هر اثری معاف کنند که احساس می‌کنند قادر نیستند با آن عینی یا عادلانه رفتار کنند؛

۱۲. هیچ برخورد منافع یا تعصبی نباید در ارائه آثار، هم‌ترازخوانی آن یا تصمیم درباره انتشار آن تأثیر بگذارد؛

۱۳. بدرفتاری پژوهشی مشکوک یا ادعایی نباید نادیده گرفته شود؛

۱۴. سردبیران و مجله‌ها وظیفه دارند آثار را از هرگونه اطلاعات تقلبی یا نادرست حفاظت کنند.

پیوست ۲-۴. سیاهه واریسی به‌روشن برای هم‌ترازخوانی

مجله‌ها باید:

- ◇ دامنه، خط‌مشی‌های هیئت تحریریه و ارائه آثار و مقررات ارسال اثر را روشن بیان کنند؛
- ◇ دریافت آثار را تأیید، تاریخ ارسال را ثبت و شماره پیگیری صادر کنند؛^۱
- ◇ از رسیدگی به‌موقع و انتشار آثار ارسالی اطمینان پیدا کنند؛
- ◇ آثاری را بررسی کنند که به‌تازگی ارسال شدند و مطمئن شوند محتوای آن‌ها در دامنه مجله قرار می‌گیرد و از راهنماهای خط‌مشی نگارش آن پیروی می‌کنند؛
- ◇ دلیل هرگونه درخواست از پدیدآوران برای تغییر در پدیدآوری یا انصراف آثار پس از ارسال را بپرسند و اطمینان حاصل کنند که این دلایل قانونی و موجه‌اند؛
- ◇ در مدل‌های دسترسی آزاد انتخابی پرداخت توسط پدیدآور،^۲ اطمینان حاصل کنند که روند هم‌ترازخوانی و تصمیم‌های سردبیر تحت تأثیر مبلغ پرداختی نیست (در این مدل، پدیدآور می‌تواند برای مقاله‌های در دسترس خود برای انتشار برخط پول پرداخت کند).

مجله‌ها نباید:

- ◇ اولین ارسال را بدون هم‌ترازخوانی خارجی بپذیرند؛
- ◇ در هم‌ترازخوانی بسته (دوسو ناشناس)، گمنامی داور به خطر بیفتد؛
- ◇ درگیر اختلاف میان پدیدآوران شوند؛
- ◇ درگیر سیاست‌های بخشی یا نهادی شوند؛
- ◇ به پدیدآوران اجازه دهند در تلاش برای تصمیم‌گیری مطلوب، ویراستاری را در برابر دیگری بازی بدهند؛

۱. البته در سامانه مجله‌های علمی این کارها به‌صورت

خودکار انجام می‌شوند.

2. Author-side-pays

✧ دربارهٔ پدیدآوران قضاوت‌های اخلاقی یا شخصیتی کنند، اقدام‌ها و تصمیم‌های مربوط به آثار فقط باید بر اساس اثر گزارش شده و مباحث اخلاقی مربوط به آن و ارائهٔ آن باشند.

مسئولیت‌های سردبیران

سردبیران باید:

- ✧ اطمینان حاصل کنند که رفتار آن‌ها شفاف و دور از سرزنش است؛
- ✧ سیاست مدونی داشته باشند و آن را مرتباً اصلاح و روزآمد کرده تا در حوزهٔ خود و به‌طور کلی در تغییرات حساب کاربری داوران و سایر اعضا منتشر شود؛
- ✧ اطمینان حاصل کنند که آثار با رهنمودهای اخلاقی شناخته‌شده مطابقت دارند و کلیهٔ مراحل موجود در مجلهٔ آن‌ها اخلاقی و مطابق با روش‌ها توصیه شده است؛
- ✧ آثار ارسالی را محرمانه نگه دارند؛
- ✧ اطمینان حاصل کنند هرکسی که درگیر هم‌ترازخوانی آثار است، درک می‌کند که مجله با اطلاعات ممتازی سروکار دارد و نباید این اطلاعات برای منافع یا سود شخصی به‌کار گرفته شوند؛
- ✧ از هم‌ترازخوانی آثاری که دربارهٔ آن‌ها هرگونه برخورد منفعی وجود دارد، کنار بکشند؛
- ✧ از کارآمدی، رعایت انصاف و هم‌ترازخوانی کامل کلیهٔ آثار ارسالی اطمینان پیدا کرده و سامانه‌های مناسبی برای دستیابی به این هدف داشته باشند؛
- ✧ در صورت مواجه‌شدن با هر موضوعی که نامشخص یا مشکوک است، پدیدآوران اطلاعات یا توضیح بیشتری از درخواست کنند؛
- ✧ اطمینان حاصل کنند که تصمیم‌گیری در مجلهٔ آن‌ها منصفانه و منسجم است؛

- ◇ از انطباق پدیدآوران با خط‌مشی مجله‌های خود، چه در هنگام ارسال و چه بعد از انتشار اطمینان پیدا کنند؛ در صورت تداوم خروج از موازین از سوی پدیدآوران، مجازات‌های مناسبی اجرا کنند؛
- ◇ اطمینان حاصل کنند که منابع هم‌ترازخوانی شده و هم‌ترازخوانی نشده در مجله آن‌ها به‌طور کامل مشخص است؛
- ◇ اطمینان حاصل کنند که هرگونه پشتیبانی مالی از مقاله‌ها روشن و آشکار است؛
- ◇ از پیشرفت دگرگونی‌های مربوط به انتشار پژوهش‌ها با کاربردهای بالقوه مضر (پژوهش با استفاده دوگانه) خودداری کنند و اقدام‌ها و رویه‌های مناسب را در مجله خود ارائه کنند؛
- ◇ آثاری را شناسایی کنند که گزارش پژوهش‌های بالقوه مضر ارائه می‌کنند و اطمینان حاصل کنند که هم‌ترازخوانی آن‌ها موشکافانه است و شرایط ویژه را در نظر می‌گیرند؛
- ◇ رویه‌هایی برای مقابله با رفتار مشکوک به بدرفتاری اعمال کنند؛
- ◇ همه جنبه‌های مشکوک به بدرفتاری در سطح مجله را بررسی کنند و تصمیم بگیرند با هرگونه محتوایی که تردید یا ادعایی درباره بدرفتاری آن‌ها هست، برخورد کنند یا برای پژوهش‌ها و اقدام‌های بیشتر به نهاد مناسب هشدار دهند.

سردبیران نباید:

- ◇ از اعتماد دو طرف درگیر در فرایند هم‌ترازخوانی سوء استفاده کنند؛
- ◇ آثاری را مدیریت کنند که از مؤسسه‌ها یا گروه‌های پژوهشی‌شان می‌رسند؛
- ◇ داورانی انتخاب کنند که هم‌ترازخوانی مطلوب یا نامطلوب ارائه می‌دهند یا هم‌ترازخوانی آثاری را متوقف می‌کنند؛
- ◇ از اطلاعات ممتازی برای منافع شخصی یا ضرر رساندن یا بی‌اعتبارکردن دیگران استفاده کنند؛

✧ برای افزایش ضریب تأثیر مجله از ابزارهای غیراخلاقی در فرآیند هم‌ترازخوانی استفاده کنند (برای نمونه: درخواست استناد اضافی به مجله خود یا حذف استناد به مجله‌های رقیب).

مدیریت روند هم‌ترازخوانی

مجله باید:

- ✧ همیشه با داوران با ادب و احترام رفتار کند؛
- ✧ آثار و راهنمای دسترسی به آن‌ها را در زمان مناسب پس از توافق برای هم‌ترازخوانی آن‌ها ارسال کند؛
- ✧ آثاری را ارسال کنند که به درستی قالب‌بندی و ارائه شده‌اند و کامل هستند، این قضیه مشمول کلیه مواد جانبی آن نیز باشد؛
- ✧ رهنمودها و راهنمایی‌های شفاف درباره اهداف و دامنه مجله و آنچه از آن‌ها در روند هم‌ترازخوانی انتظار می‌رود ارائه دهد؛
- ✧ به داوران آموزش بدهد که گزارش‌های روایتی آن‌ها برای پدیدآوران باید مطابق با مطالبی باشد که در فرم‌های هم‌ترازخوانی محرمانه و فهرست‌های انتخابی خود نشان داده‌اند؛
- ✧ امکان دسترسی به اثر پدیدآورانی که اثر در دست چاپ دارند یا در جای دیگری برای انتشار ارسال شده به داوران بدهد؛
- ✧ مطالب تکمیلی که قرار است با مقاله هم‌ترازخوان شده منتشر شود در نظر داشته باشد، زیرا این بخش جدایی‌ناپذیر از انتشار است؛
- ✧ به داوران هشدار دهد که در صورت دسترسی مستقیم به وب‌سایت پدیدآور، داور می‌تواند آن‌ها را شناسایی کند. آن‌ها باید تمهیدات جایگزینی را در نظر بگیرند که در صورت اهمیت برای هم‌ترازخوانی اثر، داوران به آن‌ها دسترسی پیدا کنند؛

- ◇ در صورت بروز مشکل یا در صورت نیاز به کمک در طول هم‌ترازخوانی اثر، به داوران اطلاعاتی ارائه دهد که بتوانند از آن‌ها استفاده کنند؛
- ◇ بدون معطلی و بی‌درنگ به پرسش‌های داوران پاسخ دهد و در زمان مناسب به مشکلات رسیدگی کند؛
- ◇ اطمینان حاصل کند که پیام‌های یادآوری ارسال‌شده به داوران همیشه مؤدبانه بوده و پرخاشگرانه یا تهدیدآمیز نیستند؛
- ◇ از داوران به دلیل تلاش‌های هم‌ترازخوانی سپاسگزاری کند و دربارهٔ نتیجهٔ روند هم‌ترازخوانی به آن‌ها بازخورد دهد؛
- ◇ اگر پدیدآور مشکوک به بدرفتاری پژوهشی است، روند هم‌ترازخوانی را متوقف کند؛
- ◇ هر داور یا ویراستاری را که نامناسب عمل کرده است از هم‌ترازخوانی آثار حذف کند.

مجله نباید:

- ◇ آثاری را که خارج از دامنهٔ موضوعی هستند یا از خط‌مشی مدون مجله پیروی نمی‌کنند، به داوران خارجی ارسال کند؛
- ◇ آثاری را برای هم‌ترازخوانی ارسال کند که در آن استاندارد زبان بسیار ضعیف است؛
- ◇ گمنامی هم‌ترازخوانی در نظام‌های هم‌ترازخوانی بسته را به خطر بیندازد؛
- ◇ داوران را با یادآوری هم‌ترازخوانی نامناسب بمباران کند؛
- ◇ آثاری را به‌صورت خودکار بفرستد که دیدگاه‌های مخالف یا توصیه‌هایی برای هم‌ترازخوانی بیشتر دریافت کنند.

Review and Peer Review: Fundamentals, Procedures and Ethical Guidelines

By

Reza Rajabali Beglou

Faculty Member of Iranian Research Institute for Information Science
and Technology (Irandoc)

Zahra Rajabali Beglou

Research Assistant of Iranian Research Institute for Information Science
and Technology (Irandoc)



**Iranian Research Institute
for Information Science and Technology
(Irandoc)**

2021